



# «وظایف روحانیت»

در نگاه امام <sup>قدس سره</sup> و مقام معظّم رهبری <sup>دام ظلّه</sup>

ویرایش اول: خرداد ۱۳۹۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## مندرجات:

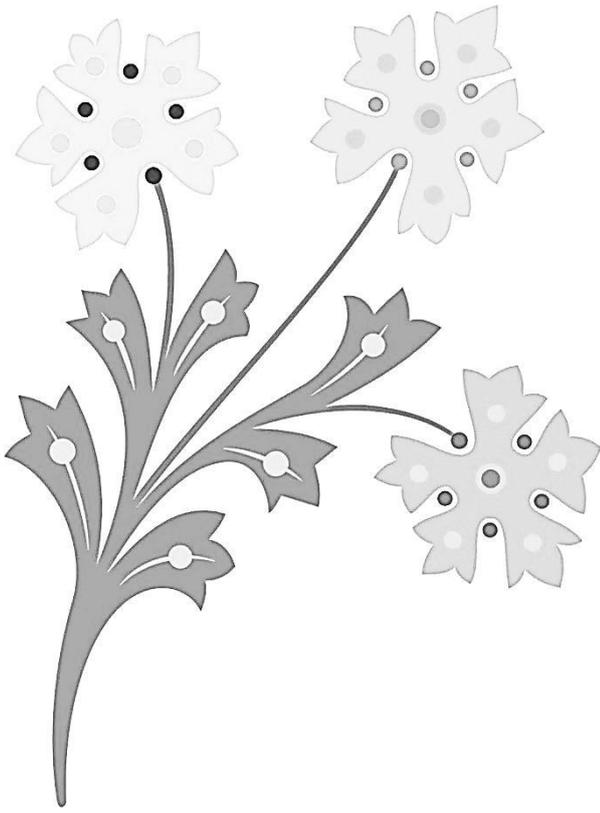
### ❖ تعریف پروژه

- هدف و موضوع پروژه
- فرآیند اجرای پروژه
- آمار داده‌ها و نتایج

### ❖ محصول پروژه

- فهرست مطالب
- متون گزینش شده
- اصطلاحات





## تعريف پروژه



## هدف و موضوع پروژه

با تأسیس واحد جدیدی در معاونت جامعه و روحانیت که به وضعیت روحانیون شاغل توجه ویژه‌ای نماید، نیاز به دستورالعمل‌هایی برای اشتغال روحانیت به شدت احساس شد. تولید دستورالعمل و آیین‌نامه نیز محتاج منابعی است که یکی از آن‌ها فرمایشات و دستورات بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، امام راحل رهبر و راهنمایی‌های راهگشای مقام معظم رهبری، آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای دامنه‌اش می‌باشد.

در این راستا پروژه‌ای تعریف شد که در قالب این پروژه، تمامی فرمایشات این دو بزرگوار جمع‌آوری و بررسی شده و مطالب مرتبط با «اشتغال روحانیت» استخراج و طبقه‌بندی گردد و به عنوان منابع خام در اختیار واحد جدیدالتأسیس قرار گیرد.

تسریع در فعال‌سازی واحد مزبور ایجاب کرد که این پروژه به سرعت آغاز شده و در زمان کوتاهی به نتیجه و محصول برسد. از این رو، برنامه‌ریزی‌ها به سرعت انجام گرفت و از فعالیت‌های مقدماتی و مطالعاتی اولیه صرف‌نظر گردید. بدین ترتیب تمامی فرآیند به یک کارشناس واگذار شده و تصمیم‌گیری‌ها به او محوّل گشت.

منابع مورد استفاده آخرین نگارش نرم‌افزارهای «مجموعه آثار امام خمینی رهبر» و «حدیث ولایت» مشتمل بر بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری دامنه‌اش که هر دو به وسیله «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی» تولید شده است، در نظر گرفته شد.

نرم‌افزار نخست مورد تأیید «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رهبر» می‌باشد که کتاب «صحیفه نور» مشتمل بر سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مکاتبات امام رهبر به صورت کامل در آن درج شده و نرم‌افزار ثانی نیز به اهتمام «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای دامنه‌اش» تولید شده است. از این رو، منابع مناسبی برای اجرای پروژه مذکور به نظر رسیده‌اند.

در معرفی نرم‌افزار دوم ذکر شده است: «[مشتمل بر] متن کامل بیانات، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای رهبر معظم انقلاب از شهریورماه ۱۳۶۶ تا آبان ۱۳۸۹ شمسی و متن کامل مکتوبات، پیام‌ها، نامه‌ها، پاسخ‌ها، تقدیرها، دستخط‌ها و یادداشت‌ها، ابلاغ‌ها، انتصاب‌ها، موافقت‌نامه‌ها و حکم‌های مقام معظم رهبری دامنه‌اش از آبان‌ماه ۱۳۶۷ تا آبان‌ماه ۱۳۸۹ شمسی». از همین رو، اطلاعات مربوط به سال ۱۳۹۰ از طریق سایت معظم‌له دریافت شده و به مجموعه افزوده شد و دامنه پژوهش تا خرداد ۱۳۹۱ توسعه پیدا کرد.

## فرآیند اجرای پروژه

اجرای پروژه به سه مرحله تقسیم شد:

۱. مرحله آغازین: تهیه فیش‌های اولیه
۲. مرحله میانی: تحلیل و آنالیز فیش‌ها
۳. مرحله نهایی: طبقه‌بندی و نهایی‌سازی

در مرحله نخست، منابع تهیه شده و کلیدواژه‌گزینی صورت گرفت. پس از بررسی منابع به دست‌آمده بر اساس کلیدواژه‌های اولیه، کلیدواژه‌ها بهینه و اصلاح شده و پس از نهایی شدن، جستجوی اصلی صورت گرفت. داده‌های به دست آمده از جستجو مطالعه و غربال شد، تا فیش‌های نهایی استخراج شود.

۱. تهیه منابع
۲. تعیین کلیدواژه‌های اولیه
۳. جستجوی کلیدواژه‌ها
۴. بررسی اجمالی نتایج به دست آمده
۵. تعیین کلیدواژه‌های نهایی
۶. جستجوی کلیدواژه‌های نهایی
۷. ملاک‌گزینی برای غربال‌گری
۸. غربال نتایج به دست آمده و تعیین فیش‌های نهایی

در مرحله میانی، فیش‌های نهایی به دقت مطالعه و بررسی شده و واژه‌های کلیدی آن‌ها استخراج می‌شود. این واژه‌کلیدها نقش تبیین فیش را بازی کرده و به نوعی «موضوع» فیش را بیان می‌نمایند. پس از پایان دور اول انتخاب واژه‌های کلیدی، یکبار دیگر تمام فیش‌ها مطالعه شده و واژه‌ها اصلاح می‌شوند. زیرا در مسیر اولین دور بررسی، هنوز آخرین فیش‌ها مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. از این رو، در سیر دوم، تجربه بیشتری در واژه‌گزینی وجود دارد.

پس از نهایی‌سازی واژه‌های کلیدی، این واژه‌ها استخراج و تفکیک شده و مترادف‌سازی شده و طبقه‌بندی می‌گردند. بر اساس این طبقه‌بندی، اصطلاحاتی ساخته می‌شوند که نظام موضوعات نهایی را شکل خواهند داد. فیش‌های اطلاعاتی به تبع این نظام موضوعات طبقه‌بندی خواهند شد. این کار نیاز به نرم‌افزاری مناسب دارد.

۱. تهیه نرم‌افزار مناسب فیش‌نویسی
۲. تبدیل و انتقال فیش‌ها از نرم‌افزار اولیه به نرم‌افزار فیش‌نویسی

۳. انتخاب و ثبت واژه‌های کلیدی در هر فیش اطلاعاتی
۴. ویرایش فیش‌ها و اصلاح و تنظیم پاراگراف‌های اطلاعات
۵. بررسی مجدد واژه‌های کلیدی و اصلاح نهایی
۶. استخراج واژه‌های کلیدی از فیش‌ها با حفظ ارتباط داده‌ای
۷. استخراج فهرست غیرتکراری از واژه‌های کلیدی
۸. تهیه نرم‌افزار طبقه‌بندی اصطلاحات و موضوعات
۹. طبقه‌بندی واژه‌های کلیدی و اصطلاح‌گزینی

سپس در مرحله نهایی، فیش‌ها بر اساس طبقه‌بندی موضوعی نظم می‌یابند و ذیل هر اصطلاح درج می‌گردند. اطلاعات از نرم‌افزار مذکور خروجی گرفته شده و به نرم‌افزار تهیه گزارش منتقل می‌شوند که در این پروژه نرم‌افزار Word می‌باشد. سایر اصطلاحات در انتهای آسناد ذکر شده و به فیش‌ها مرتبط می‌گردد. کدهایی برای فیش‌ها در نظر گرفته می‌شود که ارجاع به آن‌ها ساده گردد. در نهایت ویرایش نهایی اطلاعات صورت گرفته و متن برای استفاده چاپ می‌گردد.

۱. انتخاب طبقه‌بندی اصلی موضوعی (اجمالی) برای نظم دادن اطلاعات
۲. درج فیش‌ها ذیل طبقه‌بندی موضوعی
۳. انتقال اطلاعات به نرم‌افزار Word
۴. درج سایر اصطلاحات در انتهای متن و ارجاع
۵. درج آمارها و شمارش داده‌ها
۶. ویرایش، تنظیم و نهایی‌سازی گزارش
۷. انتشار نسخه اول گزارش

نمودار (فلوچارت) تمامی فرآیند در صفحه بعد درج شده است.



شروع

تهیه منابع (خرید نرم افزارها)

تعیین کلیدواژه‌ها

جستجوی کلیدواژه‌ها

بررسی نتایج جستجو؛ آیا  
کلیدواژه‌ها مناسب است؟

خیر

بله

ملاک‌گزینی و غربال نتایج و انتخاب فیش‌های مرتبط

تهیه نرم‌افزار فیش‌نویسی (Access)

تبدیل و انتقال فیش‌ها به نرم‌افزار فیش‌نویسی

استخراج واژه‌های کلیدی از متن فیش

بررسی مجدد؛ آیا  
اصطلاحات مناسب است؟

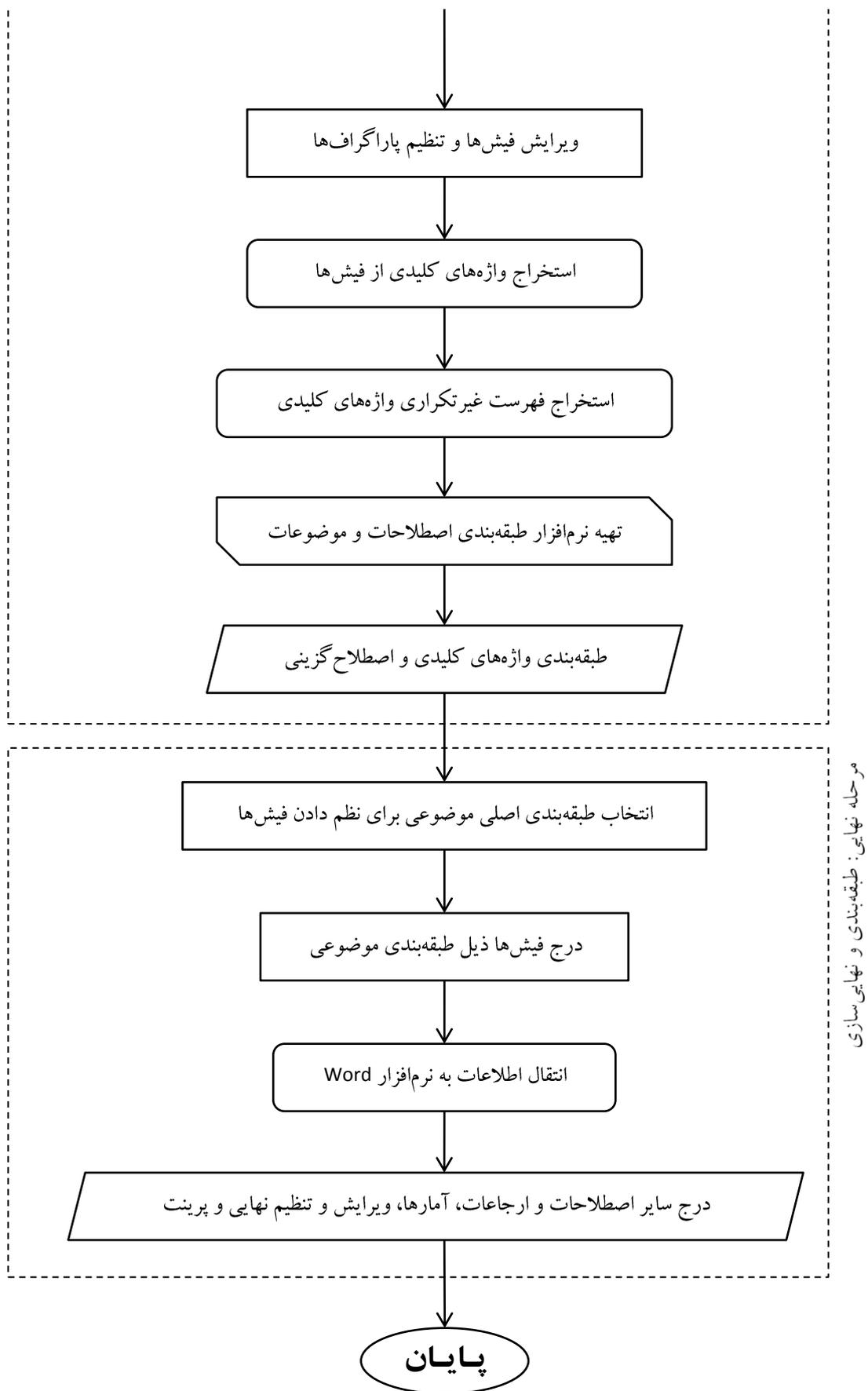
خیر

بله

مرحله آغازین: تهیه فیش‌های اولیه

مرحله میانی: تحلیل و آنالیز فیش‌ها





## آمار داده‌ها و نتایج

از ۷۵,۹۲۶ رکورد اطلاعاتی که در نرم‌افزار «مجموعه آثار امام خمینی (ره)» وجود دارد، با جستجوی کلیدواژه‌های انتخابی ۳,۳۴۱ فیش به دست آمد و از ۴۴,۵۵۶ رکورد موجود در نرم‌افزار «حدیث ولایت» تعداد ۱,۵۵۳ فیش استخراج شد. ماحصل بررسی سایت Leader.ir نیز از آذر ۱۳۸۹ لغایت خرداد ۱۳۹۱ تعداد ۱۲۰ فیش مرتبط بود.

کلیدواژه‌های اولیه: «اشتغال»، «شغل»، «روحانی»

پس از بررسی نتایجی که از جستجوی کلیدواژه‌های اولیه به دست آمد، کلیدواژه‌های نهایی ذیل انتخاب شده و برای استخراج فیش‌ها مورد جستجو قرار گرفت:

۱۳. معممین	۱۰. اهل علم	۷. حوزویان	۴. طلبه	۱. روحانی
۱۴. معمم	۱۱. روحانیین	۸. روحانیون	۵. طلاب	۲. روحانیت
۱۵. عالم دینی	۱۲. مدرسین	۹. علما	۶. حوزوی	۳. آخوند

تعداد فیش‌های یافت شده از کتاب «صحیفه نور» که حاوی کلیدواژه‌های فوق می‌باشند به قرار ذیل است:

تعداد	کلیدواژه	تعداد	کلیدواژه
۵۷۸	علما	۶۷۸	روحانی
۱۴۳	اهل علم	۸۶۵	روحانیت
۱۴۷	روحانیین	۱۴۸	آخوند
۱۲۹	مدرسین	۹۷	طلبه
۵۲	معممین	۳۲۷	طلاب
۵۷	معمم	۱	حوزوی
۴	عالم دینی	۰	حوزویان
		۱۰۴۶	روحانیون

دلیل این‌که از کلیدواژه‌های «اشتغال» و «شغل» صرف‌نظر شد، عدم استعمال معنی‌به این واژگان در منابع مورد نظر بود. بنابراین به نظر رسید باید تمامی منابع مرتبط با روحانیت ملاحظه گردد، تا آنچه به حوزه اشتغال و فعالیت روحانیون مرتبط است شناسایی شود.

پس از بررسی فیش‌های یافت‌شده، در سیر غربال این اطلاعات، مشاهده شد که تصریح به مراتب اشتغال و کار روحانیون در دستگاه‌های دولتی بسیار کم است و از سوی دیگر، بسیاری از وظایف و تکالیف برای روحانیت معین شده که فراتر از مسئولیت دولتی و اشتغال حکومتی است.

از این رو، گستره و دامنه پروژه توسعه یافت و موضوع از «اشتغال روحانیت» به «وظایف روحانیت» تبدیل گشت. با توجه به این موضوع وسیع‌تر غربال‌گری انجام شد و فیش‌ها انتخاب گردید.

جستجوی کلیدواژه‌های مذکور در نرم‌افزار «حدیث ولایت» آمار ذیل را در اختیار گذاشت:

تعداد	کلیدواژه
۳۵۱	علما
۵۶	اهل علم
۰	روحانیین
۴۳	مدرسین
۱۱	معممین
۱۶	معمم
۱۷	عالم دینی

تعداد	کلیدواژه
۴۱۱	روحانی
۳۵۶	روحانیت
۵۴	آخوند
۱۳۹	طلبه
۲۳۱	طلاب
۲۳	حوزوی
۱	حوزویان
۲۹۵	روحانیون

در سایت اینترنتی «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله)» نیز از آذر ۱۳۸۹ لغایت خرداد ۱۳۹۱ تعداد ۸۲ مطلب تحت عنوان «بیانات» ثبت شده است که آمار جستجوی کلیدواژه‌ها در آن به قرار ذیل است:

تعداد	کلیدواژه
۵۵	علما
۰	اهل علم
۰	روحانیین
۰	مدرسین
۰	معممین
۰	معمم
۰	عالم دینی

تعداد	کلیدواژه
۱۶	روحانی
۱۲	روحانیت
۴	آخوند
۹	طلبه
۸	طلاب
۲	حوزوی
۱	حوزویان
۱۳	روحانیون

برای غربال اطلاعات نیاز به ملاک است. ملاک‌هایی که بر اساس آن بتوان ارتباط یا عدم ارتباط فیش‌های اطلاعاتی با موضوع پروژه را تعیین نمود.

در مرحله «ملاک‌گزینی» مواد ذیل در نظر گرفته شده و بر اساس آن غربال صورت گرفت. تنها فیش‌هایی استخراج شده و در گستره فعالیت قرار می‌گیرند که واجد یکی از شرایط ذیل باشند:

۱. هر مطلبی که «وظیفه» یا «تکلیفی» را متوجه قشر «روحانی» و «معمّم» بدانند.
  ۲. هر مطلبی که «وظیفه» یا «تکلیفی» را متوجه «حوزه علمیه» بدانند.
  ۳. هر مطلبی که از ارتباط «نظام اسلامی» با «حوزه علمیه» یا قشر «روحانی» سخن بگوید.
  ۴. هر مطلبی که بیانگر و توصیف‌کننده «شغل روحانی» باشد.
  ۵. هر مطلبی که درباره مسئولین «عقیدتی، سیاسی»، «نمایندگان ولی فقیه» یا «امامت جمعه» و «جماعات» باشد.
  ۶. هر مطلبی که توصیه به «طلاب» محسوب شود، از جهت آینده‌ای که در خدمت به «نظام اسلامی» دارند.
  ۷. هر مطلبی که نسبت «روحانیون» با «مردم» را توصیف کند، از جهت نقش «مردم» در «انقلاب اسلامی».
  ۸. هر مطلبی که در نسبت «دین و سیاست» سخن رانده باشد.
  ۹. هر مطلبی که اهداف و فعالیت‌های «دشمنان نظام اسلامی» علیه «روحانیت» یا «حوزه علمیه» را تبیین نماید.
  ۱۰. هر مطلبی که درباره «مسئولین» نظام بوده و اشاره‌ای به قید «روحانی» در آن شده باشد.
- بر اساس این ملاک‌ها، هر مطلبی که در چارچوب فوق جای نگرش حذف شد و هر آنچه در این چارچوب قرار داشت، به عنوان فیش‌های نهایی به مرحله بعد منتقل شد.

آمار نهایی فیش‌ها را می‌توان در جدول ذیل مشاهده کرد:

منبع	پیش از غربال	پس از غربال	نهایی	ریزش
صحیفه نور	۳۳۴۱	۲۱۴	۲۱۲	۲
حدیث ولایت	۱۵۵۳	۱۹۹	۲۱۲	۱
سایت رهبری	۱۲۰	۱۴		
	۵۰۱۴	۴۲۷	۴۲۴	۳

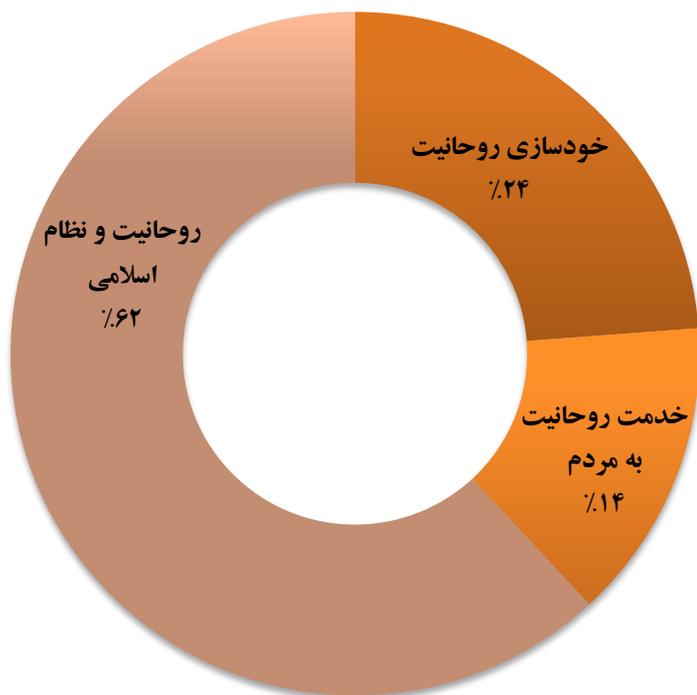
و آمار نهایی کلیدواژه‌ها و اصطلاحات به شرح ذیل است:

گوینده	کلیدواژه‌ها	غیر تکراری	اصطلاحات	سرشاخه‌ها	اجمالی
امام <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۵۱۶	۲۸۵	۱۸۲	۳	۵۵
رهبری <small>رَهْبَرِيَّة</small>	۹۱۴	۳۹۸	۲۵۲	۳	۴۸
	۱۴۳۰	۶۸۳	۴۳۴	۶	۱۰۳

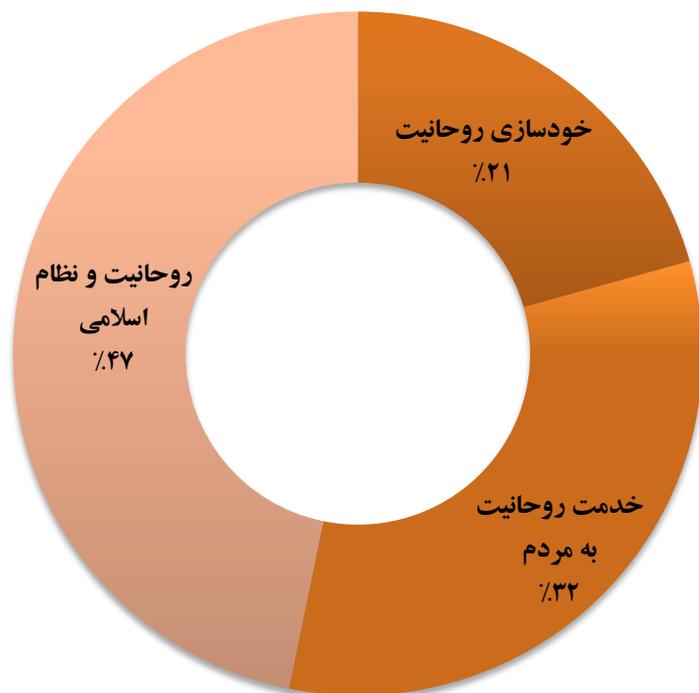
اصطلاحات اجمالی آن دسته از اصطلاحاتی هستند که جهت طبقه‌بندی و مرتب‌سازی فیش‌ها هنگام چاپ و نشر گزینش شده‌اند. این اصطلاحات به دلیل وجود تعداد مناسبی فیش در ذیل خود و طبقه‌بندی منطقی‌ای که ایجاد می‌کردند انتخاب گردیده و در داخل متن محصول و لابه‌لای فیش‌ها درج شده‌اند.

تعداد اصطلاحات اجمالی نهایی که از ادغام دو دسته اصطلاحات اجمالی استخراج شده به دست آمد ۶۸ مورد می‌باشد که تمامی ۴۴۹ عدد فیش در ذیل این فهرست درج شده است. ۲۵ عدد از فیش‌ها به ضرورت درج در سایر طبقات اصطلاحات تکرار شده است. تعداد فیش‌ها بدون تکرار تنها ۴۲۴ عدد است.

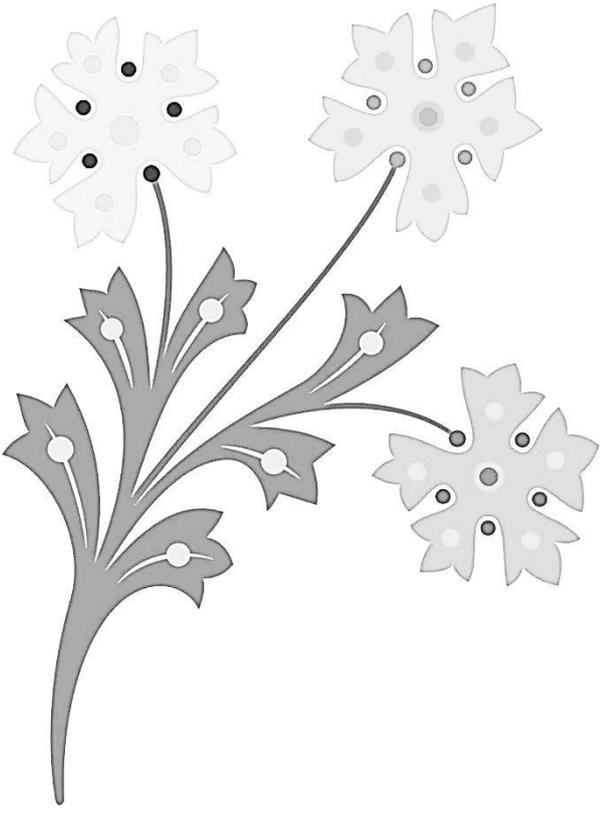
در نمودار ذیل نسبت اطلاعات جمع‌آوری شده از امام راحل علیه السلام بر اساس سرشاخه‌های انتخابی ملاحظه می‌شود.



در این نمودار نیز نسبت اطلاعات جمع‌آوری شده از فرمایشات مقام رهبری دام‌ظله بر اساس سرشاخه‌های انتخابی دیده می‌شود.



نمودارهای فوق بیانگر نسبت تأکید مطالب بر عناوین و اصطلاحات ذکر شده هستند. مشابه همین نمودارها را می‌شود برای تمامی اصطلاحات ترسیم نمود، تا با دقت بیشتری ترتیب و اولویت موضوعات را نشان دهد.



## محصول پروژہ



## فهرست مطالب

نظام اصطلاحات تولید شده از واژه‌های کلیدی، در نهایت پس از «اجمالی‌سازی»، یعنی انتخاب پاره‌ای از اصطلاحات که به خوبی بتواند متن را پوشش بدهد و نظم منطقی در آن ایجاد کند، تا حد امکان ادغام شد. اصطلاحات استخراج شده از فرمایشات امام راحل رَحْلُ الثَّوْبِ و مقام معظم رهبری رَهْبَرِی با یکدیگر تطبیق داده شده و فهرستی را فراهم نمود که می‌تواند فرمایشات هر دو بزرگوار را در کنار هم نظم دهد.

آنچه در این بخش ملاحظه می‌فرمایید، ابتدا نمایی اجمالی از دو نظام اصطلاحات به صورت مستقل و در نهایت فهرست تطبیقی و ادغام‌شده‌ای از آنهاست که به متن فرمایشات ارجاع و اشاره می‌کند. اعداد داخل پرانتز تعداد فیش‌های ذیل هر عنوان را نشان می‌دهد.

### نظام اصطلاحات استخراج شده از فرمایشات امام راحل رَحْلُ الثَّوْبِ

۱. خودسازی روحانیت (۵۵)
  - ۱/۱. حفظ شأن روحانیت (۱۷)
  - ۱/۱/۱. وابستگی آبروی اسلام به روحانیت (۱۴)
  - ۱/۲. لزوم زهد و پرهیز از رفاه‌طلبی (۶)
  - ۱/۳. عدم تخلف از موازین (۲۱)
  - ۱/۴. تهذیب نفس و مراعات تقوای الهی (۷)
  - ۱/۵. آگاهی به مسائل روز (۱)
  - ۱/۶. اهتمام به شغل روحانیت (۳)
۲. خدمت روحانیت به مردم (۳۳)
  - ۲/۱. تبلیغ و منبر (۵)
    - ۲/۱/۱. نیازسنجی و مخاطب‌شناسی (۱)
    - ۲/۲. آبادسازی مساجد به عنوان پایگاه اسلام (۳)
    - ۲/۳. اتکای روحانیون به مردم (۲)
    - ۲/۴. آگاهی‌بخشی سیاسی (۱۱)
  - ۲/۴/۱. ایجاد استقامت و امید در مردم (۳)



- ۲/۴/۲. هدایت مردم در انتخاب نامزدها (۵)
- ۲/۵. جلوگیری از اختلافات و ایجاد وحدت (۵)
- ۲/۶. تربیت و اصلاح جامعه (۶)
۳. خدمت روحانیت به نظام اسلامی (۱۴۳)
- ۳/۱. شبهه جدایی دین و سیاست (۳۶)
- ۳/۱/۱. اتهام آخوند سیاسی (۶)
- ۳/۱/۲. اتهام استبداد دینی (۴)
- ۳/۲. حضور روحانیت در صحنه (۴)
- ۳/۳. حضور روحانیت در حاکمیت (۷۳)
- ۳/۳/۱. عدم دخالت روحانیت در امور اجرایی (نظر قدیم) (۶)
- ۳/۳/۲. حضور روحانیت در اداره نظام (نظر جدید) (۴۹)
- ۳/۳/۲/۱. دلیل ضرورت حضور روحانیت در امور اجرایی (۶)
- ۳/۳/۲/۲. احتیاج نظام به روحانیون (۴۱)
- ۳/۳/۲/۲/۱. احتیاج به قاضی در دستگاه قضایی (۱۰)
- ۳/۳/۲/۲/۲. احتیاج دانشگاه‌ها به روحانی (۵)
- ۳/۳/۲/۲/۳. حضور روحانی در مجلس شورای اسلامی (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۴. ضرورت حضور روحانیون در خبرگان (۳)
- ۳/۳/۲/۲/۵. احتیاج جبهه‌ها به روحانی (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۶. احتیاج آموزش و پرورش به روحانی (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۷. حضور روحانیت در اصلاح اقتصاد (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۸. امامت جمعه (۵)
- ۳/۳/۲/۲/۹. رسیدگی به امور اوقاف (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۱۰. حج (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۱۱. حضور در کمیسیون‌ها و شوراهای (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۱۲. حضور در صداوسیما (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۱۳. مراکز نظامی (۳)
- ۳/۳/۲/۲/۱۴. روحانیت در وزارت اطلاعات (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۱۵. شورای نگهبان (۲)
- ۳/۳/۳. وظیفه نظارت روحانیت بر مسئولین نظام (۸)
- ۳/۳/۴. عدم عذر از کوتاهی در یاری نظام (۳)
- ۳/۳/۵. عدم دخالت در امور خارج از صلاحیت (۳)



- ۳/۴. ضرورت تغییر محتوای نظام به تبع تغییر عنوان (۲)
- ۳/۵. وظیفه حوزه علمیه (۱۷)
- ۳/۵/۱. تربیت قاضی و مبلغ (۵)
- ۳/۵/۲. حفظ فقاہت در حوزه (۳)
- ۳/۵/۳. آموزش زبان خارجی (۱)
- ۳/۵/۴. توجه به تہذیب طلاب (۱)
- ۳/۵/۵. پرهیز از تشریفات در حوزه علمیه (۲)
- ۳/۶. تلاش استکبار جهانی علیہ نظام و روحانیت (۱۱)
- ۳/۶/۱. ندادن بہانہ به دست دشمن (۴)
- ۳/۶/۲. شناسایی عوامل نفوذی دشمن در روحانیت (۲)

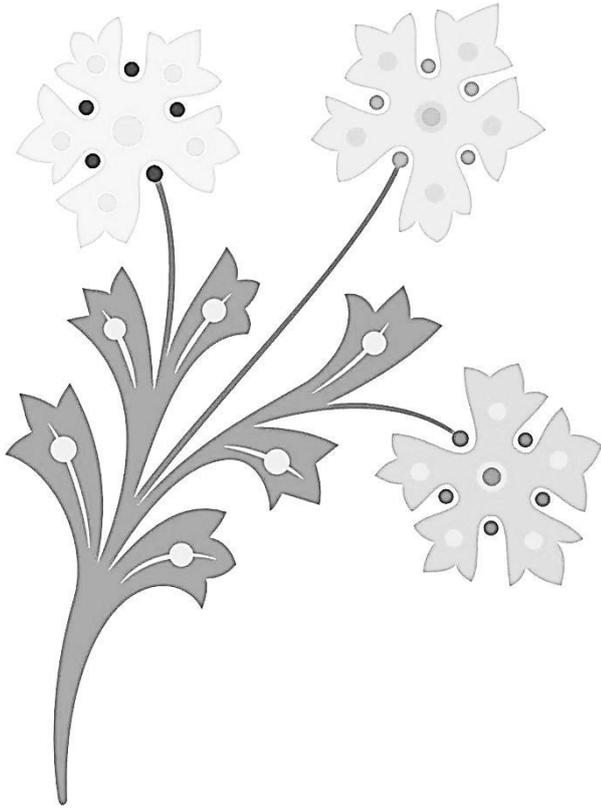
### نظام اصطلاحات استخراج شده از فرمایشات مقام معظم رہبری رحمۃ اللہ علیہ

۱. خودسازی روحانیت (۴۵)
- ۱/۱. لزوم زہد و پرهیز از رفاه طلبی (۳۸)
- ۱/۱/۱. توجه بہ التزامات لباس روحانیت (۱۱)
- ۱/۱/۲. سادہ زیستی و دوری از تشریفات (۱۵)
- ۱/۱/۳. تقوا و اخلاص در عمل (۱۲)
- ۱/۲. آمادہ سازی خود برای خدمت (۶)
- ۱/۲/۱. کسب آگاهی های سیاسی و قدرت تحلیل (۴)
- ۱/۲/۲. فراگیری زبان های زندہ دنیا (۱)
- ۱/۲/۳. آموزش نظامی (۱)
- ۱/۳. عدم عذر در کوتاہی (۱)
۲. خدمت روحانیت بہ مردم (۷۱)
- ۲/۱. تبلیغ و ہدایت مردم (۵۸)
- ۲/۱/۱. ضرورت اہتمام بہ تبلیغ و فرصت های پیش رو (۷)
- ۲/۱/۲. توجه بہ محتوای تبلیغی (۲)
- ۲/۱/۳. اہمیت منبر و تبلیغ چہرہ بہ چہرہ (۱۲)
- ۲/۱/۴. زندگی در میان مردم (۶)
- ۲/۱/۵. ارتقاء ایمان و اعتقاد مردم (۹)
- ۲/۱/۶. مخاطب شناسی و نیازسنجی (۱۴)
- ۲/۱/۷. تربیت و پرورش انسان ها (۲)



- ۲/۱/۸. آگاهی بخشی سیاسی (۳)
- ۲/۱/۹. ترویج امید و اطمینان در جامعه (۳)
- ۲/۲. ایجاد وحدت و پرهیز از اختلاف (۷)
- ۲/۳. احیاء دین و اقامه شعائر الهی (۶)
۳. روحانیت و نظام اسلامی (۱۰۲)
- ۳/۱. نقش روحانیت در استقرار نظام (۱۱)
- ۳/۱/۱. آبروی روحانیت (۶)
- ۳/۱/۲. خدمت به انقلاب (۴)
- ۳/۲. انحراف جدایی دین از سیاست (۱۱)
- ۳/۳. حمایت از نظام اسلامی (۷۵)
- ۳/۳/۱. دشمنی استکبار با نظام (۵)
- ۳/۳/۲. حضور در صحنه و موضع گیری در حوادث (۳)
- ۳/۳/۳. حضور در اداره نظام (۴۶)
- ۳/۳/۳/۱. مسئولیت های دولتی (۴)
- ۳/۳/۳/۲. مسئولیت های صنفی (۳۸)
- ۳/۳/۳/۲/۱. مجلس خبرگان (۱)
- ۳/۳/۳/۲/۲. آموزش عالی (۱۳)
- ۳/۳/۳/۲/۳. آموزش و پرورش (۱)
- ۳/۳/۳/۲/۴. صداوسیما (۲)
- ۳/۳/۳/۲/۵. مراکز نظامی (۱۱)
- ۳/۳/۳/۲/۶. دستگاه قضایی (۳)
- ۳/۳/۳/۲/۷. حج (۱)
- ۳/۳/۳/۲/۸. امامت جمعه (۶)
- ۳/۳/۴. نظارت بر نظام (۳)
- ۳/۳/۵. آماده سازی حوزه برای یاری نظام (۱۱)
- ۳/۳/۵/۱. تشکیل اتاق های فکر دینی (۲)
- ۳/۳/۵/۲. جمع آوری آمار و اطلاعات روحانیت (۱)
- ۳/۳/۵/۳. مدیریت تبلیغ (۵)
- ۳/۴. استقلال حوزه و روحانیت (۵)





## فهرست تطبیقی



۱. خودسازی روحانیت (۱۰۹)

- ۱۰۱ الی ۱۳۸ ۱/۱. حفظ شأن روحانیت و توجه به التزامات لباس روحانیت (۳۸)  
۱/۱/۱. وابستگی آبروی اسلام به روحانیت (۲۴)
- ۱۳۹ الی ۱۵۹ ۱/۲. لزوم زهد، ساده‌زیستی و پرهیز از رفاه‌طلبی و تشریفات (۲۱)  
۱/۳. عدم تخلف از موازین (۲۱)
- ۱۶۰ الی ۱۸۰ ۱/۴. تهذیب نفس، مراعات تقوای الهی و اخلاص در عمل (۱۹)  
۱/۵. اهتمام به شغل روحانیت (۳)
- ۱۸۱ الی ۱۹۹ ۱/۶. آماده‌سازی خود برای خدمت (۷)  
۱/۶/۱. کسب آگاهی‌های سیاسی و قدرت تحلیل (۶)  
۱/۶/۲. آموزش نظامی (۱)
- ۲۰۰ الی ۲۰۲ ۲. خدمت روحانیت به مردم (۱۰۴)
- ۲۰۳ الی ۲۰۹ ۲/۱. تبلیغ، منبر و هدایت مردم (۵۰)  
۲/۱/۱. نیازسنجی و مخاطب‌شناسی (۱۵)  
۲/۱/۲. ضرورت اهتمام به تبلیغ و فرصت‌های پیش رو (۱۲)  
۲/۱/۳. توجه به محتوای تبلیغی (۲)  
۲/۱/۴. اهمیت منبر و تبلیغ چهره به چهره (۱۲)  
۲/۱/۵. ارتقاء ایمان و اعتقاد مردم (۹)
- ۲۵۹ الی ۲۶۶ ۲/۲. تربیت، پرورش و اصلاح جامعه (۸)
- ۲۶۷ الی ۲۷۴ ۲/۳. آبادسازی مساجد به عنوان پایگاه اسلام (۸)
- ۲۷۵ الی ۲۸۱ ۲/۴. اتکای روحانیون به مردم و زندگی در میان آنان (۹)

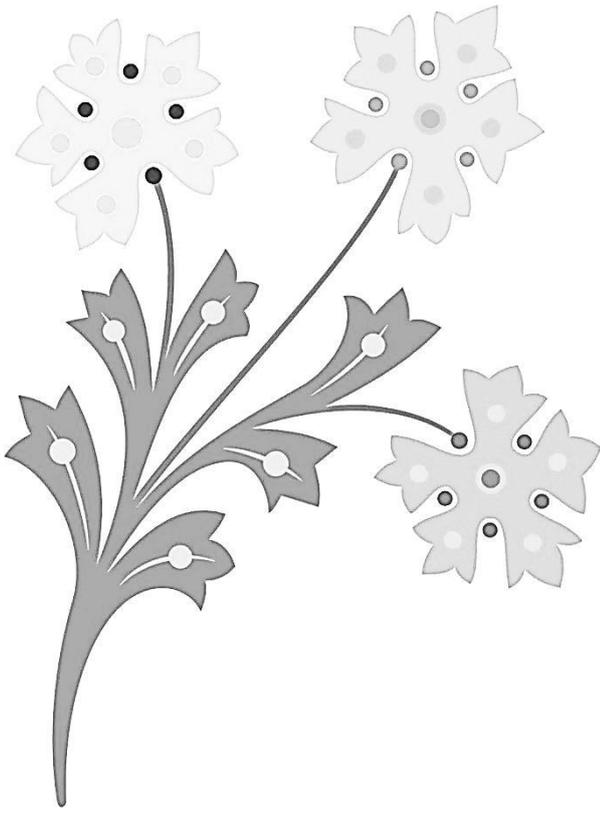


- ۲/۵. آگاهی بخشی سیاسی (۱۷)
- ۲۸۲ الی ۲۹۷
- ۲/۵/۱. ترویج استقامت، امید و اطمینان در مردم (۶)
- ۲/۵/۲. هدایت مردم در انتخاب نامزدها (۵)
- ۲/۶. جلوگیری از اختلافات و ایجاد وحدت (۱۲)
- ۲۹۸ الی ۳۰۸
۳. روحانیت و نظام اسلامی (۲۳۶)
- ۳/۱. شبهه جدایی دین از سیاست (۴۷)
- ۳۰۹ الی ۳۵۵
- ۳/۱/۱. اتهام آخوند سیاسی (۶)
- ۳/۱/۲. اتهام استبداد دینی (۴)
- ۳/۲. حضور روحانیت در صحنه و موضع گیری در حوادث (۷)
- ۳۵۶ الی ۳۶۲
- ۳/۳. حضور روحانیت در حاکمیت (۱۲۸)
- ۳۶۳ الی ۴۷۵
- ۳/۳/۱. عدم دخالت روحانیت در امور اجرایی (نظر قبلی) (۶)
- ۳/۳/۲. حضور روحانیت در اداره نظام (نظر جدید) (۹۶)
- ۳/۳/۲/۱. دلیل ضرورت حضور روحانیت در امور اجرایی (۶)
- ۳/۳/۲/۲. احتیاج نظام به روحانیون (۸۴)
- ۳/۳/۲/۲/۱. دستگاه قضایی (۱۳)
- ۳/۳/۲/۲/۲. آموزش عالی (۱۸)
- ۳/۳/۲/۲/۳. مجلس شورای اسلامی (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۴. مجلس خبرگان (۴)
- ۳/۳/۲/۲/۵. احتیاج جبهه ها به روحانی (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۶. آموزش و پرورش (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۷. حضور روحانیت در اصلاح اقتصاد (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۸. امامت جمعه (۱۱)
- ۳/۳/۲/۲/۹. رسیدگی به امور اوقاف (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۱۰. حج (۳)
- ۳/۳/۲/۲/۱۱. حضور در کمیسیون ها و شوراها (۲)
- ۳/۳/۲/۲/۱۲. صداوسیما (۳)
- ۳/۳/۲/۲/۱۳. مراکز نظامی (۱۴)
- ۳/۳/۲/۲/۱۴. وزارت اطلاعات (۱)
- ۳/۳/۲/۲/۱۵. شورای نگهبان (۲)
- ۳/۳/۳. وظیفه نظارت روحانیت بر مسئولین نظام (۱۱)
- ۳/۳/۴. عدم عذر از کوتاهی در یاری نظام (۴)



- ۳/۳/۵. عدم دخالت در امور خارج از صلاحیت (۳)
- ۳/۴. ضرورت تغییر محتوای نظام به تبع تغییر عنوان (۲) ۴۷۶ الی ۴۷۷
- ۳/۵. وظیفه حوزه علمیه (۳۱) ۴۷۸ الی ۵۰۳
- ۳/۵/۱. تربیت قاضی و مبلغ (۷)
- ۳/۵/۲. حفظ فقهت در حوزه (۳)
- ۳/۵/۳. آموزش زبان خارجی (۲)
- ۳/۵/۴. توجه به تهذیب طلاب (۱)
- ۳/۵/۵. پرهیز از تشریفات در حوزه علمیه (۲)
- ۳/۵/۶. تشکیل اتاق‌های فکر دینی (۲)
- ۳/۵/۷. جمع‌آوری آمار و اطلاعات روحانیت (۱)
- ۳/۵/۸. مدیریت تبلیغ (۵)
- ۳/۶. تلاش استکبار جهانی علیه نظام و روحانیت (۱۶) ۵۰۴ الی ۵۱۹
- ۳/۶/۱. ندادن بهانه به دست دشمن (۴)
- ۳/۶/۲. شناسایی عوامل نفوذی دشمن در روحانیت (۲)
- ۳/۷. استقلال حوزه و روحانیت (۵) ۵۲۰ الی ۵۲۴





متون گزینش شده



## ۱. خودسازی روحانیت

### ۱/۱. حفظ شأن روحانیت و توجه به التزامات لباس روحانیت

**۱۰۱** امام: «علاوه بر اینکه اخوت اسلامی بین همه قشرها باید باشد، روحانیون یک تکلیف فوق اینها دارند. اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می‌گویند «روحانیین این طورند»، نمی‌گویند فلان آدم، اگر یک بقالی کمفروشی کند می‌گویند «آن بقال کمفروشی کرده» نمی‌گویند «بقالها کم فروشاند»؛ این از تبلیغاتی است که شده است. اگر یک روحانی خدای نخواست، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می‌گویند روحانیون این جور اند، مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می‌شود، شکست روحانیت اسلام است. این فرق دارد با آن که اگر خطایی بکند می‌گویند که این آدم خطا کرده است، نمی‌گویند که این صنف خطاکار است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواست، تحقق پیدا بکند علاوه بر آن مسئولیت شخصی که دارید، یک مسئولیت انسانی، مسئولیت اجتماعی، مسئولیت صنفی این را هم برای اینکه پای همه حساب می‌شود؛ بنا بر این، حساب نکنید خودتان را یک آدم عادی. حتی طلبه در مدرسه، خودش را حساب نکند که «خوب، من مثل سایر مردم یک طلبه عادی هستم، اگر یک خلائی بکنم پای خودم حساب می‌شود». حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می‌خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی‌شود، پای دیگران هم حساب می‌کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است، و این نمی‌شود الا اینکه تهذیب در خود انسان و وحدت با همه رفقا، با همه دوستان با همه اشخاص، همه قشرها. در بین روحانیون، ائمه جمعه بیشتر از دیگران مسئول اند. سر و کارشان الآن ائمه جمعه با مردم بیشتر است تا سر و کار سایر روحانیون. ائمه جمعه باید خیلی مواظب باشند که خدای نخواست اگر در یک جایی یک چیزی اتفاق افتاد و چه شد، با جهت روحانی، جهت پدری حل کنند. اگر خدای نخواست، یک وقت بنا باشد که یک اعمال قدرت بخواهد بکند، برای اینکه امام جمعه است، این پای خودش حساب نمی‌شود، پای روحانیت حساب می‌شود، پای اسلام حساب می‌شود. از این جهت، آنها وظیفه‌شان خیلی خطیر است و باید خیلی ملاحظه بکنند.»<sup>۱</sup>

**۱۰۲** رهبری: «یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسئله حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلیمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۴۸)

می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار- که غالباً از آن غفلت می‌شود- هستیم؛ یک چنین تصویری در باره ما دارند.»<sup>۱</sup>

**۱.۳ رهبری:** «گاهی وجود ما عمامه‌ها در جاهایی بی‌اثر می‌شود، یا احیاناً خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می‌گذارد؛ این به‌خاطر این است که ما در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم.»<sup>۲</sup>

**۱.۴ امام:** «این خطر خطر بزرگی است برای ما. و این خطر را باید از آن جلوگیری کنید. چه جور جلوگیری کنیم؟ روحانی به وظیفه روحانیتش، به وظیفه‌ای که اسلام برای روحانی تعیین کرده، عمل کند؛ پاسدار اسلام به وظیفه پاسداریش عمل بکند. پاسدار انقلاب است نه مخل به انقلاب، معارض با انقلاب. اگر ما یک خلافتی بکنیم، روحانی نیستیم؛ یک اشخاص شیطانی هستیم که صورت روحانیت به خودمان، لباس روحانیت پوشیدیم.»<sup>۳</sup>

**۱.۵ امام:** «حوزه‌ها باید توجه داشته باشند که در این وقت، در این حالی که الآن ما واقع هستیم و دشمنها می‌خواهند خرده‌گیری کنند، خصوصاً نسبت به اهل علم و علما و فضلا و طلاب، باید بسیار توجه داشته باشند که اگر خدای نخواستہ در این زمان- که اینها مورد بررسی هستند و مورد توجه هستند- اگر خدای نخواستہ یک انحرافی از بعضی اشخاص ملبس به این لباس واقع بشود، ممکن است این پای اسلام حساب بشود. در رژیم سابق اگر چنانچه یک معمم، یک ملبس به این لباس، یک کار خلاف انجام می‌داد، معلوم نبود به اسلام نسبت بدهند؛ می‌گفتند این منحرف است، این ساواکی است، این درباری است. الآن که رژیم جمهوری اسلامی است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خدای نخواستہ یک انحرافی واقع بشود در مدارس، در کمیته‌ها، در جاهای دیگر، در دادگاهها، این پای اسلام حساب می‌شود. گفته می‌شود که جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم همینهاست؛ همین است که می‌بینید. و لهذا امروز تکلیف ما بسیار سنگین است. تکلیف ما حفظ و جاهت اسلام است. تکلیف ما این است که با اعمال خودمان، با گفتار و رفتار خودمان اسلام را ترویج کنیم و جاهتس را حفظ کنیم؛ و اگر خدای نخواستہ یک انحرافی باشد باید جلوگیری کنید. اگر یک شخصی را دیدید که از وظیفه اهل علم، از وظیفه انسانی- اسلامی تخطی می‌کند، او را نهی کنید. اگر نمی‌شوند، کنار بگذارید. باید همه به وظیفه اسلامی عمل کنیم، به دست دیگران فرصت ندهیم، بهانه ندهیم دست دشمنان که ما را آلوده کنند و بگویند که اهل علم، یا دیکتاتور هستند یا انحرافات دارند یا برای خودشان می‌خواهند یک بساطی درست کنند. امروز بسیار مسأله مهم است و با سابق بسیار فرق دارد. باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب اخلاق، در اعمال، در عقاید، در فضایل اخلاقی کوشا باشند؛ که علم بدون عمل و بدون تقوا بسیاری از اوقات مضر است. باید عالم متقی باشد و متوجه به خدای تبارک و تعالی باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. باید خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند.»<sup>۴</sup>

**۱.۶ رهبری:** «من این را از این جهت به شما آقایان علما عرض می‌کنم که این جزو مشکلات کار شماست. در راه خدا باید این مشکل را هم تحمل کنید. شما آقایان باینکه همه یا اکثر، صرفاً به کارهای روحانی مشغول هستید؛ عالم دینی و امام جماعت و مدرس و واعظ هستید؛ مشغول تبلیغ دین هستید و کاری به کار اداره کشور هم ندارید؛ اما چون روحانی‌اید، زیر ذره‌بین چشم بدبین و دل بدخواه دشمن قرار دارید. با توجه به این، روحانیت باید اعمال خودش را مورد مراقبت شدید قرار دهد؛ در گفتار، در کردار، در مشی شخصی، در مشی خانواده و فرزندان و کسان؛ البته آن مقدار که تحت اراده و اقتدار شماست. «لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها». ممکن است کسی با کسی نسبت داشته باشد و باینکه آن شخص خود را به او منسوب نکند و تحت نفوذ او هم نباشد، اما برایش مایه دردسر شود. اینکه دست کسی نیست! در

<sup>۱</sup> دیدار با روحانیون (۱۷ آبان ۱۳۸۵)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی (۲۳ دی ۱۳۸۳)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه، ۱۳ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۲۱)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون اصفهان، ۵ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۰۲)



آن حدی که خدای متعال در قرآن به وسیله پیغمبر خطاب به مؤمنین می‌فرماید، باید رعایت شود: «قوا انفسکم و اهلیکم»<sup>۱</sup>

**۱۰۷ رهبری:** «هر شغل و هر مقامی اقتضائاتی دارد؛ انسان باید آن اقتضائات را قبول کند. التزام به شیء، التزام به لوازمش است. با این لباس، از برخی از چیزها باید گذشت. البته در قبال هرچه انسان در دنیا از آن بگذرد، خدای متعال چیزی دارد که «فیه قره اعین»؛ بهترش را خدا می‌دهد. یک جوان همسن شما فرضاً اگر در خیابان راه برود، با رفیق‌هایش شوخی بکند، قهقهه هم بزند و دنبال یکدیگر هم بدونند، کسی نمی‌گوید چرا؛ اما شما که معممید، نمی‌شود این کارها را بکنید. حالا این یک مثال کوچک بود؛ از این قبیل، چیزهایی هست که انسان وقتی وارد جرگه خاصی شد، باید به اقتضائات و التزامات آن ملتزم باشد؛ این‌ها را رعایت کنید»<sup>۲</sup>

**۱۰۸ رهبری:** «برادران عزیز می‌کنند، از این لحظه به‌طور رسمی مسئولیتشان مضاعف می‌شود. در نظام اسلامی همه مسئولند؛ «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»؛ لیکن بعضی از موقعیتهای اجتماعی، مسئولیتهای مضاعفی دارد؛ و لباس ما از جمله آن موقعیتهایی است که از چند جهت مسئولیتش مضاعف است: اولاً چون لباس علم است و عالم از دیگران مسئول‌تر است؛ بخصوص علم دین است، که اذاعه علم دین و بیان حقایق الهی، شغل انبیای عظام پروردگار است؛ ثانیاً چون مردم معتقدند که در ملبسان به این لباس، معنویت و تقوا و ورعی هست. مردمی که در امور مادی و معنویشان با احتیاط برخورد می‌کنند، به یک روحانی که می‌رسند، احساس اعتماد می‌کنند. با این لباس هر جا باشید، مردم به شما احترام و سلام می‌کنند؛ وقت نماز بشود، اگر بخواهند از بین خودشان یک نفر را به امامت بگمارند، شما را خواهند گمارد؛ این‌ها حاکی از اعتماد دینی مردم به این لباس است؛ این خود به‌طور اضافه مسئولیتی را بر دوش ما بار می‌کند. ما باید کاری کنیم که مشمول آن روایاتی نباشیم که هرکس باطن او از ظاهرش کمتر بود، «فهو ملعون»<sup>۳</sup>

**۱۰۹ رهبری:** «برادران عزیز و آقایان علمای محترم! این لباس ما و شأن ما، همیشه دارای مسئولیت بوده است. نه اینکه ما فرض کنیم زمانی را می‌شود پیدا کرد که در آن، عالم دینی از مسئولیتهای خطیری که فوق مسئولیتهای مردم معمولی بوده، فارغ بوده؛ نه، همیشه این‌طور بوده است. این به خاطر طبیعت علم است که «صنقان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی»؛ که اولش فقهاست، بعد هم امراست. تلفیق این دو هم در زمان ما اتفاق افتاده است، که او ویلاست! پس، مسئولیت سنگینی بر دوش کسانی که این دو را باهم داشته باشند، قرار دارد»<sup>۴</sup>

**۱۱۰ رهبری:** «کسانی که در لباس انقلابند مثل روحانیون و دیگر کسانی که لباسهای وابسته به انقلاب را دارند بیشتر از دیگران باید مواظب باشند. همه آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند»<sup>۵</sup>

**۱۱۱ رهبری:** «در همه شئون روحانیت و وظایفی که علمای دین و روحانیون و ملبسان به این لباس دارند، این اصلاح نفس لازم است و ما باید این مسئولیت را حس کنیم. قدم اول این است که ما احساس بکنیم مسئولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان‌که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد»؛ یعنی تلاش دائم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان (۱۷ بهمن ۱۳۷۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در مراسم عمامه‌گذاری گروهی از طلاب و اهدای جوایز به طلاب نمونه حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> سخنرانی در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان شهرهای خوی، بندر گناوه و استانهای مازندران و آذربایجان غربی، گروههایی از دانشجویان، جمعی از مهاجران جنگ تحمیلی، کشاورزان و مسئولان هیئتهای هفت‌نفره واگذاری زمین (۲ خرداد ۱۳۶۹)



عفت و سداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقه معوج اگر خدای نکرده در ما هست و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم.»<sup>۱</sup>

**۱۱۲ رهبری:** «این لباس، هزار سال است که لباس علم می‌باشد. نمی‌گوییم که فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است که زی اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است. یکی از آن‌ها عبارت از تبیین مسائل دینی است. یعنی مردم در طول این هزار سال، همواره از علمای دین توقع داشتند که برایشان مسائل اسلامی را تبیین کنند. یکی دیگر از چیزهایی که مردم امید و انتظار داشتند، این بوده که این‌ها خودشان به آن چیزهایی که می‌دانند و به مردم یاد می‌دهند، عامل‌ترین باشند؛ یعنی چیزی را که ما به مردم می‌گوییم، بایستی خود عمل کرده باشیم. این، انتظار مردم است.»<sup>۲</sup>

**۱۱۳ رهبری:** «این نظام، نظام اسلامی است و من و شما هم که معمم هستیم، مظاهر اسلامیم.»<sup>۳</sup>

**۱۱۴ رهبری:** «بحث معنویت و قداست هم بحث مهمی است. فرق اصلی ما با بقیه کسانی که مدعایی در عالم دارند، در همین هدف مقدس است. ما می‌خواهیم برای خدا، برای دین خدا، برای رضای خدا و برای اعلائی کلمة اللّٰه تلاش کنیم. از آن وقتی که درس خواندن را شروع می‌کنیم، تا آن وقتی که تبلیغ می‌کنیم، تا آن وقتی که تدریس می‌کنیم، تا آن وقتی که سیمتی را در حوزه و یا در خارج از حوزه متصدی می‌شویم، تلاش و فعالیت می‌کنیم چه فعالیت سیاسی، چه فعالیت اجتماعی، چه فعالیت علمی هدفمان باید این باشد. این، آن چیزی است که می‌تواند ما را موفق کند و سخن ما را دلنشین و مؤثر نماید؛ این را بایستی برای خودمان حتم و فرض بدانیم.»<sup>۴</sup>

## ۱/۱/۱. وابستگی آبروی اسلام به روحانیت

**۱۱۵ امام:** «آبروی اسلام به دست شماست. روحانیینی که در قوه قضاییه و مشغول قضاوت هستند یا مشغول یک کار دیگری هستند، اینها وظیفه‌شان زیادت‌تر از دیگران است. اگر- خدای نخواسته- یک قضاوتی بر خلاف حق واقع بشود- و لو اشتباهاً- این منعکس می‌شود که اینها دارند خرابکاری می‌کنند.»<sup>۵</sup>

**۱۱۶ امام:** «اگر هر کس یک جایی- فرض کنید- یک صورت روحانی به خودش داد و چهار تا از این تفنگدارها را دور خودش جمع کرد و شروع کرد خلاف آن چیزی که وظیفه روحانی است عمل بکند، اسلام را به باد داده. امروز نمی‌گویند زید این کار را کرده؛ می‌گویند جمهوری اسلامی این است. منعکس می‌کنند، این جمهوری اسلامی. وظیفه سنگین. مسئولیت سنگین و همه‌تان مسئول خواهید بود. اگر یکی‌تان یک کاری بکند، دیگری ساکت باشد، او هم مسئول است. اگر یکی خلاف کرده، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا؟ لازم نیست که گتک کاری بکنید، مؤاخذه کنید. اگر یک نفر خلاف کرد، بیست نفر از شماها رفت گفت نکن، این کار صحیح نیست، تحت تأثیر واقع می‌شود. اگر یک معمم، یک صورت معمم، یک کار خلاف کرد، از اطراف، معممین هجوم به آن آوردند که چرا این کار را می‌کنی؟ نمی‌کند دیگر. اگر من یک خلائی کردم همه‌تان هجوم آورید که چرا این کار را می‌کنی؟ من سر جایم می‌نشینم. همه‌تان مسئولید،

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد (۴ فروردین ۱۳۶۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در مراسم عمامه‌گذاری گروهی از طلاب (۲۶ دی ۱۳۶۸)

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه محرم (۱۱ مرداد ۱۳۶۸)

<sup>۴</sup> بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه (۲۸ شهریور ۱۳۷۸)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۹)



همه‌مان مسئولیم. امروز مسئولیت، بزرگ است برای ما، ما نصف راه هستیم و من خوف این را دارم که قضیه ما قضیه هیتلر بشود.»<sup>۱</sup>

**۱۱۷** امام: «اگر از روحانی در این زمان یک خلاف صادر بشود، مکتب را متزلزل می‌کند.»<sup>۲</sup>

**۱۱۸** امام: «ای آقایان روحانیون! مبدا از روحانیون ...، حالایی که یک قدرتی پیدا شده است، یک چند نفر تفنگدار دور خودشان جمع کنند و یک کاری بکنند که اسلام را لکه دار بکنند. امروز اگر از یک روحانی مطلبی صادر بشود که بر خلاف موازین باشد، آنهایی که باید ما را لکه دار کنند می‌گویند این هم آخوندها، الآن دیکتاتوری کفش و عمامه! بهانه دست مردم ندهید. اسلام دیکتاتوری نیست. آنکه دیکتاتور است مسلم نیست. روحانیت دیکتاتور نیست. آنکه دیکتاتور است روحانی نیست، لکن قلمها برداشته می‌شود و نوشته می‌شود که اینها همانها هستند؛ آن وقت ساواک بود، حالا پاسدار هست. نکند خدای نخواستہ یقوت یک [عملی] از شما صادر بشود؛ از ما صادر بشود؛ از روحانیون صادر بشود؛ از کمیته‌ها صادر بشود. اینها همه الآن اجزای مملکت اسلام است. ما ادعا داریم که یک مملکت اسلامی حالا داریم. الآن اینهایی که به اسم دادگاه اسلام و کمیته اسلام - عرض می‌کنم - پاسداران اسلام و روحانیین اسلام [هستند]، الآن دیگر آن طور نیست که مثل رژیم سابق باشد که اگر شما یک کاری می‌کردید به شما نسبت بدهند؛ اگر من یک کاری می‌کردم به من نسبت بدهند. الآن یک وضعی ما داریم که اگر خدای نخواستہ یک قدم کجی برداریم، این را به اسم اسلام تمام می‌کنند.»<sup>۳</sup>

**۱۱۹** امام: «امروز اگر خدای نخواستہ یک نفر روحانی - که نمی‌کند او؛ یک نفر صورت روحانی بیاید در بینشان واقع بشود یا در کمیته‌ها برود و یک خلافی بکند، امروز دیگر نمی‌گویند ساواکی است، امروز می‌گویند روحانی است دارد این کار را می‌کند. دیروز ساواکی این کار را می‌کرد، امروز روحانی این کار را می‌کند. و همین طور شماها: دیروز بازار بازاری طاغوت بود، امروز بازار اسلام است؛ محتوایش فرق کرد؛ نه؛ رباخور همان رباخور، گرانفروش همان گرانفروش، اجحاف کن همان اجحاف کن؛ و همین طور در هر جای مملکت که برویم. اگر محتوا تغییر نکند خوف این است که مکتب ما مورد اهانت واقع بشود؛ مردم از مکتب ما برگردند. و این بالاترین شکستی است که ممکن است بر ما وارد بشود. و الا فرض کنید یک کسی هم - اینها هم نمی‌شود اما فرض کنید شد - اینها روابطشان را با هم درست کردند و امریکا هم پشت سرشان آمد و یک کودتا هم شد و ما را هم همه را کشتند و از بین بردند و خودشان جایز نشستند، این، شکست مسلک نیست؛ ما شکست نخوردیم؛ ما شکست طبیعی خوردیم نه شکست معنوی. اما اگر خود ما یک کارهایی بکنیم که در بین مردم، در بین جوامع، در بین متفکرین، با دامن‌زدن دشمنهای ما در داخل و خارج بر مسائل، و اسباب این بشود که مکتب ما شکست بخورد، این شکست است که دیگر جبران ندارد. این شکستی است که در مقابل این، انبیا ایستادند. در مقابل این، اولیا ایستادند که این شکست واقع نشود. جانشان را دادند برای اینکه مکتبشان محفوظ بماند.»<sup>۴</sup>

**۱۲۰** امام: «اگر ما با هم مختلف بشویم، اسلام شکست می‌خورد. اگر در قشر روحانی خدای نخواستہ مردم احساس کنند که این اختلافات برای دنیاست - برای دین که اختلافی در کار نیست، همه ما، همه ما یک دین داریم، یک قرآن داریم، اگر اختلافی پیدا بشود اختلاف روی اساس دنیاست، شیطان است که اختلاف می‌اندازد - اگر سایر مردم توجه کنند که ملأها روی هواهای نفسانی با هم مختلف هستند، طلبه‌ها روی هواهای نفسانی با هم مختلف هستند، مردم از شما رو برمی‌گردانند. [اگر] از شما رو برگردانند، اسباب شکست شماست؛ شکست شما شکست اسلام است. وظیفه

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و سپاه، ۱۵ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۵۱۱)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه، ۱۳ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۲۱)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع هیأت بحرینی و روحانیون کردستان، ۱۲ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اهالی اردکان فارس، ۳ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۷۵)



شما سنگین است آقا! شما باید با اخلاق خودتان، با اعمال خودتان مردم را دعوت کنید. شما هادی مردم هستید. شما باید چراغ باشید. شما باید نور باشید. تہذیب کنید نفوس خودتان را. حب دنیا را از نَفْسِتان بیرون کنید، رأس کل خطیئہ است. همه خطاها از حب دنیا است، از حب شہرت است. این حب را از دل خودتان بیرون کنید، بمیرانید این حب را؛ زندہ بشوید بہ زندگانی اسلام؛ زندگانی الہی. شما الہی بشوید. وحدت پیدا بکنید. صفتان را واحد کنید.»<sup>۱</sup>

**۱۳۱ امام:** «آخوندها آن وقت مظلوم بودند. چہرہ مظلوم چہرہ محبوب است. شما در آن رژیم ہر چہ مظلومتر می شدید محبوبتر می شدید. ہر کہ مظلومتر بود محبوبتر بود. چہرہ امروز، چہرہ مظلومیت نیست تا محبوب بشوید. چہرہ این است کہ وقتی کار دست اینہا آمد، ہم اینہا ہم همانند. شما را بہ صورت دیگر درمی آورند. آنہا ہم کہ فرض کنید کہ در این کاری کہ من می کنم یا شما می کنید، دخالت ندارند، آنہا [را] ہم پهلوی شما می گذارند با یک چوب می زنند. پس ما مسئولیت اسلام را داریم. مسئولیت مسلمانہا را ہم داریم. مسئولیت روحانیت ہم داریم، ہمہ چیز را. ہمہ مسئول و ہر کس سعه نفوذش بیشتر، مسئولیتش بیشتر. کاری بکنید کہ آن اسلام عزیز، کہ امروز دست شماست، با یک صورت خوبی تحویل بدہید بہ اعقابتان. یک صورت مشوہ درست نکنید کہ بگویند ہمین بود. اسلام نورانی است. با دست ماہا مشوہ می شود.»<sup>۲</sup>

**۱۳۲ امام:** «و امروز روزی است کہ اگر خدای نخواستہ ما در این نہضت شکست بخوریم، شکست خوردیم دیگر تا آخر. یکوقت بود کہ ما [پیوستہ] می گفتیم کہ طاغوت ہست، ان شاء اللہ حکومت اسلامی بشود، ان شاء اللہ امور درست می شود، ہمہ حرفمان این بود. ملت ہم فریاد کردند کہ ما اسلام را می خواهیم. اگر خدای نخواستہ، حالایی کہ این طور شدہ، بہ واسطہ کجروی ماہا، کجروی طوایف مختلف، کجروی احزاب، بعضی از احزاب، اگر خدای نخواستہ از باطن ما را تہی کنند و ما را بہ جان ہم بریزند و مہم نیست، کہ بہ جان ہم بریزند، مہم این است کہ با بہ جان ہم ریختن، صورت اسلام را یک جور دیگر جلوہ بدہند بہ دنیا. بگویند سر و کار آنہا با دنیا است. قلم آنہا دستشان ہست. ہمہ چیزہای گروہی، رسانہ های گروہی دست آنہاست. ماہا یک ملت ضعیفی ہستیم، و جز یک حربہ کہ ایمان بود، نداشتیم. ہمہ تبلیغات مال آنہاست. ما راہ تبلیغی نداریم. کاری ما نکنیم کہ در ہمہ تبلیغاتشان و ہمہ جای دنیا بگویند کہ اسلام این طوری بود کہ در ایران بود.»<sup>۳</sup>

**۱۳۳ امام:** «من بہ آقایان روحانیین ہم کراراً گفته ام، حالا ہم عرض می کنم کہ اولاً مسئولیت شما زیاد است، مسئولیت بزرگی بہ عہدہ شماست. این ملت کہ ہمہ دارند می گویند نایب الامام و نایب پیغمبر اگر خدای نخواستہ از شما یک انحرافی ببینند؛ این روحانیت را می شکنند. روحانیت اگر شکستہ بشود، اسلام شکستہ شدہ است. روحانیت، اسلام را نگہ داشته؛ اگر این شکستہ بشود، اسلام شکستہ می شود. اگر در این مقطع زمان بہ دست ما شکستہ بشود، ما خیانت بہ اسلام و قرآن کردیم. خودتان را بپایید، متوجہ باشید! اعمالتان را با اسلام تطبیق بدہید. اگر کسانی در بین شما خدای نخواستہ انحراف دارند، از صف خودتان خارج کنید.»<sup>۴</sup>

**۱۳۴ امام:** «امروز آبروی اسلام بستہ بہ اعمال روحانیین است. روحانیین کہ مربی انسانہا ہستند، بہ جای انبیا نشستہ اند، مبعوث از طرف انبیا ہستند. آبروی اسلام امروز، آبروی اسلام در ایران امروز، بستہ بہ اعمال ہمہ است، و خصوصاً روحانیون. اگر خدای نخواستہ از این طایفہ یک اشتباہی صادر بشود، یک خطایی صادر بشود، این بہ پای اسلام تمام می شود. متوجہ باشید کہ مسئولیت بزرگ است. ہمہ مسئولیم، ہمہ مسئولید لکن روحانیون بیشتر مسئولند. مبادا یکوقت اعمالی صادر بشود از این طایفہ، کہ همان طور کہ گفتہ می شود، و اشخاص مغرض گفتہ اند و

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۵۷ (صحیفہ نور، ج ۶، ص ۲۸۴)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون ارومیا، ۱۰ دی ۱۳۵۸ (صحیفہ نور، ج ۱۱، ص ۵۰۰)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، ۲۳ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفہ نور، ج ۹، ص ۵۳۹)



می‌گویند، که «ما از زیر بار دیکتاتوری رضا خان بیرون آمدیم و زیر بار دیکتاتوری آخوندها واقع شدیم!» آخوند دیکتاتور نیست؛ و دیکتاتور آخوند نیست. اگر رسول اکرم، امیر المؤمنین - سلام الله علیه - خدای نخواستہ دیکتاتور بودند، آخوند هم باید دیکتاتور باشد؛ لکن آنها نبودند. آنها هیچ وقت اعمال قدرت را بر غیر موضعش نمی‌کردند.<sup>۱</sup>

**۱۳۵ امام:** «اگر ما خطا بکنیم، ما خطا کاریم نه اسلام. کاری نکنید و کاری نکنند و علما کاری نکنند و بزرگان قوم کاری نکنند و متفکران کاری نکنند که اسلام لکه دار بشود، که مکتب لکه دار بشود. ما خودمان از بین برویم اشکالی ندارد؛ نهضتمان هم از بین برود اشکالی ندارد؛ لکن اگر خدای نخواستہ مکتبمان از بین برود، مکتب که مکتب توحید است، مکتب اسلام است، مکتب خداست؛ اگر ما کاری بکنیم که این مکتب لکه دار بشود، در دنیا بگویند که وقتی که کار به دست خود مردم افتاد، وقتی کار به دست پاسداران اسلام افتاد، گفتند ما پاسداران اسلامیم، اگر کار به دست علمای اسلام افتاد، گفتند ما علمای اسلام هستیم، ما جانشین انبیا هستیم؛ اگر یکوقت خطا واقع بشود، این مسأله از این خطاهای کوچک نیست. امروز مسائل بزرگ است. امروز خطاها کوچکش هم بزرگ است. امروز اسلام در دست ماست، تا ما چه بکنیم. قرآن کریم در دست ماست تا ما چه بکنیم. آیا کاری بکنیم که به ما بگویند که این هم اسلام! پای اسلام حساب می‌شود.»<sup>۲</sup>

**۱۳۶ امام:** «یکوقت می‌گویند که فلان آدم این طوری است، این اشکالی ندارد؛ فلان شخص این طوری است. یکوقت اگر بنا شد که مثلاً در قشر معممین، خدای نخواستہ، در قشر علما، خدای نخواستہ، یک مطلب خلافی واقع بشود، دو تا مطلب خلاف واقع بشود، مردم می‌گویند که خوب، اینها نمایندگان اسلام هستند، نمایندگان اسلام هم همین طورند؛ پس معلوم می‌شود اسلام این طوری است.»<sup>۳</sup>

**۱۳۷ امام:** «الآن یک تکلیف بسیار بزرگی به عهده همه ماست. من که یک طلبه هستم این تکلیف را دارم؛ آقایان هم، که از آقایان هستند، این تکلیف را دارند؛ سایر قشرها هم دارند؛ که کوشش کنیم وجهه اسلام و صورت اسلام را آن طور که هست نمایش بدهیم؛ نه آن طوری که خلفایی مثل معاویه و یزید و بعضی، یا بسیاری از خلفای اموی و بنی عباس جلوه می‌دادند. به عنوان اینکه ما نماینده اسلام هستیم کارهایی می‌کردند که با اسلام مخالف بود؛ و اسباب این می‌شد که یکوقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند.»<sup>۴</sup>

**۱۳۸ امام:** «الآن ما در یک امتحان بزرگ واقع هستیم. الآن خدا ما را امتحان می‌کند که آیا ما در این وقتی که یک مطلبی دستمان آمده، یک قدرتی دستمان آمده است، آیا ما چه می‌کنیم؟ ما هم همان هستیم به صورت دیگر؟ یا خیر، ما روی مقررات عمل می‌کنیم؟ آنی که مهم است پیش من این است که امروز خطر هست در کار، خطر کمونیست در کار این قدرها نیست؛ هست، ولی این قدرها نیست. خطر ساواکی دیگر این قدرها نیست در کار، این خطرها مهم نیست. اموال شاه سابق برود یا نرود، پیش من چیز مهمی نیست؛ قصرهای کذا و کذا پیش ما چیز اهمیت‌داری نیست؛ آنی که اهمیت دارد این است که وجهه اسلام محفوظ باشد؛ صورت اسلام آن طوری که هست باشد. امروز که دست ما افتاده یک جوری نمایش ندهیم که بگویند اسلام این است.»<sup>۵</sup>

**۱۳۹ رهبری:** «قشر روحانی باید خودش به فکر خودش باشد؛ به فکر آن ذخیره باشد؛ به فکر آن آبرو باشد. قاعدتاً هم هست؛ اما می‌شود بر آن آبرو افزود؛ همچنانی که امام بزرگوار ما، آن هم بر آبروی هزارساله روحانیت افزود. امام، آبروی روحانیت را از زمان شیخ مفید تا امروز هرچه بود مضاعف کرد و بالا برد. قدرت روحانیت را در مقابله با بدیها و ظلم و

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه پاسداران همدان، ۲ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۵۸)

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج، ۸ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴)

<sup>۴</sup> همان

<sup>۵</sup> همان



جور نشان داد؛ که یک عالم چگونه می‌تواند وارث موسی و عیسی و ابراهیم علیهم‌السلام و پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم باشد.»<sup>۱</sup>

**۱۳۰ رهبری:** «وقتی که این آبرو و این سرایت دین و روحانیت در بین مردم، چنین اثر بزرگی می‌تواند داشته باشد، پس دو موضوع بزرگ، مورد توقع است: یکی اینکه ما، اعقاب آن اسلاف مطهر و عالم و مقدس، باید آبروی آن‌ها را حفظ کنیم. به خاطر اینکه اگر این کار انجام نگیرد و این نسل، آبروی گذشتگان را حفظ نکند، همان چیزی که نهادین و بنیادین شده بود، بتدریج زایل خواهد شد و از بین خواهد رفت. این، طبیعت قضیه است. حال به چه نحو باید آبرویشان را حفظ کنیم؟ این خود داستان مفصلی است.»<sup>۲</sup>

**۱۳۱ رهبری:** «ما نباید خیال کنیم آبروی نسل فعلی روحانیت موجب این شد که مردم به سمت انقلاب اسلامی گرایش پیدا کنند. نه؛ این اشتباه است. بلکه آبروی هزارساله روحانیت، که یک ذخیره تمام نشدنی بود، موجب این پیروزیها و موفقیتها گردید. این آبروی هزارساله، عبارت است از آن اعتباری که در طول قرونهای متمادی، از علم و تقوای علمای بزرگ به دست آمده است. یعنی علامه حلی در این مجموعه نقش دارد؛ محقق نقش دارد؛ مجلسی نقش دارد؛ شهیدین نقش دارند، شیخ طوسی نقش دارد، سید مرتضی نقش دارد؛ شیخ انصاری نقش دارد؛ علمای بزرگ در قرونهای متمادی در نجف نقش دارند؛ بزرگان قم نقش دارند؛ مرحوم حاج شیخ نقش دارد، و مرحوم آقای بروجردی نقش دارد. یعنی هزاران انسان برگزیده، عمرهایشان را به طهارت و تقوا گذراندند، مجموعه‌های علمی سطح بالا به وجود آوردند و آثار علمی ارائه دادند، تا بتدریج یک جامعه و یک ملت را به روحانیت به صورت بنیادین معتقد کردند. این نیست که عده‌ای؛ مردم یک عهد و زمان و نسلی، کسی را بخواهند، اما نسل بعد نخواهند. وقتی که محبتی، بنیادی و عمیق شد، به مثابه خصال انسانی، از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد.»<sup>۳</sup>

**۱۳۲ رهبری:** «روحانیت شیعه، در طول هزار سال به مرور دهور، گنجینه عظیمی از آبرو و حیثیت و وزانت به وجود آورده بود و در عصر ما، آن بزرگ‌مرد عظیم‌النشان، آن امام بزرگوار و شخصیت استثنایی و دیگر کسانی که در کسوت روحانیت بودند و در این راه حرکت کردند، از آن گنجینه بهترین استفاده را کردند. اما این‌طور نیست که این ذخیره تمام‌نشده باشد. اولاً باید این ذخیره حفظ شود، ثانیاً بر آن افزوده گردد. اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهی‌ها، غفلتها، وقت‌شناسیها، وظیفه‌شناسیها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌ای را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و متزییان به زی علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمد الله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.»<sup>۴</sup>

**۱۳۳ رهبری:** «اگر امروز قدرت و معروفیت‌مان از همیشه بیشتر است، رسانه و وسیله گفتگوی با مخاطبان و مستمعان، بیشتر در اختیارمان است، دوستان بیشتری داریم، پول و قدرت مالی بیشتری داریم و بقیه اموری که امروز بیشتر داریم مثل جمعیت‌مان، آحاد روحانیون از بزرگ و کوچک و از این قبیل به همین نسبت، مسئولیت‌مان هم بیشتر است.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار ائمه جماعات و روحانیون و مبلغین، در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۵ بهمن ۱۳۷۱)

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور، در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۲ اسفند ۱۳۶۹)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد (۴ فروردین ۱۳۶۹)



**۱۳۴ رهبری:** «تکلیف ما جامعه روحانیت- که بنده هم طلبه‌ی در این مجموعه عظیم روحانی هستیم- این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیماً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب- بخصوص آبروی امام- است.»<sup>۱</sup>

**۱۳۵ رهبری:** «اگر روحانیت میخواست در حاشیه و در پیاده‌رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب می‌دید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی- که نمونه برجسته آن، انقلاب عظیم اسلامی است- کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت میماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است.»<sup>۲</sup>

**۱۳۶ رهبری:** «امروز اگر روحانیت در قبال حکومت، بی‌اعتنا و بی‌مبالا باشد، هم خودش ضایع خواهد شد و هم حکومت اسلامی تضعیف می‌شود. حکومت اسلامی، حکومت قرآن و حکومت فقه و فقیه و حکومت علم و عدل است. حکومت برای گسترش آرمان‌های اسلامی است. تشکیل حکومت اسلامی، آرزوی همه اولیاء اللّه در طول تاریخ بوده است. هر فرد مؤمنی وظیفه دارد از آن دستگاه سیاسی که اسلام را ترویج و احکام آن را پیاده می‌کند، حمایت کند. مگر عالم دین می‌تواند نسبت به حکومت اسلامی بی‌اعتنا بماند؟! افراد کافر به اسلام، در مقابل حکومت طاغوتی بی‌اعتنا می‌مانند. «طاغوت» یعنی کسی که در مقابل خدا، دستگاهی برپا می‌کند: اُنَدَادُ اللّٰهِ، شرکاء اللّٰهِ. کسانی که خود را بنده مطیع خدا می‌دانند، برای تحقق اهداف خدایی تلاش می‌کنند و صبح و شام در مقابل پروردگار پیشانی خضوع به خاک می‌سایند که به آن‌ها توفیق دهد خدمتگزار دین او باشند. اگر این‌ها در کشور، زمام قدرت را به دست گیرند، همه وظیفه دارند که مانند یک عبادت، از آنان حمایت کنند.»<sup>۳</sup>

**۱۳۷ رهبری:** «امروز هر روحانی و هر عمامه‌به‌سر، به مقتضای تلبیس به این لباس، موظف است از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند؛ هرکس هرطور می‌تواند. یکی شمشیر به دست می‌گیرد و به جبهه می‌رود؛ یکی زبان گویایی دارد، به منبر می‌رود؛ یکی پست قضاوتی یا غیر قضاوتی از عهده‌اش برمی‌آید، آن را انجام می‌دهد؛ یکی این کارها را نمی‌تواند بکند، اما اهل مسجد و اهل محراب است اشکالی ندارد همه بدانند که این روحانی، خود را خادم این انقلاب می‌داند. این، افتخار است. خدمت به این انقلاب، افتخار است.»<sup>۴</sup>

**۱۳۸ رهبری:** «ما در حرکت این قطار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، باید دائم سهیم باشیم. نمی‌شود عالم دینی خودش را کنار بکشد و بگوید به من ربطی ندارد. چطور ربطی ندارد؟! حکومت دین، حکومت اسلام، به ما ربطی ندارد؟! اگر در گوشه‌ی از زوایای عالم که از ما هزاران فرسنگ فاصله داشت، حکومتی بر اساس دین تشکیل می‌شد، من و شما وظیفه داشتیم که به آن حکومت کمک کنیم. اقامه دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه ادیان است؛ «لیقوم الناس بالقسط». قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. اصلاً ائمه ما علیهم‌السلام تمام زجر و مصیبتشان به خاطر این بود که دنبال حاکمیت الهی بودند؛ و الا اگر امام صادق و امام باقر علیهم‌السلام یک گوشه می‌نشستند و چند نفر دور خودشان جمع می‌کردند و فقط یک مسأله شرعی می‌گفتند، کسی به آن‌ها کاری نداشت.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران (۴ تیر ۱۳۶۸)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» (۱۶ آذر ۱۳۷۴)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان لرستان (۳۰ مرداد ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> همان



## ۱/۲. لزوم زهد، ساده‌زیستی و پرهیز از رفاه‌طلبی و تشریفات

**۱۳۹** امام: «من در ملاقاتهای مکرر به دوستان روحانی این امر را گوشزد کرده‌ام که باید به صورتی حرکت کنید که متهم به طرفداری از فنودالها و سرمایه‌دارها نشوید»<sup>۱</sup>

**۱۴۰** رهبری: «شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.»<sup>۲</sup>

**۱۴۱** امام: «آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمد الله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم‌خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه‌دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان شاء الله موفق نمی‌شوند.»<sup>۳</sup>

**۱۴۲** رهبری: «شما جوانان و این نسل جدید روحانی که ان شاء الله با تکیه بر کتاب و سنت و فکر درست اسلامی و استقلال روحیه و بلندنظری و آلوده نشدن به چیزهای کوچک و حقیری که متأسفانه خیلی دست و پاها را می‌گیرد مسائل مادی، مسائل سیاسی، رفیق‌بازی، چیزهای واقعاً بی‌ارزش و ... بتوانید پیش بروید. مواظب باشید به چیزهای بی‌ارزش مطلقاً خود را دچار نکنید؛ حیف است. واقعاً امثال شما برای آینده خیلی می‌توانند مفید واقع شوند و این بارها بر دوش شماست.»<sup>۴</sup>

**۱۴۳** رهبری: «عزیزان من، یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب نه شعارهای انقلاب، شعارهای دوستانه خودمان در مجموعه رفاقتی و مجموعه‌هایی که باهم بودیم، باهم فکر می‌کردیم و کار و مبارزه می‌کردیم «ساده‌زیستی» بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا! بعد که انقلاب، پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم. امام بزرگوار ما خودش مظهر همین معنا بود؛ آدمی بود که تعینات دنیوی، حقیقتاً برایش ارزش نداشت. آدم این را در آن مرد معنوی و بزرگوار می‌دید که تعینات، تعلقات و تکلفات دنیوی، اصلاً برای خودش ارزش نداشت! شما که بحمد الله روشن فکر و آگاه و فهمیده هستید، احتیاج نمی‌بینم که این‌ها را توضیح بدهم. این که دارم می‌گویم، منظورم بهره‌مندی شخصی است؛ معنایش این نیست که کشور، کار آبادانی و عمران نکند و دنیا را آباد نکند. این‌ها همیشه، تخلیه‌ها و شبهه‌افکنیهای مخالفین اسلام بوده، می‌گفتند که اسلام با دنیا مخالف است؛ یعنی دنیا را آباد نکنیم! نه، آن دنیایی که گفته می‌شود، دنیای شخصی است؛ یعنی خود شما دنبال تکلیف زندگی دنیایی نباشید و زندگی را ساده بگذرانید. معنایش این است. امیر المؤمنین علیه السلام، شخصاً زاهدانه‌ترین زندگی‌ها را داشت؛ اما در عین حال، مرتب هم کار می‌کرد، مزرعه را آباد و چاه آب، جاری می‌کرد، جهاد می‌کرد و کشور را اداره می‌کرد، حکومت به آن عظمت را ریاست می‌کرد، سیاست‌گذاری و سیاستمداری می‌کرد. غرض و مراد ما، دل سپردن به دنیا است که البته

<sup>۱</sup> نامه به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۳ تیر ۱۳۶۷ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۱۴)

<sup>۲</sup> دیدار با روحانیون (۱۷ آبان ۱۳۸۵)

<sup>۳</sup> پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام، ۶ مرداد ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۱)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره) (۴ بهمن ۱۳۷۸)



مقدار زیادی از مشکلات ما ناشی از این مسئله است! من مسئول دولتی و حکومتی، یا من روحانی، باید مواظب باشم بخصوص ما دو صنف، خصوصیتی داریم یکوقت گفتند: «وای به حال آن کسانی که هر دو هستند؛ هم مسئول حکومتی، هم روحانی اینها مشکلشان بیشتر و تکلیفشان سنگین تر است!» توقع مردم، بجا و بحق از آنها بیشتر است؛ خدای متعال هم آنها را بیشتر مورد سؤال قرار خواهد داد، چون اثر عملشان هم بیشتر است. ما باید بیشتر مواظب باشیم، دیگران هم باید مواظب باشند، شما هم که دانشجوید، یا استادید، باید مواظب باشید، شما هم که رئیسید، باید مواظب باشید؛ همه باید مواظب باشند که به دام تکلیفات و تعینات زندگی نیفتند و در اشرافیگری و اینها غرق نشوند. زینت دنیا را به قدری که خدای متعال قرار داده و مباح است، برای همه کس بخواهند. البته «المال و البنون زینة الحیوة الدنیا»، هیچ ایرادی ندارد. نه مال ایراد دارد، نه فرزندان ایراد دارد، نه مقام و اینها؛ لیکن غرق شدن در اینها، عمده کردن و هدف قرار دادن اینها و خود را در تکلیفات و تعینات زندگی، منحصر کردن است که آسیب می زند. چنانچه اینها اصلاح بشود، ما امیدواریم که «إن شاء الله مشکلی نباشد»<sup>۱</sup>

**۱۴۴** امام: «من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت‌سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوء استفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صد در صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرهنه‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم»<sup>۲</sup>

**۱۴۵** رهبری: «امروز جامعه ما در شرایطی قرار گرفته است که بایستی برایش روایات زهد خواند. در نهج البلاغه از زهد زیاد گفته شده است؛ اما نشان‌دهنده این نیست که زهد عالی ترین تکالیف انسان است؛ خیر. در جاهایی زهد بالاتر است و در جاهای دیگر جهاد و عبادت و تحصیل علم بالاتر است. موقعیت زمان را نشان می‌دهد و به نظر ما امروز زمانی است که بایستی جامعه را به زهد فراخوانیم؛ زیرا به سمت تمول پیش می‌رود و ثروت در کشور رو به ازدیاد است و جایی است که چنانچه کسانی اهل دنیا باشند، می‌توانند ثروت را از طرق مختلف به دست آورند و آن را «علی غیر حله» کسب و خرج کنند و اگر جمع‌آوری ثروت از طریق حلال هم باشد، مفتون دنیا و دچار عاقبت‌های سوء افتنان شوند؛ بخصوص در حوزه‌های علمی و محدودهای که معممین و روحانیون و علما و طلبان و فضلا در آن زندگی می‌کنند»<sup>۳</sup>

**۱۴۶** رهبری: «البته آقایان روحانیون عزیز ما می‌دانند و باید دائماً توجه داشته باشند که عمل، بیش از زبان کارایی دارد. بهترین گویندگان و شیرین‌زبان‌ترین معلمان و واعظان و بیان‌کنندگان، اگر عملشان بلند، همه این شیرین‌زبانیه‌ها نقش بر آب خواهد شد. ما باید عملمان را درست کنیم. معیارها، همان بلندنظری، طهارت، بی‌اعتنایی به ما فی ایدی

<sup>۱</sup> بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب (۱۵ اسفند ۱۳۷۷)

<sup>۲</sup> پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه، ۲۹ تیر ۱۳۶۷ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۷۴)

<sup>۳</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۱۴ شهریور ۱۳۷۴)



الناس و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و به بیش از آنچه که برحسب قواعد اجتماعی به ما تعلق می‌گیرد، صلابت در بیان و اجرای حقایق و سست نشدن و نلرزیدن دست و پاست.»<sup>۱</sup>

**۱۴۷ امام:** «از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله‌ای است که به همه روحانیت و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود، و همیشه نگران آن هستم که مبدا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواست، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته‌ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین‌ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالا بالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه‌ها و طبقات ضعیف - به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت - هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواست، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته‌اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد. آنهایی هم که می‌خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می‌توانند محفوظ باشند تا وسیله دیگر. و ائمه جمعه و جماعاتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد. و این طور نباشد که امام جمعه‌ای وقتی در خیابان می‌آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می‌کند. بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است، و اینکه پیش خدا آبرومند باشید. و این یک مسئله مهمی است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم، و اهل علم و دولت و دست‌اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه‌ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم، نه اینکه مثل رئیس جمهور امریکا که اگر این مقام را از او بگیرند شاید از حسرت دق کند!»<sup>۲</sup>

**۱۴۸ رهبری:** «اخلاق ما باید طبق آن چیزی باشد که می‌گوییم و به آن دعوت می‌کنیم؛ «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»؛ یعنی «باعمالکم». اگر ما به زخارف دنیا بی‌اعتنا بودیم، اگر ما در آن راههایی که به آن معتقدیم و داعی و مبلغ آن هستیم، قدم ثابت گذاشتیم، اگر ما پایبندی خودمان را به اصول دینی و اصول اسلامی و فرمایشات امام بزرگوار و آنچه که در نظام جمهوری اسلامی مقرر است، عملاً نشان دادیم، حرف ما در محیطی که پراکنده می‌شود، اثر خواهد کرد؛ آن وقت خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود؛ بلکه نفس جاذبه عمل، دیگران را به هماهنگی و همگامی و هماوایی وادار خواهد کرد.»<sup>۳</sup>

**۱۴۹ امام:** «من از این دو جهت نگران هستم. یک جهتی که قبلاً عرض کردم که زی طلبگی در بین ما ضعیف بشود یا از بین برود. یک جهت دیگر هم اینکه مبدا خدای نخواست، اختلاف پیدا بشود، که هر دوی اینها از باب اینکه شما در

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور (۲ بهمن ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان، ۲۵ تیر ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۱۷)

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور (۲ بهمن ۱۳۷۰)

جایی واقع شدید که مردم به شما توجه دارند و شما ارشاد می‌خواهید بکنید مردم را، مبادا یک وقتی به واسطه خارج شدن ماها از زی طلبگی مردم را از ما منصرف کنند و انصراف از روحانیت منتهی می‌شود به انصراف از اسلام.»<sup>۱</sup>

**۱۵۰ رهبری:** «البته سیمه و خواسته علمای دین عبارت بود و عبارت است و باید باشد از بی‌رغبتی به ظواهر و مظاهر فریبنده دنیا؛ این را ما باید از یاد ببریم؛ این خیلی مهم است. و الاً دنیای لذیذ و چرب و شیرین که اشتها آور است و انسانی را که دارای احساسات است، به خود جذب می‌کند، چنانچه در اختیار هرکسی قرار گرفت، دودستی آن را خواهد چسبید. اگر ما آن را دودستی چسبیدیم، واقعاً فرق ما با دیگران چیست؟ در حالی که عالم دین بایستی تفاوت‌هایی داشته باشد.»<sup>۲</sup>

**۱۵۱ رهبری:** «اگر امروز خدای ناخواسته در همان رفتار شخصی خودمان چیزی مشاهده بشود که با آنچه مردم درباره ما گمان می‌برند، منافات داشته باشد، به ایمان مردم ضربه خواهد خورد و در نتیجه پایه خواهد لرزید. این، آن وظیفه اول است. لذا ما واقعاً موظفیم که بیش از همیشه، جهات الهی و شرعی و آن چیزهایی را که دستگاه روحانیت با آن‌ها شناخته شده است؛ مثل آزادمنشی، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، بی‌اعتنایی به مال و منال و اقتدار مادی، ارتباط و اتصال به خدا، ورع و پرهیز از محارم، و توجه به علم که مردم روحانیت را به علم شناخته‌اند رعایت کنیم. این‌ها آن وظایف نوع اول است، که وظایف شخصی ماست؛ بایستی به این‌ها بپردازیم و به آن اهمیت بدهیم.»<sup>۳</sup>

**۱۵۲ رهبری:** «گاهی از جاهایی گزارشهای نومیدکننده می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند؛ رعایت کنید. سؤال می‌کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مسئله را در جایی ببرند؛ من هم اگر باید دخالت کنم، بگویند در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین‌طور بی‌حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره‌ی، دهها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسئولان آنجا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ گزارش آمده که روحانی عقیدتی، سیاسی در یکی از دستگاه‌ها، خودش ماشین دارد، ولی ماشین دولتی سوار می‌شود! من نوشتم که حق ندارد این کار را بکند. برای من جواب آمد که این کار رویه است و همه می‌کنند! این آقا خودش یک ماشین دارد، که برای خودش لازم است؛ یکی هم خانمش دارد و نمی‌شود که خانمش از این ماشین استفاده کند! عجب! این چه حرفی است؟»<sup>۴</sup>

**۱۵۳ رهبری:** «من الآن اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم که آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند. اگر ماشین دارید، آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیاورید؛ ماشین دولتی یعنی چه؟ و الله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم.»<sup>۵</sup>

**۱۵۴ رهبری:** «به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ این‌ها ما را از مردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشمها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دور انداختن دنیا، نمی‌شود در چشمها شیرین ماند. مردم رودربایستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودربایستی ندارد. من بارها عرض کرده‌ام که خدای متعال در چند جای قرآن در باره بنی اسرائیل می‌گوید: «و فضلناهم علی العالمین»؛ ما شما را بر همه مردم دنیا برتری دادیم. همین بنی اسرائیلند که باز قرآن در باره آن‌ها می‌فرماید: «و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة و باءوا»

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان، ۲۸ تیر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان لرستان (۳۰ مرداد ۱۳۷۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران (۲۳ مرداد ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> همان



بغضب من الله». چرا؟ رفتار خود آن‌ها موجب چنین وضعیتی شد. مگر خدا با من و شما قوم و خویشی دارد؟ مگر خدا با جمهوری اسلامی و با این اسم قوم و خویشی دارد؟ من و شما هستیم که باید معین کنیم این جمهوری، اسلامی است، یا اسلامی نیست؛ این هم در رفتار ماست.<sup>۱</sup>

**۱۵۵ امام:** «آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنیا خدای نخواستہ در آنها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم.»<sup>۲</sup>

**۱۵۶ رهبری:** «البته برادران عزیز! از خودمان هم باید شروع کنیم. مردم به عمل ما نگاه می‌کنند. روحانی، آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان بدهد به زخارف دنیا بی‌اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیاداران و دنیامداران حاکم است، بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. روحانیت، در سایه پارسایی بود که این حیثیت و آبرو را پیدا کرد. این پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا و به زخارف، باید حفظ شود. البته بی‌اعتنایی، با برخورداری در حد متوسط، منافاتی ندارد. دنبال دنیا دویدن، هر چیزی را که از جلوه‌های زندگی مرفه و راحت و خوب و اشرافی و متجملانه است، خواستن و به دنبال آن بودن و برای آن تلاش کردن که اهل دنیا، لحظه به لحظه عمرشان در دنبال این چیزهاست دون شأن اهل علم و روحانی است. مردم باید این را از ما ببینند و احساس کنند.»<sup>۳</sup>

**۱۵۷ رهبری:** «من می‌خواهم این را به شما عرض بکنم که اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسئله، مسأله حفظ ارزشهاست؛ جا انداختن این‌ها در ذهنیت ملل دنیاست؛ حراست از آن‌ها در داخل جامعه اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل و تلاش و فداکاری و امید و آمادگی و علم و تقوا ممکن است. اگر در این مرحله از حالا به بعد، روحانیونی که متصدی و کمر بسته گسترش این تفکر الهی در سطح ذهنیت عالم هستند، دارای این خصوصیات باشند، این فکر پیش خواهد رفت. اگر خدای نکرده روحانیون، خسته و ملول و نومید و دل‌بسته شدند، از راحتی و آسودگی خشنود شدند، به آن عادت کردند، از خطر و سختی گریزان شدند، بار بر زمین خواهد ماند و این فکر پیش نخواهد رفت. البته چنین نخواهد شد.»<sup>۴</sup>

**۱۵۸ رهبری:** «آقایان علما! ما اگر امروز بخواهیم از اسلامی که با این اقتدار در صحنه سیاست دنیا ظاهر شده است، دفاع بکنیم، هر گروهی سهم و وظیفه‌ای دارند. آنچه که وظیفه ما معلمان است و آنچه که لازم است، این است که ما باید این جامعه و یا این حرکتی را که به سمت معنویت می‌رود، با معنویت منطقی و مستدل و صادقانه‌ی که از خود ما بروز می‌کند، تضمین کنیم. وظیفه امروز ما این است. در علم‌داران دین نباید چیزی مشاهده بشود که رایحه دوری از معنویت از آن استشمام گردد؛ و الا حرکتی که به سمت معنویت است، ضربه خواهد خورد. چیزی که از آن، بوی علاقه‌مندی به دنیا و زخارف آن و خودپرستی و منیت و تنازع برای امور دنیوی استشمام بشود، هم از جهت عملی و علمی و هم از جهت عمق بخشیدن به فکر دینی و اسلامی در مردم، ضربه وارد خواهد آورد.»<sup>۵</sup>

**۱۵۹ رهبری:** «امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوءاستفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هرکدام از این‌ها لطمه‌اش غیر قابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه روحانیت سرایت

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران (۲۳ مرداد ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱ فروردین ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۷۵)

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور، در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۲ اسفند ۱۳۶۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده (۵ آبان ۱۳۶۹)

<sup>۵</sup> سخنرانی در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران (۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۹)



می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.»<sup>۱</sup>

### ۱/۳. عدم تخلف از موازین

**۱۶۰** امام: «من برای روحانیت که نگهبان اصیل اسلام است نگران هستم و خوف آن دارم که کسانی که کفالت امری از امور کشور را دارند، خصوصاً دادگاهها و کمیته‌ها و دادستانها با رفتار بعضی از آنان و لو به واسطه عدم توجه به موازین اسلامی، وجهه روحانیت، این سنگر اسلام، پیش ملت مشوه بشود و با شایعه‌سازیها و تهمت‌ها از طرف مخالفین با اسلام یا با روحانیت، یک امر جزئی، چندین برابر به نمایش گذاشته شود. و متأسفانه بعضی از علما بی‌توجه به مسائل، به خیال پشتیبانی از اسلام تحت تأثیر شایعات واقع شده و یکسره به انتقاد از جمهوری اسلامی و از تمام دادگاهها و همه ارگانهای جمهوری اسلامی برخاسته و به دشمنان اسلام و قرآن کریم ناآگاهانه کمک و شریک جرم گروهکهای منحرف می‌شوند. این جانب جداً از رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور و انقلاب و شورای عالی قضایی می‌خواهم هیأتی مرکب از اشخاص عالم، مؤمن و متعهد تشکیل دهند تا دادگاههای کشور را رسیدگی نمایند و قضات غیر صالح و دادستانهای منحرف را کنار گذاشته، و اگر به مال و یا آبروی اشخاص تعدی نموده‌اند محاکمه نمایند. سستی در این امر مهم و مسامحه در آن، خطر عظیمی است برای جمهوری اسلامی که هر چه بگذرد، ناراحتی زیاد و خطر افزون می‌شود.»<sup>۲</sup>

**۱۶۱** امام: «شما آقایان تکلیف دارید که کارهایی که انجام می‌دهید، در تمام قشرهای روحانیت که در ملت هستند و مشغول خدمت هستند، کارها بر وفق موازین شرعیه باشد، هیچ تخلف از موازین شرعیه نشود تا بهانه به دست دشمن ندهد. این تکلیف شماست که تخلف از احکام اسلام نکنید، و ان شاء الله نمی‌کنید. و تکلیف ملت است که تبعیت از روحانیون بکند؛ و حرفها و تبلیغاتی که بر ضد روحانیت می‌شود گوش به آن ندهد.»<sup>۳</sup>

**۱۶۲** امام: «ملت این همه زحمت کشیده است که دین اسلام را برقرار کند در یک مملکتی که صدها سال و در این اخیر پنجاه سال کوشش شد به اینکه اسلام را کنار بگذارند؛ کوشش شد به اینکه روحانیت را کنار بگذارند و تضعیف کنند. ملت روحانیت را به تبع اسلام می‌خواهد. اگر - خدای نخواست - روحانی هم بر خلاف اسلام بکند، آن هم یک ساواکی است. فرقی نمی‌کند. بدتر از ساواکی هم هست.»<sup>۴</sup>

**۱۶۳** امام: «اگر خدای نخواست در قشر روحانی، چه آنهایی که در کمیته‌ها هستند، و چه آنهایی که در مدارس هستند، و چه آنهایی که در شهرستانها هستند، اگر خدای نخواست، یک کار اشتباهی واقع بشود، این طور نیست که بگویند فلان فرد این کار را کرده است، به جامعه روحانیت نسبت می‌دهند؛ می‌گویند آخوندها این طورند. آنهایی که غرض دارند، آنهایی که می‌خواهند روحانیت را بشکنند و اصل هدفشان اسلام است و می‌خواهند اسلام را بشکنند، و چون اینها را قشری می‌دانند که خدمتگزار اسلامند و اینها نگهدار اسلامند، به اینها حمله می‌کنند. اگر یک بهانه‌ای روحانیت دست اینها بدهد، اسباب این می‌شود که یک مطلب کوچک را بزرگ بکنند، آن هم اگر از یک نفر صادر شده باشد، به مطلق روحانیین نسبت بدهند. اگر در این کمیته‌های شما خدای نخواست، یک امری واقع بشود که بر خلاف موازین اسلامی است، می‌گویند که آخوندها کمیته‌ها را گرفته‌اند و مشغول کارهای مثلاً خلاف هستند، نمی‌گویند که

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظمای تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه محرم (۱۱ مرداد ۱۳۶۸)

<sup>۲</sup> پیام هفت ماده‌ای به ملت ایران، ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه، ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۸۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۶ خرداد ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۳۷۱)

فلان آدم این طوری است، می‌گویند روحانیت این طوری است. آنهایی که می‌خواهند بشکنند روحانیت را و نمی‌توانند ببینند که روحانیت مشغول اصلاح امور هستند، و دیده‌اند که تا کنون آنها بوده‌اند و هیچ کاری نتوانسته‌اند بکنند، حالا که روحانیت آمده‌اند، و سرتاسر ایران روحانی، و کسانی که بسته به روحانیت هستند، مثل پاسدارها و امثال اینها و کمیته‌ها و همه اینها، قشرهای فعال، این اشخاصی که روشنفکر غربزه هستند، چون دیدند آنها نتوانستند هیچ وقت یک کار مثبت صحیح بکنند، حزبها نتوانستند یک کاری انجام بدهند، حالا که این قشرهای اسلامی و روحانی، این قشرهایی که برای خدا بپاخاستند و جان خودشان را برای خدا دارند فدا می‌کنند، اینها دارند حفاظت از اسلام می‌کنند، اینها به واسطه اینکه برای خودشان یک کمبودی متوجه شدند، مشغول فعالیت شدند که این قشر را، چه روحانی، چه پاسدار، چه کمیته‌ها و چه سایرین بشکنند، که آن چیزی را که خودشان نتوانستند و اینها نتوانستند، اینها را ناتوان عرضه بکنند. امروز روحانیت و سایر قشرهای ملت مسئولند در مقابل خدا که حفظ کنند آبروی اسلام را، حفظ کنند آبروی انقلاب را. حفظ کنند آبروی نهضت را و این مسئولیت بزرگی است. خدمت شماها خدمت بزرگی است و مسئولیتتان بزرگتر، باید متوجه باشید.»<sup>۱</sup>

**۱۶۴** امام: «روحانیون که نماینده رسول خدا هستند در بین مردم، اگر خدای نخواست روحانیونی که مدعی این هستند که نماینده امام زمان الآن هستند در بین مردم، اگر خدای نخواست، از یکیشان یک چیزی صادر بشود که بر خلاف اسلام باشد، این طور نیست که فقط خودش را از بین برده، این حیثیت روحانیت را لکه‌دار کرده. این یک وظیفه بزرگی به عهده‌اش هست. روحانی همچو نیست که اگر یک خلافتی بکند، بگویند که زید این خلافت را کرده. خلافت روحانی، به اندازه‌ای که سعه شعاع نفوذش هست، خطایش خطای بزرگ هست. خطایی است که عفوش در درگاه خدا بسیار مشکل است. برای اینکه این نماینده، یعنی مدعی نمایندگی از طرف امام زمان - سلام الله علیه - و اسلام دارد. نماینده امام زمان اگر خدای نخواست یک قدمی کج بگذارد این اسباب این می‌شود که مردم به روحانیت بدبین بشوند. بدبین شدن به روحانیت و شکست روحانیت، شکست اسلام است. آن که حفظ کرده است تا حالا اسلام را، این طبقه بودند. و اگر در این طبقه شخصی، اشخاصی پیدا بشوند که بر خلاف مصالح اسلام خدای نخواست عمل بکنند، جرمی است که از آدمکشی بدتر است. جرمی است که از همه معاصی بدتر. برای اینکه جرم صادر می‌شود از کسی که آبروی یک روحانیت را از بین می‌برد. مردم را؛ آنهایی که غافل هستند از اسلام، گاهی وقتها برمی‌گرداند. این طور نیست که وارد شده است که - چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد می‌شود. برای اینکه عالم - به حسب ظاهر - نماینده امام است. و اگر خدای نخواست یک فسادی در او پیدا بشود، فاسد بشود، قشرهای ملت را فاسد می‌کند. گاهی عالم را فاسد می‌کند. و از آن طرف اگر صالح باشد، صالح می‌کند قشرهای ملت را. صالح می‌کند عالم را.»<sup>۲</sup>

**۱۶۵** امام: «راجع به خودمان؛ شما آقایان، و همه علمای اسلام، همه علمای ایران، الآن در یک وقت حساسی واقع شدید که اگر خدای نخواست از یکی از جوانهای شما یک کار خلاف ببینند، همین آدمهایی که نشستند آنجا و مواظبانند که مبدا اسلام پیروز بشود، همینها شروع می‌کنند به قلمفرسایی و شما را متهم می‌کنند به اینکه اینها این کاره‌اند. از آن روز تا حالا منطق اینها این است! از آن روز تا حالا ما گرفتار دیکتاتوری پهلوی بودیم، رژیم سلطنتی بودیم؛ از حالا به بعد گرفتار دیکتاتوری عبا و عمّامه هستیم. شمایی که تا حالا دیکتاتوری نکردید، همه عالم می‌دانند که شماها فشار به کسی نیاوردید که برو رأی بده، همه عالم می‌دانند که شما فشار به کسی نیاوردید که این آقا را برای مجلس مثلاً خبرگان تعیین کن، مردم آزاد رفتند تعیین کردند، حالا که این طوری است، و شما کاری انجام ندادید الا اینکه در هر دادگاهی یک قاضی روحانی هم بوده است و این مجرمین را - اینهایی که پنجاه سال این مردم را داغ کردند

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع فرماندهان کمیته‌ها، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۰۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع پاسداران، ۲۵ آذر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۰)



و پدر این مردم را درآوردند و جوانهای ما را کشتند و امر به کشتن کردند- این یک عده معدود را، این روحانی که در یک دادگاهی بوده نظارت کرده، یک حکم کرده است، حالا با اینکه یک همچو قصه‌ای بوده، اینها صدایشان درآمده»<sup>۱</sup>

**۱۹۶** امام: «چنانچه خدای نخواستہ از من و شما یک مطلب خلافی صادر بشود که روی موازین اسلام نباشد، در کمیته‌ها هستید، در دادگاهها هستید، در هر جا هستید، بین پاسدارها رئیس پاسدار هستید، همین از این مسائلی که الآن موجود است و باید هم باشد، اگر خدای نخواستہ از یکی از شما یک مطلبی را ببینند که بر خلاف موازین بود، اینهایی که غرض با شما دارند شروع می‌کنند به تاخت و تاز. و نه شما، روحانیت را، و نه روحانیت را، اسلام را متهم می‌کنند به اینکه جمهوری اسلامی هم همان رژیم شاهنشاهی است با عوض شدن لفظ! پس من و شما، همه ما و همه معممین و همه روحانیون، یک وظیفه شرعی الهی داریم برای حفظ حیثیت اسلام و حیثیت نهضت اسلامی، که غیر از قضیه این است که یک کسی بخواهد خودش آبروی خودش را از بین ببرد- آن هم برای جاز نیست، آن هم حرام است- لکن اگر یک مطلبی از من و شما صادر بشود که موجب این بشود که اینها روی اسلام حساب کنند، و عمل ما را پای اسلام حساب بکنند و پای مطلق روحانیون حساب بکنند، اگر یک همچو کاری بشود، ما اسباب این شدیم که اسلام را شکست دادیم؛ چهره اسلام را به جور مُنکر نمایش دادیم. و این یک مسئله مهمی است برای همه ما. من که یک طلبه هستم و شما که آقایان هستید، همه‌مان، در این امر شرکت داریم. مشترکیم در اینکه باید حفظ کنیم این آبروی اسلام را. و او به این است که قدمهای خودمان را متوجه باشیم کجا می‌گذاریم؛ کارها چه جور انجام می‌گیرد؛ قلمها چه جور به کار می‌افتند. خیال نکنید که امروز قضیه شما و من است، امروز قضیه اسلام است؛ یعنی ما در یک حالی الآن واقع هستیم، در یک وقت حساسی واقع هستیم، که امر دایر بین این است که- خدای نخواستہ، خدای نخواستہ، و نخواهد شد ان شاء اللہ- اسلام زیر پای ما دفن بشود و برود سراغ کارش، شما خیال نکنید اگر در این نهضت خدای نخواستہ روحانیت اسلام شکست بخورد، شکستی است که تا آخر دیگر شکست است»<sup>۲</sup>

**۱۹۷** امام: «شما چنانچه به وظایف روحانی، وظایف روحانیت عمل بکنید، قلوب مردم با شماست؛ مردم شما را می‌خواهند و اگر خدای نخواستہ یک خلافی از بعضی بشود، این قلبی که متوجه به شما شده است ممکن است خدای نخواستہ برگردد. برگشتن قلوب از شما، شکست روحانیت است؛ شکست روحانیت، شکست اسلام است. اسلام با این سد بزرگ روحانیت تا حالا محفوظ مانده اگر خدای نخواستہ این سد شکسته بشود، اسلام شکسته می‌شود. از این جهت، وظیفه بسیار بزرگ است. وظیفه بسیار بزرگی به عهده ماست»<sup>۳</sup>

**۱۹۸** امام: «این خطری است که، مصیبتی است که از همه مصیبتها بالاتر است. در کشتن سید الشهدا هیچ اشکال نبود برای اینکه مکتب را داشتند آنها از بین می‌بردند، و شهادت حضرت سید الشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، مکتب اسلام زنده شد؛ و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد... و سید الشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می‌کنند، با اسم خلافت اسلام خلافتکاری می‌کنند و ظلم می‌کنند و این منعکس می‌شود در دنیا که خلیفه رسول اللہ دارد این کارها را می‌کند، حضرت سید الشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند؛ و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. پس کشتن، شهادت سید الشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد؛ نفع داشت برای اسلام؛ اسلام را زنده کرد. اگر ما هم همه در این نهضتی که کرده بودیم، در این راهی که داشتیم می‌رفتیم برای مبارزه و معارزه، کشته می‌شدیم، آن هم اشکال نداشت؛ برای اینکه ما هم راهمان را رفته بودیم؛ کشته شده بودیم در راه اسلام. اسلام در خطر نبود؛ اسلام زنده تر می‌شد. اما حالا که دست ما افتاده است، حریف را بیرون کردید و خودتان قبضه کردید مملکت خودتان را، و خودتان دارید اداره می‌کنید و پاسدار هستید و آقایان هم پاسدار هستند. اگر در این وضع از ماها یک کار خلاف صادر بشود، خدای نخواستہ روحانیون در بلاد اختلاف با هم بکنند،

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون شرق تهران، ۵ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۴۴)

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۶)

معارضه با هم بکنند، پاسدارها با هم اختلاف بکنند، به هم تفنگ بکشند، کمیته‌ها خلاف بکنند، دادگاه‌ها درست رسیدگی نکنند، امروز نمی‌گویند که اگر یک آقای کاری بکند، بگویند ساواکی است؛ امروز می‌گویند روحانی است و روحانیین این‌اند. دیکتاتوری عمامه و کفش است! و مکتب ما آلوده می‌شود نه خودمان. خودمان مهم نیست؛ مکتبمان آلوده می‌شود. منعکس می‌کنند این اشخاصی که با کمال دقت کارهای ما را تحت نظر دارند، و با ما هم دشمن‌اند و با اسلام هم دشمن‌اند. نمی‌گویند که فلان آدم یک کار خلافی کرد؛ می‌گویند «رژیم هم الآن اسلامی شده و الآن هم اینها- همه- مدعی‌اند که ما پاسدار اسلام هستیم و ما نگهبان اسلام هستیم و روحانیون هم می‌گویند ما نگهدار اسلام هستیم، و این است وضعشان! پس معلوم شد که اسلام این طوری است!» این طور منعکس می‌کنند که «اسلام این است؛ و این آخوندها دروغ می‌گفتند که اسلام مکتب مترقی است؛ این است!»<sup>۱</sup>

**۱۶۹ امام:** «اگر یکوقت نامه عمل یک روحانی را بردند و [به] امام زمان- سلام الله علیه- دادند و آن ملائکه الهی که بردند دادند گفتند که این هم روحانی شماست، اینها هم پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد، «نعوذ بالله» او علاقه دارد به شما. شما ببینید اگر این آقا خودشان خیلی منزّه است از پسرشان یک [خلاف] صادر بشود، خودشان سرافکننده می‌شوند. اگر از خادمشان یک [خلاف] صادر بشود، خودشان سرافکننده می‌شوند. ما همه خادم هستیم. از ما توقع هست. از شما توقع هست.»<sup>۲</sup>

**۱۷۰ امام:** «اگر امروز جامعه روحانیت در سرتاسر کشور ما، چه روحانیینی که اشتغال به یک عملی داشته باشند از اعمالی که در جمهوری اسلامی لازم است و چه آنهایی که اشتغال ندارند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه علمایی که در غیر این دو شغل هستند و در بین مردم برای ارشاد هستند، و چه وعاظ محترم، اینها الآن اسلام سپرده به اینهاست.»<sup>۳</sup>

**۱۷۱ امام:** «من یک مطلبی را باید بگویم به همه ملت ایران و به همه روحانیین ایران: من خوف این را دارم که بعضی از این معممینی که در بین روحانیون، خودشان را جا زده‌اند و خرابکاری دارند می‌کنند، در بعضی از جاهایی که اینها یک چیزی دستشان آمده است، من خوف این را دارم که اینها چهره اسلام را برگردانند از آن که هست. من به روحانیین ایران می‌گویم به اینکه، این اشخاصی که خودشان را جا زدند یا رفتند در کمیته یا رفتند در کجا، این اشخاص را شما به مردم معرفی کنید که اینها ربطی به ما ندارند. یک وقت ما می‌فهمیم که سر تا ته ایران کمیته امام درست شده. این امام کیست که کمیته [اش] درست شده است؟ چه اطلاعی از این دارد؟ ما بی‌اطلاع بودیم. هر که خودش خواسته یک کاری بکند با اسم فلان.»<sup>۴</sup>

**۱۷۲ امام:** «شاید گاهی شما یا مردم خیال بکنند که من اگر از روحانیت طرفداری می‌کنم برای این است که من هم یک معمم هستم و این گروه‌گرایی است. و من کراراً گفتم که من با هر که معمم است و اسم خودش را روحانی گذاشته است موافق نیستم. و من کراراً گفتم که روحانی که بر خلاف مسلک روحانیت و اسلام عمل بکند و توطئه‌گر باشد این از ساواکی بدتر است. برای اینکه ساواکی، ساواکی است و این ساواکی به صورت معمم، و لباس روحانیت پوشیده است. قضیه این نیست که من بگویم هر که عمامه سرش هست، این مورد تأیید است. خیر، من از بسیاریشان متنفرم، و بسیاریشان را هم اعتقاد به آنها ندارم. و کراراً هم گفتم که اینجایی که دادگاه هست، آنجایی که مثلاً کمیته‌ها هستند، باید مواظب باشند که اگر یک روحانی بر خلاف [عمل] کرد، خودش را شکایت کنند و همان روحانی را هم بیاورند محاکمه کنند. لکن مسأله این نیست که با روحانی بد، اینها بدند. مسأله این است که با آن روحانی که جلوی انگلستان

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه، ۱۳ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۲۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع هیأت بحرینی و روحانیون کردستان، ۱۲ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷۱)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهای خراسان، باختران، فارس و ...، ۲۱ خرداد ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۹۲)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اعضای شورای اسلامی کارگران و پرسنل ارتش، ۴ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۴۶۸)



را در زمان میرزای شیرازی گرفته و جلوی استبداد را در زمان مشروطه گرفته است، و جلوی انگلستان را در زمان مرحوم آقا میرزا محمد تقی گرفته است، و جلوی ابرقدرتها را گرفته است، با این مخالفاند.»<sup>۱</sup>

**۱۷۳** امام: «این خطاب من به همه علما و تمام روحانیون به کلمه عام و به همه ملت است. اگر با هوشیاری و با توجه کامل و تفکر کامل توجه نکنند به این توطئه، این موجب این می‌شود که ملت و روحانیت از هم جدا بشوند، و روحانیت نتواند آن کاری که به عهده اوست انجام بدهد. و چنانچه یقوتی آنها فرصت کنند، از همین معنا، از جدا شدن ملت از روحانیت استفاده کنند و کارهای سابق را اعاده کنند، همان نقشه‌ای که من خوب یادم هست که در زمان رضا خان بود، و آن نمایش دادن روحانیت به یک صورت غیر صحیح و جدا کردن مردم از روحانیت. در اوایل زمان رضا خان که قدرتش مستقر شد، یکی از اموری که او انجام داد همین بود که روحانیت را در بین مردم - هی کم کم - می‌خواست از بین ببرد. از شوفرها شروع کرده بودند. در آن زمان شوفرها یک آلت دستی بودند که [یکی] از علما برای من نقل کرد - خدا رحمتش کند - که من در اراک بودم و می‌خواستم بیایم به تهران یا قم، اتومبیل به من اجاره نمی‌دادند. و آن شوفر گفت که ما به دو طایفه بنا داریم که اتومبیل کرایه ندهیم و آنها را سوار نکنیم: یکی فواحش و یکی معمم! این از دست شوفرها در آن زمان. حالا هم من نمی‌دانم چه جوری است که باز شوفرها را کشیدند در کار، با اینکه شوفرها حالا، غیر آن وقت هستند. البته حالا هم متعهدند اکثراً آن شاء الله، لکن بعضی از آنها شروع کردند. تبلیغاتی در آنها شده است. یک دسته بندی‌هایی شده است که حالا هم اهل علم را بعضی از شوفرها سوار نمی‌کنند. این همان توطئه‌ای است که از اول انگلیسها درست کرده بودند، و حالا هم عمال همه قدرتهایی که با شما مخالفند. شما یک توجه باید داشته باشید، و ملت هم یک توجه. توجه شما این است که از حدود وظایف شرعیه خودتان و روحانی خودتان تجاوز نکنید.»<sup>۲</sup>

**۱۷۴** امام: «و این کلمه را من بگویم، خدای متعال می‌داند که من نسبت به آخوندهای فاسد آن قدر شدید هستم که نسبت به سایر مردم نیستم. ساواکی پیش من محترمتر است از آخوند فاسد! و خدای متعال می‌داند این را که قضیه دادگاه ویژه اگر باشد، برای این نیست که دفاع باشد؛ برای این است که یک دسته اشخاص فاسد می‌خواهند اشخاص آبرومند را از بین ببرند؛ و اینکه آقایان طرح کردند که در محیط خود اینها باشد، برای اینکه خودشان هم می‌شناسند اینها را. و الا ما ابدأ نظر نداریم به اینکه اینها فرق داشته باشند با سایرین. نخیر، فرق دارند. فرق این است که شیطنت [و] ملعنتشان بیشتر از دیگران است. آن قدر صدمه‌ای که اسلام از یک آخوند فاسد می‌خورد از محمد رضا نمی‌خورد! در روایات هست که آخوند فاسد و ملأی فاسد در جهنم از بوی تعفنش اهل جهنم در عذاب هستند. در این دنیا هم از بوی تعفن بعضی از آخوندهای فاسد دنیا در عذاب است. ما طرفداری از عمامه نمی‌کنیم. ما طرفداری از اسلام می‌کنیم. این اسلام پیش شما باشد معظم هستید. پیش هر کس باشد معظم است. عمل نکردن به اسلام و خیانت کردن به اسلام [از] معمم باشد بدتر است از آن کسی که غیر معمم باشد؛ برای اینکه ضررش به اسلام بیشتر از دیگران است. اما قضیه اینکه یک مطلبی باشد نیست، می‌خواهند هم همان دادگاههای عمومی باشد. هیچ فرقی به حال ما ندارد.»<sup>۳</sup>

**۱۷۵** امام: «ما باید توجه به این معنا بکنیم که حیثیت روحانیت و حیثیت اسلام الآن بسته به کارهای ماست. اگر ما کارمان یک کار صحیح مطابق با قواعد اسلام باشد، هم حفظ روحانیت می‌شود، هم حفظ اسلام و اگر خدای نخواسته از ما ببینند که باز مخالفتها شروع شد و باز این بکش آن طرف و آن بکش آن طرف و این کمیته چه بکن، آن کمیته چه، یک همچو مسائلی اگر از ماها دیدند؟ روحانیت حیثیتش را از دست می‌دهد، و با از دست دادن روحانیت حیثیت خود را، اسلام عقب‌نشینی می‌کند. این که روحانیت را تا اینجا آورده همین طبقه بود، مردم هم تبع همینها هستند، الآن بسته به اعمال ماست، یعنی مسئولیتی که الآن به عهده ماست در این زمان بیش از مسئولیتی است که به روحانیت زمان طاغوت بود و بیش از مسئولیتی است که به روحانیت در زمانهای سابق بود، زمانهای سابق این طور مسائل اصلاً مطرح

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، ۲۶ آبان ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۵۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع اعضای سمینار دادگاههای انقلاب، ۲۰ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۷۸)

نبود، مردم بودند و روحانیت بود و احکام خدا. و اینها گاهی هم یک خان، یک جایی چه می‌کرده یا یک سلطانی یک جایی، اما این مسائلی که حالا طرح است نبوده اصلاً، حالا دنیا شده مثل یک عایله واحده، یک کلمه که اینجا گفته می‌شود فردا در همه ایران و آنجاها هم که موجهای رادیو و تلویزیون برود همه جا منعکس می‌شود؛ در همه دهات و قصبات، در همه خارج و داخل، منعکس می‌شود. ما اگر چنانچه به وظیفه اسلامی خودمان، روحانی خودمان عمل بکنیم، حیثیت روحانیت در یک همچو مقطع زمانی محفوظ می‌ماند و بیمه می‌شود. برای بعد هم اگر در این انقلاب، ما پیروزی معنوی پیدا بکنیم این پیروزی معنوی باقی می‌ماند و اگر خدای نخواستند در این انقلاب ما پیروزی نداشته باشیم و حیثیت خودمان را از دست بدهیم، باید دیگر کنار برویم و فاتحه روحانیت را بخوانیم و دنبال آن فاتحه اسلام برای مدت طولانی. از این جهت ما آن قدری که وظیفه داریم و آقایان وظیفه دارند باید کوشش کنند که هم خودشان را و هم آن کمیته‌هایی که در تحت نظارت آقایان هست و هم آن پاسدارهایی که در تحت نظارت آقایان هست کوشش کنند که همه اینها را به فرم اسلام درآورند، هر کس بیاید کمیته را ببیند، مثل اینکه در یک مسجد رفته و همه چیزش اسلامی است، هر کس پاسبان را ببیند، یک مرد مُسَلِّم متعهد ببیند، اگر ما بتوانیم یک همچو کاری بکنیم که این کمیته‌هایمان را و این پاسدارهایمان را بتوانیم تهذیب کنیم، بتوانیم تربیت بکنیم، نصیحت بکنیم و مواظبت از روحیات آنها بکنیم و اینها را خوب تربیت بکنیم، در این نهضت پیروزی و پیروزی ان شاء الله دائمی است و اسلام هم رو سفید- رو سفید که هست- روسفید در می‌آید از آب.»<sup>۱</sup>

**۱۷۶** امام: «مقصود من از این اطاله کلام این است- که عرض کنم که- همان طوری که مقام شما و پُست شما، یک پُست شرافتمند بزرگی است، مسئولیتتان هم یک مسئولیت بزرگی است. به همان اندازه که مقام شما بالاست، مسئولیتتان هم زیاد است. اگر یک وقتی مثلاً فرض بفرمایید یک کمیته‌ای تحت نظر بعضی از آقایان باشد و در آنجا یک شخص نابابی باشد و یک کاری انجام بدهد که بر خلاف باشد، آنهایی که می‌خواهند مناقشه کنند با ما، نمی‌گویند که یک شخص نابابی در این کمیته بود، آقا خودش خوب است اما آن شخص ناباب این کار را کرد؛ می‌گویند آخوندها این کار را کردند! آنها به آخوند نسبت می‌دهند نمی‌گویند که این کمیته این طور است؛ می‌گویند آخوند این طور است. حیثیت روحانیت، الآن بسته است به اعمال ما. همیشه بوده اما حالا بیشتر است.»<sup>۲</sup>

**۱۷۷** امام: «اگر چنانچه ما بهانه دست اینها بدهیم و اعمال ما بر خلاف دستور عمل روحانیت باشد، این پای مطلق روحانیت و پای اسلام تمام می‌شود. و لهذا یک مسئولیت بزرگ الآن ما گرفتار آن هستیم. یعنی همان قدری که شما شغلستان شریف است، به اندازه شرافت شغل مسئولیتتان زیاد است. همان طوری که انبیا شغلشان بزرگ بود، مسئولیتشان بزرگ بود، منتها آنها از زیر بار مسئولیت در می‌آمدند و می‌توانستند؛ و ماها باید جدیت کنیم که آن قدری که می‌توانیم توانایی خودمان را صرف کنیم در حفظ اسلام که الآن دست ما سپرده شده است. این امانت بزرگی که خدای تبارک و تعالی الآن به دست ما داده است، ما حفاظت کنیم این را.»<sup>۳</sup>

**۱۷۸** امام: «همان طوری که در طبقه روحانیون، که آنها پاسدار اسلام و احکام اسلام هستند، اگر خدای نخواستند یک ملبس به لباس روحانیون یک کار خلاف بکند، این فرق دارد با اشخاص عادی؛ برای اینکه پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانیت هستند، به لباس پاسداری از قرآن و سنت هستند. اگر خدای نخواستند از اینها یکوقت اشتباه، خطایی حاصل بشود، فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل بشود. و لهذا شما جوانها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه‌تان زیاد و شغلستان شریف. شغل شغل شریف؛ برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریفی است؛ و مسئولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنید این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم، ما هم بگوییم ما روحانی هستیم، شما هم بگویید ما پاسدار، و خدای

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۲۲ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۱۰)

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۵)

نخواستہ به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یکوقت خدای نخواستہ نکنیم. باید همان طوری که مدعی هستیم ما که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم، باید خودمان ابتداءً مرزمان همان مرز اسلام باشد، راهمان همان راه مستقیم اسلام باشد؛ تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود. اگر فرض بفرمایید که مردم هم مطلع نشوند که ما بر خلاف داریم عمل می‌کنیم، خدا که می‌داند؛ در محضر خداست. در پیشگاه خدا ما نمی‌توانیم آن وقت ادعا کنیم که ما پاسدار هستیم. برای اینکه ما که خودمان بر خلاف موازین اسلام خدای نخواستہ عمل بکنیم، بعد بخواهیم ادعا کنیم که ما نگهبان اسلام هستیم، کسی که خودش بر خلاف اسلام عمل می‌کند نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم؛ یک کسی که خودش دزد است نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم، من پاسبان هستم. پاسبان وقتی دزد باشد پاسبان نیست؛ دزد است. پاسدار خدای نخواستہ اگر بر خلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست. این یک آدمی است که بر خلاف اسلام است.»<sup>۱</sup>

**۱۷۹ امام:** «بالتر از همه طبقه روحانیون هستند که باید بسیار با توجه - حالا غیر سابق است؛ سابق روحانیون نمی‌توانستند کاری بکنند. اگر کاری هم می‌کردند، می‌گفتند که این ساواکی است. اگر یک معمومی یک کار خلافی می‌کرد، مردم می‌گفتند این ساواکی است؛ این از خدمه - مثلاً - ظلمه است. امروز که همچہ چیزی نمی‌شود گفت. جبران ناپذیر بودن شکست مکتب امروز اگر خدای نخواستہ یک نفر روحانی - که نمی‌کند او؛ یک نفر صورت روحانی بیاید در بینشان واقع بشود یا در کمیته‌ها برود و یک خلافی بکند، امروز دیگر نمی‌گویند ساواکی است، امروز می‌گویند روحانی است دارد این کار را می‌کند. دیروز ساواکی این کار را می‌کرد، امروز روحانی این کار را می‌کند.»<sup>۲</sup>

**۱۸۰ امام:** «این مسأله مهم است. و آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسأله، مسأله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواستہ بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل می‌کند، بازاری باید اعتراض کند؛ عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ، می‌خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آن وقت هم باید بگیرند، اما حالا کار مهم است. حالا اساس، اساس وجهه اسلام است.»<sup>۳</sup>

#### ۱/۴. تهذیب نفس، مراعات تقوای الهی و اخلاص در عمل

**۱۸۱ امام:** «قدرت طلبی در هر که باشد، این اسباب این می‌شود که زمین بخورد. قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است؛ می‌خواهد رئیس جمهور امریکا قدرت طلبی کند یا یک طلبه‌ای در مدرسه بخواهد قدرت طلبی بکند یا یک امام جمعه‌ای در مرکزی که دارد.»<sup>۴</sup>

**۱۸۲ رهبری:** «اولاً فساد، روحانی و غیر روحانی ندارد. اگر روحانیون فاسد شوند، ضرر فسادشان بیشتر است و من حرف این دوست محترمان را تأیید می‌کنم که اگر روحانیون خدای نکرده به فساد گرایش پیدا کنند، ضررشان بیشتر از دیگران است.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع پرسنل سپاه پاسداران همدان، ۴ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۷۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اهالی اردکان فارس، ۳ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۷۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج، ۸ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۵)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۴۹)

<sup>۵</sup> بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (۲۲ اسفند ۱۳۷۹)



**۱۸۳** امام: «اول کار این است که ما خودمان را تهذیب کنیم؛ به طوری که ما وقتی که اسم خودمان را «روحانی» گذاشتیم؛ الهی باشیم، روحانی باشیم. عرضه بکنیم خودمان را به دنیا، بگوییم که ما اشخاصی هستیم که روحانی هستیم و مربی جامعه هستیم. اگر از مربی جامعه خدای نخواستہ یقوت - یک چیز خلاف دیدند خوب، چه خواهد شد؟ این خواهد شد که خدای نخواستہ اگر زیاد شد، خوب روحانیت شکست می‌خورد. شکست روحانیت، شکست اسلام است. یعنی آنی که اسلام را تا اینجا آورده است روحانین بوده‌اند. آنی که اسلام را، همه احکام اسلام را ضبط کرد و جمع کرد و ترویج کرد همین قشر روحانی است. اگر خدای نخواستہ از ما یک چیز خلافی ببینند، کم کم زیاد و زیاد، یقوت به آنجا برسد که مردم ما را بر خلاف مسیر اسلام ببینند و به ما پشت بکنند. آن روزی که مردم به شما پشت کردند و خدای نخواستہ - خدا نیاورد یک همچو روزی را - آن روز است که اسلام از دست ما خواهد رفت. بنا بر این، یک تکلیف الهی بزرگ معیناً بر هر یک از ماست. نه من تنها؛ نه آقای تنها؛ نه شما تنها؛ یک تکلیف الهی به طور وجوب عینی بر همه افراد ما طلبه‌ها و روحانین است و آن حفظ خودمان؛ که یقوت قدم خلاف نگذاریم؛ و حفظ کسانی که با ما رابطه دارند. هر کس به اندازه خودش؛ یکی امام جماعت است آن جمعیت را، یعنی آقای یک شهر است به همان مقداری که هست. یکی طلبه است و توی مدرسه است، با آنهایی که تماس دارد. همه ما الآن موظفیم در این زمانی که ما مدعی هستیم که می‌خواهیم آن رژیم نباشد و یک رژیم روحانی، یک رژیم انسانی، یک رژیم اسلامی باشد. اگر در این وقت که ما این ادعا را داریم که ما آن رژیم را کنار گذاشته‌ایم و می‌خواهیم اسلام را بیاوریم روی کار، اسلام را هم ماها باید معرفی‌اش بکنیم، اگر در یک همچو مقطع از زمانی، خدای نخواستہ ملت از ما یک چیزی دید که نباید ببیند، یک مسائلی دید که نباید باشد، این اسباب این می‌شود که روحانیت شکست بخورد. با شکست روحانیت، اسلام شکست خورده است. این تکلیفی است که بر همه ماست، و هر کدام باید هم شخص خودمان را و هم شعاعی که داریم تربیت بکنیم.»<sup>۱</sup>

**۱۸۴** رهبری: «مبلّغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. اینکه مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیش‌گام باشند، مردم پاسخ مثبت می‌دهند و اجابت می‌کنند و جمع می‌شوند و عمل می‌کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زی، به خاطر عمل اخیار و نیکانی که قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه ارزشمندی محسوب می‌شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می‌دهند و عملاً برای مردم ثابت می‌کنند، کار هدایت آن‌ها را آسان می‌سازند. مردم، راه خدا را پیدا می‌کنند. این، برای کسی که بتواند مردم را به راه خدا بکشاند، چقدر اجر و ثواب دارد! این، متوقف به عمل و صدق در گفتار است. در تأثیر خارجی کارها نیز همین‌طور است. انسان اگر صادق باشد، حرف و کار و راه او، در عالم واقع و خارج برکت پیدا می‌کند. صدق یک ملت و یک امت، می‌تواند آن‌ها را در میدانهای گوناگون پیروز کند. امام بزرگوار ما در راه خود صادق بودند که توانستند ایمان مردم را جلب کنند و مردم نیز صادق بودند که توانستند نهضت را به اینجا برسانند، و الا اگر آن صدق و صفا و ایمان نمی‌بود، این نهضت محکوم به شکست می‌شد. امیر المؤمنین علیه الصلّٰة و السّلام فرمود: «فلما رأى الله صدقنا انزل بعدونا الكبت و انزل علينا النصر...»<sup>۲</sup>

**۱۸۵** رهبری: «جوهر کار در میان ما روحانیت شیعه، یک جوهر ویژه است. احساس تکلیف الهی، بیشتر موجب می‌شود که کسی اقدام به تبلیغ کند. نه اینکه انگیزه‌های مادی وجود ندارد، یا مثلاً وظیفه الهی با بعضی انگیزه‌های مادی برای مبلّغ منافات دارد؛ این‌طور نیست. نفس اینکه یک نفر روحانی با اختیار خود به امر تبلیغ اقدام می‌کند و اگر

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع طلاب حوزه علمیه، ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۴)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۷ دی ۱۳۷۴)

اهل اخلاص و تقرب به خدا و توجه به منافع معنوی تبلیغ باشد، جلو او میدان کار باز می‌شود، مهم است. این فرصت قابل توجهی است که در اختیار ماست.»<sup>۱</sup>

**۱۸۶** امام: «روحانیون امروز هم اگر در هر جا وارد بشوند این طور نیست که بخواهند یک سلطه‌ای پیدا کنند و مثلاً فرمانفرمایی بکنند. شما ملاحظه می‌کنید آن رئیس جمهور است، خوب مقام بالاتری دارد وضعیتش چه جور است؟ کیفیت سلوکش چه جور است؟ زندگی‌اش چه جور است؟ رفت و آمدش چه جور است؟ نشست و برخاستش با مردم چه جور است؟ خوب، این مسئله‌ای است که مشاهده همه است. و آن رئیس مجلسش هست، و این آقا هم رئیس دیوان عالی کشورش هست. همه اینها را شما مشاهده می‌کنید. این نیست که اینها در خارج یک جور، که آنها یک وضعی دارند که شما می‌بینید، همان وضعی که در زمان طلبگی خودشان داشتند همان وضع را هم حالا دارند. منتها حالا یک خدمت وسیعتری انجام می‌دهند. آن وقت یک خدمتهایی به معنویت نزدیکتر انجام می‌دادند. ما نباید خیال بکنیم و کسی خیال بکند که روحانیت در اینجا یک چیزی پیدا کرده و دنبالش دارد می‌گیرد که هی زیادش کند. اینها با رنج و زحمت اینجا می‌آیند.»<sup>۲</sup>

**۱۸۷** رهبری: «روحانیت خدمتگزار مردم است. نهادی کم‌توقع، کم‌نصیب و کم‌سهم از دنیا است. بنایی بر دنیا و هدف دنیا ندارد. البته در بین روحانیون، افراد بد، ناباب و خائن بوده‌اند. امروز هم هستند، نه اینکه نیستند. ما هم از افراد نابابی که در روحانیت هستند، خبر داریم. بعضی از آنها، دلها را خون کردند. دل امام و نیکان خود را خون کردند. اما این نباید موجب شود که سازمان و تشکیلات روحانیت زیر سؤال برود. عناصر ناباب در روحانیت، اغلب کسانی هستند که از راه صحیح و روحانیت منحرف شده‌اند، و الا روحانیتی که در راه مستقیم امام بزرگوار حرکت می‌کرده، بحمد الله خوب است.»<sup>۳</sup>

**۱۸۸** امام: «ما ادعا می‌کنیم که ما روحانیون مسلم هستیم. ما اول باید از خودمان مایه بگذاریم. بیخود [دائماً] نگوئیم ما خوب و دیگران بد. مایی که دعوی این را داریم که ما هستیم که اسلام را می‌خواهیم ترویج کنیم، اسلام را می‌خواهیم تقویت کنیم، علاقه به اسلام داریم، احکام اسلام پیش ماست، ما باید احکام اسلام را پخش بکنیم. مایی که این مسائل را داریم می‌گوییم و خودمان هم به صورت یک نفر آدمی که به اسلام به همه معنا ایمان آورده است و قبول دارد همه چیزش را و یک آدم متقی صالح گذاشت، اگر، خدای نخواست در باطن بر خلاف این باشیم، منافق نیستیم؟ همان ابو سفیان منافق است؟ من و شما هم منافقیم. آن ایمانش را عرضه می‌کرد و نداشت. شما هم کمال ایمانتان را عرضه می‌دارید. بگویید مسلمان هستیم اما منافقید. این مسلمان منافق در جهات دیگر. اینها هیچ کدام هم مهم نیست. مهم این است که اسلام دست ما آمده است. امانت خداست دست ما آمده است. این امانت را باید به آن طوری که هست بدهیم به اعقاب خودمان. عرضه کنیم این اسلام را به آن طوری که واقع اسلام است به دنیا. و خودمان جوری نکنیم که این اسلام را یک طور دیگری نمایشش بدهیم به غیر. آن طوری که هست نمایشش بدهیم. این دیگر فرق نمی‌کند بین آن بچه طلبه و طلبه ناری که تازه تو مدرسه رفته است یا شما آقایان که از علما هستید و در مساجد هستید یا سایرین، هیچ فرقی ما بین آنها نیست. منتها شما آقایان که بزرگتر و بالاتر هستید، مسئولیتتان بیشتر از امثال من طلبه است. اما همه مسئولند. مسئولیت کم و زیاد دارد. به حسب اختلاف نفوس، اختلاف سعه کلمه. کاری بکنید که اسلام از ما گله‌مند نباشد. قرآن کریم از ما گله‌مند نباشد، که آقایان که شما خودتان را می‌گفتید که ما مروج قرآن هستیم، مبین احکام قرآن هستیم، چرا خودتان یک کاری دارید می‌کنید یا کردید که اسلام یک جور دیگر جلوه کند پیش مردم.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع قضات شورای عالی قضایی و دیوان عالی کشور، ۱۹ دی ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۲۸)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان (۱۰ آبان ۱۳۷۴)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه، ۱۰ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۵۰۲)



**۱۸۹ رهبری:** «ببینید دشمنان اسلام، این‌گونه با اسلام مواجهند. برای دفاع از اسلامی که این همه تأثیر و موج در دنیا انداخته و سلطه‌ها را سراسیمه کرده، و برای تبیین صحیح این اسلام، امروز باید روحانیت یک‌قدم بزرگ بردارد قدمی که مخصوص معارف و ذهنیات نیست و در علم و عمل یک حرکت عظیم ایجاد کند. ما نباید فقط به دانش و علم خودمان پردازیم؛ باید بیشتر از علم، به عمل خودمان هم پردازیم. پشتوانه، این است.»<sup>۱</sup>

**۱۹۰ رهبری:** «بزرگان و ائمه و معصومین ما، مواظب خودشان، خودسازیشان، نمازشان، ذکرشان، دعایشان، توجهات و توسلاتشان بودند؛ برای اینکه ضایع و خراب نشوند. ماها خراب می‌شویم. اگر مواظب خودتان نباشید، ضایع و خراب می‌شوید. این برادران عزیز روحانی، بایستی به این جهت توجه کنند.»<sup>۲</sup>

**۱۹۱ امام:** «باید علما فکر بکنند. باید محاسبه کنند خودشان را. یکی از چیزهایی که در منازل سیر هست محاسبه است که انسان آن وقتی که خلوت است بین خودش و خدا، خودش را به حساب بکشد. محاسبه کند خودش را که من در این راهی که دارم می‌روم چه کردم امروز، من چه کردم؟ محاسبه کنید خودتان را. هم محاسبه کنیم همه خودمان را و همه ملت، همه مسلمانها و در رأس علما. آن قدر مسئولیت که به عهده آقایان اهل علم است، به عهده دیگران نیست آن قدر. آنها اگر چنانچه خدای نخواستہ یک راهی بروند که راه خدا نباشد، چهره اسلام به دست آنها جور دیگر می‌شود. کاری بکنید که به عهده ما یک همچو مسئولیتی که هست، بتوانیم به آخر برسانیم. از خدا بخواهید که ماها از لغزش دور باشیم. خودتان بخواهید برای خودتان، و برای همه ملت. ملت بخواهد برای خودش، و برای علما دعا کنند که این طبقه لغزش پیدا نکنند که به لغزش آنها اسلام در خطر است. همه ما مکلفیم. همه مسئولیم و کُلُّکُمْ رَاعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ این برای همه است. لکن به عهده شما بیشتر است. شماها باید بیشتر رعایت بکنید. بیشتر در این پستی که هستید، که مسند اسلام است، بیشتر مراعات بکنید. بیشتر مردم را مراعات کنید. جامعه را بیشتر تربیت کنید و همه مسئولیم و همه مسئولید، و هر کس سعه نفوذش بیشتر است، مسئولیتش بیشتر است.»<sup>۳</sup>

**۱۹۲ رهبری:** «آن وقت، روحانیت با دو چیز، یکی با علم و یکی با زهدش توانست علی‌رغم خواست آنها، در دستگاه‌های مختلف و در دانشگاه که جایی برای ماها نبود و مظهر و مرکز تبلیغات ضد آخوندی بود نفوذ کند. در همین دانشگاه، بچه‌ها کلاس درس را تعطیل می‌کردند، تا پای درس فلان آخوند که نه پول و نه قدرت داشت و حتی رفتن پیش او، گاهی دردسر هم داشت بروند. با وجود این قضیه، حالا به جای انگلیس و رضا خان و محمد رضا، آقای با ریش و عمامه و هیکل و عنوان پیدا بشود و کار خلافی مرتکب گردد و این همه زحمات را بر باد بدهد. کاری که این‌گونه افراد انجام می‌دهند، از آن همه کارهایی که آنها کردند، خیلی موفق‌تر است! پس، اگر ما فرض کنیم، یک دست سیاسی وجود دارد که آخوندجماعت را به فساد و به رشوه‌خواری و به این چیزها بکشد، فرض خیلی دوری نکرده‌ایم.»<sup>۴</sup>

**۱۹۳ امام:** «اول کار این است که ما خودمان را تهذیب کنیم؛ به طوری که ما وقتی که اسم خودمان را «روحانی» گذاشتیم؛ الهی باشیم، روحانی باشیم. عرضه بکنیم خودمان را به دنیا، بگوییم که ما اشخاصی هستیم که روحانی هستیم و مربی جامعه هستیم. اگر از مربی جامعه خدای نخواستہ یکوقت - یک چیز خلاف دیدند خوب، چه خواهد شد؟ این خواهد شد که خدای نخواستہ اگر زیاد شد، خوب روحانیت شکست می‌خورد. شکست روحانیت، شکست اسلام است. یعنی آنی که اسلام را تا اینجا آورده است روحانیت بوده‌اند. آنی که اسلام را، همه احکام اسلام را ضبط کرد و جمع کرد و ترویج کرد همین قشر روحانی است. اگر خدای نخواستہ از ما یک چیز خلافی ببینند، کم کم زیاد و زیاد، یکوقت به آنجا برسد که مردم ما را بر خلاف مسیر اسلام ببینند و به ما پشت بکنند. آن روزی که مردم به شما

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم (۲۰ تیر ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی (۱۰ دی ۱۳۶۹)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه، ۱۰ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۹۸)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با مسئولان دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت (۱۳ آبان ۱۳۶۹)

پشت کردند و خدای نخواستہ - خدا نیاورد یک همچو روزی را - آن روز است که اسلام از دست ما خواهد رفت. بنا بر این، یک تکلیف الهی بزرگ معیناً بر هر یک از ماست. نه من تنها؛ نه آقای تنها؛ نه شما تنها؛ یک تکلیف الهی به طور وجوب عینی بر همه افراد ما طلبه‌ها و روحانیین است و آن حفظ خودمان؛ که یکوقت قدم خلاف نگذاریم؛ و حفظ کسانی که با ما رابطه دارند. هر کس به اندازه خودش؛ یکی امام جماعت است آن جمعیت را، یعنی آقای یک شهر است به همان مقداری که هست. یکی طلبه است و توی مدرسه است، با آنهایی که تماس دارد. همه ما الآن موظفیم در این زمانی که ما مدعی هستیم که می‌خواهیم آن رژیم نباشد و یک رژیم روحانی، یک رژیم انسانی، یک رژیم اسلامی باشد. اگر در این وقت که ما این ادعا را داریم که ما آن رژیم را کنار گذاشته‌ایم و می‌خواهیم اسلام را بیاوریم روی کار، اسلام را هم ماها باید معرفی‌اش بکنیم، اگر در یک همچو مقطع از زمانی، خدای نخواستہ ملت از ما یک چیزی دید که نباید ببیند، یک مسائلی دید که نباید باشد، این اسباب این می‌شود که روحانیت شکست بخورد. با شکست روحانیت، اسلام شکست خورده است. این تکلیفی است که بر همه ماست، و هر کدام باید هم شخص خودمان را و هم شعاعی که داریم تربیت بکنیم.»<sup>۱</sup>

**۱۹۴ رهبری:** «بزرگان و پیشروان و رهبران و علما و اندیشمندان و روشن‌فکران هم، هر جا که این اخلاص را به کار بگیرند و با اخلاص عمل کنند و برای خدا حرف بزنند و کار کنند، توفیق حتمی است. توفیق، به معنای تأثیر سخن در دلهاست. یعنی سخنی که صادقانه و برای خدا باشد، تأثیر خود را در دل‌های مستعد می‌گذارد و خدا این تأثیر را به او می‌دهد.»<sup>۲</sup>

**۱۹۵ رهبری:** «من توصیه‌ی به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی‌الله را برای طلاب واجبتر میدانم تا توصیه‌ی به علم، که مایه‌ی اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم میشود بی‌فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیر دینی - که نه فقط از این علم بهره‌ای نبردند و بهره‌ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است.»<sup>۳</sup>

**۱۹۶ امام:** «الآن ما همه در بوته امتحان گذاشته شدیم. قشرهای ملت - همه - از روحانیون گرفته است تا دانشگاهی، از نیروی هوایی گرفته است تا نیروی زمینی، و تا نیروی دریایی، بازارهای اسلام، سرحدات اسلام، عشایر ایران، همه ما الآن آزادیم و در تحت امتحان. خداوند ما را با این نعمت امتحان خواهد کرد. اگر ما آزادی را در مسیر خودش، برای صلاح ملت، برای صلاح اسلام، در خدمت کشور، از این آزادی استفاده کردیم، از امتحان درست بیرون آمده‌ایم؛ و اگر خدای نخواستہ آزادی را صرف کردیم بر خلاف مسیر ملت و اسلام، حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم، حالا که آزاد هستیم به زیردستان خودمان ظلم کنیم، حالا که آزاد هستیم بر خلاف نظامات اسلامی و بر خلاف نظامات ملی عمل کنیم، هرج و مرج بیا کنیم، چون آزاد هستیم تحت هیچ قاعده نباشیم، تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم، اگر این طور باشد، آزادی را صرف کردیم بر خلاف مسیر ملت و بر خلاف مسیر اسلام. توجه داشته باشید که از این امتحان آبرومند بیرون بیاییم. اگر من طلبه وقتی آزاد شدم، به رفقای خودم، به زیردست‌های خودم، به دوستان خودم تعدی کردم، بر خلاف مسیر نهضت عمل کردم، بر خلاف مسیر ملت عمل کردم، من به این آزادی که خدای تبارک و تعالی داده است خیانت کرده‌ام.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع طلاب حوزه علمیه، ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۴)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با میهمانان خارجی مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) (۱۶ خرداد ۱۳۶۹)

<sup>۳</sup> بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی (۲۰ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی و دریایی، ۱۱ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷)



**۱۹۷ رهبری:** «ما اگر اخلاص داشته باشیم، کارهامان پیش می‌رود. هم مسئولین در قوه‌ی مقننه، هم در قوه‌ی قضائیه، هم در مناصب روحانی، هم در مناصب نظامی - در مناصب گوناگون - آن چیزی که لازم است، این است که ما تکلیف را بشناسیم و برای خاطر تکلیفمان کار را انجام بدهیم؛ ملاحظات دیگر را مخلوط نکنیم.»<sup>۱</sup>

**۱۹۸ رهبری:** «عزیزان من! برادران من! فرزندان من! جوانان! طلاب دختر و پسر! اگر می‌خواهید مثل بوته‌ی گلی عطر شما فضا را معطر کند، اگر می‌خواهید معنویت مثل چشمه‌ای از شما سرازیر شود و بدون اجبار، بدون اکراه، تشنگان بنوشند و به سوی آن بشتابند، راهش این است: «فلیبدأ بتعلیم نفسه». این آیه‌ی شریفه‌ای که تلاوت کردند: «انما یخشی اللّٰه من عباده العلماء»، خشیت را یکی از خصوصیات علما قرار داده است. خب، علما خیلی خصوصیات دارند، اما خشیت را انتخاب کرده است. بعد از ذکر آیات الهی در کوه و دشت و صحرا و باغ و راغ که در آیات هست، می‌فرماید: «انما یخشی اللّٰه من عباده العلماء». خاصیت علم همین است که انسان را مشمول این نعمت بزرگ میکند، خشیت الهی بر دل انسان سایه می‌افکند؛ این را باید به دست بیاوریم.»<sup>۲</sup>

**۱۹۹ رهبری:** «خب، حالا کی مراقبت کند؟ چگونه مراقبت کنیم؟ جوابش این است که در درجه‌ی اول، مسئولان و زبندگان و برجستگان و روشنفکران و دانشمندان و علما و کسانی که محیط تأثیر دارند، از رفتارهای خودشان مراقبت کنند. همان طور که عرض کردیم، قدرت‌طلبی است، دنیاطلبی است، دنبال اختلاف رفتن است، جنجال درست کردن است، خلاف اخلاق حرکت کردن است.»<sup>۳</sup>

## ۱/۵. اهتمام به شغل روحانیت

**۲۰۰ امام:** «فرموده اعلیحضرت موافق است با آنچه از پیغمبر اسلام - صلی اللّٰه علیه و آله - به ما رسیده: إذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه؛ فمن لم یفعل. فعليه لعنة الله. البته شغل روحانی، ارشاد و هدایت ملت است.»<sup>۴</sup>

**۲۰۱ امام:** «توجه داشته باشید که آخوند شغلش بزرگترین شغلها و مسئولیتش بزرگترین مسئولیتهاست. یک شخص روحانی می‌تواند یک ملت را نجات بدهد؛ و یک شخص روحانی می‌تواند یک ملت را به تباهی بکشد. توجه داشته باشید که مبدا از آن اشخاص بشوید که یک ملت را به تباهی بکشید. از آن اشخاص باشید که یک ملت را به سعادت برسانید؛ یا شعاع شما در هر جا هست، آنها را به سعادت برساند. با ارشاد شما مردم هدایت بشوند. نکند که یکوقت با عمل شما، با قول شما، با رفتار شما، یک اعوجاجی در مردم پیدا بشود؛ یک انحرافی پیدا بشود. این انحراف برای شما ضررش زیاد است.»<sup>۵</sup>

**۲۰۲ امام:** «باید شما سخنگوی اسلام باشید، این شغل شماست و این شغل اگر واقعیتی داشته باشد، از همه شغلها بالاتر است؛ برای اینکه مقاصد اسلام با زبان شما ادا می‌شود، همه مقاصد اسلام؛ و مسئولیتش از همه چیز زیادتر است. اگر خدای نخواستہ یک نفر از کسانی که ادعای اهل منبری می‌کنند یا محرابی، یا در منبر می‌روند و یا در محراب، اگر چنانچه آن کسی که منبر می‌رود زبانش یک وقتی یک زبانی باشد که بر خلاف مسیر اسلام باشد، این غیر از یک آدم عادی است که توی دکانش یک خلافی می‌کند؛ یک کمفروشی می‌کند؛ این خطر، خطر به مکتب است. شماها سخنگوی اسلام هستید، اگر سخنگوی اسلام یک چیزی بگوید که با برنامه اسلام مخالف باشد، با مقاصد اسلام مخالف باشد، این مسئولیتش غیر از آن مسئولیتی است که یک نفر آدم عادی یک چیزی می‌گوید. یا باید این ادعا را

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان (۱۸ اسفند ۱۳۹۰)

<sup>۲</sup> بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی (۲۰ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۹ اسفند ۱۳۸۹)

<sup>۴</sup> تلگراف به محمد رضا پهلوی در اعتراض به عملکرد اسد الله علم، ۱۵ آبان ۱۳۴۱ (صحیفه نور، ج ۱، ص ۸۸)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب مدرسه ولی عصر تبریز، ۲ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۱)



نکنید و این شغل را قبول نکنید، یا اگر قبول کردید و این ادعا را کردید؛ باید سرش بایستید، همه‌مان، همه ما. الآن این لباسی - که الآن شعار است، لباس اسلام است، شعار است، لباس روحانیت است - که ما این لباس را پوشیدیم، به لوازم این لباس باید التزام پیدا بکنیم. دنبال این باشیم که شئون این لباس - که ما می‌گوییم لباس اسلام است - شئون این را باید حفظ بکنیم. اگر خدای نخواستہ ما شئون این را حفظ نکنیم، لباس، یک لباس غصبی است. ما قاچاق هستیم آن وقت! برای اینکه لباسی که باید یک فردی بیوشد که اسلامی باشد، ما این لباس را از او غصباً پوشیده‌ایم. باید ما فکر این مطلب باشیم»<sup>۱</sup>

## ۱/۶. آماده‌سازی خود برای خدمت

### ۱/۶/۱. کسب آگاهی‌های سیاسی و قدرت تحلیل

**۲۰۳ امام:** «از آن طرف، تبلیغات دامنه‌دار که طبقه روحانی را جدا کنند از مسائل روز. آن چنان تبلیغ کرده بودند که اوایلی که من - همان سال اول و دوم - آدمم به قم، در قم وضع جوری بود که یکی از روحانیون که رئیس بود، مورد طعن مردم بود، می‌گفتند: در منزلش روزنامه پیدا می‌شود! روزنامه پیدا شدن در منزل یک روحانی را نقصش می‌دانستند. فلان آخوند «سیاسی» است! طعن می‌زدند به اینکه فلان آخوند «سیاسی» است. جدا می‌کردند روحانیون را، محدودشان می‌کردند به همان مسائل شخصی؛ و از مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی همچو جدا می‌کردند، و تبلیغات همچو بود که یک آخوندی اگر چنانچه می‌خواست در این امور دخالت کند می‌ترسید از مردم»<sup>۲</sup>

**۲۰۴ رهبری:** «اینکه ما می‌گوییم روحانیون - حالا روحانیونی که درگیر کار سیاسی هم نیستند؛ روحانی است، مدرّس است، پیش‌نماز است، مشغول یک شأنی از شئون روحانی است - سیاسی باشند، یعنی چه؟ این، آن نکته اساسی است؛ یعنی قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد. من همیشه به دانشجویها و طلبه‌ها می‌گویم، به شما هم عرض می‌کنم، و این به همه روحانیت مربوط می‌شود: باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناحهای سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت دست شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد»<sup>۳</sup>

**۲۰۵ رهبری:** «در دوران پیش از پیروزی انقلاب، بنده در ایرانشهر تبعید بودم. در یکی از شهرهای هم‌جوار، چند نفر آشنا داشتیم که یکی از آنها راننده بود، یکی شغل آزاد داشت و بالاخره، اهل فرهنگ و معرفت، به معنای خاص کلمه نبودند. به حسب ظاهر، به آنها «عامی» اطلاق می‌شد. با این حال جزو «خواص» بودند. آنها مرتب برای دیدن ما به ایرانشهر می‌آمدند و از قضایای مذاکرات خود با روحانی شهرشان می‌گفتند. روحانی شهرشان هم آدم خوبی بود؛ منتها جزو «عوام» بود. ملاحظه می‌کنید! راننده کمپرسی جزو «خواص»، ولی روحانی و پیش‌نماز محترم جزو «عوام»! مثلاً آن روحانی می‌گفت: «چرا وقتی اسم پیغمبر می‌آید یک صلوات می‌فرستید، ولی اسم «آقا» که می‌آید، سه صلوات می‌فرستید؟!» نمی‌فهمید. راننده به او جواب می‌داد: «روزی که دیگر مبارزه‌ای نداشته باشیم؛ اسلام بر همه جا فائق شود؛ انقلاب پیروز شود؛ ما نه تنها سه صلوات، که یک صلوات هم نمی‌فرستیم! امروز این سه صلوات، مبارزه است!» راننده می‌فهمید، روحانی نمی‌فهمید!»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع و غاظ تهران، ۱۷ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۵۲۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع دانشجویان کاشان، ۳ مرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۴۳)

<sup>۳</sup> دیدار با روحانیون (۱۷ آبان ۱۳۸۵)

<sup>۴</sup> بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) (۲۰ خرداد ۱۳۷۵)



**۲۰۶ رهبری:** «اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجه‌اش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندی‌های امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم.»<sup>۱</sup>

**۲۰۷ رهبری:** «یک نکته‌ی دیگر این است که اساتید عزیز دانشگاه، هم با واقعیات و حقایق کشور، و هم با حقایق جهان باید آشنا باشند؛ این یک تلاشی را میطلبد. در همه‌ی حوزه‌های علمی، همین جور است. عالم معلمی که جماعتی از او استفاده میکنند، اگر به زمان خود عالم نباشد، دچار مشکلات خواهد شد. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس»؛ کسی که زمانه را می‌شناسد، یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را میداند و میفهمد جریانهای گوناگون جهانی کی‌هایند، کجايند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه میشوند، دچار اشتباه نمیشود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمیکند و دچار اشتباه نمیشود. این آشنائی، برای همه لازم است؛ برای روحانی هم لازم است، برای دانشگاهی هم لازم است؛ برای معلم حوزه هم لازم است، برای معلم دانشگاه هم لازم است؛ این یک چیز مهمی است. وقتی انسان جریانات گوناگون را می‌شناسد، میتواند پدیده‌ها را استنتاج کند، که این پدیده چیست، چه شد که این اتفاق افتاد، در تحلیل، دچار خطا و اشتباه نمیشود.»<sup>۲</sup>

**۲۰۸ رهبری:** «نظام اسلامی چیزی دارد که بمب و حمله خارجی و مانند آنها بر آن کارگر نیست؛ بلکه آن را مستحکم‌تر می‌کند و آن «مردم» است. نظام اسلامی مردم را دارد. تا مردم با نظام اسلامی‌اند؛ تا مردم اگر ببینند سر و صدایی است، پنجره‌ها را باز می‌کنند ببینند چه خبر است و اگر به وجود آنها احتیاج است بروند؛ تا جوانان به مسائل انقلاب، احساس حمیت می‌کنند؛ تا سیاست جزو زندگی مردم است؛ دانشگاه سیاسی است، بازار سیاسی است، جامعه روحانیت سیاسی است و همه و همه در مسائل سیاسی دخالت می‌کنند، نظر می‌دهند و تحلیل می‌کنند، کاری از امریکا و غیر امریکا و بمب اتم و تجهیزات و فناوری و پول و دلار و غیره برنخواهد آمد.»<sup>۳</sup>

## ۱/۶/۲. آموزش نظامی

**۲۰۹ رهبری:** «امام واقعاً دنیا را عوض کرد. روی آوردن روحانیون به آموزش نظامی، هنر امام بود. این قدرت خدا بود که به دست آن بزرگوار این کارها انجام گرفت. امروز همان‌طور که اشاره کردید آقای حاج شیخ علی‌پناه، یا آقای حاج شیخ جلال طاهر شمس، یا آقای مکارم و آقای آذری و آقای فاضل تفنگ به دستشان می‌گیرند و آموزش نظامی می‌بینند. این واقعاً همان «ان الله فی ایام دهرکم نفحات» است. این چندساله جزو همان نفحات است. این فرصت الهی است که خدای متعال پیش آورده و کمک کرده، تا ما بتوانیم از آن استفاده کنیم.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، به همراه نماینده ولی فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی (۲۰ تیر ۱۳۶۸)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها (۲ شهریور ۱۳۹۰)

<sup>۳</sup> بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶ - ۲۰ بهمن ۱۳۷۴)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با فرمانده و جمعی از روحانیون رزمی، تبلیغی تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق(ع) (۱۱ آذر ۱۳۷۰)



## ۲. خدمت روحانیت به مردم

### ۲/۱. تبلیغ، منبر و هدایت مردم

#### ۲/۱/۱. نیازسنجی و مخاطب‌شناسی

**۲۱۰ امام:** «علما و روحانیون ان شاء الله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز این‌گونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردمس بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم نوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.»<sup>۱</sup>

**۲۱۱ رهبری:** «تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استنفهامهای نسل جوان است؛ که این عمدتاً متوجه به روحانیت و حوزه‌های علمیه است. دائماً شبیهه القاء میکنند؛ باید به طور دائم و به‌روز پاسخ شبهه‌ها را داد.»<sup>۲</sup>

**۲۱۲ رهبری:** «امروز روحانیون در بخش‌های گوناگون حضور دارند، که در گذشته امکان حضور آنها نبود- مثل اداره‌ها، کارخانه‌ها، پادگان‌ها و دانشگاه‌ها- بنابراین باید متاع قابل‌عرضه‌ی آماده کرد و به این‌ها داد. خوشبختانه در معارف اسلامی ما متاع قابل‌عرضه‌ی ارزشمند دارای زاینده‌گی از لحاظ معرفتی، فراوان است. اگر کتابهای آقای مطهری مورد مطالعه و مذاقه قرار بگیرد، انبوهی از معارف را به ذهن و دل هر خواننده سرازیر می‌کند؛ این‌ها مهم و لازم است.»<sup>۳</sup>

**۲۱۳ رهبری:** «امروز حوزه‌های علمیه وظیفه هدایت قشرهای گوناگون را در سطوح مختلف بر عهده دارند. البته من اعتقاد دارم که تبلیغ سنتی ما- که مسجد و منبر و سخنرانی روبه‌روست- بدیل ندارد؛ این را باید حفظ کنیم. اینکه شما بنشینید با یک نفر روبه‌رو صحبت کنید؛ نگاه شما به او بیفتد، نگاه او به شما بیفتد و نفس گرم شما به او برسد، این چیز خیلی خوبی است؛ این را باید حفظ کنیم؛ لیکن این کافی نیست. امروز وسایل تبلیغ نوشتاری و گفتاری به قدری متنوع و زیاد است که اگر روحانیت دین از این قافله عقب بماند، قطعاً یک خسارت بزرگ تاریخی برای او پیش خواهد آمد.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه، ۲۹ تیر ۱۳۶۷ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۷۴)

<sup>۲</sup> بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم (۲۷ مهر ۱۳۸۹)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴)

<sup>۴</sup> همان



**رهبری:** «شبهات زیاد است. شما اگر در میان جوانان بروید، می‌بینید جوان خوب ما هم گاهی در ذهنش شبهه وجود دارد. ایرادی هم ندارد؛ شبهه به ذهن همه می‌آید؛ نباید به جوان ایراد گرفت که تو چرا شبهه داری. وقتی ذهن فعال و کارگر شد، شبهه به ذهن می‌آید. بر عهده ما طلبه‌هاست که این شبهه‌ها را با پیشگیری یا با درمان برطرف کنیم. چالش عمده امروز شما این است؛ چه کار می‌خواهید بکنید؟ خطاب من، هم به بزرگان حوزه‌هاست، هم به طلاب و فضایی جوان حوزه‌ها؛ چه کار می‌خواهید بکنید؟ درس را باید خواند. یقیناً مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه و درسهای خارج معمول سنتی ما لازم است. من قبلاً گفتم بی‌مایه فطیر است. علوم عقلی کلام و فلسفه حتماً لازم است؛ اما آیا اینها کافی هم هست؟ من به شما عرض می‌کنم: نه، کافی نیست. ما در برنامه‌های کاری خود باید جریان خلاق فکری را که در حوزه‌های ما بحمد الله از دوره قبل از ما شروع شده و تا حدودی اتساع هم پیدا کرده است، وسعت و عمق بیشتری بدهیم. کسی مثل مرحوم علامه طباطبایی رحمته در حوزه علمیه قم پیدا شد؛ ایشان، هم فقیه بود و هم اصولی؛ هم می‌توانست درس خارج فقه مفصلی بدهد؛ هم می‌توانست درس خارج اصول مفصلی ترتیب دهد و فضلا را جمع کند؛ اما او به کاری پرداخت که آن روز آن را لازم می‌دانست. بعد هم حوادث و وقایع شهادت داد بر اینکه اینها لازم است. او گفت من می‌بینم که دارند تفکرات و فلسفه کاذب مارکسیستی را در ذهنها جا می‌دهند؛ نمی‌شود با توضیح المسائل اینها را پاسخ دهیم؛ توضیح المسائل جای خودش را دارد؛ جواب این شبهه‌ها را با چیز دیگری باید داد. ایشان «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را نوشت. یکی از تربیت‌شده‌های او مرحوم شهید مطهری رحمته است. کاری که شهید مطهری کرد، امروز باید همه فضایی جوان درصدد باشند خود را برای آن آماده کنند؛ و اگر آماده هستند، اقدام کنند. شهید مطهری به عرصه ذهنیت جامعه نگاه کرد و عمده‌ترین سؤالات ذهنیت جامعه جوان و تحصیل‌کرده و روشن‌فکر کشور را بیرون کشید و آنها را با تفکر اسلامی و فلسفه اسلامی و منطق قرآنی منطبق کرد و پاسخ آنها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ از مسأله عدل الهی و قضا و قدر و علل گرایش به مادی‌گری بگیریید - که مسائل، بیشتر ذهنی و عقلی است - تا مسائل مربوط به زنان، تا مسائل مربوط به خدمات متقابل ایران و اسلام، که این هم تلاشی بود برای روشن کردن ذهنها. آن روز عده‌ی با گرایش ایران‌مداری می‌خواستند با اسلام مبارزه کنند؛ ایشان گفت نه، اسلام به ایران خدمت کرده؛ ایران هم به اسلام خدمت کرده. «خدمات متقابل ایران و اسلام» همانقدر ارزش دارد که کتاب «عدل الهی» شهید مطهری. مرحوم شهید مطهری نمونه یک شخصیت روحانی متناسب با زمان است که می‌تواند در چالش اول، کار درست بکند و اقدام بجا انجام دهد.»<sup>۱</sup>

**رهبری:** «روحانیون خوش‌فکر و دانشگاہیان مؤمن باید در مقابل ایمان جوانان احساس مسئولیت کنند.»<sup>۲</sup>

**رهبری:** «آشنایی با جریانهای فکری عالم، از جمله مقولاتی است که در حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ بدون آن، آنچه را که برای تبلیغ تصمیم می‌گیریم و عمل می‌کنیم، نمی‌توانیم اطمینان داشته باشیم که بجا واقع خواهد شد. اگر مخاطبان خودمان را انتخاب نکنیم و آنها را نشناسیم و جریانهای فکری محیط بر آنها را نشناسیم، ممکن است چیزی بگوییم که در ذهنشان قرار ندارد و مورد استفهام و استبصارشان نیست؛ یعنی کار بیهوده‌ای انجام داده‌ایم! مخاطبان را باید شناخت و آنها را انتخاب کرد. ای بسا کسانی می‌توانند با مخاطبان خاصی ارتباط بگیرند؛ کسان دیگری هم می‌توانند با مخاطبان دیگری ارتباط بگیرند. مخاطب را بایستی انتخاب کرد.»<sup>۳</sup>

**رهبری:** «مخاطبان و استفهامها و جریانهای فکری حاکم بر آنها را باید شناخت. امروز مباحث و شبهه‌های جدید و حرفهای تازه‌ای در دنیا مطرح است؛ بعضی از آنها هم دارای پایه‌های علمی یا شبه علمی است. آن کسی که می‌خواهد دین را تبلیغ کند، نظر دین را بیان کند، یا به تعبیری از دین دفاع کند همیشه هم دفاع نیست؛ گاهی تبیین

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان (۱۵ تیر ۱۳۸۳)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۰)

<sup>۳</sup> بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه (۲۸ شهریور ۱۳۷۸)

است او بایستی بداند که این جریانهای فکری و این حرفهای تازه در دنیا چیست. این شناخت، برای حوزه‌های ما لازم است.»<sup>۱</sup>

**۲۱۸ رهبری:** «آنچه من امروز می‌خواهم عرض کنم، تذکر مطلبی در باره چگونگی این تبلیغ است؛ بخصوص در برهه حاضر زمان و دوران کنونی انقلاب ما. آن نکته این است که در تبلیغ، باید دو چیز را با حد اکثر اهتمام، مورد توجه قرار داد: یکی گزینش مخاطب و یکی گزینش محتوای آن. مخاطب، ممکن است قشرهای مختلفی از مردم باشند. وقتی که انسان در جمعی مشغول صحبت می‌شود، اگر بداند که مخاطب او کیست و مخاطب خود را انتخاب کند و آن مخاطب را مورد نظر قرار دهد، طبعاً محتوا را هم به تبع انتخاب مخاطب، به تناسب نیاز او انتخاب خواهد کرد. پس این دو، مرتبط و متصل به یکدیگر است. در مورد انتخاب مخاطب، من می‌خواهم عرض کنم شاید لازم است که امروز، اکثریت نزدیک به همه مخاطبان منبرهای تبلیغی ما، جوانان باشند»<sup>۲</sup>

**۲۱۹ رهبری:** «این قدر که من به فضایی جوان و به علما توصیه می‌کنم که با نسل جوان تماس بگیرید، برای این است. با نسل جوان تماس بگیرید، سؤالیهای این‌ها را بخواهید، استفهامهای این‌ها را بشناسید، ببینید وقتی پای صحبت روحانی می‌نشینند، چه می‌طلبند؛ نه اینکه چه توقع دارند شما بگویید، بلکه چه توقع دارند برای آن‌ها تبیین شود. این شناختن نیازها، خیلی مهم است. از این بالاتر، نیازهای جماعت مردم است. گاهی یک نیاز تبلیغی در جامعه وجود دارد، آحاد هم به آن توجه ندارند؛ ولی شما می‌دانید که این نیاز هست. مثلاً شما تبلیغات دشمن را گوش کردید، دیدید که دشمن متمرکز و متوجه به چیست؛ می‌فهمید که باید این را مورد توجه قرار دهید و ازاله پلیدی و دفن تبلیغات کذب دشمن را بکنید؛ در حالی که ممکن است خود آن مخاطبان به آن توجه نداشته باشند. این می‌شود رفع نیاز.»<sup>۳</sup>

**۲۲۰ رهبری:** «اساس کار در بین علمای شیعه، عبارت از تبلیغ و رساندن حقایق دین است. البته این کار، سطوح مختلفی دارد: یک سطح، سطح عامه مردم است. سطح دیگر مربوط به کسانی است که تا حدودی از معرفت و آگاهی برخوردارند. یک سطح هم مربوط به زبندگان جامعه است؛ افرادی که اگرچه در علم دین آگاهی و معرفتی ندارند؛ ولی در رشته‌های علوم دیگر یا فنون مختلف زندگی، اشخاص برجسته‌ای محسوب می‌شوند و داری ذهن و قواد و هوش سرشار و تجربه و آگاهی و معرفتند. این‌ها هم جزو مخاطبین مبلّغین دین به شمار می‌آیند. این‌ها هم احتیاج دارند که برایشان دین بیان شود. پس در یک نگاه کلی، مبلّغ دین با قشرهای مختلفی مواجه است و فقط با طبقه عامی محض روبه‌رو نیست؛ بلکه با افرادی که تا حدود زیادی از معرفت و علم و دانش و تجربه برخوردار هستند نیز مواجه می‌شود. این مطلب قابل توجهی است که اساس و ملاک تصمیم‌گیری می‌شود.»<sup>۴</sup>

**۲۲۱ رهبری:** «مبلّغ دین، عالم انتخاب شده است و تبلیغ دین جزو وظایف علمای دین است. آیا می‌شد بگوییم که افراد غیر عالم، تبلیغ دین را انجام دهند؟ نه. تبلیغ دین وظیفه عالم است. کسانی که می‌خواهند تبلیغ دین کنند، باید از علم دین - در حدی که مورد نیاز آن‌هاست - برخوردار باشند. معنای این حرف، این است که مبلّغ دین باید در هر سطحی که مخاطبین خود را مشاهده می‌کند، برای بالا بردن آن‌ها از آن سطح، همت بگمارد و باقی ماندن مخاطبین خود را در یک نقطه، تحمل نکند. اساس کار تبلیغ، بر پیش بردن مخاطب است. باید آن‌ها را آگاه کرد و ترقی و رشد فکری داد و در جهت آگاهی دینی و تقرّب به پروردگار و کمالات نفسانی پیش برد؛ مثل شاگردی که انسان او را روز به روز تربیت می‌کند و پیش می‌برد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم (۲ اردیبهشت ۱۳۷۷)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان (۳ دی ۱۳۷۶)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۷ دی ۱۳۷۴)

<sup>۵</sup> همان



**۲۲۲ رهبری:** «آقایان محترم؛ روحانیون، علما و خطبای گرامی و زحمتکش و ارزشمند! امروز جوانان ما، با ذهن سیال خودشان سؤالهایی دارند. این سؤالها را نباید حمل بر ایرادگیری کنید. تا یک جوان سؤالی کرد، بگوییم: «آقا، ساکت!» گویا دارد کفر می‌گوید! جوان است. ذهن جوان، سیال است. افکار غلط و استدلالهای نادرست، امروز در همه جای دنیا با توجه به روابط صوتی و بصری‌ای که وجود دارد، گسترده است. جوان ما، برایش سؤال به وجود می‌آید. چه کسی باید این را برطرف کند؟ من و شما باید برطرف کنیم. اگر شما نروید و آن خلأ فکری را به شکل درست پُر نکنید، یا آن سؤال و اشکال را برطرف نکنید، کس دیگری می‌رود و به شکل غلط، جواب او را می‌گوید.»<sup>۱</sup>

**۲۲۳ رهبری:** «آن‌کس که فرضاً در دانشگاهها مشغول تبلیغ و کار مخصوص روحانی است یا در ارتش و یا در سپاه مشغول تلاش روحانی است، باید نیاز فکری آن مجموعه و مخاطبین خودش را هوشمندانه و زیرکانه بشناسد. باید ببیند مخاطب او چه عقده و ابهام و سؤالی در ذهن دارد؛ و لو به زبان نیاورد. باید عالمانه آن مشکل را حل کند. اگر می‌تواند، خودش حل کند و اگر نمی‌تواند پیش عالم‌تر از خودش برود و مشکل را حل کند. این‌گونه است که سطح علم بالا می‌رود. هرکس در هر جایی که مشغول است و لو مشاغلی که مستقیماً به کار علم و درس و تحصیل ارتباطی ندارد؛ مثل مشاغل قضائی باید به این مسائل توجه کند. البته مشاغل قضائی، عالمانه است؛ اما به کار تحصیل و پیشرفت علمی، به طور مستقیم ارتباطی ندارد. یکی قاضی است؛ حقوق‌دان اسلامی است؛ باید به دقت کار و تلاش کند تا حکم واقعی الهی را در مورد آن واقعه و حادثه بیابد.»<sup>۲</sup>

**۲۲۴ رهبری:** «یک طلبه‌ای بود، مشهد درس ما می‌آمد؛ بعد مدتی بود، نبود؛ او را توی درس نمی‌دیدم. بعد از مدتی او را دیدم، گفتم کجا بودی؟ گفت فلان جا - یکی از شهرهای دور استان خراسان - مشغول تبلیغ بودم. گفتم خب، بالاخره چی؟ گفت به نتیجه‌ای که رسیدم، این است که من هیچی برای این مردم یاد نگرفتم. گفت من هرچه بلدم، به درد اینها نمی‌خورد! خب، این مخاطب‌شناسی است. مخاطب را باید شناخت؛ روستائی، شهری، تحصیلم کرده.»<sup>۳</sup>

## ۲/۱/۲. ضرورت اهتمام به تبلیغ و فرصت‌های پیش رو

**۲۲۵ امام:** «با تشکر عمیق از علما و فضایی محترم حوزه علمیه قم، که در هر گرفتاری وظیفه الهی خود را انجام داده‌اند و در نقاط مختلف کشور بویژه در جبهه‌های جنگ تحمیلی و مناطق دورافتاده محروم و مراکز کارگری حضور یافته و شایستگی خویش و حوزه‌های دینی و علمی را به ثبوت رساندند، لکن نظر به حساسیت موقع و موقعیت آنان در اولویت دادن به امور تبلیغی، به نظر می‌رسد که فعالیت چشمگیرتر و دقت بیشتری برای این امر حیاتی اختصاص دهند، و علاوه بر اوقات تعطیل، در ایام اشتغال بخشی از اوقات شریف خود را در این امر صرف نمایند؛ و با انتخاب افراد شایسته به طور متناوب، نگذارند این پست حساس خالی بشود.»<sup>۴</sup>

**۲۲۶ رهبری:** «امروز دنیای اسلام بیش از گذشته احتیاج دارد به اینکه خود را با مبانی و حقایق اسلام، مانوس و نزدیک کند. امروز زمینه برای حرکت اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام فراهم است. امروز در مقابل فساد دنیای مادی غرب، فهم حقیقت توحید اسلامی برای ملت‌های مسلمان، دشوار نیست. امروز روزی است که باید علما و متفکران اسلام، حرکت و تلاش کنند تا دلها را با حقیقت اسلام آشنا نمایند؛ امت اسلامی را به زمینه تجدید حیات اسلامی که

<sup>۱</sup> بیانات در جمع علما، طلاب و روحانیان، در آستانه ماه «محرم» (۲۶ خرداد ۱۳۷۲)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار ائمه جماعات و روحانیون و مبلغین، در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۵ بهمن ۱۳۷۱)

<sup>۳</sup> بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی (۲۰ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۴</sup> پیام به شورای عالی تبلیغات اسلامی، ۱۲ تیر ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۷۰)



بحمد اللّٰه مقدمات آن فراهم شده و نمونه‌هایی از آن در اطراف عالم به وجود آمده است و نمونه بارزی از آن در این کشور، در میان ملت بزرگ ایران با تشکیل نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده است، نزدیک کنند.»<sup>۱</sup>

**۲۲۷ رهبری:** «آن عاملی که می‌تواند بشر را نجات بدهد، آن دست قدرتمند و معجزه‌گر، جز اسلام ناب و قرآن کریم و احکام مقدس آسمانی نیست. بشر حقیقتاً در سختی و بدبختی است. اکثریت انسانها مورد ظلمند. بخش اعظم طبیعت روی زمین، به انسانهای خبیث اختصاص پیدا می‌کند. عدل در دنیا نیست. علاوه بر اینکه عدل نیست، شعور به فقدان عدل هم نیست و مهم‌تر اینکه نجات‌بخش را هم که اسلام و قرآن و احکام الهی است کسی در دنیا درست نمی‌شناسد. با استنباط از بینش قرآنی، برحسب تکلیف و تحلیل تاریخی، اسلام باید ملت‌ها را نجات بدهد. اگر روزی این حرف‌ها، گنده‌گویی و میالغه و دور از ذهن به نظر می‌رسید، امروز دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی و با بیداری مسلمین در همه جا و با آشکار شدن ضعف ذاتی استکبار و قدرتهای جهانی، این حرف، حرف شگفت‌آوری نیست. ممکن است که طول بکشد، اما خواهد شد و ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی، زودتر از همه نجات خواهند یافت. پایگاه این حرکت آزادی‌بخش و نجات‌بخش جهانی هم، همین قبه الإسلام و مرکز حرکت الهی انقلاب اسلامی یعنی ایران است؛ لیکن بدون کمر بستگان روحانی، این کار ممکن نیست. اگر کسی خیال کند که به غیر از جامعه علمی روحانیت و جامعه علمی تشیع، کسی خواهد توانست قرآن و اسلام را علم کند و تبیین و تفهیم نماید و در دل‌ها ایمان و اعتقاد به وجود آورد، یا همین انقلاب به ثمر رسیده را در اینجا حفظ کند، اشتباه کرده است. این تصور، غلط است. روحانیت به عنوان خادم، نه به عنوان صاحب، لازم است. ما چه کسی هستیم که صاحب این معارف باشیم. ما می‌توانیم برای جوامع بشری، خادم و حامل فقه و واسطه العقد ذهن و واقعیت باشیم.»<sup>۲</sup>

**۲۲۸ رهبری:** «همه دستگاه‌های مسئول، چه دولتی و چه غیر دولتی، چه صدا و سیما، چه وزارتخانه‌های مربوط به جوانان آموزش و پرورش و آموزش عالی چه بخش‌های مربوط به ورزش، چه بخش‌های ویژه جوانان، چه بسیج، چه روحانیت و چه ارگانهای تبلیغ و ترویج دین، باید احساس کنند که در مقابل این نسل، در مقابل این جمعیت عظیم، در مقابل این همه استعداد و این همه انرژی متراکم مسئولند.»<sup>۳</sup>

**۲۲۹ رهبری:** «امروز بحمد اللّٰه این فرصت در کشور ما هست و دولتمردان «درد دین» دارند. بله؛ تبلیغات خارجی می‌خواهد این‌طور وانمود کند که مسئولان و متشخصان کشور یا بعضی از آن‌ها، به مسائل دینی کاری ندارند! نخیر؛ این‌طور نیست. بعضی از آن‌ها نمی‌فهمند، بعضیشان عمداً تعمیم می‌کنند؛ می‌خواهند این‌گونه تبلیغ کنند؛ می‌خواهند ذهن اشخاص را خراب کنند. امروز در کشور ما، مسئولان طراز اول کشور درد دین دارند؛ آنچه که از دین می‌فهمند، می‌خواهند آن را اجرا کنند. زمینه‌ها فراهم است؛ هرچند که رسانه‌های تبلیغی انصافاً قصور دارند. شما این رسانه تبلیغی خودتان را مغتنم بشمارید. البته همه آن‌ها هم وظیفه دارند خودشان را اصلاح کنند؛ لیکن شما این منبر تبلیغ و این پایگاه عظیم تبلیغ مسجد و حسینیه و زیر خیمه امام حسین علیه‌السلام را قدر بدانید. این چیز بسیار نافذ و مؤثر و مبارکی است. مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آن‌ها تعلیم دهید؛ آن‌ها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آن‌ها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود آن‌ها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مؤمنین و صالحین و مخلصین و عاملین را بشارت دهید؛ آن‌ها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می‌شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، دل‌ها روشن خواهد شد؛ آگاهی به وجود خواهد آمد؛ حرکت به وجود خواهد آمد؛ ایمان عمیق خواهد شد. مؤثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شبیخون نامردانه دشمن همین است؛ از این

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت هفدهم ربیع‌الاول (۳۱ خرداد ۱۳۷۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده (۵ آبان ۱۳۶۹)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران (۱ اردیبهشت ۱۳۷۹)

به شدت نگرانم. می‌خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش‌فکر، در محیط‌های مختلف در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه مقابل کار آن‌ها، همین کار و مجاهدت فی سبیل الله شماس است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «لم یکن منافسة فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام»<sup>۱</sup>

**۲۳۰ امام:** «شما آقایان روحانیون و همه روحانیونی که در کشور هستند، همه مکلفند به اینکه این نعمت خدا را، این عطیه الهی را حفظ کنند و شکر این نعمت را برآورند و شکر به این است که تبلیغ کنند. آنچه که سید الشهداء عمل کرد و آن ایده‌ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسأله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد»<sup>۲</sup>

**۲۳۱ رهبری:** «مسأله تبلیغ، یکی از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است و مخصوص یک دوره نیست. تبلیغ که از آن در قرآن به «بلاغ»، «بیان»، «تبیین» و از این قبیل تعبیر شده است، یکی از وظایف مقدس، وظیفه انبیا، وظیفه علما، وظیفه متفکران و دانایان و مصلحان است. تبلیغ، یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن آن حقایقی که اذهان و دل‌های مخاطبان که بدون آن، دچار خسارت خواهند شد. این است که ارزش تبلیغ را بالا می‌برد. تبلیغ، یک جنبه انسانی دارد. تبلیغی که اسلام به آن امر می‌کند و علمای اسلام و روحانیت شیعه، در طول تاریخ به آن پایبند بوده‌اند، وظیفه‌ای است که هم جنبه الهی دارد «لتبیننه للناس و لا تکتُمونه» هم جنبه انسانی دارد؛ چون دستگیری از دلها و ذهنها و انسان‌هایی است که دچار عدم علم، دچار شک و دچار جهالتند. به این وظیفه، باید با این چشم نگاه کرد»<sup>۳</sup>

**۲۳۲ رهبری:** «من مصرم که جامعه تبلیغی ما باید به تبلیغ به صورت یک کار اصلی و حقیقی و لازمه قطعی علم دین نگاه کند. جامعه علمی دینی - یعنی روحانیت - اولین وظیفه‌اش تبلیغ است. تبلیغ یک وظیفه درجه دوم مخصوص عده‌ای خاص از روحانیون نیست. شرایط و لوازم و نیازها و تلاش‌هایی احتیاج دارد. کسانی که اهل این کارند، باید دامن همت به کمر بزنند و آستینها را بالا کنند و این حرکت را انجام دهند. امروز نظام اسلامی، پشتیبان این‌گونه حرکت‌هاست. علمای محترم دین، ائمه محترم جماعات و آبرومندان محترم در هر جا که هستند، از این‌گونه حرکت حمایت کنند و آن را تأیید نمایند»<sup>۴</sup>

**۲۳۳ امام:** «و آن چیزی که الان بر شما آقایان اهل علم و طلاب محترم و فضلالی معظم - عَظَّمَ اللهُ أَجْرَهُم - ... هست این است که باید متفرق بشوید در بلاد، و مسائل ما را به بلاد تبلیغ بفرمایید. در بلاد، در آنجا‌های دورافتاده این مسائل را تبلیغ بکنید که این اختلافات رفع بشود و این اشتباهات برکنار برود»<sup>۵</sup>

**ر.ک. ۴۲۵ امام:** «و از مسائلی که باید عرض کنم این است که جبهه‌ها محتاج به روحانی هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند که روحانیون آنها را هدایت کنند، ارشاد کنند، اگر توطئه‌ای در کار هست آنها آن توطئه را خنثی کنند. در جبهه‌ها، در شهرهای مرزی احتیاج هست به روحانیون. برای خدا روحانیون به جبهه‌ها بروند، به شهرهای مرزی بروند و مردم را هدایت کنند»<sup>۶</sup>

**۲۳۴ رهبری:** «امروز علمایی که مشغول تحصیل علم دین و حقایق دینی هستند و نیز فضلالی حوزه‌ها و علمای شهرستانها توجه کنند که اولین وظیفه عالم دینی تبلیغ است و علم دین برای تبلیغ است. درست است که تربیت عالم

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم الحرام (۲۳ فروردین ۱۳۷۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان، ۲۵ مهر ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۷)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم (۲ اردیبهشت ۱۳۷۷)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۷ دی ۱۳۷۴)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۴)

<sup>۶</sup> سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ در آستانه ماه محرم، ۱۳ مهر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷۴)



و مبلغ، به بزرگان و متخصصینی احتیاج دارد که در نقطه‌ای بنشینند و شاگردان و طلبان از آن‌ها استفاده کنند و توقعی نیست که آن‌ها با طبقات مختلف مردم مواجه شوند. کار آن‌ها در واقع تربیت مبلغ و عالم و متخصص است - این در جای خود درست و قابل قبول است - لیکن وقتی انسان با نگاه کلی به علمای دین نگاه می‌کند، آن عده متخصص پرور، عده کمی خواهند بود.»<sup>۱</sup>

**۲۳۵ رهبری:** «یک مطلب این است که عزیزان من! علمای محترم! فضلالی گرامی! طلبه‌های جوان امیدهای آینده! بدانید امروز وظیفه‌ی روحانیت مضاعف است. اگر روحانیت همیشه یک باری بر دوش داشته است - بار تفهیم، تبیین، ابلاغ؛ «الذین یبلغون رسالات اللّٰه» - امروز این بار مضاعف است؛ چرا؟ برای دو جهت: یکی اینکه فرصت برای تبلیغ اسلام در دنیا - چه دنیای اسلام، چه دنیای غیر اسلام - به وجود آمده است، که حالا مختصراً عرض خواهم کرد. یکی هم به دلیل همین فرصت و از ترس اسلام، حملات نسبت به اسلام افزایش پیدا کرده است. پس وظیفه مضاعف میشود.»<sup>۲</sup>

### ۲/۱/۳. توجه به محتوای تبلیغی

**۲۳۶ رهبری:** «امروز کدام محتوا مهم است؟ ما باید چه چیزی را در منبر تبلیغ، برای مردم بیان کنیم؟ می‌توان در یک کلمه گفت: مباحثی که عقاید دینی آن‌ها را مستحکم و راسخ کند؛ لیکن همین جمله، قابل تفسیر و تبیین است. بعضی از عقاید دچار تزلزل و اضطراب نیست. آن‌کس که می‌خواهد مخاطب خود را هدایت کند، ابتدا باید ببیند آن بخش جهالت او و آن بخش آسیب‌پذیر ذهن او، کجاست. باید آن امواجی را که بر روی ذهن مخاطبین شما تلاش و کار می‌کند تا تخریب نماید، بشناسید، تا بدانید جوان، چه چیزی را احتیاج دارد که به او بگویید. طوری نباشد که دهها سؤال در ذهن مخاطب ما وجود داشته باشد و ما به جای پاسخگویی به آن سؤالات و استفسارها، یک مطلب دیگر را که اصلاً برای او مورد سؤال نیست، مطرح کنیم.»<sup>۳</sup>

**۲۳۷ رهبری:** «باید شماها آماده باشید. روحانیت اسلام باید آماده باشد. حرفهای سست به کنار برود؛ معارف منطقی و قوی و ریشه‌دار اسلام که از کتاب و سنت گرفته شده، از کلمات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام اتخاذ شده؛ مبانی مستحکم عقلی، عقل‌پسند و متناسب با نیازهای انسان و جامعه‌ی بشری مطرح شود؛ خواهید دید موج‌گرایش به اسلام بیشتر خواهد شد.»<sup>۴</sup>

### ۲/۱/۴. اهمیت منبر و تبلیغ چهره به چهره

**۲۳۸ رهبری:** «هجرت هفتگی روحانیون مستقر در مراکز نظامی و غیره، به روستاهای همسایه این مراکز از توصیه‌های پیشین من است که بر آن تأکید می‌ورزم. همچنین فراهم ساختن فضای مادی و معنوی برای اقامه نماز در بوستانها و گردشگاهها و نمایشگاهها و امثال آن.»<sup>۵</sup>

**۲۳۹ رهبری:** «چه نیکو است که از همه شهرهایی که در آن حوزه علمیه و طلاب علوم دینی حضور دارند، در همه شبهای جمعه گروههایی به روستاها اعزام شوند. شعار اول این پیام‌رسانان دین و معنویت، باید اقامه نماز باشد.»<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۷ دی ۱۳۷۴)

<sup>۲</sup> بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی (۲۰ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم (۲ اردیبهشت ۱۳۷۷)

<sup>۴</sup> بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی (۲۰ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۵</sup> پیام به اجلاس سراسری نماز (۱۵ شهریور ۱۳۸۰)

<sup>۶</sup> پیام به اجلاس نماز (۱۸ شهریور ۱۳۷۷)



**۲۴۰ رهبری:** «ما معمومین یک امتیاز داریم که تبلیغ رویاروی و چهره‌به‌چهره می‌کنیم. این یک کار بی‌نظیری است که هیچ‌چیزی جای این را نمی‌گیرد؛ منبر رفتن، با مردم حرف زدن. این، از سایر شیوه‌های تبلیغ، از جهاتی کارسازتر است. آن جهات هنری و غیره، آن‌ها هم در جای خود لازم است. اما این یک تأثیری دارد، یک خلئی را پر می‌کند که سایر دستگاه‌ها و شیوه‌های تبلیغی این اثر را ندارد. پس تبلیغ مهم است و امروز ابزار اساسی است. ما هم یکی از شیوه‌های مؤثر تبلیغ را در اختیار داریم»<sup>۱</sup>

**۲۴۱ رهبری:** «نقش روحانیت اصیل را جدی بگیریم. من بارها گفته‌ام که با همه این وسایل ارتباط جمعی‌ای که وجود دارد - البته روحانیت باید از همه این وسایل ارتباط جمعی استفاده کند؛ از اینترنت و تکنولوژیهای جدید ارتباطاتی باید همه روحانیت برای دین استفاده کند؛ همچنانی که از رادیو و تلویزیون و بقیه چیزها استفاده می‌کند - در عین حال، مسجد، جلسه مذهبی، نشست روی مردم، دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن، یک نقش بی‌بدیل دارد و هیچ‌چیزی جای این را نمی‌گیرد و این هم مال شماست.»<sup>۲</sup>

**۲۴۲ رهبری:** «من اینجا درصدد نیستم که اهمیت تبلیغ دین را برای شما بیان کنم؛ چون علی‌الظاهر این معنا برای شما روشن است و بر این معنا عازم هستید؛ لذا از این مقوله می‌گذریم. اجمالاً عرض می‌کنیم که تبلیغ دین به شکل سنتی، یعنی همین حضور روحانی در جمعهای مختلف مردم و استفاده از منبر دین و تبلیغ، یکی از مهم‌ترین ابزارها و نعمی است که خدای متعال در اختیار شما قرار داده است. برای خدا و در راه خدا، باید حد اکثر و بهترین استفاده را از آن بکنید.»<sup>۳</sup>

**۲۴۳ رهبری:** «اینکه انسانی روبه‌رو با مؤمنین در اجتماعات هر روزه یا هر شبه پیاپی بنشیند و برای آن‌ها با روشهایی که باید مورد توجه قرار گیرد به بیان معارف الهی را بپردازد، نصیحت کند، اخلاق فاضله را برای آن‌ها بشکافد، صراط مستقیم را در مقابلشان قرار دهد و آن را برایشان تبیین کند و میان گوینده و مخاطب، نفسها و نگاهها و دلها بر هم گره بخورد، این چیز بسیار بااهمیتی است. جامعه روحانیت و حوزه‌های مبارکه علمیّه نباید این را به هیچ قیمت از دست بدهند. البته همین‌طور هم هست؛ هم طلب و فضلا و عاملان تبلیغ در این راه قدر این تبلیغ را می‌دانند، هم بزرگان تا سطح عالی مراجع معظم به این سبک تبلیغ اهمیت می‌دهند و باید هم اهمیت بدهند؛ چون بسیار حائز اهمیت واقعی است.»<sup>۴</sup>

**۲۴۴ رهبری:** «روحانیون محترم و روشن‌فکران مؤمن، در این زمینه‌ها مسئولیتهای مضاعفی دارند. در شهری مثل کرج، با این جمعیت زیاد و با این همه جوان، باید مراکز تبلیغی، دینی به شکل مدرن و پرجاذبه و به صورت متعدد وجود داشته باشد و جوانان و نوجوانان مؤمن و علاقه‌مند بتوانند برطبق آن کشش و جاذبه‌ای که در سنین جوانی به طور طبیعی به سمت ارزشهای معنوی دارند، این احساس و این کشش را اشباع کنند. این وظیفه‌ای است که بر عهده مسئولان فرهنگی و روحانیون محترم و علمای مکرم و انجمنهای اسلامی مدارس و دستگاه‌های مختلف است.»<sup>۵</sup>

**۲۴۵ رهبری:** «الآن در کشور ما، شهرها و روستاهایی وجود دارد که محتاج عالم دینی است و علمای دینی باید به آنجاها بروند. البته بدون پیش شرط. چون بعضی به ما می‌گویند باید فلان امکانات، فلان تسهیلات، چه و چه، فراهم باشد تا ما برویم! ما نمی‌گوییم که احتیاج به امور مادی و شرایط زندگی نیست. البته که احتیاج هست. اما این را باید

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون (۲۲ آذر ۱۳۸۸)

<sup>۲</sup> دیدار با روحانیون (۱۷ آبان ۱۳۸۵)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم (۲ اردیبهشت ۱۳۷۷)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان (۳ دی ۱۳۷۶)

<sup>۵</sup> بیانات در اجتماع باشکوه مردم کرج (۲۴ مهر ۱۳۷۶)



جزو طلبات قهری دانست. خوب؛ این در همه جا وجود دارد. پس، نباید آن را به عنوان «پیش شرط» فرض کرد. باید راه بیفتند و باید همت گماشته شود.»<sup>۱</sup>

**۲۴۶ رهبری:** «هجرت به آنجا که باید هجرت کرد، یعنی نجسبیدن به یک مکان. شاید امروز مصداق این هجرت برای طلب علم دینی و فضلالی محترمی که در حوزه‌ها متمکن و مستقرند، این باشد که برای تبلیغ به اکناف بلاد اسلامی هجرت کنند.»<sup>۲</sup>

**۲۴۷ رهبری:** «در گذشته تصور غلطی در ذهن بعضی از ماها بود که بحمد الله بعدها مرتفع شد. ما خیال می‌کردیم که اگر کسی اهل علم و مجتهد است، نمی‌تواند اهل منبر یا روضه‌خوان باشد؛ این دو را در دو سطح مختلف مشاهده می‌کردیم. آن کسی که می‌خواهد این سه وظیفه را عهده‌دار بشود، چه بهتر است که در معارف دینی، در فقه اسلام، در علوم و فنون رایج در حوزه‌های علمیه که ملاک فهم احکام است در سطح بالا، بلکه اعلی باشد. منبر را با این چشم ببینیم. تأثیر نهاد منبر در جامعه ما، هنوز یک تأثیر بررسی نشده است. شما به جامعه ما نگاه کنید، ببینید جایی که منبری به نام ابی عبد الله علیه السلام نباشد، کجاست؟ از شهرهای بزرگ و مراکز پرجمعیت، تا دوردست‌ها، روستاها، حتی روستاهای کوچک و دورافتاده، دانشگاهها، میان دانشمندان، انجمنهای تحصیل‌کردگان علوم جدید، تا مردم دور از علوم و معارف جاری زمان در اقصا نقاط کشور، در کجا منبر ابی عبد الله علیه السلام نیست، که گوینده‌ی در موقعی از مواقع بر آن منبر نمی‌رود و سخنی نمی‌گوید؟ پس، کل جامعه ما به عنوان یک مجموعه با تفکر و عقیده شیعی، زیر چتر امام حسین علیه السلام است. البته مخصوص شیعیان هم نیست؛ در نقاط گوناگونی از عالم، غیر شیعه، بلکه غیر مسلمین هم به نحوی از انحاء از این بساط بهره‌ی می‌برند.»<sup>۳</sup>

**۲۴۸ رهبری:** «وظیفه اساسی روحانیت، هدایت مردم به سمت اهدافی است که قرآن کریم و نیز پیامبران در طول تاریخ نبوت، آن‌ها را ترسیم کردند و وسیله آن، انذار است. «لیکون للعالمین نذیرا»، «ان انذر قومک»، «انذرهم یوم الحسرة»؛ انذار و ترساندن. ما در موضع کسی که می‌خواهد میراث فخیم علمای دین در طول این هزار سال را حفظ کند و هدایت مردم را استمرار بدهد، باید به منقلب کردن دلها، روشن کردن ذهنها، تصحیح مسیرها و جهت‌گیریها، خالص کردن عملها و تحوّل درونی مردم به یک مؤمن واقعی با اخلاق حقیقی اسلامی، همت بگماریم. این، وظیفه اصلی ماست. این، همان انذار است. این مقصود بزرگ، به وسیله انذار انجام می‌گیرد.»<sup>۴</sup>

**۲۴۹ رهبری:** «سخنی که شما در جلسه، روی منبر به مردم می‌گویید، با حرفی که در رادیو به مردم گفته خواهد شد، فرق می‌کند؛ و لو خود شما آن حرف را بزنید. من بارها این نکته را گفته‌ام که در نشست و در چشم هم نگاه کردن و نفس و صدای همدیگر را شنیدن و حضور و گرمای وجود یکدیگر را لمس کردن میان مستمع و گوینده، اثری است که در پیام از راه دور، آن اثر نیست. ما معلمان، این را قدر بدانیم. بارها در جلسات اهل علم و وعاظ، این مطلب را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام این امتیاز که در جلسات مردم، چشم به چشم و روبه‌رویشان، با آن‌ها حرف می‌زنیم و نه فقط امواج صدای ما، بلکه وجودمان را حس می‌کنند، متعلق به ماست. این، چیز خیلی مغتنمی است و تأثیر مضاعفی دارد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در شروع درس «خارج فقه» (۲۰ شهریور ۱۳۷۳)  
<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم (۲۰ تیر ۱۳۷۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور، در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۲ اسفند ۱۳۶۹)

<sup>۵</sup> سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه محرم (۱۱ مرداد ۱۳۶۸)



**۲۵۰ رهبری:** «من خودم بارها به شورای انقلاب فرهنگی در دوره‌های مختلف گفتم که شما نمیتوانید خود را از متدین کردن مردم و وظیفه‌ای که در این راه دارید، برکنار نگه دارید. اینها مخالف بودند. آن جریانهای بد اخلاق مخالف بودند، میگفتند نه، این دین دولتی میشود. من معتقدم دولت در این زمینه وظیفه دارد، اما وظیفه دولت چیست؟ وظیفه دولت درست کردن عقاید مردم است؟ نه، وظیفه دولت زمینه‌سازی است؛ وظیفه عملیاتی و میدانی به عهده روحانیت است، به عهده زبندگان است، به عهده نخبگان حوزه و دانشگاه است. این وظیفه میدانی است.»<sup>۱</sup>

**۲۵۱ رهبری:** «آنچه می‌تواند ما را در مقابل تهاجم همه‌جانبه دشمنان در سطوح مختلف حفظ کند، همین فهرستی است که عرض کردم: تقویت ایمان، تقویت علم، تقویت فناوری، تسلط بر فنون روز، پیشاهنگ شدن در تولید علم، شکوفایی استعداد های آحاد ملت و جوانان در رشته‌های مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم طبیعی، چه انواع گوناگون علوم تجربی - همبستگی ملی و تقویت همدلی در میان مردم؛ این‌هاست که می‌تواند یک ملت را تقویت کند؛ می‌تواند هم دنیای خودشان را آباد کند، هم آن‌ها را از آسیب دشمنان محفوظ نگه دارد. این‌ها وسیله‌ای است برای حفظ و صیانت؛ ما باید این‌ها را دنبال کنیم و خود را متعهد به انجام آن بدانیم. روحانیت می‌تواند نقش ایفا کند؛ هم خودسازی درونی - خودسازی علمی و عملی - هم تشویق جوانان و آحاد مردم به حضور در همین میدان‌ها، و هم بالاتر از همه تقویت ایمان مردم؛ که این مهم‌ترین کاری است که ما معممین و روحانیون می‌توانیم انجام دهیم. تقویت ایمان هم بیش از زبان، عمل لازم دارد؛ البته زبان و شیوه‌های تبلیغ و روش‌های نو و محتوای عالی هم لازم دارد.»<sup>۲</sup>

**۲۵۲ رهبری:** «اشتغال و چالش اصلی روحانیت - که در ادوار مختلف، حوزه‌های علمیه و علمای ما با آن مواجه بودند - تبیین و تعلیم دین به معنای واسع کلمه بوده است؛ تعلیم فقه الله، فقه الدین. فقه فقط فروع نیست؛ فقه اکبر، توحید و معارف است؛ چیزهایی است که با غور در مسائل عقلی باید آن‌ها را به دست آورد و فهمید و با تهذیب نفس آن‌ها را صیقل داد. می‌خواستند دین را فراگیرند و آن را به مخاطبان خودشان تعلیم بدهند. تعلیم دین هم ابعادی دارد؛ یکی از ابعاد، رشد دادن فکر و عقل مردم است - که «و یتثروا لهم دفائن العقول» - یکی دیگر از آن ابعاد، رفع شبهات است. شبهات همیشه بوده، اما نوع شبهات متفاوت بوده است. در دوره‌های مختلف، علمای بزرگ ما را ملاحظه کنید؛ یکی از مسئولیتهای خودشان را این می‌دانستند که با شبهات مقابله کنند. مقابله هم یا به نحو پیشگیری است یا به نحو درمان. پیشگیری، بهتر از درمان است. اینکه کلام را تعلیم می‌دادند، فلسفه را تعلیم می‌دادند و شخصیتی مثل علامه حلی - که فقیه عالی‌قدری است - هم در کلام کتاب دارد، هم در فلسفه کتاب دارد، به خاطر این بود که با باور کردن عقلیت مخاطبان خودشان بتوانند از ورود یا جایگیر شدن شبهه‌ها در ذهن پیشگیری کنند. مخاطب آن‌ها - چه انسان معمولی یا طالب علم، یا شخص فرزانه و تحصیل‌کرده - در مقابل شبهه‌ی که به ذهن او می‌رسید یا دیگری به ذهن او وارد می‌کرد، در نمی‌ماند. کار دیگر هم این بود که شبهه را درمان کنند؛ اگر شبهه‌ی پیش می‌آمد، مجالس کلامی و بحث و پاسخ به سؤالات تشکیل دهند و کتاب بنویسند تا شبهه‌ها را برطرف کنند.»<sup>۳</sup>

**۲۵۳ رهبری:** «تکیه نظام اسلامی به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ایمان آن‌هاست؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند کرد؛ اما اگر پایه ایمان سست شد، این پشتیبانی و این دفاع به مرور از بین خواهد رفت. بنابراین چیزی که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نباید دست‌کم گرفت. علاج این کار، پیکار نظری است. یک حرکت علمی در این زمینه لازم است. البته ما دولت را از این مسئولیت برکنار نمی‌کنیم. خطاب و عتاب ما در طول این سالها تا امروز به وزارت ارشاد و دستگاه‌هایی که تبلیغات رسمی را بر عهده دارند، به خاطر همین جهت بوده است. بالاخره دولت یکی

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۲۵ شهریور ۱۳۸۹)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان (۱۵ تیر ۱۳۸۳)

از مهم‌ترین مسئولیتها را بر عهده دارد؛ کما اینکه صدا و سیما بخش مهمی از این مسئولیت را بر عهده دارد؛ کما اینکه همه دستگاه‌های هنری که به نظام اسلامی وابسته‌اند، مسئولند؛ لیکن مسئولیت‌های دولتی را نباید نافی مسئولیت‌های علما و حوزه‌های علمیه گرفت. بالاخره تولید و تبیین و تدوین فکر، کار حوزه‌های علمیه است و حوزه‌های علمیه باید در این زمینه وارد میدان شوند.<sup>۱</sup>

**۲۵۴ رهبری:** «در این سالهای متمادی، در درجه اول به‌وسیله امام بزرگوار ما و بعد بقیه دلسوزان و علاقه‌مندان و بزرگان و مراجع معظم تقلید و فضایی نامدار گفته شده و بر همه معلوم گردیده است که «تبلیغ» وظیفه اصلی روحانیون و علمای دین است. درس خواندن ما، فکر کردن ما، تحقیق کردن ما، یافتن نگینها و دُرهای ناب معارف اسلامی از گنجینه متون الهی، همه این کارهای ارزنده‌ای که وظیفه یکایک ماست، مقدمه تبلیغ دین خدا و تبلیغ حق است. تبلیغ، یعنی رساندن. اگر ما بتوانیم پیام خدا را به دلها منعکس کنیم و آن نور درخشان را به جانهای پاک بتابانیم، وظیفه بزرگ خودمان را انجام داده‌ایم. این همان وظیفه پیامبران است. حتی تشکیل حکومت اسلامی، جهاد فی سبیل الله، مبارزات بزرگی که علمای دین و اولیای دین و انبیای الهی انجام داده‌اند، به نحوی مقدمه برای این هدف است که حقایق الهی به دلهای پاک برسد. ببینید حقایق دین و حقایق الهی چقدر مهم و حائز اهمیت است! ما نباید این را دست کم بگیریم. اینکه بارها گفته می‌شود حقایق ناب را به مردم بدهیم، یا قبل از آن، حقایق ناب را خود ما کشف کنیم، برای این است.»<sup>۲</sup>

**۲۵۵ رهبری:** «اصلاح فرهنگ عمومی، از همه کارها مهم‌تر است؛ چون این کار، محور همه کارهای دیگر است. کتاب باید برای اصلاح فرهنگ عمومی منتشر شود. فیلم باید برای اصلاح فرهنگ عمومی ساخته شود. هنر باید در جهت فرهنگ عمومی هدایت شود. صدا و سیما، در همه برنامه‌هایش - چه هنری، چه خبری و چه گزارشی - دائماً باید در خدمت فرهنگ عمومی کار کند. علما و امامان جمعه و خطیبان و مبلغان و جامعه روحانیان محترم و معظم نیز - در هر بخشی که هستند - باید برای ترویج فرهنگ صحیح اسلامی تلاش کنند: عده‌ای تحلیل کنند، عده‌ای آیات الهی را بخوانند و عده‌ای کلمات معصومین را بیان کنند.»<sup>۳</sup>

**۲۵۶ رهبری:** «شما، روحانیون، باید کاری کنید که محبت شرکت‌کنندگان در مجالس مذکور، روز به روز نسبت به حسین بن علی علیه‌السلام، خاندان پیغمبر و مناشئ معرفت الهی، بیشتر شود. اگر شما خدای ناکرده، در مجالس مذکور وضعی را به وجود آورید که مستمع یا فرد بیرون از آن فضا، از لحاظ عاطفی به اهل بیت علیهم‌السلام نزدیک نشد، بلکه احساس دوری و بیزارگی کرد، نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگترین فواید خود شده، بلکه به یک معنا، مضر هم بوده است.»<sup>۴</sup>

**۲۵۷ رهبری:** «منبرهای جمعه را بایستی پُر جاذبه کرد و جوانان را به آن جذب نمود. از چیزهایی که منفرط‌طباع سالم است، بایستی پرهیز کرد. از چیزهایی که ایمانها را از روحانی سلب می‌کند، بایستی اجتناب کرد. یکی از وظایف عمده روحانیت، عبارت از این است که این ایمانها را حفظ کند؛ چون ایمان به روحانیت، همواره ملازم با ایمان به اصل دین بوده است. کمتر کسانی بوده‌اند که روحانیت را قبول نداشته باشند، اما یک اعتقاد درست و حسابی به اصل دین داشته باشند. بعضی ادعا کرده‌اند، ولی ما کمتر یافته‌ایم. مردم دین را از این طریق فهمیده‌اند. ایمان مردم به دین، باید همراه با ایمانشان به همین مجموعه باشد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان (۱۵ شهریور ۱۳۸۰)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۳ آذر ۱۳۷۷)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار وزیر و مسئولان «وزارت ارشاد» و اعضای «شوراهای فرهنگ عمومی کشور» (۱۹ تیر ۱۳۷۴)

<sup>۴</sup> بیانات در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» در آستانه ماه محرم (۱۷ خرداد ۱۳۷۳)

<sup>۵</sup> سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور (۲۵ شهریور ۱۳۷۰)



رهبری: «امروز مسئولیت روحانیت، مسئولیت عظیمی است. در دهها سال گذشته، بلکه در یکی، دو قرن گذشته، بحمد الله روحانیت در مواجهه با قضایای مهم بین‌المللی و مسائل مربوط به این کشور و بعضی کشورهای اسلامی دیگر، مواضع صحیحی اتخاذ کرده و تجربه افتخارآمیزی ارایه نموده است. از قبل از قضایای مشروطه در ایران بگیرید، تا قضایای جنگ اول جهانی در عراق و نیز جنگ دوم جهانی، تا حوادث انقلاب و بعد از انقلاب، همیشه مواضع روحانیت، مواضع صحیح، و عمل آن‌ها در آن سنگرها، عمل افتخارآمیزی بوده است. امروز هم تکلیف عظیمی با ما روبه‌روست؛ یعنی ارایه اسلام به صورتی که بتواند ذهنها و دل‌های مردم را اشباع و سیراب کند، استفهام آن‌ها را به‌درستی پاسخ بدهد، ایمان آن‌ها و حضورشان در این میدان را به صورت خالصانه و مخلصانه حفظ کند، تا این شاء الله کار و منش ما مورد عنایت ولی‌عصر<sup>علیه‌السلام</sup> قرار بگیرد و تأییدات و دعای آن بزرگوار شامل حال ما بشود.»<sup>۱</sup>

## ۲/۲. تربیت، پرورش و اصلاح جامعه

امام: «اگر روحانی، در یک محل یک روحانی متعهد باشد، آن محل را تصفیه می‌کند، و اگر در هر یک از بلاد چند نفر روحانی باشند که آنها آن طور که باید، آن طور که دستور اسلام است باشند، از باب اینکه مردم تبعیت از آنها می‌کنند، مردم هم اصلاح می‌شوند و با اصلاح مردم یک جامعه صحیح پیش می‌آید.»<sup>۲</sup>

رهبری: «امروز هرچه مجری در سطوح عالی گماشته می‌شود، از متدینان هستند. البته آن وقتی بهتر خواهد شد که تا سطوح پایین هم از متدینان گماشته بشوند؛ اما این از آن کارهای درازمدت است؛ چون این کار دیگر از آن کارهای دولتی نیست؛ این کار، کار روحانیت است؛ کار تبلیغ است؛ کار دین است که آدم‌ها را درست بسازد؛ و الا اگر فرض کنیم امروز بخواهیم جاهایی را که یقال آدم‌های غیر متصلب در دین هستند، از این افراد خالی کنیم، اصلاً معلوم نیست جای آن‌ها را از آن آدم‌های مورد نظر که آرمانی و غایت مطلوب هستند بشود پُر کرد. باید آدم ساخت؛ البته آدم‌سازی مشکل است. شما به خود حوزه نگاه کنید، ببینید طلبه‌سازی و آدم‌سازی و پرورش عنصر صالح برای کارهای گوناگون، چقدر دشوار است؛ در سطح جامعه از این هم سخت‌تر است.»<sup>۳</sup>

امام: «اگر بنا باشد که در دولت که می‌رویم تحول نشده باشد، پیش ملت که می‌رویم تحول نشده باشد، شما که کاروانها هستید تحول نشده باشد، شما که روحانی کاروان هستید تحول پیدا نکرده باشید، اگر این طور باشد، همان رژیم است و همان مسائل طاغوتی، منتها اسم را ما عوض کردیم. ما می‌خواهیم ان شاء الله مسمی عوض بشود. تغییر [داده] بشود، رژیم طاغوتی به همه محتوا به رژیم انسانی - اسلامی به همه محتوا. بسیار باید متوجه باشید. بسیار باید پاسبانی از خودتان بکنید. و این سفر را سفر الی الله حساب بکنید. و بدانید که با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش خدای تبارک و تعالی پیدا کنید؛ و ممکن است خدای نخواستہ سقوط پیدا کنید.»<sup>۴</sup>

رهبری: «انقلاب آن وقتی به صورت کامل تحقق پیدا می‌کند، که آحاد مردم حقیقتاً به مردم مسلمان و مؤمن تبدیل شوند. بخشی از اسلام، مربوط به عمل مردم است که نظام کلی اجتماعی و حرکت عمومی آن‌ها را تصویر و ترسیم می‌کند و آن‌ها را حرکت می‌دهد. بخش دیگر، مربوط به عقاید و کیفیات روحی و عمل شخصی مردم است. اگر انقلاب عظیم ما و نظام جمهوری اسلامی، با همه امکانات مادی و معنوی نتواند دل‌ها و خلقیات مردم و حقیقت وجود آن‌ها را، از آنچه که معلول تربیتهای غلط دیرین است، به مردم مسلمان متبدل کند، قطعاً موفق نشده و انقلاب واقع نگردیده است. انقلاب، انقلاب مردم است. انقلاب مناسبات اجتماعی و اقتصادی، فرع بر انقلاب مردم است. تا

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم (۲۰ تیر ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع فرهنگیان محلات، ۳ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۳۹۴)

<sup>۳</sup> بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع مدیران کاروانهای حج کل کشور، ۸ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۷۶)

مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادی و تغییر و تبدیل مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند. مردم در اول کار بحمد الله یک انقلاب روحی پیدا کردند که حرکت بسیار مهمی بود و نتیجه‌اش همینی شد که می‌بینیم. اگر آنچه که واقع شد، ادامه پیدا نکند و تعمیق نشود و تعمیم نیابد و نسلی که رو به وجود است و نسلهای بعدی را فرانگیرد و خدای نکرده اسم، اسلام و جمهوری اسلامی و حاکمیت منادیان اسلام باشد، اما واقع قضیه و متن زندگی مردم چیز دیگری باشد، این انقلاب قطعاً موفق نبوده و نیست. در آن صورت، از اینکه چنین چیزی پیش بیاید، به خدا پناه می‌بریم. نباید بگذاریم چنین چیزی رخ دهد. دشمن روی این نقطه کار می‌کند. تمام دستگاه‌ها و تمام افراد، بخصوص علمای اعلام و روحانیون، بایستی روی تربیت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبی و اخلاقی در آن‌ها، مخصوصاً در جوانان تلاش کنند.<sup>۱</sup>

**۲۶۳ امام:** «تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا و در مقابل راه انداختن نهضت‌های اسلامی، هیچ ملاحظه از کسی نکند. این آقا است این غیر آقا، این پدر است این پسر است، این رئیس است، این مرءوس است، ابداً این مسائل نباشد در کار. مسأله این باشد که این آیا به طریق اسلام دارد عمل می‌کند یا نه. به طریق اسلام عمل می‌کند، هر فردی باشد باید از او قدردانی کرد و تشویق کرد و محبت به او کرد. بر خلاف اسلام که باشد، هر فردی می‌خواهد باشد، یک روحانی عالیمقام باشد، یک آدمی باشد که مثلاً رأس باشد، یک سرکرده باشد، وقتی دیدند بر خلاف مسیر دارد عمل می‌کند، هر یک از افراد موظفند که به او بگویند که این خلاف است، جلوی او را بگیریم. همه ما الآن موظفیم به اینکه اعمالی که خودمان می‌کنیم یک اعمالی نباشد که چهره انقلاب ما را مَثُوه کند؛ غیر از آن طور که خدا می‌خواهد عرضه بکنیم.»<sup>۲</sup>

**۲۶۴ امام:** «روحانیت هم نقش دارد. در روحانیت هم ممکن است یک روحانی یک کشور را نجات بدهد و ممکن است یک روحانی یک کشور را به هلاکت برساند.»<sup>۳</sup>

**۲۶۵ امام:** «بر عهده کی است که جامعه را تهذیب کند؟ بر عهده علما، بر عهده دانشمندان، بر عهده اندیشمندان، بر عهده ائمه جمعه، بر عهده مدرسین، بر عهده علمای بلاد. همه باید بکنند، اما آن که خودش را به این زی درآورده و خودش را به صورت معلم، استاد، مدرس، فقیه، دانشمند و امثال اینها نمایش می‌دهد، این اگر بخواهد تهذیب کند جامعه را، اول از خودش باید شروع کند، و بعداً تکلیف دارد که جامعه خودش را تهذیب کند.»<sup>۴</sup>

**۲۶۶ امام:** «اگر طلاب و فضلا و علما و مراجع عظام و قشر دانشگاهی، از اساتید محترم و دانشجویان، و همچنین کلیه دانشمندان بخواهند کشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهانخواران نشود، باید در تربیت صحیح اسلامی، ملی، انقلابی ملت کوشش کنند؛ و نیز دانشجویان و طلاب با کوشش فراوان به راهنمایی‌های اساتید و معلمان و مربیان در ساختن خویش تلاش نمایند؛ و نیز در تحکیم وحدت به صورتی جدی بین دانشگاهها و مدارس علوم اسلامی کوشش نمایند.»<sup>۵</sup>

## ۲/۳. آبادسازی مساجد به عنوان پایگاه اسلام

**۲۶۷ امام:** «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ وَ اِیْنَ «رعی» برای شما بیشتر مطرح است؛ برای علما بیشتر مطرح است. همه‌مان مسئولیم. اگر فوج فوج از ما را بکشند، آن بعدیها باید بیایند جایش را بگیرند. اسلام است، اسلام را ما باید

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان (۱ اسفند ۱۳۶۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع پاسداران، ۲ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۱۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده پلیس، ۲۱ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۹۳)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه جمعه کل کشور، ۱۴ بهمن ۱۳۶۳ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۳۴)

<sup>۵</sup> پیام به ملت ایران در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۲۸)



همه‌مان فدایش بشویم. پیغمبر هم فدای اسلام شد. سید الشهداء هم فدای اسلام شد. اسلام بزرگترین چیزی است که ودیعه خداست در بشر. ما باید عزممان را مصمم کنیم که در این راه شهید بشویم و علما بیشتر. من از اول هم می‌دانستم که ما گرفتاری داریم؛ یعنی، اخیراً هی بیشتر واضح شد. البته اول اول شاید من هم غافل بودم. ما گرفتاری داریم، از این به بعد هم داریم. این مسجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام. در صدر اسلام، از این مسجدها همه چیز بیرون می‌رفت؛ مسجد محل قضاوت بود، مسجد محل چه بود، مسجد محل بسیج بود. بسیج سپاه بود، این مسجدها را باید شما محکم نگه دارید. نگویند به شما که دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؛ ما انقلاب کردیم؛ ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم. ما برای خدا انقلاب کردیم. شما، ملت ما انقلاب کرده است و از زبان ملت است که «جمهوری اسلامی». جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد. این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب محل حرب است. اینها سنگرند برای اسلام. حفظ کنید اینها را. گول نخورید از این اشخاصی که می‌خواهند بازی بدهند که: «آقا شما چکار دارید به این کارها، دارند خودشان می‌کنند!»،<sup>۱</sup>

**۲۶۸ رهبری:** «علمای دینی و فضایی که در بخشهای گوناگون دولتی به خدماتی اشتغال دارند، شایسته است که به عمران معنوی مساجدی که در آنها نماز جماعت اقامه نمی‌شود، بپردازند، امامت در مسجد را نیز وظیفه‌ای بزرگ بشمرند.»<sup>۲</sup>

**۲۶۹ امام:** «لکن فقاقت که اساس است سر جای خودش بود و باید باشد. و مسجدها [را] باید محکم آقایان بگیرند.»<sup>۳</sup>

**۲۷۰ رهبری:** «ما بارها، مکرر به آقایان ائمه جمعه، ائمه جماعت و روحانیون محترم در شهرستانها، در تهران توصیه کردیم که مساجد باید آباد باشد؛ صدای اذان باید از مساجد بلند شود. باید همه نشانه‌های توجه به نماز و اقامه نماز را در شهر اسلامی - بخصوص در شهرهایی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرها می‌شوند. نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما اینکه در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار باشد. صهیونیستها هر نقطه دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره داود را سعی کردند یک جور رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان این جور است. ما مسلمانها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم.»<sup>۴</sup>

**۲۷۱ امام:** «همه ما در پناه اسلام هر چه داریم هست. ما چیزی نیستیم خودمان، هر چه هست اسلام است. و ما در پناه اسلام اگر چیزی باشیم، هستیم. این اسلام را ما باید حفظش بکنیم و این اختلافات جزئی اگر باشد، در نظر توده مردم ممکن است که صحیح نباشد؛ و لو در نظر فرض کنید که زیدی که با عمرو اختلاف می‌کند، هر دویشان خودشان را مُحَقِّق می‌دانند. لکن باز هم که مُحَقِّق می‌دانند، چون انعکاسش در توده مردم یک انعکاس صحیحی نیست، ممکن است موجب این بشود که مردم از روحانیت یک قدری سرخورده بشوند و بگویند حالایی که دست اینها هم افتاده، همین است می‌بینید. دارند می‌گویند به ما اینها را؛ حالا هم که جمهوری اسلامی شده، اینها هم نتوانسته‌اند کاری بکنند؛ نمی‌توانند یک کاری انجام بدهند. در عین حالی که چنانچه روحانیت با هم باشند، همه کارها را خوب انجام می‌دهند، بهتر از دیگران انجام می‌دهند. برای اینکه اینها هر چه باشند علاقه به پُست خودشان دارند. هر چه باشند، هر امام جماعتی به مسجد خودش علاقه دارد و هر خطیبی به منبر خودش علاقه دارد، بالأخره علاقه هست، علاقه طبیعی هست. و می‌خواهیم اینها محفوظ بماند. محفوظ ماندن به این است که اسلام بین مردم قدرت داشته باشد. هر چه قدرت اسلام پیش مردم زیادتر باشد، مسجدها بهتر می‌شود و منبرها بهتر. یعنی اجتماع مسجد برای خداست و هر

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴)

<sup>۲</sup> پیام به اجلاس نماز (۱۸ شهریور ۱۳۷۷)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری نماز (۲۹ آبان ۱۳۸۷)

چه قدرت الهی، البته قدرت الهی هست، لکن هر چه قدرت احکام الهی در یک منطقه‌ای بیشتر باشد، مساجد آبادتر است و هر چه این قدرت احکام بیشتر باشد، منابر رواجش بیشتر است. ما اگر اهل رواج مسجد و منبر هم باشیم، باید آن پشتیبان خودمان را، آن پشتوانه خودمان را - که عبارت از اسلام است - با کمال دقت حفظش بکنیم، نگذاریم که این قلمهای مسمومی که الآن بر ضد اسلام قلم فرسایی می‌خواهند بکنند، یا می‌کنند در خارج، در داخل، نگذاریم بهانه پیدا بشود برایشان»<sup>۱</sup>

**۲۷۲ رهبری:** «ما باید صبحها و ظهرها و شبها برویم و با مردم نماز بخوانیم؛ این اولی‌ترین و ضروری‌ترین کار ما در مساجد است. چرا باید در این شهر با این عظمت، با این همه هیاهوهای گوناگون از اطراف و اکناف، نغمه اذان در همه جای شهر شنیده نشود؟! اذان، علامت مسلمانی است. چه کسی گفته باید در پشت بام مساجد یا در مساجد بزرگ و عمده، حتی در سحرها ظهر و شب که جای خود را دارد از طریق بلندگو اذان نگویند؟ وقت اذان که می‌شود، باید تهران یکسره صدای اذان باشد. مگر اینجا قبة الإسلام نیست؟ مگر ما این حرف را نمی‌گوییم؟ اینکه ظهر بشود، از ظهر یک ساعت هم بگذرد، کسی در خیابان راه برود، اما احساس نکند که ظهر شده است، آیا این قضیه با آن ادعا می‌سازد؟! اگر ما مساجد را گرم نگه نداریم، در مساجد حضور نداشته باشیم و در حد توان و امکان یک روحانی و پیش‌نماز به مسجد نرسیم، چطور می‌توانیم توقع کنیم که به هنگام اذان ظهر مردم دکان‌هاشان را ببندند و بیایند پشت سر ما نماز بخوانند؟! ما باید آنجا باشیم تا زمینه برای آمدن مردم فراهم بشود. البته آمدن مردم هم تبلیغات و گفتن می‌خواهد؛ اما زمینه و مقتضی آن، عبارت از حضور ما در آنجاست، که متأسفانه ضعیف شده است؛ ما باید این‌ها را علاج کنیم»<sup>۲</sup>

**۲۷۳ رهبری:** «ما باید برای مساجد برنامه‌ریزی کنیم. غیر از خود علما و روحانیون و ائمه جماعات، چه کسی باید برنامه‌ریزی کند؟ من نمی‌گویم حتماً بیاییم در مساجد از وسایل و دستگاه‌های تبلیغاتی جدید مثل فیلم و این‌طور چیزها استفاده کنیم حالا اگر در موردی امام جماعتی مصلحت دانست، بحث دیگری است اما من عرض می‌کنم که همان شیوه گذشته را هم می‌توان با محتوای بهتر ادامه داد؛ این کار را باید بکنیم»<sup>۳</sup>

**۲۷۴ رهبری:** «تکلیف دیگری که ناشی از انقلاب است، این است که ما باید آبروی انقلاب را حفظ کنیم. من یک‌وقت در صحبتی، ماجرای را نقل کردم؛ نمی‌دانم شما آقایان شنیده‌اید یا نه. مولوی در مثنوی قضیه‌ی را نقل می‌کند و می‌گوید در یک شهر کافر نشین، محله مسلمان‌نشین بود. دختری از خانواده مسیحی، عشق اسلام در دلش افتاد و عاشق اسلام شد. او خواست مسلمان بشود، اما پدر و مادر مانع بودند. به پدر و مادر و خانواده اعتنایی نمی‌کرد و به کلیسا هم دیگر نمی‌رفت. پدر مسیحی، ماند که در کار این دختر چه بکند. مؤذن مسلمانی، تازه به آن محل آمده بود و با صوت ناهنجاری اذان می‌گفت. این مسیحی رفت به این مؤذن بدصدا پول داد و گفت با صدای بلند اذان بگو؛ آن مؤذن هم با صدای بلند اذن گفت. این دختر در خانه نشسته بود، یک‌وقت دید صدای ناهنجار منحوسی بلند شد. گفت این چیست؟ پدر گفت چیزی نیست، این مؤذن مسلمان‌هاست که دارد اذان می‌گوید. گفت عجب! مسلمان‌ها این‌طور بند؟ نتیجتاً عشق اسلام از دل او رفت! خدا می‌داند که از اول انقلاب، من در موارد متعددی به یاد این داستان افتاده‌ام و تنم لرزیده است. ما باید مواظب این جهت باشیم؛ مبادا آن مؤذن بدصدایی باشیم که دلها و عشقها و شوقها و عواطف و کششهای به اسلام را که امروز زیاد هم هست با عمل نسنجیده و با کار بد خودمان، تبدیل به نفرت بکنیم. این، آن چیزی است که گذشتگان ما لااقل به این شدت دچار آن نبودند؛ اما من و شما دچار آن هستیم، و من بیشتر از شما دچارم. هرکس که در این نظام فعال‌تر و بارزتر است، بیشتر دچار این قضیه است. باید در رفتار خودمان، در کردار خودمان، در گفتار خودمان، در سلوک خودمان مواظب باشیم که این‌طوری نشود»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ماه مبارک رمضان (۱۴ اسفند ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

**۲۷۵ رهبری:** «یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک می‌کند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیر المؤمنین فرمود: «طیب دوار بطنه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه»». نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه روحانی و مجموعه آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم. البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و این‌ها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آن‌ها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا می‌کردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدران، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمی‌رود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آن‌ها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.»<sup>۱</sup>

**۲۷۶ امام:** «امید است اهالی محترم سایر مناطق برای نجات جان افراد سیلزده، هر چه بیشتر اقدام و در ساختن مساکن تخریب شده و ترمیم خسارات وارده اقدام، و موجب رضای خداوند متعال و حضرت بقیة اللہ - ارواحنا فداه - را فراهم نمایند. ان شاء اللہ تعالی روحانیون معظم سرتاسر کشور - دامت برکاتهم - مردم را در این امر حیاتی تشویق و تجهیز فرمایند.»<sup>۲</sup>

**۲۷۷ رهبری:** «ما باید مثل پیامبر سراغ افراد برویم. در باره پیغمبر گفته شده است: «طیب دوار بطنه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه»؛ پیغمبر مثل یک پزشک دوره‌گرد حرکت می‌کرد. پزشکان در مطب خود می‌نشینند تا مردم به آن‌ها مراجعه کنند؛ اما پیغمبران نمی‌نشستند تا مردم به آن‌ها مراجعه کنند؛ آن‌ها به مردم مراجعه می‌کردند. در کیف دارویشان، هم وسیله مرهم‌گذاری داشتند، هم وسیله نشت‌رزی داشتند، هم وسیله داغ کردن زخم داشتند؛ آنجایی که احتیاج به داغ کردن داشت.»<sup>۳</sup>

**۲۷۸ رهبری:** «این سلسله علمای بزرگی که شما قبل از صفویه می‌شناسید شهیدین، محقق کرکی، دیگران و دیگران در آن دوران زندگی کردند. آن دوران، دوران اختناق و شدت بود. آنان در آن دوران توانستند خودشان را حفظ کنند؛ یعنی جای خودشان را پیدا کردند. جایشان کجاست؟ جایشان در کنار مردم مظلوم شیعه. آنان می‌توانستند برای خودشان، حسابی جدا از حساب مردم باز کنند؛ اما هیچ‌وقت این کار را نکردند؛ در کنار مردم باقی ماندند. بعد ناگهان تحولی انجام گرفت و صفویه روی کار آمدند و علما آزاد شدند؛ یعنی علمای شیعه در فضای واسعی قرار گرفتند.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار اعضا دفتر نمایندگی رهبری در دانشگاهها (۲۰ تیر ۱۳۸۹)

<sup>۲</sup> نامه به آقای محمد علی صدوقی، ۲۶ آذر ۱۳۶۵ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی (۲۳ دی ۱۳۸۳)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با امام‌جمعه، علما و روحانیون کرمان (۲۰ آبان ۱۳۷۰)



ر.ک. ۳۷۱ امام: «من چنین چیزی نگفته‌ام که روحانیون متکفل حکومت خواهند شد. روحانیون شغلشان چیز دیگری است. نظارت بر قوانین البته به عهده روحانیون است و اتکای روحانیون هم به ملت است نه به حزبی»<sup>۱</sup>

۳۷۹ رهبری: «در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد. البته این خطاب، به جمع حاضر نیست؛ متعلق به همه ما روحانیون در سراسر کشور و هر جا که هستیم، می‌باشد»<sup>۲</sup>

۳۸۰ رهبری: «اینجور روحانی‌ای در این دوره و در همه‌ی مقاطع حساس، به کار جماعت‌های مردمی می‌آید؛ آگاهانه، بابصیرت، مسائل را تشخیص بدهد، درک کند، بعد هم وسط میدان باشد. روحانی‌ای که کنار بنشیند، به مردم بگوید شما بروید حرکت کنید، اقدام کنید، راه به جایی نخواهد برد. آن روحانی‌ای موفق است که راه بیفتد، بگوید برویم؛ نه اینکه بگوید بروید. روحانی باید وسط میدان، جلوی مردم و اهل اقدام باشد»<sup>۳</sup>

ر.ک. ۳۷۷ امام: «خداوند به ما منت گذاشته است که سفرها و دولت ما همه از اشخاصی هستند که درد جامعه را می‌فهمند، زیرا بسیاری از آنها روحانی هستند که با مردم رابطه داشته‌اند و می‌دانند مردم چه وضعی داشته‌اند و درد آنها را ادراک می‌کنند»<sup>۴</sup>

۳۸۱ رهبری: «روحانیون وظائف اجتماعی هم دارند. روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته‌ی اساسی این است که این ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده‌ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با ارائه‌ی راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به یک کاری وادار شوند. اگر با تحکم شد، فایده‌ای ندارد. روحانی باید در مقام روحانی عمل کند. البته اگر شما رئیس جمهور شدید، در مقام رئیس جمهور یک وظیفه‌ی دیگری دارید، در مقام قاضی یک وظیفه‌ی دیگری دارید؛ اما در مقام روحانی، وظیفه این است که با زبان روحانیت و با زبان انبیاء با مردم حرف بزنید؛ با تحکم نباید باشد، با روحیه‌ی سیاسی کارانه نباید باشد»<sup>۵</sup>

## ۲/۵. آگاهی بخشی سیاسی

۳۸۲ امام: «ما تبلیغات سوء را باید خنثی کنیم؛ یعنی، آن به عهده این قشر از جمعیت روحانیون است که این تبلیغات سوء را، لا اقل، تبلیغاتی که در داخل هست، این تبلیغات داخلی که می‌شود، شما در مساجد بگویید مسائلی که شده است، مردم ببینند، و مسائلی که لازمه یک انقلاب است به مردم گوشزد بشود که مردم را نریزند- هی عرض بکنم- که چه بکنند، چه بشود»<sup>۶</sup>

۳۸۳ رهبری: «نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمی‌شود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و این‌ها. مهم‌تر از همه این‌ها، هدایت مردم است در مسئله اجتماعی و مسئله حکومت و مسئله نظام اسلامی و وظائفی که مترتب بر این هست در مقابله با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف

<sup>۱</sup> مصاحبه با مجله «اشترن»، ۲۶ دی ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۵، ص ۴۸۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظمای تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه محرم (۱۱ مرداد ۱۳۶۸)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار مردم پایه (۲۵ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۱ آبان ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱۲)

<sup>۵</sup> بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی (۲۰ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۶</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، ۲۲ مهر ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۳)



می‌شد و وجود نمی‌داشت، این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد؛ این نظام به وجود نمی‌آمد و باقی نمی‌ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب به وجود آوردند. بنابراین علمای دین - که از جمله برترین آن‌ها، مجموعه خبرگان هستند - تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند؛ که خوب، آثارش را بحمد الله می‌بینیم.»<sup>۱</sup>

**۲۸۴ امام:** «بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه افکنی و دروغ‌پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی‌امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند.»<sup>۲</sup>

**۲۸۵ رهبری:** «ریاست جمهوری خیلی مهم است؛ چون اداره امور اجرایی کشور در یک دوره نسبتاً طولانی یعنی چهار سال است. باید مردم بگردند و بهترین را گزینش کنند. مردم به شما اعتماد دارند. مردم به علما اعتماد دارند و حرف و تشخیص آنان را، تشخیص قابل احتجاج عند الله می‌دانند. این، خیلی مهم است. لذا باید مردم را در انتخاب درست کمک کنید. مبدا کسی از روحانیون احساس کند که در این مسائل، وظیفه و تکلیفی ندارد و بگوید مردم خودشان بروند هر کاری که می‌خواهند، بکنند! البته راجع به همه روحانیون نمی‌خواهیم بگوییم. کسان خاصی هستند که به طور استثنایی از این موضوع خارجند؛ اما شما علما می‌توانید به مردم کمک کنید. مردم هم در این قضایا، بیش از همه به علما اعتماد می‌کنند؛ حتی کسانی که ممکن است سرو کاری هم با علما نداشته باشند. بالاخره انسان برای امور زندگی خودش، به شخص امین اتکا می‌کند. اگر کسی خودش هم حتی خیلی امانت نداشته باشد، اما برای حفظ پول و مال خود، به شخص امین مراجعه می‌کند. مردم، علما را امین خودشان می‌دانند. اگر در این زمینه، علما به مردم کمک کنند، این مرجع قابل قبولی برای آنان است.»<sup>۳</sup>

**۲۸۶ امام:** «ما تبلیغاتمان در خارج بسیار ناقص است و اشخاصی که از خارج می‌آیند اینجا و با من ملاقات می‌کنند، همه از این مطلب شکایت دارند که در خارج تبلیغات کم است - البته وزارت خارجه و ارشاد اخیراً یک طرحهایی دارند و ان شاء الله موفق خواهند شد - لکن باید ما تبلیغاتمان زیاد بشود که لا اقل ما بتوانیم به ملتها حالی کنیم که این تبلیغاتی که اینها بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین و بر ضد جمهوری اسلامی می‌کنند، اینها تمام غلط است.»<sup>۴</sup>

**۲۸۷ رهبری:** «روحانیت محترم و مبلغین عزیز، در این ماه بزرگ باید ابعاد مختلف قضایا را برای مردم روشن کنند و به آن‌ها تفهیم نمایند که دنیا و آخرت، در سایه دین به دست می‌آید. ارتباط با امام حسین علیه الصلاة والسلام و فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی انسان کمک می‌کند. یک ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که برای آرمان‌ها چگونه می‌شود رفت و جان فدا کرد، آن وقت می‌تواند بی‌دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برایش نیست. اگر جز این باشد، دشمن او را از مرگ خواهد ترساند و مثل بعضی از کشورها، بعضی از دولتها و بعضی از ملتهایی خواهد شد که در مقابل دشمنان، ضعف نفس نشان می‌دهند.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۶ اسفند ۱۳۸۸)

<sup>۲</sup> پیام به مسلمانان جهان و زائران بیت الله الحرام، ۲۹ شهریور ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۵۱۰)

<sup>۳</sup> بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیان و مبلغان اعزامی در آستانه ماه محرم الحرام (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۶)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۵۲)

<sup>۵</sup> بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم» (۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵)



**۲۸۸ امام:** «شما روحانی هستید، روحانی باید خدمتگزار ارواح مردم باشد؛ قلوب مردم را حفظ بکند. شماها مأمورید که قلبهای مردم را حفظ بکنید. در آیه شریفه دو جا آمده است که فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتَ. لکن در یک سوره وَ اسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتَ است؛ و در یک سوره: فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ. روایت شده است از پیغمبر اکرم که شیبینتی سوره «هود» لِمَکَانَ هَذِهِ الْآیَةِ. در سوره «شورا» هم هست. نفرمود سوره «شورا»؛ فرمود سوره «هود»؛ برای اینکه در سوره «هود» وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ است؛ یعنی چون استقامت ملت را هم به عهده من گذاشته است، که مستقیم باش و هر که با توست مستقیم باشد، این من را پیر کرد.»<sup>۱</sup>

**۲۸۹ رهبری:** «یک کلید اصلی وجود دارد و آن امید دادن و اطمینان دادن به مردم است. این کاری است که به عهده من و شماست؛ ما معممین، ما مسئولان، ائمه محترم جمعه؛ کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان بدهید. اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است.»<sup>۲</sup>

**۲۹۰ امام:** «و اما ما هم باید توجه زیادی داشته باشیم به اینکه در این انقلاب حفظ حیثیت روحانیت، الآن بسته به وجود آقایان است و امروز با زمانهای سابق خیلی فرق دارد. زمانهای سابق در مقابل دولت ایران، در مقابل ایران، در مقابل اسلام، اشخاص زیادی نایستاده بودند، مختصر بود. امروز همه از هر جا که ملاحظه می‌کنید حمله می‌کنند، خصوصاً، به روحانیون؛ هی رژیم آخوندی چطور، رژیم آخوندی چطور. هر روز راجع به این مسائل، آنها بدون اینکه یک دلیلی داشته باشند حمله می‌کنند. باید ما فکر این مطلب باشیم که - خدای نخواست - یک وقت بهانه‌ای دست اینها ندهیم. ما خدمت بکنیم؛ به ملت خدمت بکنیم، شما آقایان خدمت بکنید به ملت. شماها میل ندارید که یک وقت - خدای نخواست - خلافی پیش بیاید. اگر - فرض کنید - در مرکز یک خلافی پیش آمد مستقیماً دخالت نکنید. همان طور که آقا گفتند که «نمی‌خواهم مستقیماً دخالت کنیم» مستقیماً دخالت نکنید و به دولت و به آنجا‌هایی که باید مراجعه بشود، به مرکز قضاوت و امثال اینها مراجعه بفرمایید. ارشاد کنید مردم را، مردم را دلگرم کنید به انقلاب. الآن از همه جا دارند آیه یأس می‌خوانند که خیر، ایران ورشکسته شده، ایران نمی‌تواند دیگر اداره کند، ایران چطور شده. این حرفهایی که خوب دشمنان دارند می‌زنند، شما آقایان باید جبران کنید این تبلیغات را. آنها البته در سطح دنیا دارند تبلیغ می‌کنند و ما دستمان از آن تبلیغات وسیع کوتاه است. اسباب آن تبلیغات وسیع را نداریم، لکن حتی الامکان باید تبلیغ کنیم و در نمازهای جمعه، در جماعات، در اینها مردم را مطمئن کنیم به اینکه جمهوری اسلامی خیر است برای شما، اسلام خیر است برای شما و مطمئن بکنید به اینکه نمی‌خواهد دولتی که الآن در جمهوری اسلامی هست یا کسانی که در بالا هستند و قضاوت دارند، اینها نمی‌خواهند بر خلاف اسلام عمل کنند.»<sup>۳</sup>

**۲۹۱ رهبری:** «تقویت روحیه داخلی. یکی از مسائل مهم، مسئله تقویت روحیه داخلی است - که اگر حالا صحبت طولانی نشود؛ مزاحمت زیاد نشود، من بعد این را عرض خواهم کرد - این جزو وظایف ماست. تقویت روحیه جزو چیزهایی است که از وظائف اصلی ماست؛ چه به حیث مسئولین، چه به حیث روحانیون و معممین؛ این جزو چیزهایی است که باید هیچ وقت این را فراموش نکنیم.»<sup>۴</sup>

**۲۹۲ امام:** «الآن استقامت ملت با شما روحانیون است؛ یعنی خطابِ فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتَ. یک نهضت حاصل شده، استقامت لازم دارد. یک جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده، استقامت در مقابل او لازم است، باید نگاهش دارید؛ و همه

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۸)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۲۵ شهریور ۱۳۸۹)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه مازندران و دشت گرگان، ۱۹ اسفند ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۹۷)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۲۵ شهریور ۱۳۸۹)



اشخاصی که با شما هستند هم به عهده شماست که استقامتشان را حفظ کنید. اهل مسجدید، اهل مسجد را. امام جماعتید، اهل مسجد را باید استقامتشان را حفظ کنید. خطیب هستید، مستمعین را باید حفظ بکنید. هر چه هستید و در هر جا هستید، زمام امور مردم به دست شماست. و پیغمبر اکرم می‌فرماید که شیبَتَنی سوره هود. پیرم کرد سوره هود؛ برای اینکه استقامت امت را هم به عهده من گذاشته‌اند. این یک چیز بزرگی است. استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجدی به عهده امام مسجد است. استقامت هر شنونده‌ای به عهده گوینده است. گوینده‌ها باید مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند. ائمه جماعت باید مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند دیگران را. بنا بر این، ما باید وظیفه خودمان را که بزرگترین وظیفه است، بدانیم»<sup>۱</sup>

**۲۹۳ رهبری:** «شأن روحانی این شأن هم یکی از مصادیق همین تبلیغ است از جمله این است که در دل‌های مؤمنین، حالت اطمینان و سکینه به وجود آورد: «هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین». سکینه، یعنی حالت استقرار، حالت آرامش؛ آرامش روانی، آرامش فکری. نقطه مقابل این اطمینان، حالت تشنج فکری و آشوب فکری و بی‌انضباطی فکر و اندیشه و احساسات در وجود یک فرد است که او را به انواع و اقسام بدبختیهای شخصی و اختلالات اجتماعی می‌کشاند. اگر شما امروز با مسائل دنیای مدرن، دنیای سرشار از فناوری و علم و صنعت برتر و پیشرفتهای علمی که داعیه رهبری جهان را دارند یعنی اروپا و امریکا آشنا باشید، خواهید دید که امروز بزرگترین گرفتاری آن‌ها، فقدان این حالت آرامش و اطمینان و سکینه است.»<sup>۲</sup>

## ۲/۵/۲. هدایت مردم در انتخاب نامزدها

**۲۹۴ امام:** «به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم، وصیت می‌کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، کنار نکشند و بی‌تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنجها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غریزدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبران‌ش احتیاج به زمان طولانی دارد. اکنون که بحمد الله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.»<sup>۳</sup>

**۲۹۵ امام:** «روحانیون محترم حوزه‌های انتخاباتی سعی کنند در حوزه خود [با] افراد و گروههای مسلمان که در انتخابات کاندیدا شده و یا از کاندیداهای مورد علاقه خود طرفداری می‌کنند چون پدری مهربان باشند و آنان را با دیده محبت بنگرند.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۹)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۳ آذر ۱۳۷۷)

<sup>۳</sup> وصیتنامه سیاسی-الهی، ۱۹ آذر ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۹۳)

<sup>۴</sup> نامه به تعدادی از نمایندگان مجلس، ۱۰ تیر ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۹۴)



امام: «از این جهت لازم است که آقایان، اینهایی که قدرت بر این معنا دارند که تشریف ببرند در بلاد و در محالی که آشنا هستند یا غیر آشنا، و مسائل را برای آنها بگویند و آنها را روشن کنند و دعوت کنند به اینکه رأی بدهید به جمهوری اسلامی - این هم با همین کلمه: نه یک حرف زیادتز و نه یک حرف کمتر - برای اینکه الآن شیاطین افتاده‌اند دنبال اینکه «جمهوری» محض، همین جمهوری باشد، «جمهوری دمکراتیک» باشد و از این حرفها، برای اینکه آقایان تشریف ببرند و رفع ابهام بکنند، این خوب است. که به همان طوری که مدرسین محترم اینجا بنا دارند که یک مثلاً هیأتهایی را به اطراف یا اشخاصی را به اطراف بفرستند برای روشن کردن مردم، این لازم است که عمل بشود. و غصه نخورید که درستان تعطیل می‌شود! ان شاء الله مجال درس خواندن [دارید] - الحمد لله جوان هستید و مجال درس خواندنتان هست. من هم یک طلبه بودم که وقتی دیدم وضع این طوری است درس را رها کردم و رفتم، و حالا هم آدم پیش شما. الآن هم تعطیل هست. نه مطالعه دارم نه درس دارم. مشغول همین خدمت به شما آقایان هستم.»<sup>۲</sup>

امام: «یکوقت انسان درس را تعطیل می‌کند برای اینکه برود تَعیش بکند، برای اینکه برود تنبلی بکند؛ یکوقت درس را تعطیل می‌کند برای خدا. همان طور که درس خواندن برای خدا ثواب و اجر دارد و ارزنده است پیش خدای تبارک و تعالی، گاهی وقتها هم تعطیل درس و اشتغال به یک مطلب مهمی - بلکه مهمتر از درس - این هم ارزنده است پیش خدا. الآن تعطیل شما و رفتن در اطراف و دهات دوردست، شهرها، دهات دوردست، مقصد، مقصد الهی است. فرق نگذارید بین اینکه در یک شهرستانی بروید و با یک جمعیت انبوهی مواجه باشید، یا در یک دهی بروید و با یک جمعیت کمی. وقتی بنا شد مقصد الهی باشد، ما بین این و آن فرق نگذارید بلکه گاهی آن اولی است. در شهرستانها - خوب - اقشار زیاد هستند، آمال زیاد است، شاید هوای نفس در آنجا زیادتز باشد اما در قرا و قصبات و دهات دورافتاده این مسائل کمتر است: هم افراد کم می‌روند هم جمعیتهای آنجا کم است، هم آنها از فقرا و - عرض می‌کنم - مستمندان هستند؛ طمع بین آنها کمتر است. از این جهت جنبه الهی آنجا بیشتر است. این طور نباشد که همه مجتمع بشوند در شهرهای بزرگ. متفرق بشوند در شهرها و قصبات و دهات و - عرض کنم - قرا و همه جا، و همه را آگاه کنند که رفرا ندیم که شد، همه بگویند جمهوری اسلامی می‌خواهیم.»<sup>۳</sup>

## ۲/۶. جلوگیری از اختلافات و ایجاد وحدت

امام: «روحانیون مکلف‌اند، خودشان هم می‌دانند مکلف‌اند که حفظ اسلام را بکنند، حفظ اسلام به حفظ وحدت است و باید بکنند و این واجب است بر همه که حفظ کنند وحدت را، مردم را نگه دارند. اگر در یک شهری از شهرها بنا بود یک اختلافی واقع بشود، بدانند که دست شیطان در کار است، باید این را از بین ببرند و نگذارند یک وقت - خدای نخواست - و لو در یک شهری، در یک روستایی اختلاف واقع بشود. برادران روحانی قویاً، با هم باشند و کنارگیری نکنند، همه در میدان باشند، با هم باشند. ما می‌خواهیم حفظ اسلام را بکنیم، با کنارگیری نمی‌شود حفظ کرد. خیال نکنید که با کنارگیری تکلیف از شما سلب می‌شود، تکلیف دو چندان است. باید در صحنه باشید، بیایید، همه روحانیت بیاید، کنار رفتن، از مکاید ابلیس است که نمی‌گذارد که همه با هم باشند.»<sup>۴</sup>

رهبری: «امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می‌بینید دست‌پروردگان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه

<sup>۱</sup> بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان، ۲۰ آذر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۲۴)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع مسئولان نظام در عید سعید فطر، ۱۹ خرداد ۱۳۶۵ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۵۶)

حرفهایی می‌زنند، چه سمپاشی‌هایی می‌کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاقی می‌پراکنند. سالهای متمادی است که دست استعمار و دست قدرت‌طلب قدرتهای فزون‌خواه غربی دارند این کار را می‌کنند. در حج، فرصت خوبی برای آن‌هاست تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه دوران سال و در همه میدانها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی امریکاست. بعد از گذشت قرن‌ها روبه‌روی هم بنشینند- مثل کسانی که در جنگ با همدیگر روبه‌رو می‌شوند- با دل‌های پُرکینه نسبت به یکدیگر حرف بزنند؛ این او را سب کند، او این را سب کند. هیچ بُعدی ندارد که بخصوص در این روزگار بسیار حساس، در مراسم حج کسانی را اجیر کنند، برای اینکه این اختلاف را ایجاد کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروان‌ها باید با احساس مسئولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می‌خواهد.»<sup>۱</sup>

**۳۰۰ امام:** «اختلافات آرا هست و باید هم باشد. اما آن چیزی که لازم است این است که به مردم، به دستجات مختلف، به همه ائمه جمعه، ائمه جماعات، روحانیون سراسر کشور و سایر قشرها این معنا توصیه بشود که در سر یک چیزهایی که مربوط به نفسانیت است نزاع نکنند. آن طور نیست که بعضی نزاعها مربوط به اسلام باشد، به خدا باشد. برای خدا انسان نمی‌شود اهانت کند به مؤمن، برای خدا انسان نمی‌شود که کشف ستر مؤمن بکند، اینها همه برای این است که نفسیت انسان این جور است.»<sup>۲</sup>

**۳۰۱ رهبری:** «گاهی در بعضی از شهرها دیده می‌شود که بین بعضی از مسئولان، یا بعضی از اهل علم، یا بعضی از اصحاب و شئون مختلف، اختلافاتی وجود دارد؛ مردم نه حال نماز جمعه، نه حال نماز جماعت، نه حال راه‌پیمایی، نه حال کارهای گوناگون را دارند؛ اصلاً دل‌مردانند. وحدت و اتفاق و هماهنگی و نزدیکی به هم، به مردم شور و نشاط می‌دهد. اینجا بحمد الله این‌طور است؛ ما باید این را هرچه بیشتر کنیم.»<sup>۳</sup>

**۳۰۲ رهبری:** «روحانیت بایستی یک حیثیت فراگیر باشد؛ فراتر از بقیه حیثیت‌هایی که ممکن است افراد را از هم جدا کند.»<sup>۴</sup>

**۳۰۳ امام:** «اگر خدای نخواست اختلافی باشد، این به ضرر هم طرفین منازعه و هم اسلام تمام می‌شود. این جور گمان نشود که اگر من با شما مخالفت کردم، به ضرر شما تنهاست، به ضرر هر دویمان است؛ به ضرر هر دو روحانی مثلاً یک شهری؛ به ضرر روحانیت آن شهر است؛ به ضرر مطلق روحانیت است؛ به ضرر اسلام است. باید بسیار توجه داشت به این معنا. اگر شما فرض کنید که در یک جایی که تشریف دارید دیدید که بعضی از اشخاص مخالف با بعضی هستند، خوب، ممکن است یک سوء تفاهمی باشد؛ ممکن است یک اشتباهاتی باشد. خود آقایان شهر و خود ائمه جماعت شهر و خود اهل منبر و خطبای شهر بروند پیش آقایان، از آقایان خواهش بکنند که اختلاف نداشته باشند؛ رفیق باشند؛ برادر باشند؛ با هم باشند.»<sup>۵</sup>

**۳۰۴ رهبری:** «البته این تشکل روحانیون، کار بسیار خوبی است؛ یعنی هر تشکلی برای روحانیون، چیز خوبی است. روحانیون بایستی دور هم باشند، همفکری کنند، اشتباهات یکدیگر را رفع کنند، کارهای یکدیگر را کامل کنند. ما مجموعه‌ای هستیم که کارهای همسانی در رابطه با مردم داریم. ممکن است همه، ظرفیت لازم را به قدر کافی نداشته

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج (۳۰ آذر ۱۳۸۳)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان، ۱۱ تیر ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۰۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با امام‌جمعه، علما و روحانیون کرمان (۲۰ آبان ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۷)



باشیم؛ اما از تجربیات و از حرفهای یکدیگر استفاده کنیم. به نظر ما، این کار بسیار خوبی است؛ و این در تشکل‌های روحانی انجام می‌گیرد.»<sup>۱</sup>

**۳.۵ امام:** «روحانیون با هم باید باشند؛ اینها همه لشکر امام زمان هستند: همه با هم. اگر خدای نخواستہ در صفوف شما یک خللی پیدا بشود، این خلل خلل شیطانی است، برای هواهای نفس است؛ و اگر این خلل پیدا بشود، در ملت خلل واقع می‌شود. در ملت اگر خلل واقع شد، آنهایی که در کمین هستند حمله خواهند کرد و شما را از بن خواهند کُند. این دفعه اگر خدای نخواستہ اینها غلبه بکنند، نه از روحانی چیزی باقی می‌گذارند و نه از متنور الفکر، منور الفکر؛ نه از قشر جدید چیزی باقی می‌گذارند و نه از قشر قدیم. اینها فهمیدند که با این وحدت ما قدم برداشتیم استعمار را شکست دادیم؛ اما شکستی که اولش است. اگر چنانچه خدای نخواستہ یک خللی واقع بشود، خدای تبارک و تعالی از شما ناراضی است، از قشر روحانی ناراضی است. روحانی مبدأ امور است.»<sup>۲</sup>

**۳.۶ رهبری:** «قداست و استحکام نظام اسلامی بایستی در همه حال محفوظ بماند. روحانیت بایستی این موضع را بگیرد؛ و برای اینکه این کار بتواند بخوبی انجام بگیرد، اعتقاد من این است که در اختلافات سیاسی موجود خطی باید کمتر دخالت کرد، و به یک معنا اصلاً نباید دخالت کرد؛ منتها از باب اینکه بالاخره اگر فضا، فضای صددرصد سالمی نباشد، هر نفس کشیدنی هم به صورتی و به معنایی تعبیر خواهد شد، در چنین فضایی کوشش کنند که هرچه بیشتر خود را از درگیریها دور نگهدارند؛ یعنی آن جنبه پدری و عمومی را برای همه مردم داشتن؛ هر دو قشر متعارض با یکدیگر را فرزندان خود و احیاناً دارای اشتباهاتی دانستن. اینها را بایستی رعایت کرد، تا روحانیت همواره بالاتر از اختلافات بماند.»<sup>۳</sup>

**ر.ک. ۲۳۳ امام:** «و آن چیزی که الان بر شما آقایان اهل علم و طلاب محترم و فضلاء معظم - عَظَمَ اللَّهُ اجْرَهُم - هست این است که باید متفرق بشوید در بلاد، و مسائل ما را به بلاد تبلیغ بفرمایید. در بلاد، در آنجاهای دورافتاده این مسائل را تبلیغ بکنید که این اختلافات رفع بشود و این اشتباهات برکنار برود.»<sup>۴</sup>

**۳.۷ رهبری:** «در حوزه باید از درگیر شدن با مسائل جناحی به شدت پرهیز شود؛ که بحمد الله این رعایت شده، باز هم رعایت بشود. بخصوص طلاب جوان باید مواظب باشند و این مسائل خطی و جناحی و گروهی و معارضه‌ها و درگیریها و غیبتها و امثال این چیزها را به داخل حوزه‌ها نکشانند، که در حوزه‌ها بکلی ضایعه به بار خواهد آمد.»<sup>۵</sup>

**۳.۸ رهبری:** «جمع‌هایی که باهم معارضند جمعهای روحانی، جمعهای دانشجویی، جمع‌هایی که در مجلس یا جاهای دیگر هستند هرچند وقت یکبار با همدیگر بنشینند، آن نقاط مشترک فی‌مابین خودشان را به زبان بیاورند؟ شما مگر در چند چیز باهم اختلاف دارید؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قوی‌تر و مهم‌تر است؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ چه کسی می‌تواند این حرف را ادعا بکند؟ آن کسی که به برادر مسلمان خودش، که گرایش و خط سیاسییش با او فرق دارد، اهانت می‌کند، به او می‌پرد، علیه او می‌نویسد و داد سخن می‌دهد، آیا نمی‌داند که با این کار چه چیزی از دست خواهد داد؟ شما می‌خواهید به خیال خودتان برادران را اصلاح کنید. آیا آن کسی که این انتقاد و این اعتراض یکسره و مطلق شما را که غالباً اعتراضها مطلق است می‌شنود، او همان برادر شماست؟ برو

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار با امام‌جمعه، علما و روحانیون کرمان (۲۰ آبان ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۸۵)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار با امام‌جمعه، علما و روحانیون کرمان (۲۰ آبان ۱۳۷۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۴)

<sup>۵</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۳۱ شهریور ۱۳۷۰)



برادرت را مخفیانه پیدا کن، هرچه می خواهی به او بگو؛ چرا با این اختلاف افکنی، مردم و مخاطبان عمومی جامعه را دچار تشویش فکری می کنی؟»<sup>۱</sup>

### ۳. روحانیت و نظام اسلامی

#### ۳/۱. شبهه جدایی دین از سیاست

**۳۰۹ امام:** «سیاستمداران اسلامی، سیاستمداران روحانی، انبیا- علیهم السلام- شغلشان سیاست است. دیانت؛ همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است. آنها را از آن راه می برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است.»<sup>۲</sup>

**۳۱۰ رهبری:** «حقیقت این است که این دو جریان عظیم- یعنی جریان نظام اسلامی و در دل آن، جریان حوزه های علمیه- دو جریانی هستند که به هم مرتبطند، به هم متصلند، سرنوشت آنها یکی است؛ این را همه بدانند. امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه آحاد مردم بیشتر خواهد بود.»<sup>۳</sup>

**۳۱۱ امام:** «شما می بینید که از اول یک جریانی در کار بوده که شماها را از ملت منعزل کند و لا اقل، شماها را نگذارند در جاهایی که یک ارگان اجرایی یا تقنینی یا اینها باشد؛ همان چیزی که در غرب نسبت به کلیسا می گفتند: کلیسا برای خودش علی حده برود و مسائل ناسوت و لاهوت بگوید و مملکت را بدهند ما اداره اش بکنیم. [در] ایران هم همان معنا را تعقیب کرده بودند. شیاطینی که مطالعه کردند در همه مسائل ملتها و این را یافتند که اگر قشر روحانی وارد بشود در صحنه سیاست، با داشتن پشتوانه عظیمی از ملتها، کلاه آنها پس معرکه است. باید چه بکنند؟ باید به طور عموم، این مطلب را القا بکنند که اهل علم را به سیاست چه کار؟ اهل علم فقط وظیفه اش این است که عبایش را سرش بکشد و اول ظهر برود نمازش را بخواند و بعد هم برود منبر چند تا مسأله بگوید؛ نه مسائلی که مربوط به سیاست و مربوط به گرفتاریهای ملت است، همان مسائلی که دیدید، متعارف بود می گفتند و تقریباً اکثر ابواب فقه کنار گذاشته شده بود عملاً. تو کتابها نوشته شده بود و کنار گذاشته شده بود و اکثر آیات قرآن هم کنار گذاشته شده بود. قرآن را می خواندیم و می بوسیدیم و می گذاشتیمش کنار. آیاتی که مربوط به جامعه بود، آیاتی که مربوط به سیاست بود، آیاتی که مربوط به جنگ بود، آیات زیادی که اکثر آیات مربوط به این مسائل است، اینها را منسی کرده بودیم؛ یعنی، ما را وادار کرده بودند که منسی باشد. شأن بزرگ اهل علم این بود که این آقا نمی فهمد سیاست را! اگر یک آقای اصلاً عقلش نرسید به اینکه سیاست چیست، این بزرگوار بود خیلی؛ آقای است که دخالت در امور نمی کند، قربانش بروم، چه آقای خوبی، ظهر می آید نمازش را می خواند و می رود توی خانه اش می نشیند! و به ما این مطلب را تحمیل کرده بودند. این شیاطینی که می خواستند این جمعیت را کنار بگذارند، به ما همه تحمیل کرده بودند این مطلب را که اگر یک آقای- فرض کنید که- عقیده اش این بود که باید وارد بشود در سیاست و در گرفتاری ملت، می گفتند: این آقا سیاسی است! همین که می گفتند «سیاسی»، این دیگر باید برود، از جامعه باید جدا بشود. این را تحمیل کرده بودند شیاطین به ما و نگذاشته بودند که ما خود پیغمبر اکرم را و حالاتش را مطالعه کنیم و نگذاشته بودند که ما حالات حضرت امیر را مطالعه کنیم؛ ببینیم که آیا آنها چه جور وضعی داشتند. پیغمبر اسلام در سیاست دخالت نمی کرد؟ می توانید بگویید پیغمبر هم یک عامل سیاسی بوده، پس کنار؟ در امور سیاست وارد نمی شد؟ تمام عمرش در امور سیاسی بود؛ تمام

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران (۲۳ مرداد ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، ۳ دی ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۳۱)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

عمرش را صرف کرد در سیاست اسلامی و حکومت اسلامی تشکیل داد. حضرت امیر حکومت اسلامی داشت و حکومت‌های اسلامی می‌فرستاد آن طرف. اینها سیاست نبودند؟ حضرت امیر را تخطئه می‌کنید؟ اینهایی که می‌گویند نه، دیگر لازم نیست و آخوندها بروند سر جایشان بنشینند، این آخوندها مدعی این هستند که ماها تابع آن موالی هستیم، شما قبول ندارید که [این طور بوده؟] یا باید قبول نکنید که اصلاً پیغمبر اسلام وارد سیاست می‌شد؛ و حکومتی نداشته و گوشه مدینه توی مسجد نشسته بوده و مسأله می‌گفته؛ این جور بوده؟ حضرت امیر هم گوشه خانه‌اش نشسته بود و عبايش را روش می‌کشیده و می‌رفته مسجد نماز می‌خوانده برمی‌گشته باز آنجا می‌نشسته مطالعه می‌کرده، مسأله این بوده؟ یا اینها از اول وارد سیاست بودند؟ مدتی که مکه بود، حضرت رسول ﷺ نمی‌توانست یک حکومتی تشکیل بدهد، لکن مشغول جمع‌آوری افراد بود، مشغول یک سیاست زیرزمینی بود. بعد که کار را درست دید و آمدند به مدینه، آنجا دیگر حکومتی بود، تشکیل دادند و فرستادند. همان آخری هم که در رختخواب رحلت خوابیده بودند، جیش اسامه بیرون شهر مهیا بودند برای رفتن و حضرت رسول گفت: «خدا لعنت کند کسی را که تخلف کند» - به حسب روایت - از جیش اسامه. قضیه، بعد از مرگشان هم می‌خواستند درست بکنند - کردند درست. آن همه شمشیری که حضرت امیر زد، به ما حالی کرده بودند که یکی از خلاف مروتها پوشیدن لباس جندی است. این خلاف است، این با عدالت نمی‌سازد! حضرت امیر هم مگر عادل نبود؟ سید الشهدا مگر عادل نبود؟ خلاف مروت بود آن کاری که سید الشهدا می‌کرد! آن کاری که حضرت امیر می‌کرد؟! اینها می‌خواستند از ما و از شما و از روحانیون یک موجود بی‌خاصیتی درست کنند که هیچ رنگ و بویی نداشته باشد و هیچ کاری نداشته باشد به اینکه به این ملت چه می‌گذرد، به این مخازن ملت چه می‌گذرد، حکومت چه می‌کند، این قلدرها چه می‌کنند با ملت، این خانها چه می‌کنند با ملت. یک اشخاص بی‌رنگ و بویی می‌خواستند، که خیلی هم [به آنها] احترام می‌کردند: شما بنشینید سر جاهاتان و مسأله‌تان را بگویید، ما احترامتان هم می‌کنیم، سلام بلند بالایی هم به شما می‌دهیم، اما اگر یک قدم آن طرف بگذارید، نه، دیگر اینجا حد شما نیست، حد شما تا آنجایی است که مسأله بگویید و بیاید مسجد و خیلی هم که چی بشود، یک مجلس فاتحه‌ای باشد، بروید مجلس فاتحه بنشینید. به ما تحمیل کردند این را و ما باید از زیر این بار تحمیل بیرون برویم. روحانیین باید در صحنه باشند. باید همه این حرفهای نامربوطی که زده بودند و شما را می‌خواستند از دخالت در امور جامعه کنار بگذارند، همه آنها را پشت سر بگذارید - و گذاشته‌اید پشت سر. علمای اعلام نباید بروند کنار بنشینند تا مقدرات آنها در امریکا تدوین بشود و یا در شوروی تدوین بشود. ما را کنار گذاشتند و مقدرات ما در امریکا تدوین می‌شد. این شاه مخلوع و ملعون اقرار کرد این معنا را و از بس احمق بود، پدر خودش را هم به لجن کشید؛ و از بس خودخواه بود حاضر شد که پدر خودش را هم به لجن بکشد! می‌گفت که اسمایی را می‌نویسند از سفارتخانه که اینها وکیل باید بشوند، می‌آورند پیش ما، ما هم همین کار را می‌کردیم. این را می‌خواست بگوید که نه، دیگر حالا ما به «دروازه تمدن بزرگ» رسیده‌ایم! می‌خواست مردم را بازی بدهد که نه، بیشتر این جوری بوده، ما چند سال پیش از این این طور بودیم و حالا این جور نیستیم! و حال اینکه حالاش بدتر از چند سال پیش از اینش بود. بنا بر این بود که این قشری که می‌تواند بسیج کند ملت را و قدرت دارد که تمام ملت را تحت یک مطلب وارد کند، اگر مهلت به او بدهند این را کنار بگذارد با حیل‌های مختلف: یکی همان باور آوردن به خود آقایان و به ملت [بود] که اینها نباید در امور سیاسی داخل بشوند، خلاف شأن آنهاست. حتی این آخری می‌گفتند که با قداست اینها مخالف است؛ با قداست اهل علم، وارد شدن در حکومت و سیاست مخالف است. این قداست در زمان حضرت رسول نبوده؟ حضرت رسول قداستش محفوظ نمی‌مانده؟ حضرت امیر قداست نداشته؟ حضرت سید الشهدا و امام حسن قداست نداشتند؟ می‌خواستند چشم و گوش همه ما را ببندند و می‌خواهند هم. این جریان از اول نهضت هی دیدند که دارد پیش می‌رود، هی آنها بیشتر خواستند که کنار بگذارند اینها را. الآن هم این جریان هست، منتها یک وقت رسید به اوج خودش که دیدید و حالا رو به ضعف است و امیدوارم که دفن بشود.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰)

**رهبری:** «اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی است، با هدف الهی است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است؛ این قبول مسئولیتهای سنگین است، یا دفاع از مسئولان صاحب صلاحیت است. اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته میشود که برای ادای دین خود، برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت میکند یا از مسئولینی حمایت میکند، این ارزش است، این ضد ارزش نیست؛ نداشتن این حالت، ضد ارزش است. پس هیچکدام از این دو مفهوم - نه مفهوم حکومت روحانی و حکومت آخوندی، و نه مفهوم آخوند حکومتی، روحانی حکومتی - مفاهیم درستی نیست. طرح اینها پس از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، یک طرح مغالطه‌آمیز است؛ این مفاهیم متعلق به فرهنگ این انقلاب نیست. اما متقابلاً دو حقیقت و دو مفهوم دیگر وجود دارد که آنها مفاهیم ارزشی و ارزش‌آفرین است. یک مفهوم این است که نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است. یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمیتواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه اسلام حرکت کرده است و کار میکند، بی‌تفاوت باشد؛ نمیتواند خود را بیگانه به حساب بیاورد. این هم یک حقیقت دیگر است.»<sup>۱</sup>

**امام:** «در جنبش مشروطیت، همین علما در رأس بودند و اصل مشروطیت اساسش از نجف به دست علما و در ایران به دست علما شروع شد و پیش رفت؛ این قدری که آنها می‌خواستند که مشروطه تحقق پیدا کند و قانون اساسی در کار باشد شد. لکن بعد از آنکه شد، دنباله‌اش گرفته نشد، مردم بیطرف ماندند، روحانیون هم رفتند؛ هر کس سراغ کار خودش. از آن طرف، عمال قدرتهای خارجی و خصوصاً در آن وقت انگلستان، در کار بودند که اینها را از صحنه خارج کنند؛ یا به ترور یا به تبلیغات، گویندگان و نویسندگان آنها کوشش کردند به اینکه روحانیون را از دخالت در سیاست خارج کنند و سیاست را بدهند به دست آنهايي که می‌توانند، به قول آنها، یعنی فرنگ رفته‌ها و غربزده‌ها و شرقزده‌ها، و کردند آنچه را کردند. یعنی، اسم مشروطه بود و واقعیت استبداد؛ آن استبداد تاریک ظلمانی، شاید بدتر از زمان [سابق] و حتماً بدتر از زمانهای سابق. اگر روحانیون، ملت، خطبا، علما، نویسندگان، روشنفکران متعهد سستی بکنند و از قضایای صدر مشروطه عبرت نگیرند، به سر این انقلاب آن خواهد آمد که به سر انقلاب مشروطه آمد. امروز دشمنهای انقلاب بیشتر از آن روز و دشمنهای مشروطه بودند.»<sup>۲</sup>

**رهبری:** «این دو مفهوم غلط و در واقع دو تهمت را دشمن به عنوان تاکتیک مطرح کرده است: یکی طرح مسئله حکومت آخوندی است. می‌گویند در ایران حکومت آخوندی، حکومت روحانی بر سر کار است. این را نوشتند، گفتند، ترویج کردند، تکرار کردند. دیگری طرح موضوع آخوند حکومتی است؛ تقسیم آخوند به حکومتی و غیر حکومتی. هدفشان از طرح این دو مفهوم انحرافی و غلط این بود که اولاً نظام اسلامی را از پشتوانه عظیم فکری و نظری و استدلالی و علمی علمای دین محروم کنند؛ ثانیاً روحانیت مسئول را، روحانیت انقلابی را، روحانیت حاضر در صحنه را که در مقابل دشمنی‌ها سینه سپر کرده است، به خیال خودشان منزوی کنند، بدنام کنند.»<sup>۳</sup>

**امام:** «توطئه برای این است، که اینها در کار نباشند. اینها می‌گویند که روحانیها بروند در مسجدها و همان جا نماز جماعت بخوانند. بسیار خوب، شما می‌گذارید روحانیها در مسجد نماز جماعت بخوانند؟ شما توی همان مسجد هم می‌روید یک عده‌ای را از اشرار می‌برید. یک نفر آدمی که از اسلام هیچ اطلاع ندارد جلو [می‌ایستد]، صورت نماز درست می‌کنید برای اینکه، مسجد را هم از اینها بگیرید. قضیه این نیست که اگر روحانیین دست برداشتند از کارهای

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع وعاظ تهران، ۴ آبان ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳۲۷)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

ارزنده‌ای که دارند می‌کنند و رفتند تو مسجدها، رهایشان کنند. می‌خواهند مسجدها را هم از روحانی پاک کنند باصطلاح خودشان. می‌خواهند مسجدها را از مسلمانها بگیرند.»<sup>۱</sup>

**۳۱۶** رهبری: «امروز صد و پنجاه سال است که برجسته‌ترین و شریف‌ترین عناصر سیاسی و دینی ملت ما پرچم حاکمیت اسلام را بلند کرده‌اند و پایش سینه زده‌اند و بسیاری در این راه جان دادند؛ امثال مدرّسها، آخوند خراسانیها و سید جمال‌الدینها. قضیه این‌طوری است. این، مربوط به امروز ما نیست که بگوییم دین و سیاست یکی است، عدّه‌ای هم بگویند یکی است؛ اما یک عدّه هم بگویند نه، خیلی هم یکی نیست! حرف امروز نیست؛ این حرف، صد و پنجاه سال ریشه دارد. پدر برجسته‌ترین زیدگان این کشور در راه مبارزه برای این فکر درآمد؛ هزاران جان پاک در این راه شهید شدند؛ مدرّس به آن عظمت سینه را برای این قضیه سپرد.»<sup>۲</sup>

**۳۱۷** امام: «امروز طرحشان این است که روحانیین باید بروند و دعا بکنند و- عرض می‌کنم که- اینها. این همان طرحی است که امریکا نقشه‌اش را دارد و انگلستان هم از سابق داشته است و الآن هم همه دولت‌هایی که، ابرقدرتهایی که می‌خواهند ایران را بچاپند و شرق را بچاپند و از اسلام می‌ترسند و از مظاهر اسلامی می‌ترسند؛ این همان طرح است و من متأسفم که این طرح در قم دارد انجام می‌گیرد. اگر بازاری قم، بازاری تهران با این حرف موافق است، مصیبت بسیار زیاد است؛ برای اینکه طرحشان پیاده شد و اگر بازاری تهران و قم با این موافق نیستند، چطور صحبتی نکردند. این همان طرحی است که انگلستان از دویست سال پیش از این یا بیشتر طرح‌ریزی کردند که جدا کنند روحانیت را از سیاست، جدا کنند روحانیین را از مردمی که می‌خواهند فعالانه کار بکنند برای اسلام؛ اینها بروند همان توی مسجدها بنشینند و دعا بکنند، آنها هم هر کاری دلشان می‌خواست بکنند و هر چپاولگری و هر سلطه‌جویی که می‌خواستند بکنند. در عرض پنجاه سال، که روحانیین را عقب زده بودند و هر چه هم جدّیت می‌کردند نمی‌توانستند که کاری انجام بدهند- از باب اینکه مردم را از روحانیون کنار زده بودند- در عرض پنجاه سال، همه حیثیت شما را به باد فنا دادند و اسلام را به آنجا رساندند که برای اینکه اسلام پیروز شده است، بر ایران، گریه کردند و حرف زدند و در شعرهایشان فحش دادند و همه الواطیها را کردند. همه داراییهای شما را به چپاول برده‌اند؛ برای اینکه یک کسی نبود بگوید چرا؟ این روشنفکرهایی که الآن دارند می‌گویند و مع الأسف، بینشان بعضی متدینین هم هست که بازی خورده‌اند و غریب‌زده‌اند می‌گویند که روحانیون باید بروند سراغ کار خودشان و ملت را بگذارند، سیاست را بگذارند برای ما. شما سیاست را پنجاه سال داشتید و هیچ غلطی نکردید. شما کجا یک کار مثبتی توانستید انجام بدهید؟! هر کدامتان که ملّی بودید یا- فرض کنید- متدین بودید، تا صدایتان در می‌آمد، توی سرتان می‌زدند.»<sup>۳</sup>

**۳۱۸** رهبری: «البته من نباید این را نگفته بگذارم، که ممکن است یک انسان قدسی، اگر در هیچ کاری دخالت نکند و کنار بایستد، مقام قداست و آن حالت جنّت‌مکانیش محفوظ باشد؛ اما به مجرد اینکه وارد میدانی شد، بالاخره یک عدّه مخالف و یک عدّه موافق پیدا می‌کند. اگر روحانیون در کارهای گوناگون مثل اول انقلاب که در کمیته‌ها و یا نهادهای دیگر حضور داشتند دخالت نمی‌کردند؛ یک‌گوشه در همان مسجد می‌ماندند و یک‌وقت هم مثلاً ریشی می‌جنباندند و انتقادی هم از اوضاع می‌کردند، یقیناً عدّه‌ای به این‌ها علاقه‌مند می‌شدند؛ ولی بدانید عزیزان من! وقتی انسان وارد این میدان شد، همیشه این‌گونه است که یک عدّه را با خود موافق می‌کند، یک عدّه را مخالف. البته سلیقه‌ها دوگونه است: بعضی می‌گویند خوب است ما جنّت‌مکان بمانیم؛ کناری بایستیم و در هیچ کاری دخالت نکنیم. یک سلیقه هم می‌گوید نه، من جنّت‌مکانی را رها می‌کنم و وارد میدان می‌شوم؛ کاری که تکلیف خودم می‌دانم، انجام می‌دهم. یک عدّه خوششان می‌آید، یک عدّه هم بدشان می‌آید؛ باید خدا خوشش بیاید. این هم یک سلیقه دیگر است. این سلیقه، متعلّق به آن‌هایی است که خوب عمل می‌کنند؛ اما همه یک طور نیستند.» «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد». در اینجا

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، ۲۶ آبان ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۵۹)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۷ خرداد ۱۳۸۲)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع فارغ التحصیلان دانشکده افسری، ۲۵ آبان ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۴۸)

هیچ دعوی کلتی نمی‌کنیم که هرکس این لباس را دارد، عالی‌مقام و عالی‌جاه است؛ نخیر، خیلی افراد هستند که در این لباس یا در هر لباس زیبا و پاک و مقدسی، ممکن است باطن نامقدسی داشته باشند.»<sup>۱</sup>

**۳۱۹** امام: «آنی که می‌گوید که آخوند چکار دارد به سیاست، آنی که با آخوند خوب نیست، این با اسلام بد است. می‌خواهد آخوند را کنار بگذارد - که می‌تواند یک کاری توی مردم انجام بدهد - و هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند و لهذا، این طور شد. البته علمای ما در طول تاریخ این طور نبود که منعزل از سیاست باشند. مسئله مشروطیت یک مسئله سیاسی بود و بزرگان علمای ما درش دخالت داشتند، تأسیسش کردند. مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی - رَحْمَه اللّٰه - این معنا را انجام داد. در زمانهای اخیر هم مدرس، کاشانی، اینها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند، اما به قدری قدرت داشت این دست قوی توطئه‌گر که نمی‌شد از فکر حتی اهل علم محترم هم بیرون کرد به اینکه نه، مسأله این طور نیست، مسئله حکومت در زمان پیغمبر بوده و سیاست هم بوده در زمان امیر المؤمنین بوده و سیاست هم بوده، و اینکه همه نقل کرده‌اند و این قدر غدير را بزرگ کرده‌اند، برای اینکه به ما بفهمانند، تعلیم بدهند به ما که این طوری باید باشد.»<sup>۲</sup>

**۳۲۰** امام: «رسول خدایی که سالهای طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه، عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا می‌شود برای اینکه هر کس هر چیزی دارد بیاورد. وقتی که آشفته است نمی‌توانند، در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه‌شان را، اهل فقه، فقه‌شان را، لکن وقتی حکومت یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و گذاشت که فرصت طلبها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود، در این محیط آرام همه چیز پیدا می‌شود. بنا بر این، «ما نُودِی بَشِیْءٍ مِّثْلَ مَا نُودِی بِالْوَلَایَهِ» برای اینکه حکومت است. به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی بوده است، زمان پیغمبر بوده است، زمان امیر المؤمنین بوده است، بعدها هم اگر یک فرصت پیدا می‌شد، آنها هم داشتند این معنا را. انحرافات زیاد شده است. بعضی از اهل علم خودمان هم همین معانی را دارند: «لباس جندی حرام است، لباس شهرت است، به عدالت مضر است». حضرت امیر عادل نبوده؟! حضرت سید الشهداء هم عادل نبوده؟! حضرت امام حسن هم عادل نبوده؟! پیغمبر اکرم هم عادل نبوده؟! برای اینکه لباس جندی داشتند! اینها را تزریق کردند به ما، به ما آن طور دستهای توطئه‌گر تزریق کردند که ماها هم باورمان آمده است. تو چکار داری به اینکه چه میگذرد! تو مشغول درست باش! تو مشغول فقهت باش! تو مشغول فلسفهات باش! تو مشغول عرفانت باش! چکار داری که چه می‌گذرد!»<sup>۳</sup>

**۳۲۱** رهبری: «کسانی که با چهره طرف‌داری از دین، چنین عنوان می‌کنند که «دین نباید به امور سیاسی پردازد»، خبر ندارند که این شگرد جدید تبلیغات استکباری و استعماری، علیه حاکمیت اسلام و حیات مجدد اسلام است. البته جدایی دین از سیاست» را قرن‌هاست که مطرح می‌کنند. اول، ایادی استبداد؛ یعنی قدرتمندانی که زمام امور جامعه را مستبدانه در دست داشتند و می‌خواستند آزادانه، هر کاری می‌خواهند با ملت و کشور انجام دهند، مطرح کردند و بدیهی است که نمی‌خواستند احکام اسلامی و منادیان احکام اسلامی، در امر حکومت آنها دخالتی بکنند. لذا، حکام و سلاطین مستبد، اولین پیشروان فکر انحرافی «جدایی دین از سیاست» محسوب می‌شوند. قبل از استعمارگران و قبل از دشمنان خارجی و قبل از طراحان سیاسی صهیونیسم و دیگران، کسانی که بر این کشور و بر دیگر کشورهای اسلامی، سالها مستبدانه حکومت کردند، مروج و منادی این فکر بودند که «دین از سیاست جداست.» وقتی در زمان ناصر الدین شاه، یک عالم روحانی در یک امر سیاسی دخالت کرد و همه تدابیر و مکر استعماری را که منافع مشترک کمپانیها و دربار پادشاهی ایران به وسیله آن تأمین می‌شد، به هم ریخت، آیا اطرافیان و درباری‌های ناصر الدین شاه به

<sup>۱</sup> بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران (۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان نظام به مناسبت عید غدیر، ۲ شهریور ۱۳۶۵ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۶)

<sup>۳</sup> همان

این فکر نیفتادند که چرا دین در امر سیاست دخالت می‌کند؟ کما اینکه در ادبیات دوران ناصر الدین شاه - دوران اواسط و اواخر قاجار - همین معنا وجود دارد که «چرا علما و کسانی که به امور دینی مشغولند، در امر حکومت دخالت می‌کنند؟» این معنا، در نوشته‌های عهد ناصری، به طور واضح وجود دارد. پس، اول مسئله، به مستبدان و افسارگسیختگان دستگاه حاکمیت در کشور ما و کشورهای دیگر برمی‌گردد که از هرگونه دخالتی از ناحیه دین و اهل دین و منادیان و علمای دین در پهنه سیاست، می‌هراسیدند و با آن مخالفت می‌کردند. استعمارگران هم که قضیه را منطبق با آمال و سیاستهای خود می‌دیدند، آن را دنبال کردند و تز جدایی دین از سیاست، بعد از آنکه بر خلقیات آحاد مردم متدین و حتی بسیاری از علما تحمیل شده بود و به خورد آن‌ها رفته بود، شکل مبنایی هم پیدا کرد. یعنی برای آن، استدلال درست کردند و به یک مبنا و یک فکر تبدیل شد.<sup>۱</sup>

**۳۲۲ امام:** «بحمد الله امروز وارد مسائل سیاسی شدن دیگر عیبی ندارد، ولی باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پایینتر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگی‌تان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید؛ برای اینکه مردم می‌گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم.»<sup>۲</sup>

**۳۲۳ امام:** «اینها همچو تبلیغات کرده بودند که اگر یک ملّایی وارد می‌شد در امر سیاسی، راجع به حکومت می‌خواست صحبت بکند، راجع به مجلس صحبت بکند، راجع به گرفتاریهای سیاسی مردم می‌خواست صحبت بکند، در خود جامعه روحانیت می‌گفتند که این آدم «سیاسی» است، دیگر به درد نمی‌خورد! همان خاصیتی که در علی بن ابی طالب بود که یک رجل سیاسی بود. از خطبش معلوم است که مرد سیاست بوده؛ و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهایی که داده، همه‌اش دستورهایی سیاسی است. ما غفلت کردیم از مبادی امر و از صدر اسلام و از کیفیت سیاست رسول اکرم و از سیاست امیر المؤمنین - سلام الله علیه - و سیاست زیر زبیر ائمه - علیهم السلام - که به صورت تقیه سیاستها را اجرا می‌کردند. به ما اینها تزریق کردند، و حتی به خود ما تعمیم کردند، که شما حق دخالت در این امور ندارید. اصلاً در شأن شما نیست! با این اسم که ما یک قدری خوشحال بشویم که آقا شما بالاتر از این هستید که در سیاست دخالت بکنید! شما یک رجل روحانی هستید؛ شما باید مردم را تهذیب اخلاقشان را بکنید؛ اخلاق برای مردم بگویید؛ و امثال این حرفها. هم منبرها را از محتوایی که باید داشته باشد، که آن دخالت در امور سیاست مملکت است؛ و هم مسجدها را و هم سایر طبقات روحانیون را و هم حوزه‌های علمیه را از آن محتوایی که اسلام از اول می‌خواست اینها [داشته] باشند و این کارها را بکنند [بازداشتند]. «حوادث واقعه» باید به روحانین رجوع بشود. «حوادث واقعه» چه چیز است؟ حادثه‌ها همین حوادث سیاسی است. حالا احکام جزء «حوادث» نیست. و أما الحوادثُ الواقِعَةُ رجوع کنید به فقها. حوادث همین سیاستهاست. این «حادثه» ها عبارت از اینهایی است که برای ملت‌ها پیش می‌آید. این است که باید مراجعه کنند به کسان دیگری که در راس مثلاً هستند. و الا مسأله گفتن و احکام شرعی جزء حوادث نیست. یک چیزهایی است که بوده است.»<sup>۳</sup>

**۳۲۴ رهبری:** «برای مسلمین، روشن گردید که امور سیاسی - و برتر از همه امور سیاسی، امر حکومت و ولایت - با دین عجین است و از دین جدایی‌پذیر نیست. وقتی نصوص و متون دینی، معنای خود را آشکار کرد، همه فهمیدند که سالها به چنین امر واضحی توجه نداشته‌اند. بدیهی است که یک انحراف، وقتی از سوی دشمنان خوشبختی یک ملت پشتیبانی می‌شود، به آسانی از بین نمی‌رود. بنابراین، استدلالهایی جدید برای جدایی دین از سیاست درست شد.

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» (۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۵)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه، ۴ خرداد ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۵۲)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع جامعه و غاظ تهران، ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۸۶)

استدلال کردند که «اگر دین را وارد سیاست کنیم و اگر سیاست یک کشور از دین سرچشمه و منشأ بگیرد، چون امور سیاسی و امر حکومت، مشکلات دارد، دنبالش نارضایبها، دلزدگی‌ها و ناکامیهاست. لذا، این امر موجب می‌شود که مردم از اصل دین، بیزار شوند. پس، اصلاً دین، باید به کل از سیاست کنار برود؛ جنبه قداست پیدا کند؛ نورانی‌تی بیاید؛ به کناری بنشینند و به امور معنوی و ذهنی و روحی مردم بپردازد.» امروز ایادی استکبار، در دنیا- بخصوص دنیای اسلام- با شیوه‌های مختلف این استدلال و نظریه را ترویج می‌کنند.<sup>۱</sup>

**۳۲۵ امام:** «طرح مسأله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه‌ای نیست. این مسأله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمانهای اخیر هم که دستهای بیگانه در ممالک باز شد، آنها هم به این مسأله دامن‌زدند به طوری که مع الاسف بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورش‌شان آمده است که مثلاً اگر یک ملایی در مسائل سیاسی وارد بشود، به او ضربه می‌خورد. این یکی از نقشه‌های بزرگ استعمار است که بعضی باور کردند.»<sup>۲</sup>

**۳۲۶ امام:** «شما اگر صدر اسلام را ملاحظه کنید، می‌بینید که اسلام از زمان پیغمبر- صلی الله علیه و آله و سلم- حکومت تشکیل داده است، قوای نظامی و انتظامی داشته است. در سیاستها دخالت می‌کرده است و مسجد النبی مرکز سیاست اسلامی بوده است و ثقل قدرت اسلامی. دستهای ناپاک و عقلهای ضعیف موجب این شد که بعد از رسول الله و صدر اسلام کم کم مردم را از آن مسائل اصلی که در نظر اسلام بوده است، منحرف کنند و مردم را متوجه به فقط یک مسائل جزئی بکنند و در مسائل عمومی کلی، که کشورهای اسلامی به آن احتیاج دارند بی‌طرف باشند و احیاناً هم مخالف باشند. این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی امیه و بنی عباس طرح‌ریزی شده است و بعد از آن هم هر حکومتی که آمده است، تأیید این امر را کرده است. و اخیراً هم که راه شرق و غرب به دولت‌های اسلامی باز شد، این امر در اوج خودش قرار گرفت که اسلام، یک مسائل شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمانان در سیاست دخالت کنند و نباید روحانیون وارد سیاست بشوند؛ آنها همان در مسجدها محبوس باشند و همه کارشان این باشد که بروند نماز بخوانند و چند کلمه هم دعا کنند و برگردند منزل. این یک نقشه‌ای بوده است که از صدر اسلام ریشه دارد و امروز که دولت‌های شرق و غرب، قدرتهای بزرگ شرق و غرب در مقابل اسلام ایستاده‌اند، به اوج خود رسیده.»<sup>۳</sup>

**۳۲۷ رهبری:** «آن روزی که انگلیسی‌ها در زمان محمد شاه قاجار در بوشهر پیاده شدند، برای اینکه او هرات را زیر فشار قرار داده بود، اینجا اهرم فشاری برای او به وجود آمد. چه کسی در مقابل این‌ها ایستاد؟ چه کسی به امثال رئیس‌علی فتوا داد و برایشان بیان کرد و تشویق کرد و تحریض کرد و به مردم دلگرمی و قدرت داد؟ غیر از علما چه کسانی بودند؟ آن‌ها در مقابل زورگوها و قلدرها می‌ایستادند. این تکلیف همیشه ماست و باید آن را رعایت کنیم.»<sup>۴</sup>

**۳۲۸ امام:** «اینهایی که دلسوزی می‌کنند برای این افراد فاسد، مفسد، مشغول به انفجار و ترور و امثال ذلک، اینها لغت «انبیا» را نمی‌دانند چیست. آنها خیال می‌کنند که انبیا آمده‌اند مسأله بگویند، تمام. شما کدام یک از انبیا را سراغ دارید که در امور اجتماعی، به آن طور حادثش شرکت نکرده و سردمدار نبوده است؟ موسی- علیه السلام- یک شبان با عصایش راه می‌افتد می‌رود سراغ فرعون؛ نمی‌آید توی بازار مسأله بگوید. این هم هست البته، اما می‌رود سراغ فرعون. خدا هم او را می‌فرستد دنبال فرعون؛ بروید او را دعوت کنید، دعوتش کنید؛ به قول لین هم دعوتش کنید و امثال ذلک. وقتی که قول لین نشد، خوب، آن وقت قیام می‌خواهد. پیغمبر اکرم کدام روز نشست همین طوری فقط مسأله بگوید،

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» (۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۵)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر، ۲۵ مرداد ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۱۸)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان آستان قدس رضوی، ۳ مرداد ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۸۸)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

کاری به کار جامعه نداشته باشد؟ اینهایی که می‌گویند «آخوند چه کار دارد به امور سیاسی»، پیغمبر اکرم کدام روزش از مسائل سیاسی خارج بود؟ دولت تشکیل می‌داد، با اشخاصی که به ضد اسلام، ستمگر بر مردم بودند، با آنها مبارزه می‌کرد، جنگ می‌کرد.»<sup>۱</sup>

**۳۲۹ رهبری:** «تکلیف دوم که باز ما در آن با علمای دوره‌های قبل شریک هستیم تکلیف مجاهدت برای مردم است. اگر انقلاب پیروز هم نشده بود، این تکلیف بود. همیشه علمای ما برای مردم کار و تلاش می‌کردند، زحمت می‌کشیدند، فقرا را پاسداری می‌کردند، به آن‌ها رسیدگی می‌کردند؛ دأب و روش علما این بود. نمی‌خواهیم بگوییم که این از آن عامه‌هایی است که تخصیص نخورده و استثنا ندارد؛ خیر، این‌طوری نیست. دأب اصلی بر این بود که به فقرا و طبقات ضعیف کمک کنند و برای حفاظت از آن‌ها، در مقابل زورگو بایستند، در مقابل خان بایستند، در مقابل سلطان بایستند. اصلاً علمای ما بخصوص علمای شیعه همیشه به این معنا معروف بوده‌اند.»<sup>۲</sup>

**۳۳۰ امام:** «شأن بزرگ اهل علم این بود که این آقا نمی‌فهمد سیاست را! اگر یک آقای اصلاً عقلش نرسید به اینکه سیاست چیست، این بزرگوار بود خیلی؛ آقای است که دخالت در امور نمی‌کند، قربانش بروم، چه آقای خوبی، ظهر می‌آید نمازش را می‌خواند و می‌رود توی خانه‌اش می‌نشیند! و به ما این مطلب را تحمیل کرده بودند. این شیاطینی که می‌خواستند این جمعیت را کنار بگذارند، به ما همه تحمیل کرده بودند این مطلب را که اگر یک آقای - فرض کنید که - عقیده‌اش این بود که باید وارد بشود در سیاست و در گرفتاری ملت، می‌گفتند: این آقا سیاسی است! همین که می‌گفتند «سیاسی»، این دیگر باید برود، از جامعه باید جدا بشود. این را تحمیل کرده بودند شیاطین به ما و نگذاشته بودند که ما خود پیغمبر اکرم را و حالات حضرت امیر را مطالعه کنیم؛ ببینیم که آیا آنها چه جور وضعی داشتند. پیغمبر اسلام در سیاست دخالت نمی‌کرد؟ می‌توانید بگویید پیغمبر هم یک عامل سیاسی بوده، پس کنار؟ در امور سیاست وارد نمی‌شد؟ تمام عمرش در امور سیاسی بود؛ تمام عمرش را صرف کرد در سیاست اسلامی و حکومت اسلامی تشکیل داد. حضرت امیر حکومت اسلامی داشت و حکومت‌های اسلامی می‌فرستاد آن طرف. اینها سیاست نبودند؟ حضرت امیر را تخطئه می‌کنید؟ اینهایی که می‌گویند نه، دیگر لازم نیست و آخوندها بروند سر جایشان بنشینند، این آخوندها مدعی این هستند که ماها تابع آن موالی هستیم، شما قبول ندارید که [این طور بوده؟] یا باید قبول نکنید که اصلاً پیغمبر اسلام وارد سیاست می‌شد؛ و حکومتی نداشته و گوشه مدینه توی مسجد نشسته بوده و مسأله می‌گفته؛ این جور بوده؟ حضرت امیر هم گوشه خانه‌اش نشسته بود و عبایش را روش می‌کشیده و می‌رفته مسجد نماز می‌خوانده برمی‌گشته باز آنجا می‌نشسته مطالعه می‌کرده، مسأله این بوده؟ یا اینها از اول وارد سیاست بودند؟ مدتی که مکه بود، حضرت رسول ﷺ نمی‌توانست یک حکومتی تشکیل بدهد، لکن مشغول جمع‌آوری افراد بود، مشغول یک سیاست زیرزمینی بود. بعد که کار را درست دید و آمدند به مدینه، آنجا دیگر حکومتی بود، تشکیل دادند و فرستادند. همان آخری هم که در رختخواب رحلت خوابیده بودند، جیش اسامه بیرون شهر مهیا بودند برای رفتن و حضرت رسول گفت: «خدا لعنت کند کسی را که تخلف کند» - به حسب روایت - از جیش اسامه. «۱» قضیه، بعد از مرگشان هم می‌خواستند درست بکنند - کردند درست. آن همه شمشیری که حضرت امیر زد، به ما حالی کرده بودند که یکی از خلاف مروتها پوشیدن لباس جندی است. این خلاف است، این با عدالت نمی‌سازد! حضرت امیر هم مگر عادل نبود؟ سید الشهداء مگر عادل نبود؟ خلاف مروت بود آن کاری که سید الشهداء می‌کرد؟! آن کاری که حضرت امیر می‌کرد؟! اینها می‌خواستند از ما و از شما و از روحانیون یک موجود بی‌خاصیتی درست کنند که هیچ رنگ و بویی نداشته باشد و هیچ کاری نداشته باشد به اینکه به این ملت چه می‌گذرد، به این مخازن ملت چه می‌گذرد، حکومت چه می‌کند، این قلدرها چه می‌کنند با ملت، این خانها چه می‌کنند با ملت. یک اشخاص بی‌رنگ و بویی می‌خواستند، که خیلی هم [به آنها] احترام می‌کردند: شما بنشینید سر جاهاتان و مسأله‌تان را بگویید، ما احترامتان

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون، ۱۸ شهریور ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۱۳)  
<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

هم می‌کنیم، سلام بلند بالایی هم به شما می‌دهیم، اما اگر یک قدم آن طرف بگذارید، نه، دیگر اینجا حد شما نیست، حد شما تا آنجایی است که مسأله بگویید و بیا بید مسجد و خیلی هم که چی بشود، یک مجلس فاتحه‌ای باشد، بروید مجلس فاتحه بنشینید. به ما تحمیل کردند این را و ما باید از زیر این بار تحمیل بیرون برویم.»<sup>۱</sup>

**۳۳۱ رهبری:** «بعد دیگر وحدت دین و سیاست این است که حوزه‌های علمیه بایستی از سیاست هرگز دور نمانند. طلاب باید آگاهی سیاسی پیدا کنند. مبدا جریانهای سیاسی روز، بر ذهن طلاب در حوزه علمیه سبقت بگیرند. طلاب باید در فضای سیاسی حضور داشته باشند؛ بلکه جلوتر از زمان باشند و فکر سیاسی روشن داشته باشند؛ کماینکه علمایی که فکر سیاسی روشن داشتند، مفید بودند.»<sup>۲</sup>

**۳۳۲ امام:** «باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حقی است، لکن سیاستی که آنها دارند، دامنه‌اش با سیاستی که اینها دارند فرق دارد. ما اگر فرض کنیم که یک فردی هم پیدا بشود که سیاست صحیح را اجرا کند، نه به آن معنای شیطنانی فاسدش، یک حکومتی، یک رئیس جمهوری، یک دولتی سیاست صحیح را هم اجرا کند. و به خیر و صلاح ملت باشد، این سیاست یک بُعد از سیاستی است که برای انبیا بوده است و برای اولیا و حالا برای علمای اسلام. انسان یک بُعد ندارد، جامعه هم یک بُعد ندارد، انسان فقط یک حیوانی نیست که خوردن و خوراک همه شئون او باشد.»<sup>۳</sup>

**۳۳۳ امام:** «من یک قصه‌ای از مرحوم حاج آقا روح‌الله خرم‌آبادی شنیدم و یک قصه هم خودم دارم. مرحوم آقای کاشانی - رحمه الله - را که تبعید کرده بودند به خرم‌آباد و محبوس کرده بودند و در قلعه فلک‌الافلاک یا کجا، آقای حاج آقا روح‌الله می‌فرمودند که من از آن کسی که رئیس ارتش آنجا، و آقای کاشانی هم تحت نظر او بود و محبوس بود - من حالا وقتی می‌گویم محبوس در زمان رضا خان، شما خیال می‌کنید مثل حبسهای عادی زمانهای دیگر بود، البته پسرش هم مثل پدر بود لکن آن کسی که گرفتار می‌شد اگر از اشخاصی عادی بود همچو مرعوب می‌شد که در حبس یک کلمه‌ای که بر خلاف مثلاً دولت یا آن کسی که در آنجا هست بزنند، امکان نداشت برایشان - مرحوم حاج آقا روح‌الله گفتند که من از این رئیس ارتش که در آنجا بود خواهش کردم که من را ببرد خدمت مرحوم آقای کاشانی، قبول کرد و ما را بردند پیش ایشان. آن رئیس، آنجا بود و من هم بودم و آقای کاشانی. آن شخص شروع کرد صحبت کردن، و رو کرد به آقای کاشانی که آقا شما چرا خودتان را - قریب به این معانی - به زحمت انداختید؟ آخر شما چرا در سیاست دخالت می‌کنید؟ سیاست، شأن شما نیست، چرا شما دخالت می‌کنید؟ از این حرفها شروع کرد گفتن. آقای کاشانی فرمودند: «خیلی خری!» شما نمی‌توانید که این کلمه در آن وقت مساوق با قتل بود. ایشان گفتند: «تو خیلی خری، اگر من دخالت در سیاست نکنم کی دخالت بکند؟» یک قصه هم من خودم دارم. وقتی که ما در حبس بودیم و بنا بود که حالا دیگر از حبس بیرون بیایم و برویم قیطریه و در حصر باشیم، آن رئیس امنیت آن وقت در آنجا حاضر بود و ما بنا بود از آن مجلس برویم، ما را بردند پیش او. او ضمن صحبتهایش گفت که: آقا! سیاست عبارت از دروغگویی است، عبارت از خُده است، عبارت از فریب است، عبارت از پدرسوختگی است، این را بگذارید برای ما. من به او گفتم: این سیاست مال شماست! البته بعدش آمد دروغی گفت که [فلانی] بنا گذاشتند که در سیاست دخالت نکنند و ما هم جوابش را دادیم. مسأله این است، البته سیاست به آن معنایی که اینها می‌گویند که دروغگویی، با دروغگویی، چپاول مردم و با حيله و تزوير و ساير چيزها، تسلط بر اموال و نفوس مردم، اين سياست هيچ ربطی به سياست اسلامي ندارد، اين سياست شيطاني است. و اما سياست به معنای اينکه جامعه را راه ببرد و هدايت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ «سیاست» ثابت شده است. و در دعای، در زیارت جامعه

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰)

<sup>۲</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۳۱ شهریور ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، ۳ دی ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۳۱)

ظاهراً هست که «ساسة العباد» هم هست. در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد.<sup>۱</sup>

**۳۳۴** امام: «دین سیاست است اصلش. اسلام را شما مطالعه دارید در آن. اسلام یک دینی است که احکام عبادی اش هم سیاسی است. این جمعه، این خطبه‌های جمعه، آن عید، آن خطبه‌های عید، این جماعت، اجتماع، این مکه، این مشعر، این منی، این عرفات، همه‌اش یک مسائل سیاسی است. با اینکه عبادت است، در عبادتش هم سیاست است. سیاستش هم عبادت است. اینها جدا می‌کردند اسلام را و دین را از سیاست. می‌گفتند که امپراتور سر جای امپراتوری است، آخوند هم برود در مسجد. آخوند چه کار دارد به اینکه رضا خان مردم را [غارت] می‌کند و [اذیت] می‌کند. آخوند برود نمازش را بخواند و برود. آخوند چه کار دارد که نفت را دارند می‌برند. آخوند چه کار دارد که قراردادهای کمرشکن برای یک مملکتی حاصل می‌شود. آخوند برود عیایش را سرش بکشد. تو مسجد نمازش را بخواند. هر چه هم دلش می‌خواهد دعا بخواند. کی با او مخالف است؟»<sup>۲</sup>

**۳۳۵** امام: «(اصل حکومت در اسلام) مطرح نشده است. هر وقت صحبتش پیش می‌آید، حتی بین خود مسلمانها، باز صحبت می‌شود به این که خوب این امر سیاسی است؛ به ما چه ربط دارد. روحانیت باید از سیاست جدا باشد! مسجد مال روحانیون، فقط بروند توی مسجد! اسلام را حبسش کرده‌اند توی مسجد. فقط در صورتی که اسلام در همین قشر دنیایی و طبیعی‌اش هم در میدان بیشتر بوده تا مسجد.»<sup>۳</sup>

**۳۳۶** رهبری: «فکر وحدت دین و سیاست را، هم در تفقه و هم در عمل دنبال نکنید. آقایان بدانند که فکر جدایی دین و سیاست، به عنوان یک آفت، بکلی ریشه‌کن نشده است. متأسفانه هنوز در حوزه‌ها کسانی هستند که خیال می‌کنند حوزه باید به کار خودش مشغول بشود، اهل سیاست و اهل اداره کشور هم مشغول کار خودشان باشند؛ حد اکثر اینکه باهم مخالفتی نداشته باشند! اما اینکه دین در خدمت اداره زندگی مردم باشد و سیاست از دین تغذیه بکند، هنوز در بعضی از اذهان درست جا نیفتاده است. ما بایستی این فکر را در حوزه ریشه‌دار کنیم؛ به این شکل که هم فقاقت را این‌طور قرار بدهیم، و هم در عمل این‌گونه باشیم. یعنی چه؟ یعنی استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد؛ نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحمام فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این در یکجا از اداره زندگی این جامعه تأثیری خواهد داشت؛ تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه این‌ها را به عنوان جزیی از مجموعه اداره یک کشور استنباط بکنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد.»<sup>۴</sup>

**۳۳۷** امام: «اینهایی که می‌گویند روحانیت باید دخالت نداشته باشد، نمی‌فهمند. یا می‌فهمند و مردم را اغفال می‌کنند. این اشتباه است. روحانیت نظارت بر اوضاع دارد. کارها دست کارشناسهای غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلطکاری نشود. یک وقت کودتا نشود، یک وقت ظلم به مردم نشود. روحانیت می‌خواهد جلو غارتگری و ستم و دزدی را بگیرد.»<sup>۵</sup>

**۳۳۸** امام: «آنی که به امپراتوری همه ضرر داشت آن اسلام و محتوای واقعی اسلام بود که مع الأسف بسیاری اش منسی واقع شده است. سیاست اسلام همچو منسی شده است که اصلاً سیاست یک ننگی بود در اینجا! فلان آخوند

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی، ۷ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۶۲)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع اهالی کنگاور، ۲۵ آذر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۳)

<sup>۴</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۳۱ شهریور ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> مصاحبه با روزنامه «لوموند»، ۹ آذر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۲)



«سیاسی» است! و «ساسة العباد»، که در «زیارت جامعه» می‌خوانیم، اگر به یک مقدس مآبی هم می‌گفتند، تعبیرش لا بد می‌کردند. جرأت نمی‌کرد بگوید که آن هم سیاسی است. این یک چیز ننگ‌آوری بود که یک کسی در حکومت دخالت بکند که این حکومت باید صحیح باشد؛ جریان صحیح باید باشد. این از تبلیغات همان شیاطین بود که می‌خواستند قشر اسلام را - صورتش را نگه دارند و ماها مشغول به همین صورتهای باشیم و محتوا نباشد در کار. کارهایشان را انجام بدهند، محتوای اسلام که مهمش اسلام قیام لله، نهضت لله، جلوگیری از ظلم ظالمین، از ستم ستمکاران، اجرای عدالت اسلامی، اینها را منسی؛ برویم هر چه دلمان می‌خواهد مسأله بگوییم! هر چه می‌خواهیم نماز بخوانیم! مسأله گفته نشود که باید جلوگیری از طاغوت کرد. این را نگوید مسأله؛ هر چه دیگر می‌خواهید بگویید اما این نباید گفته بشود. سینه بزنی لکن هیچ صحبت از سیاست نکنید؛ همان سینه بزنی بی‌محتوا! باید سینه زدن هم محتوا داشته باشد.»<sup>۱</sup>

**۳۳۹ امام:** «این قدر خواندند به مردم و تبلیغات کردند که مردم همه تقریباً، به این معنی عادت کردند - که حالا هم باز این صحبت هست - که دخالت در سیاست در شأن روحانیت نیست؛ شأن روحانیت نیست که برود و ببیند که کیفیت حکومت چیست، و چه می‌کنند این ظلّمه با مردم. شأن روحانیت همانهاست که توی مدارس باشند و نماز جماعتی هم بخوانند اول ظهر و اول مغرب! مردم هم همین مقدار به روحانیت بیشتر نظر نداشته باشند. اسلام را اصلش می‌گفتند کاری ندارد به سیاست ... سیاست و دیانت از هم جداست. سیاست مال آنها و دیانت مال ما! مراکز قدرت دست آنها که هر کاری می‌خواهند بکنند، و مساجد و پیرمردهای توی مسجد هم مال ما! این تقسیمی است که از اول کردند.»<sup>۲</sup>

**۳۴۰ امام:** «این را آن قدر تبلیغات روی آن کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند، که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند که روحانی به سیاست چه کار دارد، به حکومت چه کار، به نظام حکومت چه کار دارد. روحانی مسجد برود و نماز بخواند و عرض می‌کنم که از این صنف کارها: درس بگوید و مباحثه بکند و این آداب شرعی را به مردم نشان بدهد.»<sup>۳</sup>

**۳۴۱ امام:** «البته در اذهان بسیاری - بلکه اکثری، بیشتری از مردم، بیشتری از اهل علم، بیشتری از مقدسین - این است که اسلام به سیاست چه کار دارد؛ اسلام و سیاست اصلاً جداست از هم. همینی که حکومتها میل دارند، همینی که از اول القا کرده‌اند این اجانب در اذهان ما و حکومتها در اذهان ما که اسلام به سیاست ... آخوند چه کار دارد به سیاست. فلان آخوند را وقتی عیبش را می‌گیرند می‌گویند: آخوند سیاسی است! اسلام را می‌گویند از سیاست کنار است؛ دین علی حده است، سیاست علی حده. اینها اسلام را نشناخته‌اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول الله و باقی ماند حکومت - به عدل یا به غیر عدل. زمان حضرت امیر بود، باز حکومت عادلانه اسلامی بود؛ یک حکومتی بود با سیاست، با همه جهاتی که بود. مگر سیاست چی است؟ روابط ما بین حاکم و ملت، روابط ما بین حاکم با سایر حکومتها - عرض می‌کنم که - جلوگیری از مفاسدی که هست، همه اینها سیاساتی است که هست. احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی است. کتابهایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتابهایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جاگیر کردند. حتی حالا باورش آمده است آقایان به اینکه اسلام با سیاست جداست. این یک احکام عبادی است که بین خودش است و خدا. شما بروید توی مسجدها و هر چه می‌خواهید دعا کنید، هر چه می‌خواهید قرآن بخوانید، حکومتها هم به شما کار ندارند. اما این اسلام نیست. اسلام در مقابل ظلّمه ایستاده است؛ حکم به قتل داده، حکم به کشتن داده است. در مقابل کفار و در مقابل متجاسرین و کسانی که [طاغی] هستند احکام دارد. این همه احکام در اسلام نسبت به اینها هست، این همه احکام - حکم به قتل، حکم به جهاد، حکم به اینها هست؛ اسلام از

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران، ۸ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در پاریس، ۲۳ مهر ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶)

<sup>۳</sup> همان

سیاست دور است؟! اسلام فقط تو مسجد رفتن و قرآن خواندن و نماز خواندن است؟! این نیست؛ این احکام را دارد و باید این احکام هم اجرا بشود.»<sup>۱</sup>

**۳۴۲ امام:** «اسلام ما را موظف می‌کند در این امر دخالت کنیم، کنار رفتن و کنج خانه نشستن و دعا کردن فایده‌ای ندارد. باید به انبیا اقتدا کنیم. بنای انبیا و اهل بیت - علیهم السلام - این نبوده است که از مردم کناره‌گیری کنند؛ آنان با مردم بودند و هر وقت دستشان می‌رسید، حکومت را می‌گرفتند.»<sup>۲</sup>

**۳۴۳ امام:** «برادران عزیز من، فرزندان اسلام! توجه داشته باشید که باز یک جریانی در کار است شما را منعزل کنند از این امری که در او هستید. مبادا گروه‌ها یا آنهایی که نمی‌خواهند روحانیون در این کشورها نفس بکشند شما را اغفال کنند و برگردانند به کنج‌های مدارس و منزوی کنند در حجره‌ها! شما همان طوری که علم باید بیاموزید و تقوا در رأس برنامه شما باشد، [در] مهیا بودن از برای دخالت در امور سیاسی و امور اجتماعی و دخالت در مشکلات مسلمین و حاضر بودن از برای دفاع از کشور اسلامی هم باید کوشش کنید.»<sup>۳</sup>

**۳۴۴ امام:** «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است.»<sup>۴</sup>

**۳۴۵ امام:** «اسلام را همچو بد معرفی کرده‌اند به ما که ما هم باورمان آمده است که اسلام [را] به سیاست چه! سیاست مال قیصر و محراب مال آخوند! - محراب هم نمی‌گذارند برای ما باشد - اسلام دین سیاست است؛ حکومت دارد. شما بخشنامه حضرت امیر و کتاب حضرت امیر به مالک اشتر را بخوانید ببینید چیست. دستوره‌ای پیغمبر و دستوره‌ای امام - علیه السلام - در جنگها و در سیاسات ببینید چه دارد. این ذخایر را ما داریم، عُرْضه استفاده‌اش را نداریم. ذخیره موجود است، همه چیز داریم، عُرْضه استفاده نداریم.»<sup>۵</sup>

### ۳/۱/۱. اتهام آخوند سیاسی

**۳۴۶ امام:** «یک روزی بود که اگر یک ملأیی راجع به مطلب سیاسی یک کلمه‌ای می‌گفت، می‌گفتند آخوند «سیاسی» است، بیندازش دور! شاید نمی‌رفتند با او نماز بخوانند. این چه بود؟ این یک نقشه‌ای بود که آخوند را از سیاست کنار بگذارند. اسلام را کنار بگذارند؛ و سیاست هم کنار و علی حده. آنها کارهای خودشان را بکنند و مخازن ما را ببرند و مملکت ما را تحت سلطه قرار بدهند؛ آخوند هم برود توی خانه‌اش بنشیند و حمد و سوره بخواند! خیلی هم کار بکند، چند تا کلمه اخلاقی برای مردم بگوید. این نقشه‌ای بود که می‌خواستند که اسلام را کنار بگذارند از سیاست، سیاست دست آنها، و اسلام هم برکنار.»<sup>۶</sup>

**۳۴۷ امام:** «حتی این آخری می‌گفتند که با قداست اینها مخالف است؛ با قداست اهل علم، وارد شدن در حکومت و سیاست مخالف است. این قداست در زمان حضرت رسول نبوده؟ حضرت رسول قداستش محفوظ نمی‌مانده؟ حضرت امیر قداست نداشته؟ حضرت سید الشهداء و امام حسن قداست نداشتند؟ می‌خواستند چشم و گوش همه ما را ببندند و می‌خواهند هم. این جریان از اول نهضت می‌دیدند که دارد پیش می‌رود، هی آنها بیشتر خواستند که کنار بگذارند اینها

<sup>۱</sup> سخنرانی در مسجد شیخ انصاری نجف، ۶ مهر ۱۳۵۶ (صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان وزارت اطلاعات، ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۸۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه، ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۸۵)

<sup>۴</sup> پیام (منشور روحانیت) به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، ۳ اسفند ۱۳۶۷ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۷۳)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۲)

<sup>۶</sup> سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران، ۴ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۲۴)



را. الآن هم این جریان هست، منتها یک وقت رسید به اوج خودش که دیدید و حالا رو به ضعف است و امیدوارم که دفن بشود.»<sup>۱</sup>

**۳۴۸ امام:** «خوب این آخوندها حالا چی می‌گویند اینها. آخوندیسم یعنی چه، مملکت ما نباید دست آخوندها باشد. اینها خیال می‌کنند که آخوندها می‌خواهند مملکت را بگیرند و به کس دیگر بدهند و خودشان هر کاری می‌خواهند بکنند. مسأله این نیست. اینها همین نقشه است که ملت را از این آخوندها جدا کنند با دست خود ملت. آن چیزی که برای ملت سرمایه است و می‌تواند کار بکنند، آن را بگیرند و جدا کنند، که نقشه در زمان رضا شاه هم به این معنا بود. و بعد هم یکی یکی از اول از آن پایبندترها بگیرند و بیایند بالا، بیایند بالا یکی یکی برسند تا آخر این جمعیت را از بین ببرند.»<sup>۲</sup>

**۳۴۹ امام:** «اسلام همه چیز است ... یکی از بدترین چیزی که اجانب در بین مردم و در بین خود ما القا کردند، این است که اسلام برای این است که ما همان عبادت بکنیم. چنانکه مذهب مسیح را هم مسخ کردند؛ مذهب مسیح مسخ شد. مسیح هرگز نمی‌شود که دعوتش این باشد که فقط عبادت بکنید، ظلمه را بگذارید به کار خودشان! این نمی‌شود؛ نبی نمی‌تواند این طور باشد. مسخ شده است اینها. اینها اسلام را در نظر ما، در نظر جاهلین مسخ کردند؛ اسلام را به صورت دیگر نشان دادند. و این از کیدهایی بود که با نقشه‌ها پیاده شده است؛ و ما خودمان هم باور کردیم «آخوند را به سیاست چه!» این حرف حرف استعمار است: آخوند را به سیاست چه؟! «ساسة العباد» در دعای جامع، «زیارت جامع» است؛ «ساسة العباد». چطور امام را به سیاست آره، اما آخوند را به سیاست نه؟! حضرت امیر یک مملکت را اداره می‌کرد، سیاستمدار یک مملکت بود؛ آن وقت آخوند را به سیاست چه؟! این مطلبی بود که مستعمر برای اینکه آخوند را جدا کند از دولت و ملت، القا کردند به او؛ آخوند هم باورش آمد! خود آخوند با ما مبارزه می‌کند که شما چکار دارید به سیاست! «این آخوند سیاسی است!» این چیزی بوده است که ما را ... به عقب راند. آخوند نمونه اسلام است. اسلام همه چیز است. قرآن همه چیز است. قرآن «انسان درست کن» است، کتاب انسان‌سازی است. قرآن همه چیز دارد: سیاست دارد، فقه دارد، فلسفه دارد، همه چیز دارد. انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تأمین بکند. انسان یک اعجوبه‌ای است که همه عالم است، و قرآن یک اعجوبه‌ای است که اداره انسان را به همه اقشار می‌کند. در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند، شمشیرزن درست می‌کند، جنگجو درست می‌کند. فقیه باید جنگجو هم باشد؛ فقیه باید سیاف باشد، ولی فقیه هم باشد و فقهش را از دست ندهد.»<sup>۳</sup>

**۳۵۰ امام:** «مسئله جدا بودن دین از سیاست، مسئله‌ای که با کمال تزویر و خدعه طرح کردند، حتی بر ما هم مشتبه کردند! حتی کلمه «آخوند سیاسی» یک کلمه فحش است در محیط ما! فلان آخوند سیاسی است! در صورتی که آقایان خواندند در دعاهای معتبر ساسة العباد مع ذلک از بس تزریق شده است، از بس اشتباه کاری شده است، ما خودمان هم باورمان آمده است که دین از سیاست جداست. آخوند در محراب برود، و شاه هم مشغول دزدی‌اش باشد! هر کس اسلام را مطالعه کرده باشد، قرآن کریم را مطالعه کرده باشد، کافی است که بفهمد اسلام و قرآن کریم تربیت می‌کند یک جامعه را در همه [شئون].»<sup>۴</sup>

**۳۵۱ امام:** «یک مطلبی که همه می‌دانید و می‌دانیم این است که شیاطین بزرگ و کوچک و آنهایی که می‌خواستند و می‌خواهند تمام قدرتها را در هر جا قبضه کنند و تمام منافع ملتها را چپاول کنند، از سالهای طولانی نقشه‌های عجیب

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰)

<sup>۲</sup> بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان آمریکایی، ۷ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۶۱)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع علما و اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۸۶)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۱)



و غریبی داشته‌اند، و مع الأسف قشرهای زیادی غافل بودند؛ از جمله این مطلب که روحانیون در امور سیاسی نباید دخالت کنند. آنها باید مردم را در این نماز و روزه و امثال اینها هدایت کنند، و جای آنها و شغل آنها مسجد است و منزل، مسجد بیایند و نماز بخوانند، منزل بروند و استراحت کنند، و به طوری این تبلیغ شده بود که همه باورشان آمده بود تقریباً، و دخالت در سیاست یک فحشی بود برای اهل علم. اگر می‌گفتند فلان آخوند سیاسی است، این به منزله یک فحش تلقی می‌شد. و خود مردم و بلکه خود روحانیون هم بسیاریشان این مسأله را باورشان آمده بود. اگر راجع به یک امر اجتماعی، یک امری که راجع به ملت است گفته می‌شد، بعضیها می‌گفتند که ما در امور سیاسی دخالت نمی‌کنیم. و اگر یک ملّایی در امر سیاست ملت و مصالح کشور صحبت می‌کرد، می‌گفتند که این سیاسی است و بر خلاف موازین است. این مسئله‌ای بود که این قدر رویش تبلیغات کرده بودند در داخل و خارج که به این زودی نمی‌شد از ذهن مردم بیرون کرد. آنها می‌خواستند که یک قشر بزرگی از جامعه را - که جامعه هم تبع آنها هست - منزوی کنند و خودشان به جای آنها بنشینند. حکومت مال ما، نماز جماعت خشکی که در آن اصلاً صحبت از اجتماعی و سیاسی نباشد هم مال شما»<sup>۱</sup>

## ۳/۱/۲. اتهام استبداد دینی

**۳۵۲** امام: «شما، برادران و عزیزان من! همان طوری که الآن سلاح در دستتان است باید در دست دیگر صلاح باشد. باید شما صلحاً باشید. باید شما رفتاری بکنید که اسلام را آن طور که هست عرضه کنید. شما بدانید که اگر خدای نخواستند از روحانیین و از کسانی که ملّیس به لباس روحانی هستند مطالبی که بر خلاف دستورات اسلام است صادر بشود، روحانیت را با این اعمال منزوی خواهید کرد؛ و قلمها بر ضد شما به کار می‌افتد و شما را از ملت جدا می‌کنند و ملت را از شما جدا می‌کنند؛ و به سر این کشور آن می‌آورند که در زمان رضا خان و پسرش آمد. این اسلام امروز در دست همه ماها، سرتاسر کشورهای اسلامی و خصوصاً ایران که جمهوری اسلامی - انسانی را در این کشور اعلام کرده؛ امانت است؛ امانت بزرگ است. این امانت به دست ماهاست چنانچه به این امانت خیانت بکنیم؛ خیانت به اسلام است - خیانت به احکام نورانی خداست؛ و خیانت به ملت‌های ضعیف است. توجه کنند روحانیون در سرتاسر کشور، چه جوانها که در میدانها می‌روند و فداکاری می‌کنند و چه آنهایی که در مدارس مشغول تحصیل علوم هستند و چه آنهایی که مشغول به تدریس هستند و چه آنهایی که ائمه جمعه و جماعات هستند و چه آنهایی که در دادگاهها و مقامات قضایی هستند و چه آنهایی که در کمیسیونها و جاهای دیگر هستند، توجه کنند که اسلام در دست شما طایفه بالخصوص امانت است. انحراف شما و لو بعضی از شما موجب می‌شود که اشخاصی که با شما و با اسلام دشمن هستند با قلمهای خودشان و گفتار خودشان به شما حمله کنند و یک مطلب را بزرگ کنند: مجاهدات شما یک کلمه از آن گفته نشود، لکن انحراف شما دائماً گفته بشود و به گوش مردم خوانده بشود؛ مردم را از مجاهدات شما اغفال کنند. از زحماتی که از ۱۵ خرداد تا کنون بر شما وارد شده است و بزرگان شما را برده‌اند در حبسها و زجرها، و انجام دادند کارهایی را که با دزدان آن طور انجام نمی‌دهند، اینها را زکری از آنها ندیدم بکنند! قلمها راجع به این مسأله شکسته است! اما اگر در یک دادگاهی یک کاری بشود که مثلاً در نظر آنها انحراف باشد، یا خدای نخواستند به حسب واقع انحراف باشد، عمال آنها دوره بیفتند و این طرف و آن طرف و تبلیغ کنند که دیکتاتوری آخوندی در کار است! دیکتاتور روحانی در کار است. این کلمه، کلمه‌ای است که دشمنهای اسلام درست کرده‌اند و می‌خواهند که روحانیون را کنار بگذارند و روحانی برود گوشه مسجد و مسائل اسلامی را، نه آنکه مربوط به جامعه است، نه آنکه مربوط به مشکلات جامعه و اسلام است، بلکه مسائل عبادی را فقط انجام بدهند؛ لکن دیگران در صحنه باشند و آن کنند به ما که محمد رضا کرد. وظیفه روحانیون؛ انجام کارها بر طبق موازین شرعیه باید بیدار بشوید شما! باید ملت ما بیدار بشوند. ملت ما در خیابانها، در بازارها، در سایر نقاطی که هستند، در کارخانه‌ها، در صحراها مشغول به خدمت هستند، بیدار باشند که اینکه گفته می‌شود

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، ۳ دی ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۲۹)

«دیکتاتوری آخوندی» این کلمه‌ای است که به باطل گفته می‌شود برای مقصد باطلتر! و الا پیدا کنند آنها این روحانیونی که دیکتاتوری می‌کنند. اگر دیکتاتوری معنایش این است که احقاق حق مظلوم را از ظالم می‌کنند و اگر دیکتاتوری معنایش این است که در دادگاهها امثال نصیری‌ها را از بین می‌برند، این چیزی است که اسلام کرده است و امری است که با امر اسلام انجام می‌گیرد. و اگر دیکتاتوری معنایش این است که تحمیل به ملت چیزی را می‌خواهند بکنند، می‌خواهند با قدرت، ملت را آزار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، این یک دروغ واضح است. باید مردم اشخاصی که این را می‌گویند، بگیرند آنها را و از آنها بپرسند که این کدام یک است و چه کرده است و چه کار دیکتاتوری انجام داده است، تا بفهمند ریشه این مطلب از کجاست. شما آقایان تکلیف دارید که کارهایی که انجام می‌دهید، در تمام قشرهای روحانیت که در ملت هستند و مشغول خدمت هستند، کارها بر وفق موازین شرعیه باشد، هیچ تخلف از موازین شرعیه نشود تا بهانه به دست دشمن ندهد. این تکلیف شماست که تخلف از احکام اسلام نکنید، و ان شاء الله نمی‌کنید. و تکلیف ملت است که تبعیت از روحانیون بکند؛ و حرفها و تبلیغاتی که بر ضد روحانیت می‌شود گوش به آن ندهد. پیگیری کند اگر یک جایی گفتند، ببینند که آیا این دیکتاتوری که آنها می‌گویند در کجا واقع شده است. آیا رئیس مجلس ما یک دیکتاتور است و دارد دیکتاتوری می‌کند؟ یا مقامات دیگری که در کشور هستند. کدام یک از اینها مشغول دیکتاتوری هستند؟ یا زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می‌کنند و می‌خواهند روحانیت را تضعیف کنند و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند. زبانهایی که بر خلاف مصالح اسلام به روحانیت حمله می‌کنند بدون حجت شرعی، یا به جمهوری اسلامی حمله می‌کنند بدون یک دلیل واضح. اینها زبانهایی هستند که گویندگان آنها دیکتاتورند؛ و می‌خواهند روحانیت را از صحنه بیرون کنند، و آن وقت یک حکومتی به دست بیاید که این حکومت موافق میل آقای ریگان باشد یا مطابق میل شوروی باشد! خطر اسلام بدون روحانیت من به همه روحانیین سرتاسر کشور اعلام خطر می‌کنم! من به همه ملت اعلام خطر می‌کنم! به روحانیون اعلام خطر می‌کنم که چنانچه خدای نخواستہ در بین شما کسی است که بر خلاف موازین اسلام عمل می‌کند، او را نهی کنید. اگر نپذیرفت از جرگه روحانیت اخراج کنید. اگر نکنید این کار را، خدای نخواستہ صورت روحانیت - که عز اسلام است - این را موشوہ می‌کنند. و با موشوہ کردن صورت روحانیت، اسلام به انزوا خواهد [رفت]. اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است. گویندگان شما و دانشمندان شما باید توجه داشته باشند که حوزه‌ها را با تدبیر، با نصیحت و همین طور جاهای دیگری که روحانیین مشغول کارهایی هستند، آنها را با تدبیر و با نصیحت و ادار کنند به اینکه خدای نخواستہ از آنها کاری صادر نشود که بهانه به دست آنهايي که می‌خواهند شما را از صحنه خارج کنند بیفتند، و قلمها به کار برود و خدمت‌های شما ناچیز و نادیده گرفته بشود، و لغزشی اگر در یکی از شما یا در دو تا از شما پیدا شد به حساب روحانیت بگذارند. باید تهذیب بشوید شما، خودتان را تهذیب کنید. کسانی که در حوزه‌ها هستند، اساتیدی که در حوزه‌ها هستند کوشش کنند که حوزه‌ها مهذب باشد. و اعلام خطری که به ملت می‌کنم این است که جریانی در کار است که روحانیت را کنار بگذارند؛ و جریانی در کار است که شما را از روحانیت جدا کنند، و آن کنند به سر ملت که در زمان محمد رضا آمد، منتها به یک صورت دیگری. بیدار بشوید ای ملت! و بیدار بشوید ای روحانیت! و بیدار بشوید ای دانشگاهیان! و بیدار بشوید ای کارگران! ای کارمندان! ای بزرگان! ای کوچکان! ای زنها! ای مردها! بیدار بشوید و این جریان را خنثی کنید، و نگذارید ملت شما و مملکت شما انحراف پیدا کند از آن راهی که شما دارید - که راه اسلام و راه خدا و خط رسول اکرم است.»<sup>۱</sup>

**۳۵۳ امام:** «از همین قماش توطئه‌ها و شاید موزیانه‌تر، شایعه‌های وسیع در سطح کشور، و در شهرستانها بیشتر، بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شمع فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهایی یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند! مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف‌تر شدند! زندانها پر از جوانان که امید آتیه کشور است می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیر انسانی‌تر است! هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند به اسم اسلام! وای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند! این زمان از زمان رضا خان

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه، ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۸۷)

و پسرش بدتر است! مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند! اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده! و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا می‌شود. و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هر چند روز یک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سرزبانها می‌افتد؛ در تاکسیها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود؛ و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می‌شود. و مع الأسف بعض روحانیون که از حيله‌های شیطانی بیخبرند با تماس یکی - دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است. و اساس مسأله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور می‌کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاریهای عظیم اجتناب ناپذیر آن ندارند - چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود اسلام است ندارند - و چشم بسته و بیخبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند.»<sup>۱</sup>

**۳۵۴ امام:** «این چیزی که بر دوش روحانیت است زیادتر از آن چیزی است که بر دوش دیگران است. همیشه بوده، لکن حالا زیادتر است. چشمها دوخته شده است به اینکه ببینند روحانیون که حالا یک قدرت ظاهری دستشان آمده است چه می‌کنند؛ با ملت چه می‌کنند. آیا آن طور است که قلمهای مسموم می‌گوید که ما از دیکتاتوری پهلوی خارج شدیم و به دیکتاتوری عبا و عمّامه مبتلا شدیم؟ اگر ما بهانه دست اینها بدسیم، یکی را صد می‌کنند و در خارج و داخل منتشر می‌کنند. اگر در داخل هم یک قدری ملاحظه بکنند، در خارج و در مجلات ممالک غربی و شرقی و اینها، این یک مطلب را صد مقابل می‌کنند؛ و ما را معرفی می‌کنند به اینکه اینها تا قدرت دستشان نبود هی می‌گفتند باید آزادی باشد، چه باشد؛ حالایی که قدرت دستشان آمده خودشان مشغول شده‌اند به اینکه با مردم بدرفتاری می‌کنند. الآن وظیفه شما آقایان روحانیون - وَفَّقَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى - یک وظیفه سنگینی است، یعنی این طور نیست که مثل اشخاصی دیگر که وظیفه شخصی دارند. همه وظیفه دارند که خودشان را حفظ کنند و جهات اسلامی را مراعات کنند؛ لکن شما چون که در رأس جامعه هستید و روحانی هستید و سرپرست ارواح مردم هستید، وظیفه شما دو چندان است؛ بلکه صد چندان است؛ یعنی همان قدری که پست شما یک پست شرافتمندی است و از همه بالاتر است، مسئولیت‌تان هم یک مسئولیت بزرگی است که از همه مسئولیتها بالاتر است. اگر خدای نخواست خطایی از بعض افراد ما صادر بشود، این را آنهایی که با اسلام مخالفند پای اسلام حساب می‌کنند، نمی‌گویند زید پایش را کج گذاشت، می‌گویند روحانیت این طوری است؛ می‌گویند اسلام هم همین است.»<sup>۲</sup>

**۳۵۵ امام:** «و حالا هم که فهمیدند که این قدرت اسلام بود که این سد بزرگ را شکست و این قدرت روحانیون بود که در همه جا مردم را بسیج کرد، هر جا رفتید آخوند آن شهر مردم را بسیج کرد و همه را با هم متحد کردند و همه در منبر و محراب مردم را جمع کردند و جوش دادند به هم تا این سد را شکست، حالا هم باز یک طایفه‌ای، اشخاصی با نغمه‌های مختلف، زیر پرده و روی پرده، می‌خواهند همین مسائل را بگویند. یعنی همان مطلبی که آن وقت از حلقوم افرادی که در زمان رضا خان بود در می‌آمد، حالا هم از حلقوم یک طایفه‌ای حالا در می‌آید که همان دو مسأله است: «اسلام کهنه شده است، اسلام نمی‌شود دیگر. روحانیون، آخوندها، باید بروند سراغ کارشان! باید بروند سراغ چه؛ دیکتاتوری آخوندی می‌خواهد درست بشود!» من نمی‌دانم این دیکتاتوری آخوندی کجاست؟! آخر کدام آخوند دیکتاتور است که اینها می‌گویند؟!»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> وصیتنامه سیاسی - الهی، ۱۹ آذر ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۹۳)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع پاسداران قم و کارمندان شرکت نفت آبادان، ۵ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۹۷)



## ۳/۲. حضور روحانیت در صحنه و موضع‌گیری در حوادث

**۳۵۶ امام:** «باید در عین حالی که حضور دارید در صحنه سیاست، و هر واقعه‌ای که واقع می‌شود شما توجه باید داشته باشید که این واقعه آیا به نفع ملت است یا نه، لکن حوزه‌های فقاقت را به همان قوت خودش حفظ کنید. این فقه است که اسلام را حفظ کرده و تا آخر حفظ می‌کند ان شاء الله. و از این شغلی که دارید و از این راهی که دارید منحرف نشوید، و بروید یک کارهایی که شما نباید بکنید، مثلاً یک معممی چهار تا هم پاسدار داشته باشد، و یا هر کاری دلش می‌خواهد بکند، یک کسی هم یک کمیته درست کند و چند تا پاسبان و هر کاری می‌خواهد بکند. اینها یک طرحی است که ریخته‌اند برای اینکه شما را از صحنه خارج کنند. وارد یک صحنه‌ای می‌کنند که شما را بکلی خارج کنند. همچو می‌کنند که هی بیایند فریاد بزنند که امان از این آخوندها که در کمیته‌ها هستند و در دادگاهها هستند. اگر دو تا، سه تا قضیه بر خلاف واقع شد، آنها هم قضایای زیادی را که صحیح واقع می‌شود، پایمال می‌کنند. باید در عین حالی که هر کس به شغل خودش باید مشغول باشد، و هر کسی باید همان کاری که دارد خوب انجام بدهد، لکن حاضر باشد در مملکت و غایب نباشد از سیاستی که در مملکت می‌گذرد.»<sup>۱</sup>

**۳۵۷ رهبری:** «حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسأله امریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می‌آید، مسائل خلیج فارس پیش می‌آید، مسائل گوناگون دیگری پیش می‌آید؛ طلبه اول کسی باشد که احساس کند مسئولیتی دارد و آن مسئولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسئولیتش مشخص شد، در جای مسئولیت خودش باشد. این‌ها با طلبگی می‌سازد. تصور نشود که اگر بخواهم این‌طور بکنم، پس کی درس بخوانم؟ درس را همیشه بخوان. جنگ که همیشه نیست، راه‌پیمایی که همیشه نیست، حضور در صحنه‌های ضروری که هر ساعت نیست. درس هم باید بخواند و بی‌درس و بی‌تحقیق و بی‌مباحثه، طلبه معنای خودش را از دست می‌دهد.»<sup>۲</sup>

**۳۵۸ امام:** «روحانیون همه، ملت همه، باید حاضر باشند در مسائل سیاسی، حضور داشته باشند. اینکه بعضی از عناصر حالا هم گاهی می‌گویند که روحانیون بروند توی مجلسها، توی مدرسه‌های خودشان و مشغول کارشان باشند، و ماها باید وارد این کارها باشیم، این یا از بی‌توجهی به عمق مسائل است که من باید بگویم بعضی‌شان بی‌توجه هستند، و یا اینکه عمال همانها هستند که در زمان رضا خان یک همچو کارها را می‌کردند. و در طول تاریخ تقریباً حدود سیصد سال این قدر تزریق کردند بر این ملت و بر خود روحانیون، که شما نباید در سیاست دخالت بکنید که خود آقایان هم باورشان آمده بود. اگر یک مطلبی - مثلاً - راجع به یک امر سیاسی که به نفع ملت بود، اینها می‌خواستند دخالت بکنند، یک قشر از خود روحانیت می‌گفتند یک امر سیاسی است، به ما چه! خودشان را کنار کشیده بودند. یعنی کنارشان زده بودند اینها را. باورشان آورده بودند که روحانیون باید فقط بروند مسأله بگویند؛ آن هم بعضی مسائل، نه همه مسائل. مسائل اگر همه‌اش باشد که بیشتر کتب فقه، کتب سیاست است. لکن باورشان آمده بود این، مردم هم این را باور کرده بودند، و این تبلیغاتی بود که از آن وقتی که پای غربیها باز شد در ایران، مطالعاتشان را کردند، به آنجا رسید که این جمعیت خطرناکند و باید اینها را کنار زد و مشغول به خودشان کرد، و ملت را هم باید از اینها جدا کرد. اگر یکی از اینها بخواهد وارد بشود در یک امر سیاسی، ملت با اینها موافقت نکند برای اینکه امر سیاسی است به شما چه؟ در عین حالی که باید همه قشرهای ملت و خصوصاً روحانیت حاضر باشند در سیاست کشور، و توجه داشته باشند به مسائلی که در کشور می‌گذرد، چه در مجلس و چه در دولت و دیگران. در عین حال باید آن شغلی را که دارند از آن دست

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم (۴ بهمن ۱۳۶۹)



برندارند. گمان نکنند به اینکه - آن وقت این گمان بود - ما هیچ نباید دخالت بکنیم، و حالا [گمان] این باشد که ما شغلیمان فقط دخالت است. خیر، در آن وقت هم این کار صحیح نبوده برای ما و شما، حالا هم این کار صحیح نیست.»<sup>۱</sup>

**۳۵۹ رهبری:** «اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنی‌هاست، این دشمنی‌ها در یک جمع‌بندی نهائی مایه خیر است. آن دشمنی‌هاست که غیرتها و انگیزه‌ها را تحریک میکند و فرصتهائی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه روحانیت یا به دین یک خصوصت‌ورزی و کین‌ورزی‌ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت.»<sup>۲</sup>

**۳۶۰ امام:** «من به شما عرض می‌کنم تا شما زنده‌اید امریکا بر نمی‌گردد، شوروی هم بر نمی‌گردد. در نسلهای آتیه، اگر ملتها در نسلهای آتیه به همین روش حرکت کنند و روحانیون در همه جا حاضر باشند و مردم در صحنه باشند و قوای نظامی و انتظامی، قوای نظامی و انتظامی اسلام باشد، این در طول تاریخ هم ان شاء الله نخواهد شد.»<sup>۳</sup>

**۳۶۱ رهبری:** «اگر شما فرض کنید که حوزه علمیه امروز می‌تواند در قبال دستگاه جمهوری اسلامی همان موضعی را داشته باشد که علما در طول زمان نسبت به دستگاه‌های حکومتی داشتند، این خطاست؛ از جهات عدیده‌ی هم خطاست. آن دستگاه‌ها، دستگاه‌های ظلم بودند؛ اما دستگاه جمهوری اسلامی، دستگاه عدل اسلامی است. آن دستگاه‌ها، دستگاه‌های غصب بودند؛ اما دستگاه جمهوری اسلامی، دستگاه ولایت است؛ حق محض است؛ همه مسئولیتها مستند به یک امر الهی است؛ اصلاً با آن قابل مقایسه نیست. علاوه بر همه این‌ها، دستگاه جمهوری اسلامی چه بخواهید، چه نخواهید دستگاهی است که مبتنی بر یک عنصر روحانی است؛ زیرا در رأس این نظام، رهبری قرار دارد، و رهبر باید یک فقیه باشد؛ یعنی یک روحانی. بنابراین، حوزه‌های علمیه و علمای دین نمی‌توانند نسبت به دستگاه و امور کشور و آنچه که می‌گذرد، بی‌تفاوت باشند و بگویند حالا دیگر خودشان می‌دانند؛ ما چه کار کنیم؛ نه له و نه علیه‌شان چیزی نمی‌گوییم مثلاً اگر خیلی لطف کنند، بگویند چیزی علیه‌شان هم نمی‌گوییم؛ چنین چیزی نمی‌شود؛ این از آن قبیل چیزهایی نیست که بشود گفت ما نه له و نه علیه، چیزی نمی‌گوییم؛ نه، مال خودتان است؛ مال روحانیت است؛ مال دین است؛ چاره‌ی ندارید. جمهوری اسلامی است؛ اگر شما کنار کشیدید، جمهوری غیر اسلامی خواهد شد. البته امروز که چهار نفر عناصر خودی زنده هستند، جمهوری غیر اسلامی نمی‌شود؛ اما اگر علما کنار کشیدند، بتدریج جمهوری غیر اسلامی خواهد شد. این قدر هم دست‌هایی هستند که برای جمهوری غیر اسلامی شدن تلاش و کار می‌کنند؛ پول خرج می‌کنند و انواع حيله‌ها را هم بلدند»<sup>۴</sup>

**۳۶۲ امام:** «روحانیین باید در صحنه باشند. باید همه این حرفهای نامربوطی که زده بودند و شما را می‌خواستند از دخالت در امور جامعه کنار بگذارند، همه آنها را پشت سر بگذارید - و گذاشته‌اید پشت سر. علمای اعلام نباید بروند کنار بنشینند تا مقدرات آنها در امریکا تدوین بشود و یا در شوروی تدوین بشود.»<sup>۵</sup>

### ۳/۳. حضور روحانیت در حاکمیت

**۳۶۳ امام:** «الآن که جمهوری اسلامی شده است - که امیدوارم محتوایش هم تحقق پیدا بکند - این چیزی که بر دوش روحانیت است زیادتر از آن چیزی است که بر دوش دیگران است. همیشه بوده، لکن حالا زیادتر است. چشمها دوخته شده است به اینکه ببینند روحانیون که حالا یک قدرت ظاهری دست‌شان آمده است چه می‌کنند؛ با ملت چه می‌کنند.»

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۱)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع مسئولان و اعضای جهاد سازندگی، ۱ خرداد ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۴۸)

<sup>۴</sup> بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰)



آیا آن طور است که قلمهای مسموم می‌گویند که ما از دیکتاتوری پهلوی خارج شدیم و به دیکتاتوری عبا و عمّامه مبتلا شدیم؟ اگر ما بهانه دست اینها بدهیم، یکی را صد می‌کنند و در خارج و داخل منتشر می‌کنند. اگر در داخل هم یک قدری ملاحظه بکنند، در خارج و در مجلات ممالک غربی و شرقی و اینها، این یک مطلب را صد مقابل می‌کنند؛ و ما را معرفی می‌کنند به اینکه اینها تا قدرت دست‌شان نبود هی می‌گفتند باید آزادی باشد، چه باشد؛ حالایی که قدرت دست‌شان آمده خودشان مشغول شده‌اند به اینکه با مردم بد رفتاری می‌کنند. الآن وظیفه شما آقایان روحانیون - وَفَقَّكُمْ اللَّهُ تعالی - یک وظیفه سنگینی است، یعنی این طور نیست که مثل اشخاصی دیگر که وظیفه شخصی دارند. همه وظیفه دارند که خودشان را حفظ کنند و جهات اسلامی را مراعات کنند؛ لکن شما چون که در رأس جامعه هستید و روحانی هستید و سرپرست ارواح مردم هستید، وظیفه شما دو چندان است؛ بلکه صد چندان است؛ یعنی همان قدری که پست شما یک پست شرافتمندی است و از همه بالاتر است، مسئولیت‌تان هم یک مسئولیت بزرگی است که از همه مسئولیتها بالاتر است. اگر خدای نخواستہ خطایی از بعض افراد ما صادر بشود، این را آنهایی که با اسلام مخالفند پای اسلام حساب می‌کنند، نمی‌گویند زید پایش را کج گذاشت، می‌گویند روحانیت این طوری است؛ می‌گویند اسلام هم همین است.»<sup>۱</sup>

**۳۶۴ رهبری:** «امروز در نظام سیاسی کشور، روحانیت نقش دارد چون نظام، نظام دینی است و این نقش در شکل‌های مختلف مشاهده می‌شود؛ از حضور در دستگاهی برای اقامه نماز جماعت یا بیان احکام دین بگیری، تا زمامداری جامعه. کارهای دینی و مسئولیت‌هایی که متوقف به معرفت دینی است؛ حتی خیلی از آنهایی هم که متوقف به معرفت دینی نیست، به روحانیون محول می‌شود؛ اینها مسئولیت‌های شماست. شما اگر معمم هم نبودید، البته مسئولیت داشتید. اگر کسی عالم دین باشد و معمم نباشد، البته مسئولیت دارد؛ اما اگر معمم باشد، این مسئولیت مضاعف است؛ حواستان را جمع کنید.»<sup>۲</sup>

**۳۶۵ امام:** «ما که هستیم، تکلیفمان چی هست؟ در این وقتی که ما واقع شده‌ایم و همه قدرتهای خارجی مخالف ما هستند و در داخل هم می‌بینید که این انگلها هستند و خزیده‌اند در سوراخ‌ها، لکن خرابکاری می‌کنند، ما الآن وظیفه‌مان چی است؟ ما وظایف زیادی داریم. و شما آقایان علما و اهل علم در سرتاسر کشور وظایفتان بیشتر است. مسئولیتتان بیشتر است. شما اشتغال‌تان و لباس‌تان، همه حکایت از این می‌کند که این جمعیت نماینده اسلام هستند. کسی که نماینده اسلام است، وظیفه‌اش بسیار خطیر است. همه قشرها در هر جا هستند، وظیفه‌شان بسیار است، لکن در بین همه، شما وظیفه‌تان بیشتر است. ماها وظیفه‌مان بیشتر است. ماها اگر - خدای نخواستہ - یک خطایی، یک اشتباهی بکنیم، این پای نماینده پیغمبر اکرم و اسلام حساب می‌شود. آبروی اسلام به دست شماست. روحانیینی که در قوه قضاییه و مشغول قضاوت هستند یا مشغول یک کار دیگری هستند، اینها وظیفه‌شان زیادتر از دیگران است. اگر - خدای نخواستہ - یک قضاوتی بر خلاف حق واقع بشود - و لو اشتباهاً - این منعکس می‌شود که اینها دارند خرابکاری می‌کنند. ما را آن طور می‌خواستند منزوی کنند که لباس جندی را می‌گفتند با عدالت منافات دارد. حضرت امیر لباس جندی داشت، با عدالت منافات داشت؟! حضرت سید الشهداء نداشت لباس جندی؟ اینها با آن تبلیغات بسیار وسیعشان ما را منزوی کرده بودند؛ یعنی، خود ما را، به مغزهای ما آن قدر خوانده بودند که خودمان باور کرده بودیم که نباید ما در سیاست دخالت کنیم. نخیر، مسأله این نیست. مسأله دخالت در سیاست در رأس تعلیمات انبیاست. مسأله جنگ مسلحانه با اشخاصی که آدم نمی‌شوند و می‌خواهند ملت را تباه کنند، در رأس برنامه‌های انبیا بوده

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تبریز، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۴)

<sup>۲</sup> سخنرانی در مراسم عمامه گذاری گروهی از طلاب و اهدای جوایز به طلاب نمونه حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)

است. ما همه تعلیمات انبیا را کنار گذاشتیم، فقط به آن تعلیماتی که با- عرض می‌کنم- دخالت نکردن در سیاست و دخالت نکردن در جامعه و اینها [مرتبط است] فقط همینش را گرفته‌ایم. نمازش را گرفته‌ایم، باقی را رها کردیم»<sup>۱</sup>

**۳۶۶ رهبری:** «چه کسی گفته که باطل هیچ‌وقت در دنیا قادر نخواهد بود که به حق ضربه بزند، یا موقتاً آن را از بین ببرد؟ کدام قانونی این چنین می‌تواند باشد؟ آن چیزی که در قانون الهی است، این است که در نهایت، حق پیروز خواهد شد؛ در نهایت، باطل سرنگون خواهد شد؛ اما چه کسی گفته است که در اثنای راه، باطل فرصت پیدا نخواهد کرد که حق را مورد ضربات خود قرار دهد و حتی آن را از میدان خارج کند؟ البته یک قانون دیگر هست: اگر به خاطر حق، مبارزه انجام بگیرد، هیچ باطلی قادر نخواهد بود جلو بیاورد. اگر مبارزه و مجاهدت بشود، خدای متعال کمک و هدایت می‌کند؛ اما اگر مجاهدت نشود، اگر بی‌کار بنشینیم، اگر هوشیاری بخرج ندهیم، اگر در سنگر بخوابیم، آیا باز هم دشمن نمی‌آید سنگر ما را فتح کند؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ ما باید تلاش کنیم، تا دشمن ناکام بشود. اگر ما تلاش نکردیم، دشمن کامیاب خواهد شد؛ و نستجیر باللّه من ذلک. ما نباید بگذاریم در زمان ما و با مسئولیت ما و روی دوش ما، این چنین شود. به همین خاطر، تکلیف علما از این جهت هم بسیار مهم است»<sup>۲</sup>

**۳۶۷ امام:** «[روحانیت شیعه همیشه در رأس مبارزات بوده است، ولی آیا این هم صحیح است که روحانیت که در جهان به این پیچیدگی قادر به اداره مملکت نبوده، در کارهای تکنیکی از غیر روحانی استفاده نکنیم؟] - این هم جزو تبلیغات سوئی است که بر ضد روحانیت می‌شود. آیا آقای کارتر که رئیس جمهور است همه کارها را خودش در امریکا انجام می‌دهد؟ نه، افرادی را وامی‌دارد که کارها را انجام دهند. روحانیت نمی‌خواهد خودش کارخانه راه بیندازد یا طیاره ببرد»<sup>۳</sup>

**۳۶۸ رهبری:** «امروز، روحانیت است که بر تمام دستگاه‌های اقتصادی کشور مشرف است. امروز، اگر آن شخص روحانی که سیاستهای کشور را او باید بگذارد یعنی مقام رهبری بگوید که مثلاً شما در بخش صنعت با فلان خصوصیات، حق ندارید یک ریال سرمایه‌گذاری کنید، دولت در آن بخش، یک ریال سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. امروز، سیاست‌گذاری روحانی می‌تواند مملکت را به سمت کشاورزی بکشاند، به سمت صنعتی بکشاند، خدای نکرده به سمت وابستگی بکشاند، یا به سمت خودکفایی و استقلال و شکوفایی اقتصادی سوق دهد، یا به سمت رکود اقتصادی بکشاند»<sup>۴</sup>

**۳۶۹ رهبری:** «اداره نظام و مردم و ساختن و پرداختن و جمع و جور کردن مجموعه زندگی انسانها براساس اسلام، کار بسیار پیچیده و ظریف و دشواری است که در این زمان بر دوش ما و علما در جامعه اسلامی است»<sup>۵</sup>

**۳۷۰ امام:** «اسلام الآن مطرح است. یعنی مقابله بین اسلام است و کفر. و در این مقابله ما بین اسلام و کفر همه ملت مسئولند، همه مسئولند. لکن روحانیت بیشتر مسئول است. برای اینکه پاسداران درجه اول روحانیینند. اینها بیشتر مسئولند از دیگران. می‌شود گفت که سنخ، صنف مثلاً کاسب، صنف مثلاً کذا، اینها مثلاً اکثراً قاصرند، چطور، اما در اهل علم این کم است، قصور کم است، مسئولیت هم زیاد. باید فکر بکنید که این مسئولیتی که الآن به عهده همه ما هست، چطور ما از زیر بار مسئولیت بیرون برویم. نه شما آقایان ارومیه و نه آقایان آذربایجان و نه آقایان تهران و قم [بلکه] همه علمای ایران، این بار به دوش همه است، همه ملت است. سنگینی‌اش بیشتر به دوش علماست»<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه و ائمه جمعه و جماعات استان بوشهر (۱۱ دی ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> مصاحبه با روزنامه «الموند»، ۹ آذر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۲)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد (۴ فروردین ۱۳۶۹)

<sup>۵</sup> سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، به همراه نماینده ولی فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی (۲۰ تیر ۱۳۶۸)

<sup>۶</sup> سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه، ۱۰ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۹۸)



## ۳/۳/۱. عدم دخالت روحانیت در امور اجرایی (نظر قبلی)

**۳۷۱ امام:** «من چنین چیزی نگفته‌ام که روحانیون متکفل حکومت خواهند شد. روحانیون شغلشان چیز دیگری است. نظارت بر قوانین البته به عهده روحانیون است و اتکای روحانیون هم به ملت است نه به حزبی.»<sup>۱</sup>

**۳۷۲ امام:** «من و سایر روحانیون در حکومت، پستی را اشغال نمی‌کنیم. وظیفه روحانیون ارشاد دولتهاست.»<sup>۲</sup>

**۳۷۳ امام:** «من بنا ندارم که خودم یا اشخاصی که حالا در پیش من هستند از روحانیون، جانشین رژیم بشوند؛ لکن ما در ایران و خارج کشور نیروهایی داریم که در همه ابعاد دانشمند و متفکر و کارآمد هستند. و در نظر داریم که آنها را جانشین رژیم بکنیم. اشخاصی که در داخل و خارج هستند، و با ملت هستند قادرند به اداره کشور.»<sup>۳</sup>

**۳۷۴ امام:** «علما خود حکومت نخواهند کرد، آنان ناظر و هادی مجریان امور می‌باشند. این حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود.»<sup>۴</sup>

**۳۷۵ امام:** «روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا خواهند بود.»<sup>۵</sup>

**۳۷۶ امام:** «اگر مقصود از اینکه نقش داشته باشد روحانیت، بله روحانیت نقش دارد. در حکومت هم نقش دارد. نمی‌خواهد حاکم بشود، لکن می‌خواهد نقش داشته باشد. شما در همین قضیه رئیس جمهوری به ما پیشنهاد می‌کردند که، پیشنهاد کردند از اشخاص، حتی از دانشگاه به اینکه ما حالا بعد از مدتها فهمیدیم که اطمینان به دیگران نیست. روحانی باشد من می‌گفتم نه، روحانی نقش باید داشته باشد، خودش رئیس جمهور نشود. لکن در ریاست جمهور نقش باید داشته باشد. کنترل باید بکند. آن به منزله کنترل یک ملتی است. یک مملکتی است. نمی‌خواهد روحانی رئیس - مثلاً فرض کنید که - رئیس دولت باشد. لکن نقش دارد در آن. اگر رئیس دولت بخواهد باشد کذا، پا را کج بگذارد این جلویش را می‌خواهد بگیرد.»<sup>۶</sup>

## ۳/۳/۲. حضور روحانیت در اداره نظام (نظر جدید)

**۳۷۷ امام:** «خداوند به ما منت گذاشته است که سفرای دولت ما همه از اشخاصی هستند که درد جامعه را می‌فهمند، زیرا بسیاری از آنها روحانی هستند که با مردم رابطه داشته‌اند و می‌دانند مردم چه وضعی داشته‌اند و درد آنها را ادراک می‌کنند.»<sup>۷</sup>

**۳۷۸ امام:** «ما چنانچه فرض کنید اشخاصی که به آنها رأی می‌دهیم، یا مردم اشخاصی را که رأی می‌دهند در میان آنها روحانی زیاد است، برای این نگرانی است که چنانچه روحانیون نباشند شما را باز به غرب می‌کشند. قانون شما را غربی می‌کنند. همان مسائل سابق را برای شما پیش می‌آورند، از این جهت اینها باید نظارت کنند. اگر اینها نباشند و نظر نکنند باز مسائل سابق عود می‌کند.»<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> مصاحبه با مجله «اشترن»، ۲۶ دی ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۵، ص ۴۸۲)

<sup>۲</sup> مصاحبه با روزنامه «استریت تایمز»، ۲۵ دی ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۵، ص ۴۷۱)

<sup>۳</sup> گفتگو با نویسنده فرانسوی، دی ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۰۷)

<sup>۴</sup> مصاحبه با خبرگزاری رویتر، ۴ آبان ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۵۹)

<sup>۵</sup> مصاحبه با روزنامه «اکونومیست»، ۱۸ دی ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۸۲)

<sup>۶</sup> بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی، ۷ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۶۳)

<sup>۷</sup> سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۱ آبان ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱۲)

<sup>۸</sup> سخنرانی در جمع دانشجویان ایرانی مقیم امریکا و کانادا، ۲ مرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۲۵)



**۳۷۹ رهبری:** «هرکدام از مسئولان روحانی هم که در کشور مشغول کارهای اجرایی هستند، در درجه اول، روحانی هستند و در درجه دوم، مسئول. یعنی اگر این مسئولیت را کنار بگذارند، یا از آن‌ها بگیرند، یک روحانی‌اند و مشغول کار روحانی‌شان هستند. این، پدیده خیلی بزرگ و مهمی است و باید مهم شمرد.»<sup>۱</sup>

**۳۸۰ رهبری:** «مسئولان بالای کشور و بخشهای مختلف، باید بزرگترین مظهر تقوایشان این باشد که آن مسئولیتی را که برحسب قانون بر عهده گرفته‌اند، به بهترین وجه و بدون هیچ نقصی ادا کنند. البته در سطوح متوسط یا در بدنه وسیع مسئولان کشور، ممکن است نشود توقعات را در این حد برای آن‌ها مطرح کرد؛ اما در مورد مسئولان سطح بالا و مدیران ارشد نظام - نمایندگان مجلس، مسئولان قوه قضائیه، اعضای دولت، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و بخشهای مسئول روحانی در زمینه انقلاب - می‌شود. این مسئولان - که الحمد لله بیشترشان در اینجا جمع هستند - باید بیشترین تلاش و کار را بکنند تا این مسئولیتهایی که به عهده آن‌هاست، به بهترین وجه انجام گیرد. اگر این شد، زندگی مردم آباد و عقب‌ماندگیهای کشور جبران خواهد شد؛ کما اینکه هر مقدار که کار کردیم، اثرش را در جامعه دیده‌ایم.»<sup>۲</sup>

**۳۸۱ رهبری:** «آیا فکر نمی‌کنید که عملکرد مسئولان روحانی حکومت باعث ایجاد فقر شده است؟ اگر منظور این است که چون روحانیون مصدر کار قرار گرفته‌اند، باعث فقر شده‌اند؛ نه، این غلط است. الآن بخشهایی که مربوط به این کارند، هیچ‌کدام روحانی نیستند. وزرای اقتصاد و دارایی، بازرگانی، کشاورزی، صنایع، کار و تعاون، در طول این چند سال کدامیک روحانی بوده‌اند؟ روحانیونی هم که به عنوان رئیس‌جمهور به کار مشغول بوده‌اند چه رئیس‌جمهور فعلی، چه رئیس‌جمهور قبلی کسانی بوده‌اند که مردم آن‌ها را انتخاب کرده بودند. بنابراین روحانیت در کار اقتصادی و در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اصلاً دخالتی ندارد که بگوییم وجود این فقر مربوط به آن‌هاست؛ نه، این مربوط به چیزهای دیگر است.»<sup>۳</sup>

**۳۸۲ رهبری:** «تصور من این است که برای اهل علم و آقایان روحانیون، این دوران، دوران بسیار حساسی است؛ چه روحانیونی که در دستگاه‌های دولتی، مثل دستگاه قضائی، یا دولت و نهادها مشغول خدمات رسمی و موظف هستند، و چه آقایانی که در شهرها به تدریس، یا امامت جمعه، یا امامت جماعات، یا منبر مشغولند. علت هم این است که امروز توقع مردم از ما بیش از گذشته است. روحانیت از مردم دعوتی کرد، مراجع اسلام و در رأس همه امام بزرگوار ما تئو از مردم برای عمل به اسلام و محقق کردن آن در متن جامعه، دعوت کردند. این دعوت، منجر به این انقلاب عظیم و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شد. حالا خود دعوت‌کننده که آمر بالبر است، قهراً دو تکلیف عمده بر دوش دارد: یکی تکلیف شخصی در عمل اوست فیما بین و بین الله، یکی همگامی با انقلاب و خدمت در جهت پیشبرد انقلاب است. هر دو هم مهم است؛ اما اگر خدای نکرده ما در تکلیف اول سستی کنیم و کوتاهی بخرج بدهیم، ایمان مردم به معنویت روحانیت سست خواهد شد؛ چون ما با توپ و تفنگ و این چیزها که پیش نبردیم؛ ما با اعتقادی که مردم به روحانیت داشتند، پیش بردیم.»<sup>۴</sup>

## ۳/۳/۲/۱. دلیل ضرورت حضور روحانیت در امور اجرایی

**۳۸۳ امام:** «و من این یک کلمه را عرض بکنم - شاید قبلاً هم عرض کرده باشم - و آن اینکه من از اول که در این مسائل بودیم و کم‌کم آثار پیروزی داشت پیدا می‌شد، در مصاحبه‌هایی که کردم، چه با کسانی که از خارج آمدند، حتی در نجف

<sup>۱</sup> دیدار با روحانیون (۱۷ آبان ۱۳۸۵)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۱ آبان ۱۳۸۲)

<sup>۳</sup> بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (۲۲ اسفند ۱۳۷۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان لرستان (۳۰ مرداد ۱۳۷۰)

و در پاریس و چه در حرفه‌هایی که خودم زدم، این کلمه را گفته‌ام که روحانیون شغلشان یک شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است- و چنانچه اسلام پیروز بشود، روحانیون می‌روند سراغ شغل‌های خودشان. لکن وقتی که ما آمدیم و وارد در معرکه شدیم، دیدیم که اگر روحانیون را بگوییم همه بروید سراغ مسجدها، این کشور به حلقوم امریکا یا شوروی می‌رود. ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاصی که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند، در عین حالی که بعضی‌شان هم متدین بودند، از باب اینکه آن راهی که ما می‌خواستیم برویم و آن راهی که مستقل باشیم و با نان و جو خودمان بسازیم و زیر فرمان قدرتهای بزرگ نباشیم، آن راه، با سلیقه آنها موافق نبود. و لهذا، چون آنجا دیدیم که ما نمی‌توانیم در همه جا یک افرادی پیدا بکنیم که صد در صد برای آن مقصدی که این ملت ما برای آن، جوانهاشان را دادند و اموالشان را دادند، نمی‌توانیم پیدا بکنیم، ما تن دادیم به اینکه رئیس جمهورمان از علما باشد. و گاهی- رئیس فرض کنید که- نخست وزیرمان هم همین طور. و در جاهای دیگر هم که قبلاً گفته بودیم، بنا نداریم این طور باشد و الآن هم عرض می‌کنم هر روزی که ما فهمیدیم که این کشور را یک دسته از این افرادی که روحانی نیستند، به آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، اداره می‌کنند، آقای خامنه‌ای تشریف می‌برند سراغ شغل روحانی بزرگ خودشان و نظارت بر امور و سایر آقایان هم همین طور. ما این طور نیست که هر جا یک کلمه‌ای گفتیم و دیدیم مصالح اسلام، حالا ما آمدیم دیدیم این جور نیست، اشتباه کرده بودیم، بگوییم ما سر اشتباه خودمان باقی هستیم. ما هر روزی فهمیدیم که این کلمه‌ای که امروز گفتیم اشتباه بوده و ما قاعده‌اش این است که یک جور دیگر عمل بکنیم، اعلام می‌کنیم که آقا این را ما اشتباه کردیم، باید این جوری بکنیم. ما دنبال مصالح اسلام هستیم، نه دنبال پیشرفت حرف خودمان. به من مهلت بدهید که عرایضمان را به آقایان عرض بکنم- بنا بر این، مسأله یک چیزی نیست که آقایان به ما بگویند: شما آن روز این جوری گفتید. راست است، ما آن روز خیال می‌کردیم که در این قشرهای تحصیلکرده و متدین و صاحب افکار، افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آن جوری که خدا می‌خواهد، ببرند، آن طور اداره کنند. وقتی دیدیم که نه، ما اشتباه کردیم، آمدند بعضی‌شان خودشان را به ما جا زدند- ما هم که غیب نمی‌دانیم. و بعضی‌شان هم خوب بودند لکن رأیشان با رأی ما مخالف بود- ما از حرفی که در مصاحبه‌ها گفتیم، عدول کردیم و موقتاً تا آن وقتی که این کشور را غیر روحانی می‌تواند اداره کند، آقایان روحانیون به ارشاد خودشان و به مقام خودشان برمی‌گردند و محول می‌کنند دستگا‌های اجرایی را به کسانی که برای اسلام دارند کار می‌کنند و تا مسأله این طور است که ابهام پیش ما هست، احتمال هست اگر در یک میلیون احتمال، یک احتمال ما بدهیم که حیثیت اسلام با بودن فلان آدم یا فلان قشر در خطر است، ما مأموریم که جلوییش را بگیریم تا آن قدری که می‌توانیم. هر چه می‌خواهند به ما بگویند، بگویند که کشور ملایان، حکومت آخوندیسم و از این حرفه‌هایی که می‌زنند. و البته این هم یک حربه‌ای است برای اینکه ما را از میدان به در کنند. ما نه، از میدان بیرون نمی‌رویم.»<sup>۱</sup>

**۳۸۴** امام: «بله، ما یک وقتی که در نجف بودیم این کلمه را گفته‌ام من که علما مرتبه‌شان بالاتر از این است که داخل بشوند در امور اجرایی. لکن در وقتی که افرادی باشد که آن افراد، متعهد به اسلام باشند و بتوانند کارها را روی موازین اسلامی اجرا کنند، نه اینکه اگر هیچ کس هم نباشد و اشخاصی باشند که نتوانند روی مجاری اسلامی عمل کنند یا نخواهند روی مجاری اسلامی عمل کنند، باز هم آقایان بروند کنار بنشینند و تماشاچی باشند که آنها ما را بکشاند به آنجایی که خودشان می‌خواهند.»<sup>۲</sup>

**۳۸۵** امام: «و من این یک کلمه را عرض بکنم- شاید قبلاً هم عرض کرده باشم- و آن اینکه من از اول که در این مسائل بودیم و کم کم آثار پیروزی داشت پیدا می‌شد، در مصاحبه‌هایی که کردم، چه با کسانی که از خارج آمدند، حتی در نجف و در پاریس و چه در حرفه‌هایی که خودم زدم، این کلمه را گفته‌ام که روحانیون شغلشان یک شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است- و چنانچه اسلام پیروز بشود، روحانیون می‌روند سراغ شغل‌های خودشان. لکن وقتی که ما آمدیم و وارد

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم، ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۴۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، ۳ دی ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۳۳)

در معرکه شدیم، دیدیم که اگر روحانیون را بگوییم همه بروید سراغ مسجدها، این کشور به حلقوم امریکا یا شوروی می‌رود. ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاصی که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند، در عین حالی که بعضی‌شان هم متدین بودند، از باب اینکه آن راهی که ما می‌خواستیم برویم و آن راهی که مستقل باشیم و با نان و جو خودمان بسازیم و زیر فرمان قدرتهای بزرگ نباشیم، آن راه، با سلیقه آنها موافق نبود. و لهذا، چون آنجا دیدیم که ما نمی‌توانیم در همه جا یک افرادی پیدا بکنیم که صد در صد برای آن مقصدی که این ملت ما برای آن، جوانهاشان را دادند و اموالشان را دادند، نمی‌توانیم پیدا بکنیم، ما تن دادیم به اینکه رئیس جمهورمان از علما باشد. و گاهی - رئیس فرض کنید که - نخست وزیرمان هم همین طور. و در جاهای دیگر هم که قبلاً گفته بودیم، بنا نداریم این طور باشد و الآن هم عرض می‌کنم هر روزی که ما فهمیدیم که این کشور را یک دسته از این افرادی که روحانی نیستند، به آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، اداره می‌کنند، آقای خامنه‌ای تشریف می‌برند سراغ شغل روحانی بزرگ خودشان و نظارت بر امور و سایر آقایان هم همین طور»<sup>۱</sup>

ر.ک. ۱۴۶۲ امام: «آنچه مهم است این است که ما می‌خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم. پس اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم باید صریحاً بگوییم اشتباه نموده‌ایم. و عدول در بین فقها از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد. وقتی فقیهی از فتوای خود برمی‌گردد یعنی من در این مسأله اشتباه نموده‌ام و به اشتباهم اقرار می‌کنم. فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضائی هم باید این طور باشند که اگر در مسأله‌ای اشتباه کردند صریحاً بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند، ما که معصوم نیستیم، بیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند، لذا بارها گفتم روحانیون می‌روند کارهای خودشان را انجام می‌دهند. بعد دیدم خیر، اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است، آدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده‌ام. این برای این است که ما می‌خواهیم اسلام را پیاده کنیم. پس در این رابطه ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده‌ام باید روی همان حرف باقی بمانم امروز می‌گویم ما دام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند، علما باید مشغول به کارهایشان باشند. این شأنی برای علما نیست که ریاست جمهوری و یا پست دیگری را داشته باشند. چون وظیفه است به این کارها می‌پردازند. خلاصه یک چیز را نباید فراموش کنیم که همه می‌خواهیم اسلام پیاده شود»<sup>۲</sup>

ر.ک. ۱۴۹۱ امام: «حوزه‌های علمیه امروز باید بیشتر از سابق در مسائل اسلامی و فقه جدید نمایند، و مسأله فقه به همان نحوی که مشایخ درست کرده‌اند، باید محفوظ بماند. لکن الآن که ایران به واسطه گرفتاری‌ها به اهل علم احتیاج دارد، اگر چه به طور موقت آقایان باید به خدمت‌هایشان ادامه دهند، و درست است که تحصیل فقه در اولویت است، اما همه اینها به خاطر حفظ اسلام است. و امروز اگر برای حفظ اسلام احتیاج باشد که آقایان به جبهه‌ها بروند و رزمندگان را تشویق بنمایند، باید این کار را انجام دهند. و همچنین امور قضایی از باب اینکه قضاوت و یادگیری آن از حوزه‌ها سلب شده بود، و کسی هم فکر دخالت در آن نمی‌کرد، و از این جهت نقیصه زیاد داشت و دارد. و با اینکه پیش از این من اجازه نمی‌دادم که با تقلید، قضاوت انجام شود، لکن چون کمبود داریم افرادی که با تقلید می‌توانند عهده‌دار این مسأله باشند، مانعی ندارد. و شاید شما مطلع باشید با آنکه شارع مقدس به امر قضا آن همه اهتمام داشته است، در سابق بر خلاف این حتی یک عده کمونیست هم قضاوت می‌کردند. و آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ به دست بی‌تقواها نیفتد باید در این امر شرکت کنند. و ما تکلیف داریم که قضاوت و سایر جهات را حفظ کنیم، تا زمانی که جمهوری اسلامی در سیر خود قرار بگیرد، آن گاه علما به پست‌های خودشان که از همه شریفتر است برگردند. و من از ابتدا همین مطلب را می‌گفتم که علما شأنشان نیست مسئولیت دولتی بپذیرند؛ خیال می‌کردم که بدون آنها کارها

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم، ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۴۸)

<sup>۲</sup> بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان، ۲۰ آذر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۱)

درست می‌شود. ولی پس از مدتی دیدم که اگر به این وضع باقی بمانیم، اصل اسلام هم در خطر می‌افتد، و از آن مبنای اول برگشتم. و تا مادامی که اینها اشخاص صالح را به جای خود پیدا نکرده‌اند، باید باشند.»<sup>۱</sup>

**ر.ک. ۴۸۱ امام:** «تحصیل علم از اموری است که واجب کفایی است و از امور مهم است، لکن اگر ما یک وقت احتیاج داشتیم به اینکه علما و افراد مستعد الآن تحصیل علم را کنار بگذارند و بروند در جبهه‌ها و دلداری بدهند به اینها، هدایت کنند اینها را یا بروند به شهرهای دور افتاده و هدایت کنند آنها را، این مستحب بسیار بزرگ را باید کنار بگذارند، بروند آن کار را انجام بدهند؛ برای اینکه آن واجب است. انجام بدهند، بعد که آرامش حاصل شد برگردند آقایان تحصیل بکنند چنانچه همه متصدیان روحانی که هستند، الآن از باب اینکه می‌بینند که نمی‌تواند و نخواهد توانست کسان دیگر اداره این کشور را آن طوری که اسلام می‌خواهد اداره بکند و ما تجربه کردیم که نشد، این آقایان با اینکه شغلشان این نیست و حالا من عرض می‌کنم که بنای روحانیون بر این نیست که حکومت را بگیرند. حکومت چیست؟ اما بنای روحانیون بر این نیست که اسلام را حفظ کنند؟! ما گمان می‌کردیم که در بین روشنفکران ما - به اصطلاح - خوب، اشخاصی پیدا می‌شوند که متعهدند و حفظ می‌کنند این را. اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی، یک همچو جمعیت‌هایی، آقایان پستهای مهمتر دارند، می‌روند سراغ کارشان؛ آقای هاشمی هم می‌روند، آقای خامنه‌ای هم می‌روند و همه کسانی که متصدی هستند. اما، ما چه بکنیم؟ امروز وضع ما، وضع ایران، وضع گرفتاریهای داخل و خارج به جوری است که بدون اینها نمی‌شود اداره کرد این مملکت را؛ یا می‌کشاندش به طرف امریکا و یا کمونیسم؛ یا می‌کشاندش به طرف امریکا و سرمایه داری یا می‌کشاندش طرف کمونیسم و آن بساط، و ما لازم است برایمان حفظ کنیم.»<sup>۲</sup>

## ۳/۳/۲/۲. احتیاج نظام به روحانیون

**۳۸۶ امام:** «مخصوصاً من از روحانیون همه کشور می‌خواهم که در یک همچو موقعی کمک کنند به دولت و کمک کنند به آرمانهای اسلام. اگر بخواهند یک وقت خدای نخواستہ، آنها هم در آنجا یک کارهایی بکنند، که نمی‌کنند ان شاء الله، و لیکن اگر یک وقتی جوری بشود که شکست بشود برای دولت، شکست بشود برای - عرض بکنم که - مجلس، امثال اینها، این یک امری است که خوب، خودمان را با دست خودمان می‌خواهیم فدا کنیم. و باید عقلمان را باز کنیم به اینکه ما گرفتار به چنگال یک دیوهای هستیم که باید خودمان، خودمان را نجات بدهیم. ننشینیم به اینکه دیگری بشود، دیگری هم ما نداریم، ما خودمانیم، ما الآن دیگری نداریم که او بیاید ما را نجات بدهد. ما خودمان باید خودمان را نجات بدهیم، و این بسته به دست شماهاست، و بسته به دست علمای اسلام است، و بسته به دست مجلس است و اینها.»<sup>۳</sup>

**۳۸۷ رهبری:** «در گوشه و کنار، شاید افرادی هستند که خیال می‌کنند این نشانه زهد و علم آنان است که از کار کنار بکشند و کاری با حکومت نداشته باشند. مگر چنین چیزی امکان دارد؟! البته چون می‌خواهیم نسبت به مسائل، حسن ظن داشته باشیم، می‌گوییم: «این، نشانه بی‌خبری و غفلت آنان است.» و الا اگر غفلت و بی‌خبری نباشد، نشانه چیزهای خیلی بدی خواهد بود. پس، این فرض هم مردود است.»<sup>۴</sup>

**۳۸۸ رهبری:** «اگر شما به صدر اسلام هم نگاه کنید، می‌بینید حتی زمانی که نَفَس مطهر پیامبر هم به مردم می‌خورد، این‌طور نبود که همه مردم یکتبیه مسلمان بشوند و همه کارها در مدت کوتاهی اصلاح بشود. اصلاح کلی و عمومی،

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع خانواده و طلاب مدرسه شهید قدوسی، ۱۳ شهریور ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان کشور، ۹ شهریور ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۶۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت، ۹ آبان ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۰۸)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» (۱۶ آذر ۱۳۷۴)

حرکت بلندمدت لازم دارد، که آن هم به عهده همه است؛ و از جمله این همه، ما معلمان و روحانیون هستیم که بیشترین تکلیف به عهده ماست. پس وظیفه اول، حفظ نظام است. هیچ کس نمی تواند به اتکای اینکه فلان جا فلان تخلف شده، حرکتی انجام بدهد یا حرفی بزند که این نظام اسلامی را تضعیف کند. البته برای اصلاح مفاسد، همه باید از طرق معقول خودش کار کنند. امر به معروف و نهی از منکر یک واجب اسلامی است و باید در میان مردم رایج بشود.»<sup>۱</sup>

**۳۸۹ رهبری:** «امروز موضع روحانیت چه باید باشد و کجا قرار بگیرد؟ حقیقت این است که امروز در جهات مختلف، روحانیت باید در موضع حراست و دفاع از نظام قرار بگیرد؛ این را هرگز نباید فراموش کرد. امروز هیچ عاملی نباید بتواند روحانیت شیعه را از دفاع از نظام جمهوری اسلامی منفک کند. هر شرایطی که پیش بیاید، این گونه است.»<sup>۲</sup>

**۳۹۰ رهبری:** «ما این را بدانیم که امروز مسئولیت روحانیت، بسیار سنگین است. اولین مسئولیت شما، عبارت از پاسداری از اسلام و نظام اسلامی است.»<sup>۳</sup>

### ۳/۳/۲/۲/۱. دستگاه قضایی

**۳۹۱ امام:** «نکته آخری که توجه به آن لازم است اینکه روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده اند. اگر طلبه ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.»<sup>۴</sup>

**۳۹۲ رهبری:** «البته باید بزرگان و فضلا و کسانی که در خود، توانایی این کار را می بینند، به این کار مهم بشتابند. اگر امروز هم علما و روحانیون بزرگوار و فضایی ما، به سمت دستگاه قضائی نیایند و این کار عظیم و این بار سنگین را بر دوش نگیرند، کی این کار خواهد شد؟ امروز، روزی است که مؤمنان و صلحا، هرچه سرمایه دارند، باید در خدمت این انقلاب و به پای این نهال بریزند و این نهال را رشد بدهند. برای اسلام و قرآن، همین نهال مقدس است که سودمند خواهد بود. ماورای این، هیچ چیز نیست. همین است که ما را به حکومت عدل الهی خواهد رساند و جامعه مطلوب و مورد آرزو را در اختیار مسلمانان قرار خواهد داد. هرچه هست، ما در پای این بریزیم. همه سربازیم و همه موظفیم. همه ما وظیفه داریم که هر کاری بر عهده مان است، انجام بدهیم.»<sup>۵</sup>

**۳۹۳ امام:** «مسئله قضا یک مسئله ای است که به عهده اهل علم است، اینها مسئول هستند پیش خدا و نمی شود که انسان بنشیند نگاه کند و قضاوت به وضعی باشد که نتوانند، شورای قضایی نتواند در هر جا یک قاضی متوسط بفرستد.»<sup>۶</sup>

**۳۹۴ امام:** «ما به اندازه قضاوت در تمام کشور، افراد نداریم؛ از باب اینکه ما از اول مجهز برای این کار نبوده ایم. ما سالها - یعنی، از اول تا حالا - دست ما نبوده است قضاوت، دست دیگران بوده، حالا که آمده، ما افراد نداریم که شرایط

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ماه مبارک رمضان (۱۴ اسفند ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار با امام جمعه، علما و روحانیون کرمان (۲۰ آبان ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد (۴ فروردین ۱۳۶۹)

<sup>۴</sup> پیام (منشور روحانیت) به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، ۳ اسفند ۱۳۶۷ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۷۳)

<sup>۵</sup> بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه (۴ تیر ۱۳۶۹)

<sup>۶</sup> سخنرانی در جمع مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱ فروردین ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۷۸)



را داشته باشند. این افراد هم افرادی هستند که خوب، تا حتی الامکان بهتر از این است که شارب الخمری بیاید قاضی بشود. شما وضع دادگستری را نمی‌دانید چه خبر بوده است. ما هم درست الآن نمی‌دانیم که وضع دادگستری چه خبر بود. شاید از همه جاها فساد دادگستری بیشتر بوده. حالا بخواهیم این دادگستری را یکدفعه متحولش کنند به یک دادگستری اسلامی، افراد لازم دارد، کار لازم دارد و باید با تدریج، کمک، کمک می‌خواهد؛ یعنی ملت، روحانیت- خصوصاً- در باب قضاوت، روحانیت باید خیلی کمک بکند و الحمد لله، مشغول هم هستند برای اینکه تهیه بکنند.»<sup>۱</sup>

**۳۹۵ امام:** «و اما گرفتاریهایی که ما الآن داریم و باید دنبالش برویم یکی مسئله قضاوت است. این را من سابق هم عرض کردم و دیروز یک نفر از شورای قضایی آمد پیش من و گفت ما امروز در عین حالی که بسیار کار کردیم و بسیار خوب شده است اوضاع قضا، مع ذلک کمبود داریم از حیث قاضی. ایشان گفتند که ما الآن ۱۲۰ نفر قاضی معمم لازم داریم، روحانی لازم داریم. و من قبلاً هم عرض کرده بودم که ما دست احتیاج را به این حوزه‌ها دراز می‌کنیم، حوزه‌های بزرگ مثل حوزه قم- قم خیلی کار کرده است در این امر- مثل حوزه اصفهان، مثل حوزه مشهد، آذربایجان. آقا! مسئله قضا یک چیزی است که به عهده شماست، مسئله قضا یک مسئله‌ای است که به عهده اهل علم است، اینها مسئول هستند پیش خدا.»<sup>۲</sup>

**۳۹۶ رهبری:** «دستگاه قضائی، دستگاهی است که روحانیت در آن، بیش از همه جای این کشور، حضور داشته و سرمایه‌گذاری کرده است. اگر خدای نکرده، خللی در این دستگاه به وجود بیاید، ضایعه‌اش فقط به خود دستگاه نمی‌رسد؛ بلکه به روحانیت هم می‌رسد. لذا در اینجا، باید خیلی همت و بلندنظری بخرج داد. واقعاً آقایانی که در این دستگاه هستند، از قضاوت و دادستانها و مأموران گوناگون، باید برای خاطر خدا و حفظ حیثیت انقلاب که این دستگاه قضائیش است و حفظ حیثیت روحانیت که بدنه دستگاه قضائی را تقریباً پر کرده است دندان خیلی از خوشیهای دنیا را بکنند.»<sup>۳</sup>

**ر.ک. ۱۱۵ امام:** «آبروی اسلام به دست شماست. روحانیینی که در قوه قضاییه و مشغول قضاوت هستند یا مشغول یک کار دیگری هستند، اینها وظیفه‌شان زیادتز از دیگران است. اگر- خدای نخواسته- یک قضاوتی بر خلاف حق واقع بشود- و لو اشتباهاً- این منعکس می‌شود که اینها دارند خرابکاری می‌کنند.»<sup>۴</sup>

**۳۹۷ امام:** «امروز غیر از زمان سابق است که روحانیت نمی‌توانست کاری بکند، بلکه روحانیت مسئول است، نمی‌تواند کنار بنشیند و به دعا و ذکر مشغول گردد. احتیاجات ما زیاد است، احتیاج به تبلیغ و احتیاج به قضاوت، و در عین حال که شورای عالی قضائی زحمت کشیده است، ولی کمبود قاضی وجود دارد. حوزه‌ها و علما باید همت کنند که درس قضا بگویند و قضاوت را از فنونی که در سابق، مانند زمان حضرت امیر- علیه السلام استفاده می‌شد آگاه کنند؛ که مسأله قضاوت تنها یک مسأله علمی نیست، بلکه یک مسأله فنی هم هست؛ که گاهی از همین طریق قاضی به «اطمینان» می‌رسد، که در باب قضا حجت است.»<sup>۵</sup>

**۳۹۸ رهبری:** «مسأله جذب در قوه قضائیه است که به نظرم خیلی مهم می‌آید. قوه قضائیه باید جاذبه پیدا کند؛ یعنی واقعاً باید علما و فضلا و حقوق‌دانها و افراد خوش‌فکر و صاحب‌نظر در مسائل، احساس کنند که برای همکاری با قوه قضائیه هیچ حالت منتظره‌ای ندارند. از این‌ها درخواست شود تا بلافاصله بیایند، حتی خودشان داوطلب شوند.»<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه آذربایجان، ۲۴ فروردین ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۸۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱ فروردین ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۷۸)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه (۴ تیر ۱۳۶۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تهران، ۱۰ تیر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۹)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه مراکز استانها، ۴ آبان ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵)

<sup>۶</sup> بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه (۲۰ شهریور ۱۳۶۸)



**۳۹۹ امام:** «ما نه امروز مبلغ داریم و نه قاضی داریم. یک عده مختصری، آن قدری که ایران احتیاج به مبلغ دارد، ندارد، حوزه‌ها ندارند. آن قدری که قاضی لازم دارند، حوزه‌ها ندارند، حوزه‌ها تربیت قضات را نکرده‌اند، یک عده پیرمردها هستند لکن آنها نمی‌روند سراغ این کارها. ما الآن نسل جوان را باید برای قضاوت، برای تبلیغ تربیت کنیم. برای قضاوت که واجب است، واجب کفائی است برای همه، باید تربیت کنیم که این واجب کفائی تحقق پیدا بکند، و برای تبلیغ هم لازم است ما تبلیغ بکنیم. آن هم جزو واجبات است که ما از اسلام تبلیغ بکنیم. آن چیزی که وارد شده است در قرآن باید تبلیغ کرد به همه جا، و تبلیغ لازمه‌اش این است که زبان بدانند. شما نمی‌توانید بروید در انگلستان برای انگلیسی‌ها با زبان فارسی تبلیغ کنید یا در آمریکا این طور یا در شوروی. شما باید با زبان اهلی آنها تبلیغ کنید، و این از امور لازمه‌ای است که پیشتر نمی‌شد اسمش را برد، و حالا می‌بینیم جزو لازم‌هاست و واجبات است که باید عمل بشود.»<sup>۱</sup>

**۴۰۰ امام:** «گاهی وقتها انسان به واسطه احتیاط، خلاف احتیاط می‌کند. احتیاط می‌کند فلان آقا که امر قضا مشکل است و نمی‌شود رفت و نمی‌شود کرد و این طور چیزها، با اینکه واجب کفایی، واجب عینی است اول به همه. وقتی یک عده‌ای عمل کردند و کفایت حاصل شد، آن وقت از دیگران ساقط می‌شود، و الا همه معاقب هستیم اگر چنانچه قضا به زمین بماند، و احتیاط بر این است که وارد بشوند؛ یعنی، امری است واجب، معلوم الوجوب؛ این احتیاط می‌کنند، این عذر نمی‌تواند باشد. یا اشخاصی مثلاً می‌خواهند ادامه بدهند تحصیلاتشان را و باید هم ادامه بدهند، اما در یک وقتی که یک واجبی به عهده آنها هست، نمی‌توانند به این امر مستحب بسیار ارزنده مشغول باشند؛ باید بروند این کار را به اندازه کفایت انجام بدهند که مبادا - خدای نخواستہ - یک نفر آدم بی‌گناه [باشد که] به کارش رسیدگی نتوانستند بکنند. باید بیایند آقایان و وارد بشوند و رسیدگی بکنند. و این امر را من امروز به عهده مدرسین قم و علمای مشهد و اصفهان و جاهای دیگری که حوزه‌های علمیه هست، این عهده آنها می‌گذارم که آنها خودشان به فکر این باشند که افراد را بخواهند و افراد را تشویق کنند، به هر ترتیبی که می‌توانند، و تحذیر کنند از اینکه یک امر واجب شرعی است، نمی‌شود یک امر واجب شرعی زمین مانده [باشد] و من مشغول نماز شب بشوم. وقتی آن واجب شرعی است، اگر مزاحم با هر مستحبی بشود، آن واجب شرعی را باید من عمل کنم. این یک مسأله است که لازم است که تذکر داده بشود، و آقایان مدرسین هم و علمای اعلام بلادهم تذکر بدهند و این نقیصه را کم کنند تا اینکه این مشکل حل بشود.»<sup>۲</sup>

**۴۰۱ امام:** «امروز مسئولیت آقایان قضات شرع بسیار سنگین است، چون هم باید حیثیت اسلام را حفظ کنند و هم حیثیت روحانیت را در نظر بگیرند. دشمنان اسلام با اشاعه دروغ و با بزرگ جلوه دادن نقاط ضعف شما تلاش می‌کنند حیثیت روحانیت را لکه دار کنند تا از نفوذی که روحانیت در پیشبرد اسلام دارد کاسته شود و آنها بتوانند اسلام را از بین ببرند و به مقاصد شوم خود برسند. امروز مسئولیت آقایان قضات از صدر اسلام هم مهمتر است، چون در صدر اسلام به قضات شرع نسبت به رعایت حقوق مردم سفارش می‌شد، اما امروز علاوه بر آن، حیثیت و کیان روحانیت هم مطرح است. از این رو، شما باید در اعمال و رفتار خود کاملاً دقت و مواظبت داشته باشید. البته شما صد در صد هم اسلامی عمل کنید، دشمنان اسلام دست از دروغ و اعتراض بر نخواهند داشت، چون آنها به اسلام و انقلاب عقیده ندارند. باید کاری کنید که آنها مصداق معینی از نقاط ضعف شما نداشته باشند.»<sup>۳</sup>

**۴۰۲ امام:** «من می‌خواهم به قشر روحانیون یک کلمه عرض بکنم که قضیه قضاوت، محول به آنها به حسب شرع هست.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۵ شهریور ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۴)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان کاروانهای حج، ۳۱ مرداد ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۲۲)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع قضات شرع دادگاههای انقلاب، ۱۱ اسفند ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۷۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون آذربایجان شرقی و غربی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۳۳۵)



**۴.۳ امام:** «بسمه تعالی جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی با سلام، اصل لزوم نمایندگان روحانی در دانشگاهها و تعیین افراد مورد قبول دانشجویان در صورت لزوم و محدوده اختیارات آنان به این جانب مربوط نمی‌باشد. هر گونه که شورای عالی انقلاب فرهنگی صلاح می‌داند بدون انتساب به این جانب یا شخص و اشخاص دیگر اقدام نماید. توفیق جنابعالی و سایر اعضای محترم را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم.»<sup>۱</sup>

**۴.۴ رهبری:** «فضلا و علما و روحانیون محترم، امامت جماعت در مراکز آموزشی و اقامتگاه‌های دانشجویان، برای نسل نورا فرصتی مغتنم بشمرند.»<sup>۲</sup>

**۴.۵ رهبری:** «فضلاء و علماء و روحانیون محترم، امامت جماعت در مراکز آموزشی و اقامتگاه‌های دانشجویان، برای نسل نورا فرصتی مغتنم بشمرند.»<sup>۳</sup>

**۴.۶ امام:** «مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است. و توطئه‌ها در دانشگاهها از عمق ویژه‌ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه‌ها باشند.»<sup>۴</sup>

**۴.۷ امام:** «بیخود نیست که ظرف این پنجاه سالی که اینها روی کار بودند، نگذاشتند یک دانشگاهی که مربوط به خود کشور باشد، یک دانشگاهی که برای مصالح خود کشور تحصیل کند و برای مصالح خود کشور آدم و دانشمند بیرون بدهد، [ایجاد شود.] نمی‌گویم به طور کلی موفق شدند، لکن آنها در صدد بودند که بتدریج، به طور کلی موفق بشوند که هر چه از دانشگاه بیرون بیاید قبله او شرق یا غرب باشد. وقتی که دانشگاه به این صورت در آمد و روحانی هم از دانشگاه منعزل شد و ارتباطش قطع شد، آنها مقدرات همه کشور را در دست خود دارند.»<sup>۵</sup>

**۴.۸ رهبری:** «وجود مجموعه روحانی در دانشگاهها، بسیار مسئله مهمی است. مثل دیگر مسائل مهم، ما به این پدیده عادت کرده‌ایم و اهمیت آن را درست تقویم و برآورد نمی‌کنیم. شما ملاحظه کنید که بنای دانشگاه در کشور چگونه بوده؛ جهتی که از آغاز برای دانشگاه ترسیم شده بوده است، چگونه بوده؛ نوع دروسی که از جنبه ارزشی و جهت‌گیری‌های فکری یک معنای خاصی دارند، چگونه تنظیم شده؛ بعد مقایسه کنید دوران پیش از انقلاب را با وضعیتی که امروز به برکت انقلاب اسلامی و به برکت اسلام در دانشگاه‌های ما از لحاظ حضور روحانیون، فضلا، اهل معرفت و اهل معنا وجود دارد و انسی که اینها با استاد و دانشجو دارند؛ آن وقت می‌بینید چقدر حضور روحانیون معظم و فضلاء محترم در میان دانشجویان و در محیط دانشگاه اهمیت دارد. وقتی که این اهمیت را ملاحظه کردیم، اولین اثری که باید ایجاد کند، این است که خود ما - یعنی من و شما - که مرتبط با دانشگاه هستیم، این وضع را مغتنم بشمریم، قدر این وضعیت را بدانیم و این نعمت بزرگ را به معنای حقیقی کلمه شکرگزاری کنیم. شکر، شناختن نعمت، از خدا دانستن نعمت و به کار بردن نعمت در آنجایی است که خدا خواسته است؛ این معنای عملی و کامل شکر است. این نعمت را شکر کنید؛ که در این صورت، فهرستی از وظائف و مسئولیتها و تذکرات را متوجه ما می‌کند.»<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> نامه به رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۷ فروردین ۱۳۶۸ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۴۳)

<sup>۲</sup> پیام به سومین سمینار نماز (۱۶ شهریور ۱۳۷۲)

<sup>۳</sup> پیام به اجلاس نماز (۱۶ شهریور ۱۳۷۱)

<sup>۴</sup> وصیتنامه سیاسی - الهی، ۱۹ آذر ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۹۳)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع مسئولان دانشگاهها، ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۴۲۶)

<sup>۶</sup> بیانات در دیدار اعضا دفتر نمایندگی رهبری در دانشگاهها (۲۰ تیر ۱۳۸۹)



**۴۰۹ رهبری:** «در مورد اصل لزوم این دفتر نمایندگی هم، آن وقتی که ما به این کار اقدام کردیم، همه معتقد بودند که لازم است و درخواست زیادی بود؛ همین حالایش هم همین طور است. البته بعضیها هم به بنده مراجعه کردند و گفتند که این دفاتر لازم نیست. اگر در محیط دانشگاهها، آن هدف اصلی از ایجاد این دفاتر یعنی پرورش دینی و وجود یک مرکز مطمئن برای مراجعه دینی وجود می‌داشت، من این اقدام را نمی‌کردم و کار لازم نبود؛ لیکن چون نیست، وجود این برادران لازم است. این برادران در دانشگاهها می‌توانند منشأ برکات بسیاری باشند. جوانان، سوالات و نیازهای دینی دارند. چنانچه روحانی فاضل و جوانی مثل خودشان در کنار دستشان باشد، چیز خیلی باارزشی است. من این طور تصوّر می‌کنم.»<sup>۱</sup>

**۴۱۰ امام:** «من تکلیف را در آنجایی که بودم تعیین کردم. اگر آقایان تشریف داشتند و شنیدند، که ما تکلیف را عرض کردیم. و اگر تشریف نداشتید، حالا دو کلمه عرض می‌کنم که تکلیف همه‌مان چیست. تکلیف مهم، آنی است که متوجه به این قشر است، و این قشر یعنی روحانیون، دانشگاهیها و دانشجویها. آنکه مغز متفکر جامعه است همین دو طایفه‌اند. اینها مغز متفکرند. دانشگاهیها، چه آنهایی که از دانشگاه بیرون آمده‌اند و حالا وکیل دادگستری شده‌اند، یا حقوقدان شدند یا هر چیز، چه این قشر روحانی که مشغول تحصیل‌اند یا از تحصیل فارغ شده‌اند و مشغول ترویج و کارهای دیگر هستند، مغز متفکر جامعه، شما دو طایفه هستید. و آن قشری که می‌تواند خنثی کند آن توطئه‌هایی که با کمال دقت برای شکست دادن نهضت در شرف تکوین است، آن هم شماها هستید. تکلیف برای شما دو طایفه از سایرین زیادتر است؛ و مسئولیتتان بسیار زیاد، همه مسئول‌اند، لکن شما دو طایفه مسئولیتتان زیادتر است. و آنها در صدد هستند که بین شما دو طایفه‌ای که با هم مربوط شدید و دیگر صحبتی نبود که دانشگاهی کذا و روحانی کذا، همه با هم بودید و پیش بردید - بحمد الله - و فهمیدید با هم بودن پیش می‌برد. شما دو قشری که مغز متفکر بودید، وقتی با هم مجتمع شدید قشرهای دیگر پیوند کردند با شما، تکلیف شما و این قشر روحانیون و شما آقایان دانشگاهیها این است که دست از هم برندارید.»<sup>۲</sup>

**۴۱۱ رهبری:** «دانشگاه باید یک محیط دینی باشد. در دانشگاه باید متدینین احساس کنند که فضای عمومی آنجا به آنها کمک می‌کند. البته تدین، دین، معنویت و اخلاق، و از جمله شعب این معنویت، همین احساسات انقلابی است. امروز کسی نمی‌تواند بگوید «من متدین هستم»، اما در تضاد با انقلابی باشد که براساس دین است. البته سلايق خاص را نمی‌گویم. همه سلیقه‌ها و مذاقها، وقتی که اهل دین و معنویتند، باید بتوانند در این محیط زندگی کنند. نباید یک فرد بر فرد دیگری فشار بیاورد که «شما حتماً این طور که من فکر می‌کنم فکر کن!» لذاست که تشکلهای دانشجویی باید باشند و هر کدام کار خودشان را بکنند. همه کار کنند و همه هم خوب کار کنند. بخصوص با حضور روحانیون محترم در دانشگاهها اگر ان شاء الله این شکلی که جدیداً دنبال می‌شود، و آن چنان که بنده آرزو می‌کنم و دوست می‌دارم پیش برود این معنا، یعنی این جنبه معنویت و روحانیت در داخل دانشگاه، بیشتر تأمین خواهد شد.»<sup>۳</sup>

**۴۱۲ رهبری:** «در همان ماههای اول پیروزی انقلاب، امام مسأله بی‌حجابی و حجاب را قاطع گفت. آن وقتها ما به عنوان اعضای شورای انقلاب، گاهی در هیئت دولت هم شرکت می‌کردیم. من کسانی را دیدم که جزو عناصر متدین هیئت دولت بودند، اما به ما می‌گفتند این چه کاری بود که امام کرد؛ حالا چرا کرد؟! امام اصلاً دچار رودربایستی نمی‌شد. بنابراین، ملاحظه‌کاری و رودربایستی داشتن، مطلقاً باید نباشد؛ این خواهد توانست آن خلأ را در دانشگاه پر کند.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تربیت مدرس (۱۲ شهریور ۱۳۷۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع دانشجویان مشهد، ۱۴ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۶۴)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار دانشجویان، به مناسبت «روز وحدت حوزه و دانشگاه» (۲۴ آذر ۱۳۷۲)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با مدیر مسئول، سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله حوزه (۲۸ بهمن ۱۳۷۰)



**۴۱۳ امام:** «روحانیون با دانشگاهی یک مسیر دارند؛ و مسئولیت این دو طایفه از همه طوایف دیگر بیشتر است چنانچه شغلشان شریفتر است برای اینکه با شغل دانشگاهی و روحانی اگر چنانچه به شرایط عمل بشود، انسان درست می‌شود. این است که این شغل، شغل انبیا بوده است. تمام انبیا برای آدم درست کردن آمدند؛ و قرآن کتاب آدم‌سازی است. پس این شغل یک شغل بسیار شریفی است. و مسئولیت بسیار زیاد است؛ برای اینکه در این دو دانشگاه، دانشگاه روحانی و دانشگاه آقایان، در این دانشگاههاست که مقدرات کشور، چیزهایی که باید در کشور درست بشود، منشأ آن این دو دانشگاه است.»<sup>۱</sup>

**۴۱۴ رهبری:** «ما می‌گفتیم روحانیون به دانشگاه بروند؛ حالا روحانیون هم رفته‌اند. البته روحانیون وجود مبارکی هستند؛ اما نه آن مقداری که توقع بوده است. الآن روحانیونی که در دانشگاه هستند، آیا واقعاً همان شیخی را تداعی می‌کنند که دانشجویان با دیدن مرحوم شهید مطهری از روحانیت به چشم می‌آوردند؟ این سیلی که از دانشگاه به طرف حوزه قم راه افتاد و مرتب آمدند طلبه شدند، به‌خاطر چه بود؟ چون شیخی که از روحانیت در نظرشان بود، شیخ مطهری و باهنر و مفتاح و امثال این‌ها بود. آیا این آقایانی که حالا به دانشگاه می‌رود، همان شیخ را تداعی می‌کند یا نه؟ قاعدتاً نه. این خلأ را شما با مقاله‌ها تان پر کنید؛ بگذارید حوزه آن جایگاه خودش را داشته باشد.»<sup>۲</sup>

**۴۱۵ رهبری:** «اگر ما بتوانیم به تعداد زیادی روحانی، با معرفت دینی وسیع و آگاهی و هوشمندی سیاسی، داخل دانشگاهها بفرستیم، شما ببینید از این کار چقدر برکات برخوردار است. این، از حوزه متوقع است. این، بدون آن رشد فکری و سیاسی و معنوی، امکان ندارد. این، جایش خالی است.»<sup>۳</sup>

**۴۱۶ رهبری:** «جوانی، چیز عجیبی است. همه آقایان دوره جوانی را گذرانده‌اند و می‌دانند که آن احساسات دوران جوانی، اصلاً یک تکیه‌گاه روحی را می‌طلبد. این آقا در آنجا نشسته، با عقل و معرفت و منطق و متانت و بلندنظری و سعه صدر، حرف را بشنود و جواب بدهد؛ مشتری اول و دوم و سوم و ... «مشتری بر وی بجوشد». آن وقت است که این آقا، صاحب‌نفوذ معنوی در دانشگاه خواهد شد. حالا رئیس دانشگاه، یا رئیس فلان ارگان انقلابی، یا رئیس فلان انجمن، گیرم که حرف دیگری بزنند؛ آن چیزی که این شخص می‌گوید، آن خواهد شد. وقتی که گفته شد، اگر پای درس آن آقا بروید، من بر دین شما می‌ترسم، دانشجو دیگر پای درس آن آقا نمی‌رود. وقتی که گفته شد، این رئیس به درد این دانشگاه نمی‌خورد، بچه‌ها دیگر او را به ریاست قبولش نمی‌کنند. تأثیر نفوذ کلمه، این‌طوری خواهد شد. البته طبیعی است که در جمهوری اسلامی، یک روحانی خوب، کاری هم نمی‌کند که اسباب زحمت دستگاه دولتی و اداره‌کننده کشور بشود و برای رئیس دانشگاه، مشکلی پیش بیاید. من نمی‌خواهم که خدای نکرده در ذهنها این‌طور جای بگیرد؛ لیکن از این جهت عرض می‌کنم که یک روحانی آن‌طوری، مالک قلوب دانشگاهیان، یا جمع کثیری از آنان و بخصوص جوانان خواهد شد. این، خوب است.»<sup>۴</sup>

**۴۱۷ رهبری:** «در مسجد دانشگاه، اگر این روحانی صاحب این مسجد بشود و به آنجا برود و بنشیند بحث کند، حتماً دانشجویان جذب می‌شوند. البته ممکن است مدتی نیابند و عده‌ی بدجنسی کنند؛ لیکن اصلاً دانشجو، به یک نفر که مثل پدر با او برخورد کند و مشکلاتش را مرتفع سازد، احتیاج دارد. اگر چنین روحانی در آنجا باشد، اصلاً امکان ندارد که دانشجویان مراجعه نکنند. این دانشجو قهراً مراجعه می‌کند؛ چون عقده روحی دارد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع وزیر فرهنگ و رؤسای دانشگاهها، ۳ خرداد ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۶۷)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار با مدیر مسئول، سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله حوزه (۲۸ بهمن ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم (۴ بهمن ۱۳۶۹)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاههای کشور و مسئولان دفاتر نمایندگی (۸ مهر ۱۳۶۹)

<sup>۵</sup> همان



**رهبری:** «به نظر من، در بسیاری از جاها و شاید بتوانیم بگوییم در اغلب جاها، این ممکن است که روحانی طوری مشی کند و طوری عمل نماید که حتی آن دانشجویی که از لحاظ مشی و فکر سیاسی و به قول معروف خط و ربط، این روحانی را قبول ندارد، بگوید انصافاً آقای خوبی است. اگر جایی درد دلی، یا مشکل روانی‌ای، یا عقده‌ی در ذهن و فکرش داشته باشد، باز می‌بیند که این آقا ملجأ است. چنانچه یک‌وقت بخواند نماز درستی بخواند، پشت سر این روحانی برود و در مسجد نماز بخواند. در دانشگاهها باید در این جهت سیر بشود؛ نه اینکه دفتر نمایندگی در مقابل بعضیها، یک طرف قضیه باشد. این، مصلحت نیست.»<sup>۱</sup>

**رهبری:** «عالم روحانی، وارد دانشگاه شده است. در این دانشگاه، چه‌کار باید بکند؟ این، واقعاً مسأله مهمی است. این وظایفی که آقایان تدوین کرده‌اند، وظایف بسیار خوبی است و انصافاً جامع و خوب و قوی و برآورنده بسیاری از خواسته‌ها در دانشگاه است و من هیچ نظر منفی ندارم؛ لیکن آن چیزی که به اعتقاد من اساس قضیه در دانشگاه است، این است که روحانی در محیط دانشگاه، آن قطبی بشود که دانشجو در این مشکلاتی که گفتیم و غیر از این مشکلات، به او پناه بیاورد، به او امید ببندد، از او علاج بجوید، و اگر هم نمی‌تواند علاج کند، لااقل دانشجو بتواند تسلا بجوید. اگر ما در دانشگاه جلسات فراوانی هم گذاشتیم، سخنرانی هم کردیم، مسجد هم رفتیم، در گزینش هم دخالت و شرکت کردیم، در تعیین استاد معارف هم حاضر و ناظر بودیم و وظایفی را هم که عرض کردم، انجام دادیم که همه آنها هم خوب و لازم و مهم است اما از سوی دانشجو، به ما اعتماد و اطمینان و امید و تکیه نشد، نمی‌توانیم بگوییم توفیق پیدا کرده‌ایم.»<sup>۲</sup>

**رهبری:** «در نظام اسلامی، علم و دین پایه‌ها باید حرکت کند. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه، معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصصهای حوزه‌ای در دانشگاه و تخصصهای دانشگاهی در حوزه دنبال بشود. نه، لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوشبین باشند و به هم کمک بکنند و با یکدیگر همکاری نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه علم و دین هستند. مؤسسه علم و دین، یک مؤسسه است و علم و دین با بهمند. مؤسسه، دو شعبه دارد: یک شعبه، حوزه‌های علمیه و شعبه دیگر، دانشگاهها هستند؛ اما باید باهم مرتبط و خوشبین باشند، باهم کار کنند، از هم جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند. علوم را که امروز حوزه‌های علمیه می‌خواهند فراگیرند، دانشگاهی‌ها به آنها تعلیم بدهند. دین و معرفت دینی را هم که دانشگاهی‌ها احتیاج دارند، علمای حوزه به آنها تعلیم بدهند. سرّ حضور نمایندگان روحانی در دانشگاهها، همین است.»<sup>۳</sup>

### ۳/۳/۲/۲/۳. مجلس شورای اسلامی

**امام:** «یک همچو مجلسی که الآن ما داریم که روحانیت با شما مخلوط هستند، و در سابق اگر یک روحانی هم در آنجا بود روحانی وابسته به دربار بود، و امروز روحانیونی هستند که از خود این مردماند و خدمتگزار این مردماند و از حوزه‌های علمی هستند و به هیچ جا مربوط نیستند.»<sup>۴</sup>

**رک.** «اکنون ما باید از آن توطئه‌ها و مفاسده‌ی که از انزوای متدینین پیش آمد و سیلی‌ای که اسلام و مسلمین خوردند عبرت بگیریم؛ و بدانیم و بفهمیم که نظام اسلام و اجرای احکام آسمانی آن و مصالح ملت و کشور اسلامی و حفظ آن از دستبرد اجانب بستگی به دخالت اقشار ملت و بویژه روحانیون محترم و مراجع معظم دارد. و اگر خدای نخواست بر اسلام یا کشور اسلامی، از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاههای کشور و مسئولان دفتر نمایندگی (۸ مهر ۱۳۶۹)

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه (۲۹ آذر ۱۳۶۸)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی و کارکنان هواپیمایی، ۱۹ بهمن ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۹۴)

یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا مسئول خواهیم بود؛ و نسلهای آینده، که ممکن است از کناره‌گیریهای کنونی مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس، یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخاباتی، و رأی دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می‌باشد؛ چه از روحانیون باشند، چه نباشند. و مجلس چنانچه محتاج به علما و روحانیون مطلع از احکام شرعی و سیاسی اسلام است، محتاج به متخصصین رشته‌های مختلفی است که کشور احتیاج به آنها دارد.»<sup>۱</sup>

## ۳/۳/۲/۲/۴. مجلس خبرگان

**۴۲۲ امام:** «من به قشر روحانیت هم عرض می‌کنم که کناره‌گیری موجب این می‌شود که همان طوری که در زمان سابق از [این] کناره‌گیری علمای مذاهب، اسباب این شد که ملت ما و بزرگان‌شان جدا شدند و هر کاری خواستند دولت‌ها کردند و دولت‌ها را به حال خود گذاشتند و هر طور سرکشی خواستند کردند، چنانچه شما از صحنه بیرون بروید و علما، دانشمندان از صحنه بیرون بروند، این اسباب این می‌شود که باز آن مسائل سابق پیش بیاید. امروز تکلیف است؛ مجلس خبرگان تکلیف است برای همه که هم در آن که می‌خواهد خبره بشود باید برود اسم‌نویسی کند، آن که لایق است برود و اسم‌نویسی کند.»<sup>۲</sup>

**۴۲۳ امام:** «مسأله این است؛ آنهایی که مکتب دارند و آنهایی که گرایش دارند به اسلام ان شاء الله شما پیدا بکنید، از حالا شروع کنید. این دفعه دیگر مصیبتتان زیادتر است؛ برای اینکه یک مجلس خبرگانی بود که یک مدت کوتاهی بود؛ یک مجلسی است که مدت بلندی است و استفاده‌ها در آن هست. باید خیلی دقت بکنید، خیلی زحمت بکشید، کاندیداهاتان را تعیین کنید و ارائه بدهید به مردم این کاندیدای ماست؛ آنی است که برای اسلام کار می‌کند، ترویج کنید از آن اسلام، شمشیر دستتان باشد، شمشیر هم هست دستتان؛ با این شمشیر کارها را انجام بدهید، با این شمشیر بُرنده اسلام، لکن شمشیری که خائن‌ها را از بین می‌برد و خادم‌ها را در امان نگه می‌دارد. مردم را حالی کنید که ما کاندیداهامان عبارت از این ششصد نفر مثلاً، یا پانصد نفر، هر چقدری که هست، کاندیداهامان عبارت از اینها هستند. و البته از ملأها و علما و از این نترسید که آخوندی‌اش کردند. اسلام آخوندی‌اش کرده، به ما چه ربط دارد. - و عرض می‌کنم که - آخوند و آخوند مسلک یعنی اسلامی و اسلامی مسلک، همه باید این طور باشند. و آن وقت راحت شما دیگر بروید. شما اگر خودتان نرفتید در مجلس یا می‌روید ان شاء الله راحت بروید استراحت کنید و خود ملت کارش را انجام می‌دهد.»<sup>۳</sup>

**ر.ک. ۲۸۳ رهبری:** «نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمی‌شود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و این‌ها. مهم‌تر از همه این‌ها، هدایت مردم است در مسئله عظیم اجتماعی و مسئله حکومت و مسئله نظام اسلامی و وظائفی که مترتب بر این هست در مقابله با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف می‌شد و وجود نمی‌داشت، این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد؛ این نظام به وجود نمی‌آمد و باقی نمی‌ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب به وجود آوردند. بنابراین علمای دین - که از جمله برترین آن‌ها، مجموعه خبرگان هستند - تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند؛ که خوب، آثارش را بحمد الله می‌بینیم.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> پیام به ملت ایران در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۲۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع نمایندگان از اقلیتهای مذهبی، ۲۷ آبان ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۰۱)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع اعضای خبرگان و حزب جمهوری، ۲۳ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۳۰)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۶ اسفند ۱۳۸۸)



**۴۴۴** امام: «از آخوند می‌فهمند که این می‌خواهد برای اسلام کار بکند؛ از این جهت می‌گویند چرا در مجلس خبرگان همه آخوندند! خوب، برای اینکه یک مملکت اسلامی است، مردم به اینها، به آقا [رأی داده‌اند و] هر آخوندی که در آنجا نیست. آخوندهای منتخبی است که مردم انتخابشان کردند و آوردند آنجا برای اینکه جمهوری اسلامی را می‌خواهند درست بکنند. بله، اگر می‌خواستند یک جمهوری مثلاً غربی درست بکنند، آن وقت یک افراد دیگری [بود]. آن وقت اصلش آخوند را باید کنار گذاشت. اما ما که می‌خواهیم جمهوری اسلامی و قانون برای جمهوری اسلامی درست کنیم، برویم از اروپا افراد پیدا بکنیم؟ برویم از آنهایی که طرفدار اروپا و طرفدار غرب هستند، طرفدار کمونیستها هستند از آنها یک افرادی پیدا بکنیم؟»<sup>۱</sup>

### ۳/۳/۲/۲/۵. احتیاج جبهه‌ها به روحانی

**۴۴۵** امام: «و از مسائلی که باید عرض کنم این است که جبهه‌ها محتاج به روحانی هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند که روحانیون آنها را هدایت کنند، ارشاد کنند، اگر توطئه‌ای در کار هست آنها آن توطئه را خنثی کنند. در جبهه‌ها، در شهرهای مرزی احتیاج هست به روحانیون. برای خدا روحانیون به جبهه‌ها بروند، به شهرهای مرزی بروند و مردم را هدایت کنند.»<sup>۲</sup>

**۴۴۶** رهبری: «طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می‌آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این، حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه علمیه مشغول درس خواندن است، به مجرد اینکه اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد فی سبیل الله می‌شتابد، اصلاً قیمتی برایش متصور نیست.»<sup>۳</sup>

### ۳/۳/۲/۲/۶. آموزش و پرورش

**۴۴۷** امام: «از توطئه‌های بزرگ آنان، چنانچه اشاره شد و کراراً تذکر داده‌ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است؛ یا با سرکوبی و خشونت و هتاک که در زمان رضا خان عمل شد ولی نتیجه معکوس گرفته شد؛ یا با تبلیغات و تهمت‌ها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضا خان عمل می‌شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود؛ و در زمان محمد رضا ادامه یافت بدون خشونت ولی مودیانه.»<sup>۴</sup>

**۴۴۸** رهبری: «در کشور یک مزرعه ی وسیع سراسری پرمحصولی وجود دارد به نام آموزش و پرورش. ما اگر توی تلویزیون هم صحبت کنیم، اگر آن مستمع پای منبر ما در تلویزیون بنشیند، مگر چقدر مستمع داریم؟ اما آموزش و پرورش هر سال به شکل میلیونی مستمع پیدا می‌کند؛ مستمع ماندگاری که دوازده سال با آموزش و پرورش همراه است. از این کانال‌کنشی بهتر؟ این کانال سیراب کردن دلها و ذهنها اینجور در آموزش و پرورش متمرکز است. ما در آموزش و پرورش چقدر سهم داریم؟ باید گفت هیچ. اینکه حالا یک روحانی‌ای برود برای یک مدرسه‌ای نماز جماعتی بر پا کند یا صحبتی بکند، اصلاً چیزی نیست؛ این هیچ است، هیچ محض است.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع اعضای خبرگان و حزب جمهوری، ۲۳ شهریور ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۲۳)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ در آستانه ماه محرم، ۱۳ مهر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم (۴ بهمن ۱۳۶۹)

<sup>۴</sup> وصیتنامه سیاسی-الهی، ۱۹ آذر ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۹۳)

<sup>۵</sup> بیانات در دیدار با اساتید و نخبگان حوزه علمیه قم (۳ آبان ۱۳۸۹)



**۱۴۲۹ امام:** «یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است، هر چند که این بلیه دامنگیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمینهای حاصلخیز جهان و آبها و دریاها و جنگلها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیست‌ها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باورنده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الّا راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعییشها جانشان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهان‌خواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریت‌ها و وابستگی، به وضعیت آسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند.»<sup>۱</sup>

۳/۳/۲/۲/۸. امامت جمعه

**۱۴۳۰ امام:** «منصب امامت جمعه، یعنی منصب تماس روحانیت با ملت، و روحانیت با مجلس و دولت، و این از اموری است که با دست توانای ائمه جمعه انجام می‌گیرد، که امید است هر روز بیشتر و بهتر انجام شود، و جمعیت‌ها بیشتر بیایند، و این سنت حسنه‌ای باشد که برای مردم و آیندگان محفوظ بماند.»<sup>۲</sup>

**۱۴۳۱ رهبری:** «امروز چشم مردم به شماست. امروز امید و تکیه معنوی مردم به روحانیت است. بزرگترین مظهر عمومی روحانیت در همه جای کشور، ائمه جمعه هستند. البته در حوزه‌های علمیه و مراکز علمی، اساتید و اساطین و مراجع هستند؛ اما مخصوص بعضی از نقاط کشورند. آن چیزی که در همه جای کشور عمومیت دارد، امامت جمعه است. امامت جمعه، هم نمایندگی از کل روحانیت، و هم نمایندگی از نظام است؛ چون نظام هم نظام اسلامی است.»<sup>۳</sup>

**۱۴۳۲ امام:** «ائمه جمعه، ائمه جماعت، روحانیون محترم، اینها باید توجه به این معنا داشته باشند که اینها پدر هستند از برای ملت. اینها با مردم باید سمت پدری داشته باشند، اینها با مردم باید رفتارشان رفتار پدران باشد. بین خودشان برادر باشند، رفتار، رفتار برادری باشد. اجتماع داشته باشند، در هر شهری با هم در هر هفته یک روز، دو روز با هم مجتمع باشند، مسائل خودشان را بگویند. اگر یک خیالی دارند، اگر یک کاری دارند او را بگویند، حل کنند بین خودشان و هیچ وقت یک مسئله‌ای را به خطبه‌های نماز جمعه نکشانند، چه اشکال داشته باشند به فلان استاندار، فلان حاکم یا فلان وزارتخانه و چه اشکال داشته باشند به فلان آدم یا فلان شخص. این جای خطبه نماز جمعه، جای

<sup>۱</sup> پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام، ۶ مرداد ۱۳۶۶ (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۱)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه مراکز استانها، ۴ آبان ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵)

<sup>۳</sup> سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور (۲۵ شهریور ۱۳۷۰)

دعوت به حق است و دعوت به تقوا و مصالح مسلمین را در او گفتن، و تعرض به این خرده‌ریزی‌ها، اینها از شأن ائمه جمعه خارج است؛ پرهیز کنند از این معنا.»<sup>۱</sup>

**۱۳۳۳ رهبری:** «ائمه جمعه، خودشان را قدری برای نماز و برای آن خطبه‌ها و برای تعلیم مردم آماده کنند؛ در شهر حضور روحانی داشته باشند؛ در اجتماعات دینی مردم شرکت کنند و هدایت مردم را به عهده بگیرند. خلاصه، به این نماز جمعه برسند، تا اینکه نماز جمعه بتواند آن‌چنان‌که از آن انتظار هست مفید واقع بشود.»<sup>۲</sup>

**۱۳۳۴ رهبری:** «اگر می‌خواهیم که حکومت و نظام و جامعه اسلامی، برای ملت‌های مستضعف عالم، مایه غبطه و «لتکونوا شهداء» و وسیله رغبت و تشویق و جذب باشد، باید مشکل را علاج کنیم و آن مقداری که در سطح ما و به عهده ماست، آن را انجام بدهیم. حالا به مسئولیتهای دیگر و آن‌کس که دو یا سه مسئولیت دارد، کاری ندارم؛ فعلاً امام جمعه من حیث هو امام جمعه را عرض می‌کنم. در مورد امام جمعه، این کار در صورتی تحقق پیدا می‌کند که او خود را برای آن، علماً و عملاً با کفایت کند و آگاهیهای لازم را برای ایجاد و انتقال معرفت به مردم کسب کند و تقوا و ورع را رعایت نماید و به آنچه که می‌گوید، عمل کند. به همین خاطر است که کار آقایان، کار بسیار مهمی است.»<sup>۳</sup>

**۱۳۳۵ امام:** «تحقیقاً احیای نماز جمعه در ایران از مسائل بسیار مهم است. نماز جمعه موجب می‌شود تا مسائل فراموش شده در اسلام به بهترین وجه برای مردم گفته شود. در قدیم اگر یک روحانی راجع به امور سیاسی مردم صحبت می‌کرد می‌گفتند رهايش کنید او سیاسی است، که این نوع فکر بلاشکال از شیاطین داخل و خارج بوده است. آنها به ما باورانده بودند که روحانی باید عبايش را سر بکشد و فقط برود مسجد نماز معمولی‌اش را بخواند. روحانی حق دخالت در هیچ امری را نداشت. ولی واقعیت این است که ما تابع حضرت رسول و ائمه - علیهم السلام - هستیم که همه امور دست آنها بود، حکومت تشکیل دادند و مردم را هدایت نمودند.»<sup>۴</sup>

**۱۳۳۶ رهبری:** «در تأمین امکانات نیز اعتقاد شخصیم این است که امام جمعه باید به مردم متکی باشد و همان رابطه آخوندی سنتی با مردم حفظ شود. این بهتر از آن است که امام جمعه به مرکز متکی باشد و مرکز برای امام جمعه خانه بسازد و یا ماشین تهیه کند. یک وقتی احتیاج و ضرورت وجود دارد، که یقیناً بایستی این پشتیبانی‌ها از مرکز انجام بگیرد؛ اما باید روال عمومی و طبیعی این باشد که امام جمعه مثل یک روحانی معمولی عمل کند.»<sup>۵</sup>

**۱۳۳۷ امام:** «و مطلب دیگری که باز دنباله همین مسائل است، این است که روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است. ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم. تمام ملت از دولتها گرفته و قوای نظامی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره‌جات، تمام ملت، بی‌استثنا مسئول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواستہ خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود. فرق دارد با گناههای دیگری حتی با کبایر گناههای دیگر. برای اینکه بسیاری از گناهها هست که به خود انسان برمی‌گردد، به جامعه بر نمی‌گردد. لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت‌های مسلم است. باید توجه کنید که اگر اشخاصی در تمام این ارگان‌هایی که الآن بعد از انقلاب به وجود آمده، چه آنهایی که خودرو پیدا شده‌اند و خود ملت آنها را ایجاد کرده‌اند، و چه آنهایی که مثلاً مقامات ایجاد کرده‌اند، باید توجه به این معنا بکنید که اگر اینها یک قدم بردارند

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور (۷ خرداد ۱۳۶۹)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه، ۴ خرداد ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۵۲)

<sup>۵</sup> سخنرانی در مراسم بیعت ائمه جمعه سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان (۱۲ تیر ۱۳۶۸)



بر خلاف اسلام، بر خلاف مصالح مسلمین، مسئول هستند. مسئولیتی که بالاتر از آن مسئولیتی است که انسان نسبت به کارهای خودش دارد. شخصی خودش دارد.»<sup>۱</sup>

ر.ک. ۲۵۷ رهبری: «منبرهای جمعه را بایستی پُر جاذبه کرد و جوانان را به آن جذب نمود. از چیزهایی که منقّر طباع سالم است، بایستی پرهیز کرد. از چیزهایی که ایمانها را از روحانی سلب می‌کند، بایستی اجتناب کرد. یکی از وظایف عمده روحانیت، عبارت از این است که این ایمانها را حفظ کند؛ چون ایمان به روحانیت، همواره ملازم با ایمان به اصل دین بوده است. کمتر کسانی بوده‌اند که روحانیت را قبول نداشته باشند، اما یک اعتقاد درست و حسابی به اصل دین داشته باشند. بعضی ادعا کرده‌اند، ولی ما کمتر یافته‌ایم. مردم دین را از این طریق فهمیده‌اند. ایمان مردم به دین، باید همراه با ایمانشان به همین مجموعه باشد.»<sup>۲</sup>

۴۳۸ امام: «حضرات روحانیون، از ائمه جمعه و جماعات یا سایر آقایان محترم، توجه کنند که شهرهای خود را از خدمتگزاران به ملت و بندگان صالح خدا خالی نکنند، که خدمت به مردم و رفع حاجات آنان و تربیت علمی و اخلاقی بندگان خدا، که شغل شریف روحانیت است، بر هر چیز مقدم است؛ مگر آنکه بدانند وجود آنها در مجلس برای خدمت به اسلام مفیدتر است. میزان در نظر همه ارزش خدمت باشد، نه خدای نخواستہ تحصیل مقام.»<sup>۳</sup>

ر.ک. ۲۷۰ رهبری: «ما بارها، مکرر به آقایان ائمه جمعه، ائمه جماعت و روحانیون محترم در شهرستانها، در تهران توصیه کردیم که مساجد باید آباد باشد؛ صدای اذان باید از مساجد بلند شود. باید همه نشانه‌های توجه به نماز و اقامه نماز را در شهر اسلامی - بخصوص در شهرهایی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرها می‌شوند. نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما اینکه در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار باشد. صهیونیستها هر نقطه دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره داود را سعی کردند یک جور رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان این جور است. ما مسلمانها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم.»<sup>۴</sup>

## ۳/۳/۲/۲/۹. رسیدگی به امور اوقاف

۴۳۹ امام: «از آنجا که بنا به تصویب شورای انقلاب مقرر گردیده تا در شورای مرکزی اوقاف دو نفر روحانی شرکت داشته باشند که با سایر اعضای این شورا امور اوقاف را زیر نظر بگیرند، لذا جنابعالی را به سمت نماینده خود و به عنوان یکی از این دو روحانی در شورای مزبور انتخاب می‌نمایم و امید است در این امر مهم از هیچ گونه کوششی فروگذار ننمایید و با همکاری و همگامی با سایر برادران عضو شورای مرکزی و کارمندان اوقاف، به بهترین وجه از موقوفات نگهداری نمایید. از خدای تعالی توفیق و تأیید جنابعالی را در هر چه اسلامی‌تر کردن اداره اوقاف مسألت دارم. ضمناً لازم است در هر ماه اعضای مزبور و سایر کارمندان محترم گزارشی از وضع سازمان اوقاف به جنابعالی تسلیم و به اطلاع این جانب برسانید.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، ۳ دی ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۳۵)

<sup>۲</sup> سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور (۲۵ شهریور ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> پیام به ملت ایران در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۲۸)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری نماز (۲۹ آبان ۱۳۸۷)

<sup>۵</sup> حکم انتصاب آقای امام جمارانی به سمت نماینده ولی فقیه در اوقاف، ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۲)



ر.ک. ۲۹۱ امام: «اگر بنا باشد که در دولت که می‌رویم تحول نشده باشد، پیش ملت که می‌رویم تحول نشده باشد، شما که کاروانها هستیید تحول نشده باشد، شما که روحانی کاروان هستیید تحول پیدا نکرده باشید، اگر این طور باشد، همان رژیم است و همان مسائل طاغوتی، منتها اسم را ما عوض کردیم. ما می‌خواهیم ان شاء الله مسمی عوض بشود. تغییر [داده] بشود، رژیم طاغوتی به همه محتوا به رژیم انسانی - اسلامی به همه محتوا، بسیار باید متوجه باشید. بسیار باید پاسبانی از خودتان بکنید. و این سفر را سفر الی الله حساب بکنید. و بدانید که با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش خدای تبارک و تعالی پیدا کنید؛ و ممکن است خدای نخواستہ سقوط پیدا کنید.»<sup>۱</sup>

ر.ک. ۲۹۹ رهبری: «امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می‌بینید دست‌پروردگان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه حرفهایی می‌زنند، چه سمپاشی‌هایی می‌کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاقی می‌پراکنند. سالیهای متمادی است که دست استعمار و دست قدرت‌طلب قدرتهای فزون‌خواه غربی دارند این کار را می‌کنند. در حج، فرصت خوبی برای آنهاست تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه دوران سال و در همه میدانها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی امریکاست. بعد از گذشت قرن‌ها روبه‌روی هم بنشینند - مثل کسانی که در جنگ با همدیگر روبه‌رو می‌شوند - با دل‌های پُرکینه نسبت به یکدیگر حرف بزنند؛ این او را سب کند، او این را سب کند. هیچ بُعدی ندارد که بخصوص در این روزگار بسیار حساس، در مراسم حج کسانی را اجیر کنند، برای اینکه این اختلاف را ایجاد کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروان‌ها باید با احساس مسئولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می‌خواهد.»<sup>۲</sup>

۴۴۰ امام: «وزیر ارشاد اسلامی پیرامون تبلیغات حج گفت: این مسأله به عرض امام رسید که نظر به حساسیت امر تبلیغ حج، و اینکه نوعاً علما و روحانیون عهده‌دار این مسأله مهم هستند، و از سوی دیگر، مردم با توجه به تبعیت و علاقه‌ای که نسبت به حضرت امام دارند از مواضع و دستورات نماینده امام در حج پیروی می‌کنند، و باید این امر طوری باشد که هماهنگی کامل بین کسانی که تبلیغ به عهده آنهاست و نماینده امام، حاصل باشد. و اگر حضرت امام صلاح می‌دانند مسئول تبلیغات حج با موافقت نماینده حضرت امام در امر حج، مستقیماً وزیر ارشاد متصدی این امر بشود. امام فرمودند: [مصلحت این است که تبلیغات باید مستقیماً زیر نظر روحانیت باشد.]»<sup>۳</sup>

### ۳/۳/۲/۲/۱۱ حضور در کمیون‌ها و شوراها

۴۴۱ امام: «این جانب حسابی به شماره ۱۰۰ در تمام شعب بانک ملی افتتاح کرده و از همه کسانی که توانایی دارند دعوت می‌کنم که برای کمک به خانه‌سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند. و در هر محل از بین افراد صالح و مورد اعتماد، گروهی حد اقل مرکب از سه نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه‌سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت انتخاب شوند تا با صرفه‌جویی و دقت کامل خانه‌های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار بدهند، و در این طرح به هیچ وجه پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع مدیران کاروانهای حج کل کشور، ۸ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۷۶)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج (۳۰ آذر ۱۳۸۳)

<sup>۳</sup> بیانات خطاب به مسئولان مؤسسه کیهان، ۱۳ دی ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۵)

<sup>۴</sup> پیام به ملت ایران، ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۵۱۸)



**۴۴۲** امام: «یک نکته را عرض کنم و آن اینکه اگر برنامه‌ریزی را بدون نظارت روحانیون بکنند - یعنی، متخصصینی که از روحانیون هستند - این موجب این می‌شود که برنامه را که ریختید ببرید مجلس، مجلس رد کند؛ آنها قبول کردند، ببرید در کمیسیونی که تخصص در این امر دارند، آنها رد کنند. از اینجا بگذرد، ببرید در شورای نگهبان، آنجا رد کنند. این اسباب این می‌شود که کارها معطل بماند. شما در این اجتماعاتی که می‌خواهید بکنید، روحانیونی که در این امر تخصص دارند، آنها را دعوت کنید که نظارت کنند که یک وقت - خدای نخواستہ - برخلاف اسلام چیزی واقع نشود، که اگر برخلاف اسلام واقع بشود، جز اینکه شما زحمتتان هدر رفته است، کاری نکرده‌اید؛ برای اینکه بالاخره وقتی رسید به شورای نگهبان، شورای نگهبان رد می‌کند. آن وقت شما مدتها زحمت کشیده‌اید زحمتتان از بین رفته است، دوباره از سر باید شروع کنید. این را از اول یک کسی که تخصص داشته باشد در امور اسلامی و بینایی و توجه به مسائل کشور و به گرفتاریهایی که امروز ما در کشور داریم، توجه به این مسائل روی هم‌رفته داشته باشد، آن هم حاضر باشد و با شما کمک کند و نظارت کند تا اینکه مسائل مطابق ارزشهای اسلامی باشد. وقتی مطابق شد، دیگر آسان می‌شود؛ مجلس که برود مجلس قبول می‌کند و شورای نگهبان هم که برود، شورای نگهبان هم قبول می‌کند. این اسباب تند شدن کار می‌شود. آن طور، اسباب این می‌شود که کارها [به] تعویق بیفتند. و در حالی که برنامه لازم داریم و محتاج است کشور ما به برنامه، چندین ماهی دست به دست برود، از این کانال رد بشود، آن کانال رد کنند تا آخر هم به نتیجه نرسد. و اما اگر متخصصین در اصل برنامه‌ریزی، متخصصین در امور اسلامی، اینها با هم مجتمع بشوند و برنامه را درست بکنند که مطابق ارزشهای اسلامی باشد، آن وقت دیگر بزودی کار تمام می‌شود و بهتر هم خواهد شد.»<sup>۱</sup>

۳/۳/۲/۲/۱۲ صد او سیما

**۴۴۳** امام: «از اشخاص فاضل و دانشمند، از علما و اشخاص متنور الفکر، اشخاص هر طبقه‌ای بیایند صحبت بکنند و از آنها استفاده بکنید. و باید هم این کار بشود.»<sup>۲</sup>

**۴۴۴** رهبری: «اگر شماها که فیلمسازید یا هنرمندید یا بازیگرید یا کارگردانید، از من بپرسید که ما می‌خواهیم فیلم دینی درست کنیم، درباره چه موضوعی فیلم دینی درست کنیم؟ فرض کنید در باب حجاب می‌خواهیم مثلاً فیلم بسازیم، محتوای این چه باشد، از کجا شروع کنیم، چی بیان کنیم به مردم؟ اعتقاد مردم را درباره مسئله توحید یا مسئله نبوت یا مسئله ولایت یا مسئله ولایت فقیه یا مسئله امام عج می‌خواهیم تقویت کنیم، موضوع و محتوا چه باشد؟ این آدمی که در محیط غیر دینی پرورش پیدا کرده، هرگز علم دین نخوانده، خیلی‌شان با قرآن آشنا نیستند، با نهج‌البلاغه و حدیث آشنا نیستند، چه میدانند چه باید بیاید در محتوای این فیلمها. ما که میدانیم، باید آماده کنیم و کمک کنیم. وقتی ما توانستیم این فکرها را منظم کنیم، مرتب کنیم، منطقی کنیم، قابل فهم کنیم، باورپذیر کنیم، آن را در مجموعه‌هائی در اختیار گذاشتیم، این هنرمند وقتی می‌خواند، خودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد. لذا هنرمندی که سابقه دینی و ریشه دینی دارد، انسان می‌بیند فیلم خوبی هم اتفاقاً می‌سازد؛ که البته بندرت مواردی پیش می‌آید. پس کار ماست، کار روحانیت است که در این زمینه این کمبودها را برطرف کند.»<sup>۳</sup>

**۴۴۵** رهبری: «من در غیاب شما معمولاً با آقایان روحانیون و علما و حوزه‌ایها این حرف را می‌زنم و می‌گویم که این آقایان حق دارند از شما گله کنند و بگویند که این حوزه علمیه کجاست و چرا به ما کمک نمی‌کند. شما این بار سنگین را

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان همدان، ۱۱ آذر ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۲۱)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع شورای ۵ نفره صدا و سیما، ۱۸ آذر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۹۶)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۲۵ شهریور ۱۳۸۹)



بر دوش دارید؛ حقیقتاً باید به شما کمک کنند؛ این حق شماست که این را بخواهید. ما باید اعتراف کنیم که کمک نمی‌شود»<sup>۱</sup>

۳/۳/۲/۲/۱۳. مراکز نظامی

**۱۴۴۶** امام: «شما باید توجه به این معنا داشته باشید که این جمهوری اسلامی مخلوط به یک قوایی است که برای دنیا نمی‌تواند شناخت داشته باشد. اصلاً این ترکیب در دنیا سابقه نداشته است؛ ترکیبی از ارتش و روحانی، ترکیبی از ملأ و سپاهی، ترکیبی از رئیس جمهور این طور و رئیس مجلس آن طور و نخست وزیر آن طور. این ترکیب سابقه ندارد و ترکیب ناشناخته‌ای است. و لهذا، طرحهایی که در دنیا به ضد این انقلاب ریخته شده است و می‌شود، از باب اینکه شناخت روی این ترکیب ندارند و سابقه به این نحو اجتماع ندارند، خنثی می‌شود.»<sup>۲</sup>

**۱۴۴۷** رهبری: «حضور مجموعه‌ی به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه دست‌اندرکار امور کشور بود. نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند - همچنان که به طبیب احتیاج دارند - و اگر روحانی در هر نقطه‌ی به وظایف خود عمل کند، آنجا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد.»<sup>۳</sup>

**۱۴۴۸** امام: «و من امیدوارم که این پیوند محفوظ باشد؛ پیوند شما آقایان نیروی هوایی و دریایی و زمینی و سایر قوای مسلح با روحانیین و پیوندتان با ملت. شما این مطلب را باید درست توجه بکنید که این روحانیین که در بین شما می‌آیند و یک کارهایی را انجام می‌دهند - در آن حدودی که باید انجام بدهند - اینها به صلاح هم شما و هم کشور و هم اسلام است. دستهایی می‌خواستند که شما را از روحانیین جدا کنند و ملت را به شما بدبین کنند. باید شما توجه به این معنا بکنید که اگر چنانچه روحانیون همراه شما باشند - البته آنها در حدود آن چیزی که مأموریت دارند باید عمل کنند و به قوت خودش هم باید باقی باشد - آنها پشتیبان شما هستند. وقتی که نماینده روحانیین در پادگانها باشند، این برای شما نفع دارد و اگر کسی این معنا را بگوید که اینها برای شما - مثلاً - ضرر دارد، این صحیح نیست. ملت به واسطه همین معنا پشتیبان شما باقی می‌ماند و من امیدوارم که این ارتباطی که الان حاصل است بین همه قشرها، این ارتباط محفوظ بماند و کشور ما با همین ارتباط می‌تواند پیش برود. اگر چنانچه - مثلاً - یک گله‌ای هم هست از بعضی از روحانیین جوان، این را باید [با] مراجعه به - مثلاً - من یا اشخاصی که در آنها هستند [تا] حل بشود و حدود معلوم باشد. نه آقایان جلوگیری کنند از آن حدودی که آنها باید عمل بکنند و نه آنها تعدی کنند از آن حدودی که دارند، به طوری که هر کس مشخص باشد که چه باید بکند. روحانی که در آنجا باید تبلیغات بکند مشخص باشد و نباید کسی جلوگیری از تبلیغات او بکند، اگر یک وقت دیدید که یک کسی گفت باید جلوگیری کرد، بدانید دشمن شماست، دوست شما نیست و آنها هم نباید از آن حدودی که دارند تجاوز کنند؛ برای اینکه تجاوز از حدود اسلام، جایز نیست، هر کسی حد خودش را باید عمل بکند. و این یک سفارشی است که من به شما آقایان که هستید و همه قوای مسلح این معنا را می‌گویم که این در آن پادگانهایی که مال لشکر هست، در قوای زمینی، در آنجا از قراری که شنیدم، یک مقدار بدرفتاری شده است با روحانیون، در صورتی که روحانیون آنجا که باشند پشتیبانی شما را بیمه می‌کنند، ملت پشتیبان شما خواهد بود و اگر اینها نباشند، برای شما یک چیزهایی درست می‌کنند اشخاص که شما را از چشم ملت بیندازند. آنها هم باید در حدود خودش، هم روحانیینی که هستند به آن مأموریتی که دارند باید عمل بکنند و تجاوز هیچ نکنند و هم آنها که مشغول فعالیت خودش هستند، جلوگیری نباید بشود، مخصوصاً به آقای ظهیرنژاد زیادتر این مطلب گفته

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار با اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اسلامی» صدای جمهوری اسلامی ایران (۱۳ اسفند ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری ارتش، ۱۱ مهر ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۲)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی (۲۳ دی ۱۳۸۳)

بشود. برای اینکه در حوزه قدرت ایشان یک مقداری با روحانیون رفتار خوش نشده است و این به ضرر خود آقایان خواهد بود.»<sup>۱</sup>

**۱۴۴۹ رهبری:** «دوگونه می‌شود در عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی حضور داشته باشید: یک نوع، مطلوب است؛ یک نوع، کم‌اثر است؛ حالا آن نوع‌هایی که مضر است، فعلاً محل کلام ما نیست. حضور کم‌اثر، چه نوع حضوری است؟ این‌گونه است که نیروی انتظامی مثل بقیه ادارات برای خودش یک کارهای شکلی تعریف کند و آن‌ها را انجام دهد؛ این کلاس را باید شرکت کنید، این آزمون را باید بگذرانید، برای درجه باید این شرایط را در خودتان تحصیل کنید، احیاناً نماز جماعت باید شرکت کنید؛ بیایند، بروند؛ نیروی انتظامی هم مثل بقیه ادارات فعالیت کند. در چنین حالتی، البته نیروی انتظامی کارهایی می‌کند و تأثیراتی می‌گذارد؛ اما سطحی است؛ این از روحانیت متوقع نیست. طور دیگر هم این است که حضور، به معنای حقیقی کلمه، روحانی و معنوی باشد. نه اینکه آن وظایف را انجام ندهند؛ چرا، آن وظایف هم وظایفی است که باید انجام بگیرد؛ در آیین‌نامه‌ها آمده، در قانون آمده، جزو وظایف نیروی انتظامی است؛ لیکن ملات همه وظایف آن جریان معنوی، روی خوش روحانی، دلسوزی روحانی، استغنائی نفس یک روحانی و یک طلبه، و بی‌اعتنائی یک روحانی به تشریفات و چیزهای زیادی و زروزیورها زیورها و مال دنیا است. اگر توانستید این را تأمین کنید، آن حضور، مطلوب و ایده‌آل خواهد شد و اثر می‌گذارد.»<sup>۲</sup>

**۱۴۵۰ رهبری:** «روحانی عقیدتی، سیاسی - البته روحانی که من عرض می‌کنم، بقیه برادران غیر معمم هم که در عقیدتی، سیاسی کار می‌کنند، محکوم به همین احکامند؛ منتها در مورد روحانی تأکیدش بیشتر است - نباید خودش را جای فرمانده بگذارد و فرماندهی کند؛ باید توی مجموعه برود.»<sup>۳</sup>

**۱۴۵۱ رهبری:** «فراتر از تفکیک مسئولیتها و مأموریتها و جدایی بین بخشهای مختلف، مأموریتی هست که آن مأموریت، مسأله اساسی است. برای انجام آن مأموریت، نیروی انتظامی و روحانیون محترمی که در این نیرو مشغول انجام خدمتند، همه باید مجتمعاً و مشترکاً کار کنند. آن مأموریت، عبارت است از حفظ امنیت اسلامی در محیط جامعه؛ این اساسیترین کار نیروی انتظامی است؛ کار بسیار بزرگی هم هست.»<sup>۴</sup>

**۱۴۵۲ امام:** «هر کاری را که انسان عهده‌دار شد، مسئول آن کار است. مسئول است در اینکه به راستی و امانت عمل کند، و مسئول است در اینکه با جدیت و فعالیت عمل کند و با خلوص برای خدای تبارک و تعالی. شمایی که در ارتش سازمان ایدئولوژی را دارید و سازمان سیاسی را دارید، الآن مسئول این امر هستید. همه جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تربیت دارند. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاج ندارم به اینکه تعلیم بشوم و تربیت بشوم. رسول خدا هم تا آخر احتیاج داشت، منتها احتیاج او را خدا رفع می‌کرد.»

**۱۴۵۳ رهبری:** «گسترش روح ایمان و تقوا در تمام رده‌های شماس است. همه ما در این کشور سالهای متمادی زندگی کرده‌ایم و از فرهنگ و گذشته‌ها و انعکاسات ذهنی مردم مطلعیم و می‌دانیم که اگر در گذشته در گوشه‌ای از کشور فرمانده فعال مؤمن پاک‌دامنی بود، مردم در آن منطقه، از آن نیروی انتظامی زیرفرماندهی آن شخص خشنود، بلکه به آن علاقه‌مند بودند. بعکس، هر جا فرماندهی سست‌ایمان و دارای سایر خصوصیات منفی بود که دیگر لزومی ندارد تصریح بکنیم در آن منطقه مردم از آن نیروی انتظامی گله‌مند بودند. این، مربوط به سالهای پیش از انقلاب است؛ اما حالا که بحمد الله تشکیلات انتظامی کشور، با ایجاد این نیروی کنونی و یکپارچه، به بلوغ خود رسیده است، باید

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی، ۱۸ فروردین ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۵)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی (۲۳ دی ۱۳۸۳)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> سخنرانی در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور (۲ بهمن ۱۳۷۰)

<sup>۵</sup> سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع، ۲۶ دی ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۷)



کاری کنید که این ایمان و این طهارت و پاک‌دامنی و این بلندنظری در مقابل جان و مال و عرض مردم و استغنائی طبع از روی ایمان، همه‌گیر و گسترده بشود. هر جا خلافتش دیده شد، مسئولان نیرو بی‌محابا با آن برخورد کنند. البته سهم عقیدتی، سیاسی در گسترش این روحیه و این احساس و این ایمان، باید سهم قابل توجهی باشد و این شاء الله خواهد بود. امیدواریم که برادران عزیز روحانی موفق بشوند این وظیفه را به بهترین وجهی انجام بدهند و ما در آینده نه‌چندان دور، نیرو را آن‌چنان که مطلوب است، مشاهده کنیم.»<sup>۱</sup>

**۴۵۴ رهبری:** «برادران عزیز روحانی که در سپاه، یا در بقیه نیروهای مسلح تشریف دارند و برکات وجودشان بر این جوانان مخلص و صالح افشاند می‌شود، این مسئولیت عظیم را بر دوش دارند که مضاف بر عقاید و احکام، معنویات اسلام را تعلیم بدهند و اخلاق را متذکر بشوند. اخلاق هم، درس نیست. درس اخلاق، یک علم است. آن چیزی که لازم است، نصیحت است. همه ما به نصیحت احتیاج داریم. باید جوانان را نصیحت کنند و آنان را از تصرف هوای نفس، خودخواهی، بدنگری نسبت به مسائل و دستخوش شیطان شدن، دور نگاهدارند. غیر از اینکه باید معلوماتشان را کامل کنند، معارفشان را بالا ببرند و قدرت تحلیل سیاسی بدهند.»<sup>۲</sup>

**۴۵۵ رهبری:** «در اینجا، من به برادران عزیز روحانی هم که تشریف دارند، یک جمله عرض بکنم. مسئولیت حفظ معنویت و روح و حال این برادران، به عهده شمامست. انسان، سایش‌پذیر است. هر انسان دیگری جز معصومین، در برخوردها و سایشها و اصطکاکها، ساییده و کم می‌شود و برجستگی‌های روحیش تغییر می‌کند؛ باید مراقبش بود. اینکه ذکر دایمی گفته‌اند، برای خاطر این است. انسان دائماً باید متذکر باشد؛ و الاً خراب خواهد شد.»<sup>۳</sup>

**۴۵۶ رهبری:** «سیاسی، عقیدتی و بحثها و درسها و آموزش‌های اعتقادی، همه و همه مربوط به همین مرکز معنوی و روحانی است و برادرانی که در این بخش کار می‌کنند و نمایندگان مقام ولایت محسوب می‌شوند، شأن والا و سهم وافری در اداره صحیح نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند. البته، آموزش‌های نظامی و فنی به جای خود و آموزش‌های دینی و اعتقادی و سیاسی هم به جای خود، هرکدام بایستی به صورت کامل وجود داشته باشد.»<sup>۴</sup>

**۴۵۷ رهبری:** «یک جمله را هم با برادران عزیز روحانی در میان می‌گذارم. اگرچه حق این عزیزان بیش از یک جمله است، منتها چون ذهنم بکلی به این مسئله مصروف شده است، به عنوان اظهار علاقه و ارادت به آقایان می‌گویم. برادران عزیز روحانی که در سرتاسر سپاه حضور دارند، بایستی این نقش حساس و مهم را خیلی گرامی و عزیز بشمارند؛ زیرا حقیقتاً نقش تعیین‌کننده‌ای است و همان‌طور که گفتیم، قوام و شخصیت سپاه به معنویتش است، و این معنویت از طریق شما آقایان و علمای محترم که معلمان اخلاق و معنویت و تزکیه هستید، قابل تأمین است.»<sup>۵</sup>

**۴۵۸ رهبری:** «برادران عزیز روحانی در عقیدتی، سیاسی‌های نیروهای انتظامی، نقش مهمی را می‌توانند ایفا کنند، که بحمد الله در ایجاد روح تقوا و پرهیز از زیاده‌روی در هر امری، مشغول هستند.»<sup>۶</sup>

**۴۵۹ رهبری:** «حالا شما جوانهای عزیز که در سپاه هستید؛ روحانیون عزیز، علما، طلاب جوان و مؤمن و فعال که در دفتر نمایندگی مشغول به کار هستید، دو چیز را بدانید: یکی این‌که همه‌تان خیلی کار دارید؛ هم جوانهای سپاهی، هم

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور، به مناسبت عید سعید فطر (۲۷ فروردین ۱۳۷۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران سپاه و کمیته انقلاب اسلامی، مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار (۲۹ بهمن ۱۳۶۹)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی (۱۰ دی ۱۳۶۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در مراسم ششمین دوره فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین (ع) (۲۹ آبان ۱۳۶۸)

<sup>۵</sup> سخنرانی در مراسم بیعت فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۹ تیر ۱۳۶۸)

<sup>۶</sup> سخنرانی در مراسم بیعت فرماندهان، نمایندگان ولی فقیه و مسئولان عقیدتی، سیاسی ژاندارمری و شهربانی، و رئیس و پرسنل سازمان پلیس قضائی کشور (۲۸ خرداد ۱۳۶۸)

روحانیون محترم؛ خیلی کار جلوتان دارید که باید انجام بدهید. دوم این که بدانید که همت اگر بکنید، این کارها را حتماً می‌توانید انجام بدهید و یک برهه‌ای از زمان که بگذرد، ناگهان می‌بینید در یک نقطه‌ی بالاتری قرار دارید؛ یعنی پیشروندگی حتمی است. تلاش که بود، همت که بود، امید که بود، حتماً پیشروندگی هست؛ یعنی برو برگرد ندارد.»<sup>۱</sup>

## ۳/۳/۲/۲/۱۴. وزارت اطلاعات

**۴۶۰ امام:** «از افتخارات جمهوری اسلامی این است که افراد متدین و متعهد و شخصیت‌های روحانی در چنین وزارتخانه‌ای هستند. آقای «ری شهری» را همه می‌شناسیم که شغل ایشان شغل دیگری است، ولی خدمت به اسلام که از همه چیز لازمتر است، موجب شده است که ایشان از کار اصلیشان دست بردارند و به این کار حساس مشغول باشند.»<sup>۲</sup>

## ۳/۳/۲/۲/۱۵. شورای نگهبان

**۴۶۱ امام:** «لزوم تعیین صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراها از این جهت، یک مسئولیتی الآن گردن همه ملت هست - که شما هم از همان ملت هستید و بحمد الله پهلوانهای ملت هستید، و بعدها هم پهلوانتر می‌شوید - این مسئولیت بزرگ هست، که ما الآن در یک وقتی واقع هستیم که بسیاری از ریشه‌های رژیم فاسد سابق در بین مردم هستند، و ممکن است که خودشان را با ظاهرسازی جا بزنند. باید شناسایی بشوند در هر شهرستانی که ده، پانزده نفر مثلاً - حالا آن عددی که باید تعیین بکنند در آنجا - باید انتخاب بشود، باید این شناسایی بشود. در بین روحانیون یک نفر هست، خوب، هر کسی در شهرش می‌داند که کدام روحانی کسی است که صلاحیت دارد برای این کار؛ دلسوز برای ملت است. و از کسبه مثلاً، از اصناف، از تجار، از کارگراها، از کشاورزها، سابقه‌اش را باید درست مردم بدانند که این در زمان طاغوت چه کاره بوده است، و سوابقش - سوابق خانوادگی‌اش - چه طور بوده است. اگر چنانچه دقت در این امر نشود و مردم توجه به این امر نکنند، مسئولند پیش خدا. اگر فردا یک گرفتاری برای ملت به واسطه اینها پیش بیاید، ماها که می‌خواهیم تعیین کنیم افراد را، مسئول هستیم، مسئولیت ما بزرگ است.»<sup>۳</sup>

**۴۶۲ امام:** «آنچه مهم است این است که ما می‌خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم. پس اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم باید صریحاً بگوییم اشتباه نموده‌ایم. و عدول در بین فقها از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد. وقتی فقیهی از فتوای خود برمی‌گردد یعنی من در این مسأله اشتباه نموده‌ام و به اشتباهم اقرار می‌کنم. فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضائی هم باید این طور باشند که اگر در مسأله‌ای اشتباه کردند صریحاً بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند، ما که معصوم نیستیم. پیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند، لذا بارها گفتم روحانیون می‌روند کارهای خودشان را انجام می‌دهند. بعد دیدم خیر، اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است، آمدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده‌ام. این برای این است که ما می‌خواهیم اسلام را پیاده کنیم. پس در این رابطه ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده‌ام باید روی همان حرف باقی بمانم امروز می‌گویم ما دام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند، علما باید مشغول به کارهایشان باشند. این شأنی برای علما نیست که ریاست

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران (۱۳ تیر ۱۳۹۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع مسئولان وزارت اطلاعات، ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۹)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع ورزشکاران و قهرمانان کشور، ۱۷ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۵۱)



جمهوری و یا پست دیگری را داشته باشند. چون وظیفه است به این کارها می‌پردازند. خلاصه یک چیز را نباید فراموش کنیم که همه می‌خواهیم اسلام پیاده شود.»<sup>۱</sup>

### ۳/۳/۳. وظیفه نظارت روحانیت بر مسئولین نظام

**۱۴۶۳** امام: «روحانی می‌گویید که بعد می‌خواهد در دولت [وارد بشود] نمی‌خواهد نخست وزیر بشود و نمی‌خواهد - عرض می‌کنم که - رئیس جمهور بشود و صلاحشان هم نیست که اینها بشوند، لکن مراقبت دارد، نقش دارد. روحانیت در دولت نقش دارد، نه روحانیت دولت است. این نقش از اول هم بوده است، منتها این را کنارش زده بودند، حالا خدا یک مهلتی داده است. یک جمعیتی، این مردم جمع شدند، هیاهو کردند، این هیاهوهاست که این کارها را کرده است. جمع شدند هیاهو کردند، حالا یک نقشی پیدا کرده روحانیت. همان نقشی که برای روحانیت است که باید کنترل کند این چیزها را، و الا سررشته ندارد. مگر می‌تواند که یک روحانی برود رئیس فوج بشود. سررشته‌ای از این کار ندارد. یک روحانی که اطلاعاتش در باب یک اموری کم است، برود بخواهد آنها را بگیرد. این معنا ندارد، اما روحانی چون موارد خطا و اشتباهی که از قانون اسلام که یک قانونی است که اگر اجرا بشود، همه مقاصد برای ما حاصل می‌شود این مطلع است، این سررشته‌دار این قانون است، این را قرارش دادند با آن همه قیودی که همه‌اش قیود یک چیزی بوده است که قرار دادند و ما هم تابعیم. لکن مسأله این نیست. مسأله بالاتر از این است. اما خوب البته ملت یک چیزی را که خواستند ما همه تابع آن هستیم و یک همچو روحانی اگر نقش داشته باشد در دولت، نمی‌گذارد دیگر نخست وزیرش، رئیس جمهورش هر جا که ظلم ببیند، روحانی نقش دارد بر اینکه جلوی او را بگیرد. و هر وقتی بخواهد یک قلدری پیش بیاید جلوی او را می‌گیرد. یک دیکتاتوری باشد جلوی او را می‌گیرد. می‌خواهد خلاف آزادی باشد، جلوی او را می‌گیرد. بخواهد یک دولتی یک قراردادی با یک دولتی ببندد، که اسباب این بشود که این تابع آن بشود، پیوند آن بشود، پیوسته او بشود روحانی جلوی او را می‌گیرد. یک اصلی است که اصل یک مملکت را اصلاح می‌کند. این یک اصل شریفی است که اگر چنانچه ان شاء الله تحقق پیدا بکند، همه امور ملت اصلاح می‌شود. بنا بر این اینکه شما سؤال کردید که آیا روحانی می‌خواهد به دولت منضم بشود یا چی؟ نه نمی‌خواهد دولت باشد اما خارج از دولت نیست. نه دولت است، نه خارج از دولت. دولت نیست یعنی نمی‌خواهد برود در کاخ نخست‌وزیری بنشیند و کارهای نخست‌وزیری را بکند. غیر دولت نیست برای اینکه نخست وزیر اگر پایش را کنار بگذارد این جلوی او را می‌گیرد، می‌تواند بگیرد. بنا بر این نقش دارد و نقش ندارد.»<sup>۲</sup>

**۱۴۶۴** رهبری: «روحانیون در محیطهای مختلف، یکی از مهم‌ترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند.»<sup>۳</sup>

**۳۷۶** ر.ک. امام: «اگر مقصود از اینکه نقش داشته باشد روحانیت، بله روحانیت نقش دارد. در حکومت هم نقش دارد. نمی‌خواهد حاکم بشود، لکن می‌خواهد نقش داشته باشد. شما در همین قضیه رئیس جمهوری به ما پیشنهاد می‌کردند که، پیشنهاد کردند از اشخاص، حتی از دانشگاه به اینکه ما حالا بعد از مدتها فهمیدیم که اطمینان به دیگران نیست. روحانی باشد من می‌گفتم نه، روحانی نقش باید داشته باشد، خودش رئیس جمهور نشود. لکن در ریاست جمهور نقش باید داشته باشد. کنترل باید بکند. آن به منزله کنترل یک ملتی است. یک مملکتی است. نمی‌خواهد روحانی رئیس - مثلاً فرض کنید که - رئیس دولت باشد. لکن نقش دارد در آن. اگر رئیس دولت بخواهد باشد کذا، یا را کج بگذارد این جلوی او را می‌خواهد بگیرد.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان، ۲۰ آذر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۱)

<sup>۲</sup> بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی، ۷ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۶۵)

<sup>۳</sup> بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیان (۷ مرداد ۱۳۷۱)

<sup>۴</sup> بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی، ۷ دی ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۶۳)



**۱۴۶۵** امام: «[روحانیت شیعه همیشه در رأس مبارزات بوده است، ولی آیا این هم صحیح است که روحانیت که در جهان به این پیچیدگی قادر به اداره مملکت نبوده، در کارهای تکنیکی از غیر روحانی استفاده نکنیم؟] - این هم جزو تبلیغات سوئی است که بر ضد روحانیت می‌شود. آیا آقای کارتر که رئیس جمهور است همه کارها را خودش در امریکا انجام می‌دهد؟ نه، افرادی را وامی‌دارد که کارها را انجام دهند. روحانیت نمی‌خواهد خودش کارخانه راه بیندازد یا طیاره ببرد. اینهایی که می‌گویند روحانیت باید دخالت نداشته باشد، نمی‌فهمند. یا می‌فهمند و مردم را اغفال می‌کنند. این اشتباه است. روحانیت نظارت بر اوضاع دارد. کارها دست کارشناسهای غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلطکاری نشود. یک وقت کودتا نشود، یک وقت ظلم به مردم نشود. روحانیت می‌خواهد جلو غارتگری و ستم و دزدی را بگیرد.»<sup>۱</sup>

**۵۲۲** رهبری: «در محیط‌های غیر شیعی هم، روحانیت، بخشی از دستگاه‌های دولتی است. این، از نظر ما مردود است و قبول نداریم و آن را برای روحانیت مضر می‌دانیم. دستگاه‌های دولتی، نوسان و تلاطم دارند و آینده‌شان به طور دقیق قابل پیش بینی نیست. روحانیت باید همیشه امکان حضور قدرت‌مندانه نصیحت‌آمیز یا دخالت‌آمیز را برای خودش حفظ کند، و الا نمی‌تواند کاری انجام دهد. این خصلت هم، با اینکه بخشی از دولت یا حکومت باشد، نمی‌سازد. حوزه باید مستقل باشد و این، یک فرض است.»<sup>۲</sup>

**۱۴۶۶** امام: «الآن مکلفیم ما، مسئولیم همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویند چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواستہ یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا بر خلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند.»<sup>۳</sup>

**۱۴۶۷** امام: «این مطلب را بارها گفته‌ام که روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه اینکه بخواهند حکومت کنند. کاری نباید بکنیم که مردم بگویند اینها دستشان به جایی نمی‌رسید، حالا که رسید دیدید این طور شدند. استبداد دینی خود تهمتی است که از کنارش نباید گذشت. رادیوها مرتب از آن سخن می‌گویند و ما را به خودکامگی متهم می‌کنند. روحانیون نباید کاری کنند که شاهد دست دشمن بدهند. دخالت ما باید نهی از منکر و امر به معروف باشد، و الا به استاندار بگوییم تو باید این کار را بکنی، و الا بگوییم از اینجا برو، این اولاً تضعیف دولت است و از آن گذشته موجب می‌شود که مردم از روحانیون متنفر شوند. این موضوعات را باید کاملاً در نظر داشته باشیم.»<sup>۴</sup>

**۱۴۸۰** رهبری: «نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> مصاحبه با روزنامه «لوموند»، ۹ آذر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۲)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» (۱۶ آذر ۱۳۷۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و سپاه، ۱۵ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۸۷)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان، ۱۱ شهریور ۱۳۶۳ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۲)

<sup>۵</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)



**۴۶۸** امام: «و اینکه روحانیون در شورای اقتصاد و برنامه‌ها نظارت می‌کنند، از باب این است که آنها به امور شرعی توجه دارند و نظارت آنها باعث می‌شود که طرحی که شما می‌دهید و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می‌رود، رد نشود و در نتیجه، کارها آسان شود و شما در برنامه‌هایتان معطل نمانید.»<sup>۱</sup>

**۴۶۹** امام: «توجه داشته باشد که اگر یکوقت مثلاً یک جمعیتی یا یک فردی، یک حکومتی پایش را کج گذاشت، همه اعتراض کنند و نگذارند که واقع بشود. یا یک افراد غیر صحیحی را چنانچه در مأموریت‌هایی گذاشتند و آقایان و علمای بلاد می‌دانند که این فاسد است خودشان نروند سراغش، اطلاع بدهند به آنجایی که باید اینها را تغییر بدهند، و از آنها بخواهند که تغییر بدهند. اگر خودشان بروند، و لو یک آدم فاسدی را خود آقایان بفرستند یا بروند و آن فاسد را از آنجا بیرون کنند، این موجب و هن می‌شود برای اهل علم. اینها باید ارشاد کنند دولت را. ارشاد کنند به اینکه این مأموری که اینجا فرستادی اشتباه بوده است و دولت را وادار کنند، مجلس را وادار کنند تا اینکه اصلاح بشود. خودشان اگر بخواهند مستقیماً دخالت بکنند، موجب این می‌شود که در بین مردم موهون بشوند، و شما حفظ حیثیت خودتان برایتان واجب است. هر مؤمنی حفظ عرض خودش برایش واجب است، لکن علما بیشتر مأمورند به این امور. حجت بر علما تمامتر است. این وظیفه ماهاست که باید هر کسی شغل خودش را محترم بشمارد. دل‌سرد نشود امام جماعت از جماعتش، اهل منبر از منبرش، و - عرض می‌کنم که - مراجع از مرجعیتشان، علمای بلاد از مسائلی که خودشان دارند. اینها باید حفظ کنند آن چیزهایی که مال خودشان است و حاضر باشند برای امور سیاسی.»<sup>۲</sup>

**۴۷۰** امام: «بدیهی است که اگر شورایی از علما و دانشمندان اسلامی که آشنایی کامل به موازین و قواعد اسلامی دارند بر دولت جمهوری اسلامی نظارت نکنند، معیارهای اسلام ممکن است - و لو به علت عدم توجه و آگاهی به آنها - رعایت نشود.»<sup>۳</sup>

## ۳/۳/۴. عدم عذر از کوتاهی در یاری نظام

**۴۷۱** امام: «از این به بعد که هیچ عذری، نه من دارم و نه شما و نه هیچ روحانی و نه هیچ نویسنده و نه هیچ گوینده. باید ما برای ادامه این فریضه الهی، برای ادامه این انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی کوشش کنیم و کوششمان را افزون کنیم؛ برای اینکه آنها، مخالفین ما، مخالفین اسلام کوشش‌شان را هر روز افزون می‌کنند، هر روز توطئه‌هایشان را زیاد می‌کنند. ما هم باید در مقابل آنها هر روز کوششمان را، دفاع از حق و حقیقت را افزون کنیم.»<sup>۴</sup>

**۴۷۲** رهبری: «عزیزان من! امروز دوران حاکمیت اسلام است و اگر یک جای کارمان لنگ باشد، هیچ عذری از ما پذیرفته نیست. در زمان طاغوت و حاکمیت کفر، می‌گفتیم وسایل و ابزار در اختیار ما نیست؛ ولی امروز علمای دین و روحانیون، نمی‌توانند این حرف را بزنند. امروز، اگر جامعه علمی و دینی - یعنی همین جامعه روحانیت و علمای دین - به آنچه که نیاز زمان و کشور و جامعه و جهان اسلام است، کما هو حقّه عمل نکنند، عذری پیش خدای متعال و تاریخ ندارند. در ذهن آیندگان، سؤال جدی خواهد بود. به همین خاطر به این چیزها باید توجه کنیم و اقدام لازم را انجام دهیم.»<sup>۵</sup>

**۴۷۳** امام: «شاید از همه قشرها، قشر روحانی مسئولیتش بیشتر باشد؛ برای این که، هر کس بیشتر نزدیک به اسلام است بیشتر مورد مسئولیت است. انبیا از همه کس مسئولیت‌شان زیادتر بوده است. آنها در عین حالی که مسئولیت‌شان از همه بیشتر بود، به آن امری که وظیفه داشتند عمل کردند و هیچ قصوری نکردند. علمای هر ناحیه

<sup>۱</sup> بیانات در جمع سرپرست و معاونان سازمان برنامه و بودجه، ۱۷ مهر ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۳)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۴)

<sup>۳</sup> مصاحبه با روزنامه «تمپو»، ۲۳ دی ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۵، ص ۴۳۶)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع وعاظ تهران، ۴ آبان ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳۲۹)

<sup>۵</sup> بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان (۲۷ دی ۱۳۷۴)



مسئولیت‌شان از سایر طوایف بیشتر است، اینها عذر ندارند، ممکن است که بسیاری از مردم عذر داشته باشند؛ یا عذر اینکه نمی‌دانستیم یا عذر این که نمی‌توانستیم که هیچ کاری نکنیم. روحانیون الآن در ایران هیچ عذری ندارند، برای اینکه، راه را می‌دانند و می‌توانند هم کار نکنند. اگر خدای نخواست، در بین روحانیون کسی از اشخاصی پیدا بشود که بر خلاف عمل می‌کند، این یا از باب این است که با اصل مبنای اسلامی مخالف است یا نمی‌فهمد که این اسلام در اینجا وضعیت چطور است.»<sup>۱</sup>

**۴۷۴ امام:** «ما سابق اگر عذری داشتیم به اینکه قدرتها نمی‌گذارند ما کاری انجام بدهیم و قدرتهایی بودند که مخالف بودند، علما را مانع می‌شدند از اینکه در پستهای خودشان، وظایف خودشان را انجام بدهند، امروز دیگر ما همچو عذری نداریم و همه آقایان در هر جا که هستند، می‌توانند که مسائلشان را، مشکلاتشان را، مشکلات مردم را گوشزد کنند و مردم را هدایت کنند و همین طور دولت را هدایت کنند، ادارات را هدایت کنند و ان شاء الله، من امیدوارم که بزودی مشکلات رفع بشود.»<sup>۲</sup>

### ۳/۳/۵. عدم دخالت در امور خارج از صلاحیت

**۴۷۵ امام:** «تذکر اکید به روحانیونی است که در دادگاهها و کمیته‌ها، جهاد سازندگی و دیگر ارگانها اشتغال به خدمت دارند، که اولاً در اموری که صلاحیت آن را ندارند به هیچ وجه دخالت نکنند که دخالت آنان علاوه بر آنکه از جهت عدم صلاحیت آنان غیر مشروع است، از جهت بدبین شدن ملت به روحانیت و در نتیجه جدا شدن ملت از شما که لطمه‌ای بزرگ به اسلام و کشور اسلامی می‌باشد از گناهان بزرگ و نابخشودنی است.»<sup>۳</sup>

**ر.ک. ۴۶۹ امام:** «توجه داشته باشد که اگر یقوت مثلاً یک جمعیتی یا یک فردی، یک حکومتی پایش را کج گذاشت، همه اعتراض کنند و نگذارند که واقع بشود. یا یک افراد غیر صحیحی را چنانچه در مأموریت‌هایی گذاشتند و آقایان و علمای بلاد می‌دانند که این فاسد است خودشان نروند سراغش، اطلاع بدهند به آنجایی که باید اینها را تغییر بدهند، و از آنها بخواهند که تغییر بدهند. اگر خودشان بروند، و لو یک آدم فاسدی را خود آقایان بفرستند یا بروند و آن فاسد را از آنجا بیرون کنند، این موجب وهن می‌شود برای اهل علم، اینها باید ارشاد کنند دولت را. ارشاد کنند به اینکه این مأموری که اینجا فرستادی اشتباه بوده است و دولت را وادار کنند، مجلس را وادار کنند تا اینکه اصلاح بشود. خودشان اگر بخواهند مستقیماً دخالت بکنند، موجب این می‌شود که در بین مردم موهون بشوند، و شما حفظ حیثیت خودتان برایتان واجب است. هر مؤمنی حفظ عرض خودش برایش واجب است، لکن علما بیشتر مأمورند به این امور. حجت بر علما تمامتر است. این وظیفه ماهاست که باید هر کسی شغل خودش را محترم بشمارد. دلسرد نشود امام جماعت از جماعتش، اهل منبر از منبرش، و- عرض می‌کنم که- مراجع از مرجعیتشان، علمای بلاد از مسائلی که خودشان دارند. اینها باید حفظ کنند آن چیزهایی که مال خودشان است و حاضر باشند برای امور سیاسی.»<sup>۴</sup>

**ر.ک. ۲۹۰ امام:** «و اما ما هم باید توجه زیادی داشته باشیم به اینکه در این انقلاب حفظ حیثیت روحانیت، الآن بسته به وجود آقایان است و امروز با زمانهای سابق خیلی فرق دارد. زمانهای سابق در مقابل دولت ایران، در مقابل ایران، در مقابل اسلام، اشخاص زیادی نایستاده بودند، مختصر بود. امروز همه از هر جا که ملاحظه می‌کنید حمله می‌کنند، خصوصاً، به روحانیون؛ هی رژیم آخوندی چطور، رژیم آخوندی چطور. هر روز راجع به این مسائل، آنها بدون

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۴۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان یزد و هرمزگان، ۱۰ آذر ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳۹۷)

<sup>۳</sup> پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان (توصیه‌های نه گانه به ملت)، ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۷۱)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۴)

اینکه یک دلیلی داشته باشند حمله می‌کنند. باید ما فکر این مطلب باشیم که - خدای نخواستہ - یک وقت بهانه‌ای دست اینها ندهیم. ما خدمت بکنیم؛ به ملت خدمت بکنیم، شما آقایان خدمت بکنید به ملت. شماها میل ندارید که یک وقت - خدای نخواستہ - خلافتی پیش بیاید. اگر - فرض کنید - در مرکز یک خلافتی پیش آمد مستقیماً دخالت نکنید. همان طور که آقا گفتند که «نمی‌خواهم مستقیماً دخالت کنیم» مستقیماً دخالت نکنید و به دولت و به آنجاهایی که باید مراجعه بشود، به مرکز قضاوت و امثال اینها مراجعه بفرمایید. ارشاد کنید مردم را، مردم را دلگرم کنید به انقلاب. الآن از همه جا دارند آیه یأس می‌خوانند که خیر، ایران ورشکسته شده، ایران نمی‌تواند دیگر اداره کند، ایران چطور شده. این حرفهایی که خوب دشمنان دارند می‌زنند، شما آقایان باید جبران کنید این تبلیغات را. آنها البته در سطح دنیا دارند تبلیغ می‌کنند و ما دستمان از آن تبلیغات وسیع کوتاه است. اسباب آن تبلیغات وسیع را نداریم، لکن حتی الامکان باید تبلیغ کنیم و در نمازهای جمعه، در جماعات، در اینها مردم را مطمئن کنیم به اینکه جمهوری اسلامی خیر است برای شما، اسلام خیر است برای شما و مطمئن بکنید به اینکه نمی‌خواهد دولتی که الآن در جمهوری اسلامی هست یا کسانی که در بالا هستند و قضاوت دارند، اینها نمی‌خواهند بر خلاف اسلام عمل کنند»<sup>۱</sup>

### ۳/۴. ضرورت تغییر محتوای نظام به تبع تغییر عنوان

**۱۴۷۶ امام:** «رژیم ما دیگر رژیم سلطنتی نیست، جمهوری اسلامی است، اما آن قدری که تا حالا واقع شده است همین است که ما رأی دادیم به یک مسئله‌ای، و دنیا هم ایران را شناخت به اینکه جمهوری اسلامی است. اما محتوای این جمهوری اسلامی، که یک مقداریش مربوط به دولت است و دستگاههای دولتی که آن الآن محل صحبت ما نیست، یک قسمت مهمش هم مربوط به این بنگاه است: به این بنگاه روحانیت است. ما باید این بنگاه روحانیت را یک کاری بکنیم که اسلامی بشود؛ و ما بتوانیم بگوییم که ما در جمهوری اسلامی واقع شدیم. ما حالا دیگر آزاد هستیم، اختناق نداریم، و مسائل اسلامی را آن طور که باید می‌گوییم، آن طور که باید عمل می‌کنیم، بیشتر نمی‌توانستیم و آزاد نبودیم، منبر آزاد نبود، محراب آزاد نبود، حالا آزاد شدیم، اما نه آزاد به اینکه حالا بخواهیم هر چه دلمان می‌خواهد بگوییم و هر چه بخواهیم بکنیم. نه، آزادیم که بیشتر نمی‌توانستیم عمل به اسلام [بکنیم] و مقاصد اسلامی را بگوییم، حال آزادیم که مقاصد اسلامی را بگوییم. الآن همه چشمها دوخته شده است به این مملکت. و شاید بیشتر به این بنگاه که این بنگاهی که در اسلام در طبقه بالا واقع شده‌اند، مربی هستند، تربیت می‌خواهند بکنند، سخنگوی اسلام هستند، اینها چه می‌کنند، وضع همان وضع است، و لفظ تغییر کرده است یا خیر؟ حالا وضع را دارند تغییر می‌دهند، محتوا را دارند تغییر می‌دهند و متبدل شده‌اند، این همین طوری که حکومتشان، رژیمشان، متبدل شد از طاغوتی به رژیم اسلامی، این قشر هم که قشر روحانی باشند، اعم از مراجع اسلام، و از علمای اسلام و از خطبای اسلام، از همه اینها مسأله گوی اسلام، همه اینها که در این بنگاه واقع شده‌اند، نظرها الآن دوخته شده است به اینکه اینها چه می‌کنند، الآن در چه حالی هستند، تغییری در روحیه اینها پیدا شده، در اعمال اینها پیدا شده است؟ یا اعمال همان اعمال و روحیه همان روحیه و یک لفظی را برداشتند و یک لفظ دیگر جایش گذاشتند. در دولت هم همین طور، در وزارتخانه‌ها هم همین طور، در ادارات دولتی هم همین طور، در ارتش هم همین طور، همه جا همین است مطلب»<sup>۲</sup>

**۱۴۷۷ امام:** «پاسدار، چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید چه سایر قشرها، که یکی‌اش هم قشر روحانیت است که آنها هم پاسدار هستند و لو این لفظ پاسدار بر آنها حالا اطلاق نمی‌شود، لکن به حسب واقع پاسدار از اسلام هستند؛ اگر این جمعیت آن طوری که باید این وجهه از انقلاب را، که انقلاب آمدن یک رژیم عادل به جای یک رژیم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن یک رژیم، نشستن یک رژیم به جای یک رژیم فاسد [است] مراعات نکنند آن جهت انقلابی را، مراعات نکنند آن عدالت اسلامی را - که عدالت اسلامی از خود انسان شروع می‌شود تا همه جا: عدالت در

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع ائمه جمعه مازندران و دشت گرگان، ۱۹ اسفند ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۹۷)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع وعاظ تهران، ۱۷ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۵۲۲)

خود انسان، عدالت با رفیق، عدالت با همسایه، عدالت با هم محله، عدالت با همشهری، عدالت با هم استانی، عدالت با هم مملکتی، عدالت با همسایه‌های کشورهای دیگر که با ما هستند، عدالت با همه بشر، اگر این معنا حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است، نه پاسدارش پاسدار اسلام. به مجرد اینکه من ادعا کنم که پاسدار اسلام هستم، از باب اینکه یک نفر طلبه هستم و طلبه شغلش پاسداری است، مجرد این تا یک نمونه‌ای نداشته باشد، نشانه و علامتی نداشته باشد، این ادعاست، ادعایی که بر فرض اینکه من بتوانم این ادعا را به مردم جا بزنم، پیش خدا واضح است که درست نیست.»<sup>۱</sup>

### ۳/۵. وظیفه حوزه علمیه

**۱۴۷۸ امام:** «روحانیونی که در حوزه‌های علمیه بوده‌اند و بزرگ شده‌اند در آنجا، اینها با مجاهدات می‌توانند از آن محل خارج بشوند و در جاهای دیگر خدمت کنند. همچو نیست که بعضی امثال منافقین تصور می‌کنند که حالا دیگر آخوندها مثلاً دستشان چه افتاده و چه می‌خواهند بکنند. اینها الآن هم با مجاهده می‌آیند، تکلیف شرعی است که امروز وارد بشوند در این مسائل؛ نه اینکه مقام پیش آنها مطرح است. آنها سی سال، چهل سال در حوزه‌ها با آن وضع حوزه‌ها گذرانده‌اند و عادت کرده‌اند در آن محلها تشریف داشته باشند. و به حسب تربیتی که در آنجا شده‌اند و در محیط آنجا بوده‌اند وضعیتشان این طور است که به حسب طبیعت این طور نیست که آنها دنبال این باشند که یک مقامی باشد، دنبال خدمت هستند. در این خدمت اگر در حوزه‌ها باشد، در حوزه‌ها خدمت می‌کنند، و اگر یک وقت تکلیف دیدند که در خارج حوزه‌ها باشد در خارج حوزه‌ها. و با اینکه قضاوت یک امری است که به حسب حکم الهی حق روحانیون است، و تا زمانی که رژیم سابق بود همان طوری که همه را از حقوق خودشان محروم کرده بود این حق الهی هم که برای آنها در عین حالی که رنج دارد، لکن حقیقتش بود، باید به آن قیام کنند، نمی‌توانند تخلف کنند. الآن هم که آقایان در هر جا باشند و خدمت بکنند این طور نیست که بخواهند یک جایی را قبضه کنند و یک جایی را بگیرند.»<sup>۲</sup>

**۱۴۷۹ رهبری:** «عزیزان! طلاب جوان! فضلا! توجه کنید که حوزه علمیه - همان طور که امام رحمته‌الله مکرر فرمودند - قاعده نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی این قاعده بنا شده و دوام خواهد یافت. این قاعده باید محکم باشد.»<sup>۳</sup>

**۱۴۸۰ رهبری:** «نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح.»<sup>۴</sup>

**۱۴۸۱ امام:** «تحصیل علم از اموری است که واجب کفایی است و از امور مهم است، لکن اگر ما یک وقت احتیاج داشتیم به اینکه علما و افراد مستعد الآن تحصیل علم را کنار بگذارند و بروند در جبهه‌ها و دلداری بدهند به اینها، هدایت کنند اینها را یا بروند به شهرهای دور افتاده و هدایت کنند آنها را، این مستحب بسیار بزرگ را باید کنار بگذارند، بروند آن کار را انجام بدهند؛ برای اینکه آن واجب است. انجام بدهند، بعد که آرامش حاصل شد برگردند آقایان تحصیل بکنند چنانچه همه متصدیان روحانی که هستند، الآن از باب اینکه می‌بینند که نمی‌تواند و نخواهد توانست کسان دیگر اداره این کشور را آن طوری که اسلام می‌خواهد اداره بکند و ما تجربه کردیم که نشد، این آقایان با اینکه شغلشان این نیست و حالا من عرض می‌کنم که بنای روحانیون بر این نیست که حکومت را بگیرند. حکومت چیست؟ اما بنای روحانیون بر این نیست که اسلام را حفظ کنند؟! ما گمان می‌کردیم که در بین روشنفکران ما - به اصطلاح - خوب، اشخاصی پیدا می‌شوند که متعهدند و حفظ می‌کنند این را. اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی، یک همچو

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی تهران، ۶ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۱۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع قضات شورای عالی قضایی و دیوان عالی کشور، ۱۹ دی ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۲۷)

<sup>۳</sup> سخنرانی در مراسم بیعت هزاران تن از طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم و روحانیون بیست کشور جهان (۲۲ خرداد ۱۳۶۸)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

جمعیت‌هایی، آقایان پست‌های مهم‌تر دارند، می‌روند سراغ کارشان؛ آقای هاشمی هم می‌روند، آقای خامنه‌ای هم می‌روند و همه کسانی که متصدی هستند. اما، ما چه بکنیم؟ امروز وضع ما، وضع ایران، وضع گرفتاری‌های داخل و خارج به جوری است که بدون اینها نمی‌شود اداره کرد این مملکت را؛ یا می‌کشاندش به طرف امریکا و یا کمونیسم؛ یا می‌کشاندش به طرف امریکا و سرمایه داری یا می‌کشاندش طرف کمونیسم و آن بساط، و ما لازم است برایمان حفظ کنیم»<sup>۱</sup>

رک. ۲۹۷ امام: «از این جهت لازم است که آقایان، اینهایی که قدرت بر این معنا دارند که تشریف ببرند در بلاد و در محالی که آشنا هستند یا غیر آشنا، و مسائل را برای آنها بگویند و آنها را روشن کنند و دعوت کنند به اینکه رأی بدهید به جمهوری اسلامی - این هم با همین کلمه: نه یک حرف زیاده‌تر و نه یک حرف کمتر - برای اینکه الان شیاطین افتاده‌اند دنبال اینکه «جمهوری» محض، همین جمهوری باشد، «جمهوری دمکراتیک» باشد و از این حرفها، برای اینکه آقایان تشریف ببرند و رفع ابهام بکنند، این خوب است. که به همان طوری که مدرسین محترم اینجا بنا دارند که یک مثلاً هیأت‌هایی را به اطراف یا اشخاصی را به اطراف بفرستند برای روشن کردن مردم، این لازم است که عمل بشود. و غصه نخورید که درستان تعطیل می‌شود! ان شاء الله مجال درس خواندن [دارید] - الحمد لله جوان هستید و مجال درس خواندن‌تان هست. من هم یک طلبه بودم که وقتی دیدم وضع این طوری است درسم را رها کردم و رفتم، و حالا هم آمدم پیش شما. الان هم تعطیل هست. نه مطالعه دارم نه درس دارم. مشغول همین خدمت به شما آقایان هستیم»<sup>۲</sup>

۴۸۲ امام: «یکوقت انسان درس را تعطیل می‌کند برای اینکه برود تعیش بکند، برای اینکه برود تنبلی بکند؛ یکوقت درس را تعطیل می‌کند برای خدا. همان طور که درس خواندن برای خدا ثواب و اجر دارد و ارزنده است پیش خدای تبارک و تعالی، گاهی وقتها هم تعطیل درس و اشتغال به یک مطلب مهمی - بلکه مهم‌تر از درس - این هم ارزنده است پیش خدا. الان تعطیل شما و رفتن در اطراف و دهات دوردست، شهرها، دهات دوردست، مقصد، مقصد الهی است. فرق نگذارید بین اینکه در یک شهرستانی بروید و با یک جمعیت انبوهی مواجه باشید، یا در یک دهی بروید و با یک جمعیت کمی. وقتی بنا شد مقصد الهی باشد، ما بین این و آن فرق نگذارید بلکه گاهی آن اولی است. در شهرستانها - خوب - اقشار زیاد هستند، آمال زیاد است، شاید هوای نفس در آنجا زیاده‌تر باشد اما در قرا و قصبات و دهات دورافتاده این مسائل کمتر است: هم افراد کم می‌روند هم جمعیت‌های آنجا کم است، هم آنها از فقرا و - عرض می‌کنم - مستمندان هستند؛ طمع بین آنها کمتر است. از این جهت جنبه الهی آنجا بیشتر است. این طور نباشد که همه مجتمع بشوند در شهرهای بزرگ. متفرق بشوند در شهرها و قصبات و دهات و - عرض کنم - قرا و همه جا، و همه را آگاه کنند که فرماندم که شد، همه بگویند جمهوری اسلامی می‌خواهیم»<sup>۳</sup>

۴۸۳ امام: «آن نکته این بود که فقه و درس و بحث برای حفظ اسلام است. آن روزی که اسلام محتاج به این است که فقها هم در میدان بروند، باید بروند. آن روزی که اسلام محتاج به این است که حوزه‌ها تعطیل بشود و مشغول به یک کاری بشوند، برای حفظ بیضه اسلام باید درسها تعطیل بشود. و امروز آن روزی است که بسیار حساس است برای اسلام و مسلمین و ملت ما، که شاید حساس‌تر از این موقع نباشد. و آن این است که سرنوشت مملکت اسلام باید تعیین بشود»<sup>۴</sup>

۴۸۴ رهبری: «امام در همین نوشته‌ای که در آذر ۶۷ مرقوم کردند - یعنی آخر عمرشان، تقریباً ده سال بعد از آن نوشته‌ی اول - از دانشجویان و طلاب می‌خواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانشجو و بسیج طلبه. این نشان

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع مسئولان کشور، ۹ شهریور ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۶۴)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون، ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ (صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۲۴)

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> همان

دهنده‌ی این است که نیازی که کشور به روحیه‌ی بسیجی دارد، مربوط میشود به همه‌ی زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هایی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و زمینه‌هایی که در قلمرو دانشگاه‌هاست. امروز در حوزه‌ی علمیه هم فضایی بسیجی ما، علمای بزرگ بسیجی ما حضور دارند، افتخار هم میکنند. امام هم افتخار میکرد.»<sup>۱</sup>

### ۳/۵/۱. تربیت قاضی و مبلغ

ر.ک. ۳۹۹ امام: «ما نه امروز مبلغ داریم و نه قاضی داریم. یک عده مختصری، آن قدری که ایران احتیاج به مبلغ دارد، ندارد، حوزه‌ها ندارند. آن قدری که قاضی لازم دارند، حوزه‌ها ندارند، حوزه‌ها تربیت قضات را نکرده‌اند، یک عده پیرمردها هستند لکن آنها نمی‌روند سراغ این کارها. ما الآن نسل جوان را باید برای قضاوت، برای تبلیغ تربیت کنیم. برای قضاوت که واجب است، واجب کفائی است برای همه، باید تربیت کنیم که این واجب کفائی تحقق پیدا بکند، و برای تبلیغ هم لازم است ما تبلیغ بکنیم. آن هم جزو واجبات است که ما از اسلام تبلیغ بکنیم. آن چیزی که وارد شده است در قرآن باید تبلیغ کرد به همه جا، و تبلیغ لازمه‌اش این است که زبان بدانند. شما نمی‌توانید بروید در انگلستان برای انگلیسی‌ها با زبان فارسی تبلیغ کنید یا در امریکا این طور یا در شوروی. شما باید با زبان اهلی آنها تبلیغ کنید، و این از امور لازمه‌ای است که پیشتر نمی‌شد اسمش را برد، و حالا می‌بینیم جزو لازم‌هاست و واجبات است که باید عمل بشود.»<sup>۲</sup>

۴۸۵ امام: «قوه قضاییه که امروز برای قضای شرعی احتیاج مبرم به افراد عالم متقی با فضیلت دارد، حوزه‌های علمیه در هر جا هستند، خصوصاً حوزه‌های بزرگ باید این مسأله را یک واجب کفایی شرعی مهم تلقی نمایند. و برای این مقصد مهم اسلامی از علمای موجود در حوزه‌ها و شهرستانها دعوت نمایند. و همه علمای اعلام می‌دانند که قضا امر بسیار مهمی است که در رژیمهای طاغوتی به دست اشخاصی که اکثریت آنان صلاحیت نداشته‌اند سپرده شده بود. در رژیم سابق ما معذور بودیم، چون اشخاص صلاحیتدار را در هیچ امری، چه رسد به قضای شرعی، نمی‌پذیرفتند، ولی امروز که قضای اسلامی می‌خواهد اجرا شود عذری نیست. و بر اشخاص صلاحیتدار واجب است تا حد کفایت به این واجب عمل کنند و دیگران را هدایت نمایند و بسیج کنند. و نیز لازم است حضرات مدرسین محترم حوزه‌ها و علمای اعلام و مجتهدین عظام، کتبی را که به آنها «علوم غریبه» نام می‌نهادند- زیرا در بحثها و حوزه‌های علمی منسی بودند، چون محل ابتلا نبودند- امروز که شدیداً به آنها احتیاج است، مثل کتاب قضا و شهادت و قصاص و حدود و دیات و دیگر کتب محل حاجت را مورد بحث و تدریس و تحقیق قرار دهند، که در آینده مثل امروز گرفتار کمبود اشخاص نباشیم. امید است برای رضای خدای تعالی و برای عمل به وظیفه، به این امر توجه زیاد شود، و مسئله قضا که امروز از مشکلات جمهوری اسلامی است به برکت مراجع بزرگ و علمای اعلام حل شود؛ و نیز شورای قضایی قوانین مربوط به قضا را با جدیت تهیه نمایند، و مجلس محترم هم تصویب این قوانین شرعی را مقدم بر سایر کارها قرار دهند که قضای اسلامی در کشور اجرا شود.»<sup>۳</sup>

۴۸۶ رهبری: «امروز هرکس برای تعلیم و تربیت وارد حوزه می‌شود، باید این در ذهنش باشد که من امروز به اندازه وسع و توانم، طلبه فاضل، مدرس معروف، مرجع یا از ارکان حوزه می‌شوم تا به نظام جمهوری اسلامی و مسئولانم کمک کنم. طلبه باید از ابتدا تا پایان، این روال و مسیر را در نظر داشته باشد. این، باید در حوزه علمیه به یک فرهنگ تبدیل شود.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه (۲۲ مهر ۱۳۹۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۵ شهریور ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۴)

<sup>۳</sup> پیام به ملت ایران و مسئولین نظام، ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۱۶)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» (۱۶ آذر ۱۳۷۴)



**۴۸۷ امام:** «امروز ما قاضی لازم داریم. قضاوت، شما می‌دانید که در طول مدت سلطنت، به دست روحانیون نبود که به حسب احکام اسلام مختص به آنهاست. قضاوت به یک صورت مشوه درآمده بود و قاضی یک آدمی بود که به حسب اکثر که به درد هیچ چیز نمی‌خورد «سیما قضا». امروز قضاوت احتیاج دارد به افراد، به افراد حوزه‌های علمیه هر جا که هست، قم، مشهد، آذربایجان، هر جا که حوزه علمیه هست، اصفهان. علما و مدرسین حوزه‌ها باید قاضی تربیت کنند و این یک واجب کفایی است برای همه. قضاوت یک واجب کفایی است که اگر کسی بتواند انجام بدهد و به زمین بماند این امر، معاقب است. اینکه «من حالا حالش را ندارم، قضاوت امر مشکلی است» این حرفها عذر نیست. باید همه افرادی که خودشان را شایسته می‌دانند بیایند و این امر بزرگ را و این امر زمین مانده را از زمین بردارند، این بار را از زمین بردارند. و گویندگانی که هر جا ما داریم، در سرتاسر کشور، چه گویندگانی که از طبقه روحانی هستند و اهل منبر، و چه گویندگانی که از سایر طبقات هستند، و نویسندگان در هر جا که هستند، چه در حوزه‌های علمیه و چه در دانشگاهها و چه در سایر جاها هستند، باید با گفتار خودشان و نوشتار خودشان به این کشور خدمت کنند. عذر نیست برای آنها که چون من وارد یک شغلی نیستم پس نویسندگی هم نکنم. شغل، امروز یک امری است که برای آن اشخاصی که شایسته هستند و ایران احتیاج به آن شغلها دارد، واجب کفایی است. واجب کفایی آن است که به همه واجب است و چنانچه ترک بشود، همه معاقب هستند؛ لکن اگر یک عده‌ای قیام کردند به آن امر، از دیگران ساقط می‌شود. قضاوت از این امرهاست. و رسیدگی به حال مستضعفان، رسیدگی به حال اینهایی که در طول مدت سلطنت و خصوصاً این رژیم اخیر از هر چیز محروم بودند، این هم یکی از اموری است که آنهايي که قدرت دارند به اینکه برای آنها خدمت کنند، خدمت یک امر لازمی است برای آنها و باید خدمت کنند. و مسئله تبلیغ که یکی از امور بسیار مهم است و اکثر شما که در اینجا تشریف دارید مورد عملتان هست.»<sup>۱</sup>

**۴۸۸ رهبری:** «باید طلاب را برای نیازهای جامعه تربیت کنند. این جامعه احتیاج به قاضی دارد. باید دستگاهی در قم طلاب را به سمت تربیت قاضی سوق بدهد. این طور نباشد که تربیت قاضی را هم حوزه به عهده دیگری واگذار بکند. جایی در حوزه باشد که طلاب را برای حضور در دستگاه‌های گوناگون اداری کشور مثل سازمانهای عقیدتی، سیاسی و ادارات مختلفی که احتیاج دارند سوق دهد. جایی باشد که اشخاص و جمعی را به سمت پیدا کردن مسائل مهم که نظام به آنها نیاز دارد سوق دهد.»<sup>۲</sup>

**۴۸۹ امام:** «و من از حوزه‌های علمیه و از علمای اعلامی که در بلاد هستند و از فضایی که در حوزه‌ها هستند، از آنها می‌خواهم که در این امور، در امور قضایی و در امور دادگستری به این کشور کمک کنند. و حوزه‌ها می‌توانند در عین حالی که حوزه بقایش هست و باید باشد، می‌توانند عده به مقداری که احتیاج هست به قضای، تحویل بدهند قاضی را، تربیت کنند قاضی را. این یک امر مهمی است برای اسلام و برای مسلمین. اعراض مردم دست قضات است؛ باید آنها را، هم تعلیم کنند و هم تربیت کنند تا بیایند و خدمت کنند به این کشور. و تمام اشخاصی که هستند و هستیم و هستید شما، تمام ما مسئول هستیم.»<sup>۳</sup>

**۴۹۰ امام:** «از جمله کمبودهای چشمگیر که پس از انقلاب ناگهان با آن مواجه شده و هستیم کمبود قاضی شرع و مبلغ اسلامی است. امروز هزاران قاضی و مبلغ مورد حاجت است، که باید با همت اکابر و علما و مدرسین و فضایی حوزه‌ها در سراسر کشور، خصوصاً قم، مشهد و شهرستانهای بزرگ، تربیت شوند. از گوشه و کنار کشور قاضی می‌خواهند و مبلغ؛ و هر روز احتیاجات روز افزون می‌شود. حوزه‌های علمیه باید با صرف وقت برای این امر بسیار مهم کوشش خستگی ناپذیر نموده و بپاخیزند؛ البته در قم به همت فضلا و مدرسین محترم این امر شروع شده است لکن

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع، ۲۶ دی ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۶)

<sup>۲</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۳۱ شهریور ۱۳۷۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع، ۲۶ دی ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۹)

چون حجم کار بسیار زیاد است، لازم است حوزه‌ها تعلیماتشان را افزایش دهند که آن شاء الله این کمبودها تا چند سال دیگر رفع شود.»<sup>۱</sup>

## ۳/۵/۲. حفظ فقاہت در حوزه

**۴۹۱** امام: «حوزه‌های علمیه امروز باید بیشتر از سابق در مسائل اسلامی و فقه جدید نمایند، و مسأله فقه به همان نحوی که مشایخ درست کرده‌اند، باید محفوظ بماند. لکن الآن که ایران به واسطه گرفتاری‌ها به اهل علم احتیاج دارد، اگر چه به طور موقت آقایان باید به خدمات‌هایشان ادامه دهند، و درست است که تحصیل فقه در اولویت است، اما همه اینها به خاطر حفظ اسلام است. و امروز اگر برای حفظ اسلام احتیاج باشد که آقایان به جبهه‌ها بروند و رزمندگان را تشویق بنمایند، باید این کار را انجام دهند. و همچنین امور قضایی از باب اینکه قضاوت و یادگیری آن از حوزه‌ها سلب شده بود، و کسی هم فکر دخالت در آن نمی‌کرد، و از این جهت نقیصه زیاد داشت و دارد. و با اینکه پیش از این من اجازه نمی‌دادم که با تقلید، قضاوت انجام شود، لکن چون کمبود داریم افرادی که با تقلید می‌توانند عهده‌دار این مسأله باشند، مانعی ندارد. و شاید شما مطلع باشید با آنکه شارع مقدس به امر قضا آن همه اهتمام داشته است، در سابق بر خلاف این حتی یک عده کمونیست هم قضاوت می‌کردند. و آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ به دست بی‌تقواها نیفتند باید در این امر شرکت کنند. و ما تکلیف داریم که قضاوت و سایر جهات را حفظ کنیم، تا زمانی که جمهوری اسلامی در سیر خود قرار بگیرد، آن گاه علما به پست‌های خودشان که از همه شریفتر است برگردند. و من از ابتدا همین مطلب را می‌گفتم که علما شأنشان نیست مسئولیت دولتی بپذیرند؛ خیال می‌کردم که بدون آنها کارها درست می‌شود. ولی پس از مدتی دیدم که اگر به این وضع باقی بمانیم، اصل اسلام هم در خطر می‌افتد، و از آن مبنای اول برگشتم. و تا مادامی که اینها اشخاص صالح را به جای خود پیدا نکرده‌اند، باید باشند.»<sup>۲</sup>

**۲۹۹** ر.ک. امام: «لکن فقاہت که اساس است سر جای خودش بود و باید باشد. و مسجدها [را] باید محکم آقایان بگیرند.»<sup>۳</sup>

**۳۵۶** ر.ک. امام: «باید در عین حالی که حضور دارید در صحنه سیاست، و هر واقعه‌ای که واقع می‌شود شما توجه باید داشته باشید که این واقعه آیا به نفع ملت است یا نه، لکن حوزه‌های فقاہت را به همان قوت خودش حفظ کنید. این فقه است که اسلام را حفظ کرده و تا آخر حفظ می‌کند ان شاء الله. و از این شغلی که دارید و از این راهی که دارید منحرف نشوید، و بروید یک کارهایی که شما نباید بکنید، مثلاً یک معمّمی چهار تا هم پاسدار داشته باشد، و یا هر کاری دلش می‌خواهد بکند، یک کسی هم یک کمیته درست کند و چند تا پاسبان و هر کاری می‌خواهد بکند. اینها یک طرحی است که ریخته‌اند برای اینکه شما را از صحنه خارج کنند. وارد یک صحنه‌ای می‌کنند که شما را بکلی خارج کنند. همچو می‌کنند که هی بیایند فریاد بزنند که امان از این آخوندها که در کمیته‌ها هستند و در دادگاهها هستند. اگر دو تا، سه تا قضیه بر خلاف واقع شد، آنها هم قضایای زیادی را که صحیح واقع می‌شود، پایمال می‌کنند. باید در عین حالی که هر کس به شغل خودش باید مشغول باشد، و هر کسی باید همان کاری که دارد خوب انجام بدهد، لکن حاضر باشد در مملکت و غایب نباشد از سیاستی که در مملکت می‌گذرد.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> پیام به ملت ایران به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۲)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع خانواده و طلاب مدرسه شهید قدوسی، ۱۳ شهریور ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۰)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲)

<sup>۴</sup> همان



**۴۹۲ رهبری:** «طلّاب باید زبانهای زنده دنیا را هم بدانند و دانستن حد اقل یک زبان زنده از زبانهای موجود دنیا، جزو چیزهایی است که برای طلّاب علوم دینی لازم و ابزار حتمی کار است. این هم بایستی در حوزه رواج پیدا کند. خوشبختانه طلّاب غالباً جوان هستند و قدرت فراگیری زبان در آنها زیاد است؛ این کار باید ان شاء الله در حوزهها رواج پیدا کند.»<sup>۱</sup>

**ر.ک. ۳۹۹ امام:** «ما نه امروز مبلغ داریم و نه قاضی داریم. یک عده مختصری، آن قدری که ایران احتیاج به مبلغ دارد، ندارد، حوزهها ندارند. آن قدری که قاضی لازم دارند، حوزهها ندارند، حوزهها تربیت قضات را نکردهاند، یک عده پیرمردها هستند لکن آنها نمیروند سراغ این کارها. ما الآن نسل جوان را باید برای قضاوت، برای تبلیغ تربیت کنیم. برای قضاوت که واجب است، واجب کفائی است برای همه، باید تربیت کنیم که این واجب کفائی تحقق پیدا بکند، و برای تبلیغ هم لازم است ما تبلیغ بکنیم. آن هم جزو واجبات است که ما از اسلام تبلیغ بکنیم. آن چیزی که وارد شده است در قرآن باید تبلیغ کرد به همه جا، و تبلیغ لازمه اش این است که زبان بدانند. شما نمی‌توانید بروید در انگلستان برای انگلیسی‌ها با زبان فارسی تبلیغ کنید یا در امریکا این طور یا در شوروی. شما باید با زبان اهلی آنها تبلیغ کنید، و این از امور لازمه‌ای است که بیشتر نمی‌شد اسمش را برد، و حالا می‌بینیم جزو لازم‌هاست و واجبات است که باید عمل بشود.»<sup>۲</sup>

### ۳/۵/۴. توجه به تهذیب طلّاب

**۴۹۳ امام:** «اگر خدای نخواست، به واسطه اعمال روحانیون، در عقاید بعض اشخاص ضعیف که هستند، سستی پیدا بشود، آن وقت این چه مصیبتی است که ما تحملش را باید بکنیم. این یک باب واسعی است که در حوزهها باید اشخاص متقی و اشخاص آشنای به حقایق اسلام، طلبه‌ها را تربیت کنند و آقایانی هم که در بلاد هستند دوستان خودشان را، طلبه‌هایی که در آنجا هستند، جوان‌هایی که آنجا هستند، آنها را ارشاد کنند به اینکه مبدا خدای نخواست، یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوند و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در مردم بشود.»<sup>۳</sup>

### ۳/۵/۵. پرهیز از تشریفات در حوزه علمیه

**۴۹۴ امام:** «مسأله دیگر، مسأله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمانها و ماشینها و دم و دستگاہها زیاد شود، موجب می‌شود بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند، یعنی با این بساطها نمی‌شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد. این موجب نگرانی است و واقعاً نمی‌دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب آن می‌شود که روحانیت شکست بخورد. زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز که بسنجیم، خوب می‌فهمیم که چه ضربه‌ای به دست خودمان به خودمان می‌زنیم»<sup>۴</sup>

**۴۹۵ امام:** «آقایان علمای اعلام و مدرسین محترم که خیر خواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبدا تشریفات و توجه به ساختمانهای متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلی حوزهها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند، و مبدا خدای نخواست، اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی،

<sup>۱</sup> بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه (۲۸ شهریور ۱۳۷۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۵ شهریور ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان، ۲۸ تیر ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۵)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان، ۱۱ شهریور ۱۳۶۳ (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۲)



خصوصاً فقه به طریقه سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون «شیخ الطائفه» و أمثاله - رضوان الله تعالى علیهم - و در متأخرین همچون «صاحب جواهر» و شیخ بزرگوار «انصاری» - علیهم رضوان الله تعالى - باز دارد. اسلام اگر خدای نخواست هر چیز از دستش برود ولی فقهش به طریقه موروث از فقهای بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد. ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواست فقهش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید. و با آنکه می‌دانیم مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین عالیقدر - دامت برکات وجودهم - توجه به این امر دارند، لکن خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برقهای شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسلهای بعد اثر گذارد و خدای نخواست آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزه‌ها بیاید. لازم است آقایانی که در این امور دست دارند و متصدی این مسائل هستند توجه کنند که حد افراط را جلوگیری کنند، و هر چه می‌کنند در خدمت حوزه‌های علمی و در خدمت اسلام و علوم اسلامی باشد، و کارها تعدیل شود و از افراط و تفریط احتراز گردد.»<sup>۱</sup>

### ۳/۵/۶. تشکیل اتاق‌های فکر دینی

**۱۴۹۶ رهبری:** «ما اگر چنانچه به دستگاه‌های تبلیغاتی مان اعتراض میکنیم، می‌بینیم اینها گاهی اوقات به خاطر اعتراض و تشریح که ما می‌زنیم، یک حرکتی دینی هم انجام میدهند، بد از آب در می‌آید؛ یک کاری هم انجام میدهند، محتوای خراب در می‌آید، این به خاطر این است که اشراف علمی که فقط مختص روحانیت است در این مورد، وجود ندارد. حوزه‌های علمی نقیضشان در صدا و سیما فقط این نیست که یک واعظ خوش‌زبانی بیاید آنجا، مردم را نصیحت کند؛ نه، حوزه علمی باید کمیته‌ها تشکیل بدهند، مجموعه‌ها تشکیل بدهند، اتاق فکرهای دینی تشکیل بدهند، راجع به مسائل گوناگون بنویسند، بحث کنند، تحلیل کنند، تحقیق کنند و محصولات اینها را بدهند بیرون. فضا وقتی که درست شد، طبعاً اثر می‌گذارد. روی بازی هنرمند هم اثر می‌گذارد.»<sup>۲</sup>

**۱۴۹۷ رهبری:** «ما امروز در باب اداره کشور به مسائلی برخورد می‌کنیم که مشکلات و معضلات دینی و فقهی ماست؛ ما پاسخ اینها را می‌خواهیم، اما کسی جوابگو نیست. باید خودمان بنشینیم، یا آقایانی را ببینیم و از او بخواهیم، یا فرضاً بگوییم در کتابها بگردند و جواب این مسئله را پیدا کنند. باید دستگاهی آماده باشد و تمام مشکلات و معضلات نظام را پیش‌بینی کند؛ نسبت به آنها فکر کند، راه حل ارائه کند و جواب و پاسخ آماده را برای آن آماده نماید. این، جزو وظایف حوزه‌های علمی است؛ لذا متعلق به اسلام است، و اسلام آن چیزی است که حوزه علمی برای آن به وجود آمده است.»<sup>۳</sup>

### ۳/۵/۷. جمع‌آوری آمار و اطلاعات روحانیت

**۱۴۹۸ رهبری:** «یکی از کارهایی که در سازماندهی حوزه لازم است، آمارگیری است، که من اشاره‌ای کردم وسط صحبت دوستان. ما از حوزه آمار درستی نداریم. به طریق اولی، آنوقت از مجموعه روحانیت در کشور آمار درستی نداریم. تعداد روحانیون در کشور، حدود تحصیلی اینها، میزان فضل اینها، تواناییهای تبلیغی اینها، تأثیرگذاری اینها در محیطشان؛ اینها چیزهایی است که اصلاً در آمارهای ما، در اطلاعات ما منعکس نیست؛ ما آمارگیری نداریم. آمارگیری هم یک دانش است. یکی از کارهایی که باید حتماً انجام بگیرد، سریع هم باید شروع بشود و چند سال هم طول خواهد کشید، اما برکاتش خیلی زیاد خواهد بود، همین مسئله آمارگیری است. از طلاب حوزه، از سطوحشان، از مقدار و اندازه درکشان از درسی که خوانده‌اند، پیشرفت تحصیلی‌شان، از اینها آمارگیری داشته باشیم، بدانیم زیردست مجموعه

<sup>۱</sup> پیام به ملت ایران و مسئولین نظام، ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۱۶)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۲۵ شهریور ۱۳۸۹)

<sup>۳</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۳۱ شهریور ۱۳۷۰)

مدیریت حوزه چیست، با چی می‌خواهد کار کند. این کمبود را هم ما داریم که البته آن وقت دنبال آمارگیری، نظام ارزشیابی پیش می‌آید؛ این هم یکی از چیزهایی است که در مسئله سازماندهی عرض می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

## ۳/۵/۸. مدیریت تبلیغ

**۴۹۹ رهبری:** «مسئول دین‌داری مردم، روحانیت است. روحانیت هم مولود و ساخته دست حوزه علمیه است. با این نگاه مسئولیت را بسنجید؛ این جوری توزین نکنیم مسئولیت را تا بفهمیم بر دوش ما، بار سنگینی که هست، چیست.»<sup>۲</sup>

**۵۰۰ رهبری:** «مرکزی لازم است، برای اینکه این‌گونه چیزها خَلقیات روحی جامعه و ملت، خَلقیات سیاسی و اجتماعی، یا خَلقیات رفتاری را بحث کنند و در موردش به تصمیم‌گیری بپردازند. نه اینکه بخواهیم بگوییم هر کاری در زمینه‌های فرهنگ عمومی بخواهد انجام گیرد، باید بیاید از اینجا رخصت بطلبد؛ نه. الان روحانیت معظم و دستگاه‌های تبلیغاتی کشور که دولتی هم نیستند و مردمی‌اند، کارهای فراوانی در این زمینه می‌کنند؛ احتیاج هم ندارند که از جایی استیذان کنند که این حرف را بزنیم، یا نزنیم. اما اگر حقیقتاً یک دستگاه متفکر و جامع همه خصوصیات و بیننده همه کمبودها و نیازها وجود داشته باشد که بتواند خلأها را بفهمد، بعد اگر به این نتیجه رسید که در کشور، این کمبود از لحاظ اخلاقی وجود دارد، ببیند آیا جای این هست که به دستگاه‌های تبلیغاتی کشور فرضاً به سازمان تبلیغات، یا به دستگاه اعزام مبلغ در قم توصیه کند، یا نظر کارشناسی بدهد که به نظر ما چنانچه مبلغین در این ماه رمضان، یا در این یک سال، یا در این برهه از زمان، روی این مسئله تکیه کنند، خوب است؛ خیلی به سود کشور خواهد بود.»<sup>۳</sup>

**۵۰۱ رهبری:** «مسأله نیاز حوزه فراتر از این‌هاست. ما انواع روحانیون در سطوح گوناگون و با تخصص‌ها و توانایی‌های مختلف نیاز داریم. استعدادها مختلف است. باید استعدادها شناخته شود، درسها خوانده شود، دوره‌ها از هم تفکیک شوند و فضایی جوان در حوزه به کار گرفته شوند؛ چون برکات زیادی از این گروه عاید خواهد شد. حوزه علمیه باید مثل یک کارخانه تأمین‌کننده نیازهای جامعه، مرتب کار کند و محصول خود را که همان محققان و مبلغان و مدرسان و مؤلفان و انواع قشرهای روحانی هستند، بیرون دهد. حوزه باید برنامه‌ریزی کند و مشخص باشد که مثلاً پنج سال دیگر چه تعداد مبلغ مناسب برای مناطق گوناگون دنیا و داخل کشور تربیت می‌شود. همچنین در زمینه مسائل قرآنی و تفسیر و دیگر علوم حوزوی و نیز تربیت مدرّس برای دانشگاهها و دروس معارف اسلامی و نیز تربیت محقق و مؤلف برای پاسخگویی و مقابله با شبهات، برنامه‌ریزی منظم و مرتبی داشته باشد.»<sup>۴</sup>

**۵۰۲ رهبری:** «تبلیغ که اولی‌ترین کار ماست، حوزه علمیه قم این کار را نمی‌کند! با زحمت و تلاش زیاد، در فصل تابستان و یا به مناسبتی، آقایان عده‌ای را برای تبلیغ می‌فرستند؛ بنده هم پشتیبانی و کمک می‌کنم و بر این معنا اصرار می‌ورزم. ما در این دو، سه‌ساله، از سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات خواهش کردیم، عده‌ای را فرستادند؛ ولی این کافی نیست. جاهایی هست که اصلاً روحانی پایش به آنجا نمی‌رسد! در سفر به استان بوشهر به منطقه‌ای رفتیم و وارد ده بزرگی شدیم؛ گفتیم روحانی و عالم شما کیست؟ گفتند ما روحانی نداریم! پرسیدیم چرا؟ گفتند نمی‌آیند بمانند! من از شما سؤال می‌کنم که چرا نمی‌روید بمانید؟ این واقعاً سؤال جدی است؛ چرا نمی‌روید بمانید؟ بروید در یک ده بمانید؛ چه اشکالی دارد؟ حوزه نمی‌تواند برای این‌طور جاها مبلغ بفرستد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور (۸ آذر ۱۳۸۶)

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۴ بهمن ۱۳۷۶)

<sup>۴</sup> بیانات در آغاز درس خارج فقه (۱۴ شهریور ۱۳۷۴)

<sup>۵</sup> بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)



**۵.۳ رهبری:** «فهم سیاسی و هدایت سیاسی حوزه، بایستی بسیار سطح بالا باشد. امروز طلاب و فضلالی حوزه علمیه، در سرتاسر کشور منتشر می‌شوند. این‌طور نیست که مردم از آن‌ها بخواهند، برایشان فقط مسئله و رساله توضیح بدهند اگرچه آن را هم می‌خواهند، آن هم نیاز مردم است بلکه امروز راجع به مسائل منطقه و سیاستهای گوناگون جهانی و مسائل داخلی هم از روحانی سؤال می‌کنند. اگر سؤال هم نکنند، او باید متصدی پاسخگویی بشود. امروز روحانی امام‌جمعه است؛ یعنی حاکم فکری و معنوی بر آن شهر یا استانی که او امام‌جمعه آنجاست. امام‌جمعه که فقط یک پیش‌نماز نیست. امروز، روحانی در دانشگاهها نماینده است؛ یعنی کسی که دین را در دانشگاهها باید معرفی کند.»<sup>۱</sup>

### ۳/۶. تلاش استکبار جهانی علیه نظام و روحانیت

**۵.۴ امام:** «دستهای مرموز جهانخواران به وسیله اشخاص و گروههایی که در قشرهای ملتهای اسلامی نفوذ کرده‌اند در طول سالیان دراز یک برنامه‌ای را انجام دادند. و مع‌الأسف انجام گرفت، و ثمرات خبیث خودش را تحویل ملتها داد. و آن این معنا که روحانیون باید در مساجد و در حجره‌ها و در زاویه‌های منزوی باشند؛ و تمام کار آنها این است که پیر مردانشان از منزل به مسجد و از مسجد به منزل بروند، و بر کنار از جامعه و بی‌توجه به چیزهایی که بر جامعه می‌گذرد باشند. حتی دخالت در امور اجتماعی و سیاسی کشور یک ننگی بود، و خلاف عدالت و مقام روحانیت! وظیفه جوانهای روحانی هم خزیدن در گوشه مدارس و حجره‌های مرطوب، و فقط تحصیل علوم [بود] آن هم نه آنچه مربوط به جامعه است و نه آنکه مربوط به سیاست جامعه. حتی لباس جندی جزء چیزهایی حساب می‌شد که اگر روحانی آن لباس را به تن کند از عدالت خارج می‌شود! دخالت در امور سیاسی یک وضعی تعبیر شده بود که این بر خلاف روحانیت است؛ و فلان آقا که سیاسی است دیگر نباید در جرگه روحانیت باشد. این امری بود برای منزوی کردن روحانیت و کشاندن آنها به گوشه‌های انزوا و حجره‌های مدارس و گوشه‌های مسجد. طرح‌ریزی شده بود و در باور اکثر روحانیون و اکثر قریب به اتفاق ملت [بود] اگر یک امری که مربوط به سیاست، مربوط به اجتماع، مربوط به گرفتاریهای سیاسی و اجتماعی اسلام و کشور اسلام بود، روحانی نباید دخالت کند! این امر را از اروپا گرفته بودند، آنها هم روحانیت خودشان را منزوی کرده بودند تا هر کاری که می‌خواهند به سر ملتها بیاورند و کسی نباشد چرا بگویند. در اینجا هم، در مملکت ما در بلاد دیگر اسلامی هم، همین نقشه بود. روحانیین اگر دخالت در یک امر سیاسی می‌کردند، ملت به آنها ایراد می‌گرفت؛ خود روحانیین هم ایراد می‌گرفتند. آنها باید منعزل باشند از سیاست و از گرفتاریهای اسلام و مسلمین؛ و این امور باید به دست سلاطین و وابستگان به آنها سپرده بشود. این یک نقشه‌ای بود که سالهای طولانی کشیده شده بود، و استفاده‌های بزرگی هم کردند. اگر این نقشه نبود یا به ثمر نرسیده بود، کشور ما و کشورهای اسلامی، که روحانی‌شان باید در امور کشور دخالت کنند و باید سیاست مَدُن را در رأس برنامه‌های خودشان بگذارند، این گرفتاریها را پیدا نمی‌کرد. آنها خوب فهمیده بودند که این طایفه که پیش مردم هستند و نفوذ دارند و کلید باب ملت هستند، باید به طوری عمل بشود که ملت هم اجازه ندهد به اینها که در امور سیاسی دخالت کنند؛ و خودشان هم باورشان بیاید که نباید در امور سیاسی دخالت کنند. همان طوری که غریبها این مطلب را نسبت به کلیسا انجام دادند و کلیسا منعزل شد از ملتها، این امر در اینجا هم به دست آنها انجام گرفت و ما را به اینجا رساند.»<sup>۲</sup>

**۵.۵ رهبری:** «دشمن انقلاب، جامعه روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم (۴ بهمن ۱۳۶۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون دفتر تبلیغات حوزه‌های علمیه، ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۸۴)

<sup>۳</sup> پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۰ خرداد ۱۳۶۹)

**۵.۶ رهبری:** «با بی‌طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمیشود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بی‌طرف و ساکت بماند؛ «و من نام لمنم عنه». اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده اوست، انجام ندهد، این موجب نمیشود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند. غربی‌ها ظرفیت عظیم فکر شیعه برای مواجهه با ظلم جهانی و استکبار جهانی را از مدتها پیش فهمیده‌اند؛ از قضایای عراق، از قضایای تنباکو؛ لذا آنها ساکت‌بشو نیستند؛ آنها به تجاوز خود، به پیشروی خود ادامه می‌دهند. سکوت و بی‌طرفی علما و روحانیون و حوزه‌های علمیه به هیچ وجه نمیتواند دشمنی دشمن را متوقف کند. بنابراین حرکت حوزه‌های علمیه، بی‌طرف نماندن حوزه‌های علمیه در قبال حوادث جهانی، در قبال مسائل چالشی ملی و بین‌المللی یک ضرورتی است که نمیشود از آن غافل شد.»<sup>۱</sup>

**۵.۷ امام:** «امروز نقشه دقیقتر از آن وقت است. امروز طرحهایی که اینها می‌خواهند پیاده کنند از آن وقت شدیدتر است و ما باید بیشتر چشم و گوشمان را باز کنیم. شما امروز هم می‌بینید که چهار نفر، ده نفر روحانی که با کمال صداقت دارند خدمت به این انقلاب می‌کنند، از هر گوشه صدا می‌شود که حکومت آخوندی! این زمره‌ها تازه کم کم همان نقشه‌های سابق است. آن وقت هم یکدفعه نشد. ابتدا کم کم، یکی یکی، دوتا دوتا اهل علم بلاد را، اهل منبر بلاد را انتقاد کردند؛ گفتند، گفتند، روزنامه‌ها بعد شروع کردند و نطقها و مجالس و اینها درست کردند و بعد هم کار خودشان را انجام دادند. حالا هم این نقشه هست در کار.»<sup>۲</sup>

**۵.۸ امام:** «یک آقایی یک کاری، یک آخوندی یک کاری کرد، یک شخصی یک کاری کرد، می‌گویند آخوندها این طور. این همان نقشه است که پاسدار را و ارتش را و ژاندارمری را و قوای مسلح را و شما را از هم جدا کند و از چشم ملت بپندازد، تا آنها وقتی کاری می‌خواهند بکنند. نه قوه روحانی در کار باشد که مردم را هدایت کند و بسیج کند، و نه قوه مسلح، قوای مسلحی باشند که کاری انجام بدهند، همه را مقابل هم نگه دارند.»<sup>۳</sup>

**۵.۹ امام:** «از اول هم هدف، روحانی بود. قضیه برداشتن عمامه روحانی - که نمی‌توانست یک آخوند از توی خیابان بیاید، برای اینکه می‌ریختند و عمامه‌اش را می‌خواستند بردارند و یا بر می‌داشتند - این یک چیزی نبود که من باب اتفاق شده باشد، یک نقشه‌ای بود که می‌دیدند که این عمامه خیلی کار از آن می‌آید؛ مردم عقیده دارند به اینها و اینها وقتی یک چیزی را بگویند، از آنها گوش می‌کنند. از اول، دنبال این افتادند که اینها را به زمین بزنند تا وقتی که بخواهند همه نفت ما را ببرند و همه چیزهای زیرزمینی ما را ببرند و جوانهای ما را هم به نابودی بکشند، یک کسی نباشد بگوید: چرا. اینها دیدند که «چرا» از دهان روحانی‌هی در می‌آمد. توی مجلسش هم که بود، یک روحانی بود پا می‌شد می‌گفت: چرا؟ زمان رضا خان هم که همه نَفَس‌ها قطع شده بود، باز روحانی بود که هی قیام می‌کرد و چرا می‌گفت.»<sup>۴</sup>

**۵.۱۰ رهبری:** «اگر بحث سیاستهای جهانی و استکبار جهانی و امریکای با آن عظمت ظاهری بشود و بگویند اینها با شما مخالفند، شما نباید بگویید مگر من چه کسی هستم که با من مخالفند؛ من یک طلبه گوشه مدرسه آقای آخوند در همدان هستم. من می‌خواهم بگویم این فکر اشتباه است. اینها با یک‌یک شما نه تنها مخالفند، بلکه دشمن‌اند. به هرکدام از شماها به چشم منبعی برای روشنگری و افشاگری نگاه می‌کنند؛ که اگر این منبع فعال شود و کار بکند و باطن و استعداد و ظرفیت خودش را بروز دهد، کار بر استکبار دشمن دشوار خواهد شد. از نظر آنها هر یک از شما بالقوه یک

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۲۹ مهر ۱۳۸۹)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم، ۱۴ آبان ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۲۱)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جماعات، ۲۰ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۹)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۴ خرداد ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۸۸)

امام خمینی هستید. این‌ها با یک‌یک عمامه‌به‌سرها و طلبه‌ها و روحانیون دشمن‌اند؛ چرا؟ چون بنای کار آن‌ها بر ظلمات، بر چشم‌بندی و بر کتمان حقیقت و پرده روی کار کشیدن است.»<sup>۱</sup>

**۵۱۱** رهبری: «عزیزان من! روحانیت باید بداند که نظام و جامعه اسلامی، اگر خود را به گونه‌ای که اسلام فرموده است شکل دهد، و عوامل بقا را در خود فراهم کند، هیچ نیرویی در دنیا قادر به مقابله با آن نخواهد بود؛ نه نیروی مادی و نه نیروی نظامی، که پیوسته تهدید می‌کنند هواپیما می‌آید؛ موشک می‌آید، چه می‌آید، چه می‌آید. مگر می‌توانند؟! ایادی استکبار به مدت هشت سال کشور ما را تهدید کردند و به تهدیدهای خود، جامه عمل هم پوشاندند. در طی این مدت چه غلطی کردند که بعد از این بتوانند بکنند؟! امروز استکبار جهانی، نیروی علمی و خیل رجل خود را بسیج کرده تا بلکه بتواند با تفکر و فرهنگ و ابزار دانش، تفکر اسلامی را متزلزل کند. اما با این ترفند هم، نخواهد توانست کاری از پیش ببرد. البته، شرط ناکامی و ناتوانی استکبار این است که در اینجا، همان‌گونه که اسلام فرموده است، عمل شود. یعنی: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.» در این صورت، حتی با ابزارهای فساد هم نخواهد توانست کاری کند.»<sup>۲</sup>

**۵۱۲** رهبری: «وقتی درگیری دارید، باید بیدار باشید. درگیری به اختیار من و شما نیست. دشمن می‌خواهد درگیری داشته باشد؛ حالا درگیری سیاسی، درگیری امنیتی، درگیری اقتصادی. همه‌اش درگیری نظامی هم نیست. وقتی درگیری هست، باید بیدار بود. جوانها بیدار باشند، روحانیت بیدار باشد، دانشگاه بیدار باشد، مسئولین کشور بیدار باشند. بیداری مسئولین به این است که هرچه میتوانند، به مردم خدمت کنند، کار کنند؛ و هرچه میتوانند، این یکپارچگی را - که مثل خاری در چشم دشمنان است - حفظ کنند.»<sup>۳</sup>

**۵۱۳** امام: «اکنون ما باید از آن توطئه‌ها و مفاسدهای که از انزوای متدینین پیش آمد و سیلی‌ای که اسلام و مسلمین خوردند عبرت بگیریم؛ و بدانیم و بفهمیم که نظام اسلام و اجرای احکام آسمانی آن و مصالح ملت و کشور اسلامی و حفظ آن از دستبرد اجانب بستگی به دخالت اقشار ملت و بویژه روحانیون محترم و مراجع معظم دارد. و اگر خدای نخواسته بر اسلام یا کشور اسلامی، از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا مسئول خواهیم بود؛ و نسلهای آینده، که ممکن است از کناره‌گیریهایی کنونی مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس، یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه، و رأی دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می‌باشد؛ چه از روحانیون باشند، چه نباشند. و مجلس چنانچه محتاج به علما و روحانیون مطلع از احکام شرعی و سیاسی اسلام است، محتاج به متخصصین رشته‌های مختلفی است که کشور احتیاج به آنها دارد.»<sup>۴</sup>

### ۳/۶/۱. ندادن بهانه به دست دشمن

**۵۱۴** امام: «من تمام نگرانیم این است که ما روحانیون، معممین - که باید به حسب وظایف الهی که داریم پاسدار اسلام باشیم و اسلام را به آن طوری که هست عرضه کنیم - من خوف این را دارم که آنهایی که می‌خواهند با ما مناقشه کنند - و اگر دیده باشید، مناقشه می‌کنند. و اخیراً هم جزوه نوشته‌اند راجع به این - یک وقت خدای نخواسته از طرف ما هم بهانه‌ای دست آنها داده بشود، حالا که بهانه ندارند می‌گویند که روحانیون استبداد می‌کنند! روحانیون می‌خواهند

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان (۱۵ تیر ۱۳۸۳)

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم» (۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵)

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی (۱۹ دی ۱۳۸۹)

<sup>۴</sup> پیام به ملت ایران در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۲۸)



فرصت طلبی بکنند؛ روحانیون می‌خواهند قبضه بکنند همه چیز حکومت را؛ روحانیون انحصارطلب هستند؛ قشر مذهبی انحصارطلب است! و این حرفهای نامربوطی که هر کس توی خانه‌ای می‌نشیند و می‌نویسد، بدون اینکه نظر کند که روحانیون تا حالا چه کرده‌اند، و حالا در چه حالی هستند. خدمات روحانیون در پیشبرد نهضت اینها غافل از این هستند که این روحانیون بودند که شما را از این زاویه‌ها بیرون کشیدند؛ و الا شما مدفون بودید. شما اشخاصی بودید که یا طرفدار رژیم بودید- و با صراحت به من بعض سران شما می‌گفتند که رژیم باشد- و یا اگر طرفدار هم نبودید، جرأت یک کلمه گفتن نمی‌کردید، جرأت اینکه قلم بردارید و یک مقاله بنویسید، یک سطر بنویسید، نداشتید. شما را رژیم سابق مدفون کرده بوده؛ و روحانیون شما را از زیر خاک بیرون آوردند. این روحانیونی که شما حالا می‌گویید انحصار طلب‌اند، اینها شما را از انحصار بیرون آوردند. اینها حصر را برداشتند؛ نه اینکه منحصر کردند. حالا هم که بیش از یک میلیون از مردم عادی و اشخاصی که بسیاریشان زیادی و فقط بخور و بخواب هستند در ادارات ما هستند، در سرتاسر کشور بشمارند ببینند اگر پنجاه نفر روحانی را در اداره دیدند، آن وقت بگویند انحصارطلب! این نهضت را با قدرت روحانیت و اسلام- که ملت ما اسلامی بودند و علاقه به اسلام و کارکنان اسلام داشتند- به اینجا رساندند.»<sup>۱</sup>

**۵۱۵ امام:** «در هر جا هر دادگاه انقلابی هست چون اینها به اسم اسلام است، الان به اسم جمهوری اسلام است، از این جهت وظیفه، هم برای آقایان علما- که در رأس هستند- و هم برای پاسدارهای محترم- که برادر هستند- و هم برای دادگاهها و کمیته‌ها، یک وظیفه سنگین اسلامی است. اگر حالا در یک همچو موقعی که همه چیز باید اسلامی باشد و در خارج و داخل جمهوری اسلامی ثبت شده است، اگر حالا خدای نخواست که چیزی واقع بشود از بعضی کمیته‌ها، از بعضی دادگاهها، از بعضی پاسدارها، و اینها، خصوصاً چنانچه خدای نخواست از بعضی مثلاً کسانی که ملبس به لباس روحانیت هستند، این یک بهانه‌ای دست دشمنها می‌دهد که اسلام را با آن بهانه و با این ترتیب؛ یک طور دیگری معرفی کنند.»<sup>۲</sup>

**۵۱۶ امام:** «دشمنها چشمها را دوخته‌اند که از روحانیت چیزی ببینند و آن را بزرگ کنند و به اسلام نسبت بدهند. اگر امروز از شما، از علما، خدای نخواست از علمای اسلام، از فضایی انام یک امر خلاف صادر بشود، دشمنهای شما آن را هزار امر می‌کنند، و با هیاهو و جنجال به اسلام نسبت می‌دهند می‌گویند جمهوری اسلامی هم مثل سایر رژیمهاست. این مسئولیت، مسئولیت بزرگی است.»<sup>۳</sup>

**۵۱۷ امام:** «لکن اگر امروز خدای نخواست در طبقات مردم، خصوصاً در طبقات روحانیین که آنها در رأس هستند و آنها نماینده اسلام هستند، اگر خدای نخواست بعضی اشخاص ملبس به لباس روحانیین یک کاری بکنند به اسم روحانی، یک کاری بکنند به اسم کمیته کذا، و این کار بر خلاف موازین شرعی باشد، این را دیگر نمی‌آیند حساب کنند به اینکه این رژیم طاغوتی است؛ می‌گویند رژیم اسلامی است و این هم کارهایش! این هم حرفهایی است .... مسئله خطرناک در نظام جمهوری اسلامی و لهذا امروز یک مسئله خطرناکی مطرح است. ما آن وقت اگر شکست خورده بودیم از طاغوت، هیچ ابایی نداشتیم؛ خوب ما شکست خوردیم؛ حضرت امیر- سلام الله علیه- هم از معاویه شکست خورد. آن ابایی نبود؛ خوب ما یک مطلبی را می‌گفتیم، مطلب حقی داشتیم می‌گفتیم، نتوانستیم پیش ببریم؛ آنها غلبه کردند بر ما. اما امروز مسأله آن نیست. امروز یک صفحه دیگری در کار است. و آن این است که مسلمین، ملت ما، شکست داد طاغوت را، و رأی داد به جمهوری اسلامی، و شد مملکت مملکت اسلامی؛ اگر امروز ما یک خطایی بکنیم که دشمنهای ما در خارج دامن به آن بزنند، در داخل دامن به آن بزنند، و منعکس کنند در خارج و داخل به اینکه اسلام هم مثل سایر مکتبها بلکه پایینتر از او، این شکست شکستی است که جبران ناپذیر است.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع روحانیون شرق تهران، ۵ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۴۰)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع روحانیون تجریش، ۱۹ مهر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۶۴)

<sup>۳</sup> سخنرانی در جمع روحانیون کاشان، رفسنجان و پاکستان، ۲۸ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۵۰)

<sup>۴</sup> سخنرانی در جمع اهالی اردکان فارس، ۳ تیر ۱۳۵۸ (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۷۲)



**۵۱۸ امام:** «من به سرتاسر کشور ایران، به سرتاسر روحانیون ایران، این خطر را، که برای اسلام پیش آمده و برای روحانیت پیش آمده، می‌گویم به شما و حجت را بر همه تمام می‌کنم: این آخوندهایی که خودشان را جازند و می‌روند و مردم را آزار می‌دهند و اذیت می‌کنند، بدون یک مجوز شرعی الهی، اینها را از خودشان برانند. اینها نماینده من نیستند. اینها با اسم نماینده فلان، می‌خواهند کار را شلوغ بکنند تا اینکه ملت بگویند که خوب، این هم این به اصطلاح این اشخاص!»<sup>۱</sup>

**۵۱۹ امام:** «همان طوری که دولتهای بزرگ این طور هستند. آنها یکدفعه یک کسی را نمی‌آورند خلق الساعه در اینجا بگذارند که کار انجام بدهد. آنها از اولی که نقشه استعمار همه جا را کشیدند، در هر جایی مأمورینی دارند بسیار مقدس، بسیار خوب، در لباس ملیت، در لباس روحانیت؛ در همه چیزها دارند آنها. یکوقت آدم می‌بیند که این آدمی که سی سال می‌گفت که آی ملت، ملت کذا، یکوقت بختیار از کار درمی‌آید. باید خیلی توجه به این معنا داشته باشید که اینها، از آنهایی نباشند که در آن آنها باشد. ممکن است یک وقت یک جمعیتی را منحرف کنند با تبلیغات و با [این] چیزها»<sup>۲</sup>

### ۳/۷. استقلال حوزه و روحانیت

**۵۲۰ رهبری:** «امروز روحانیت در کشور ما یک نقش ممتاز و بی‌نظیری دارد. این که می‌گوییم «امروز»، این نه به خاطر فقط شرایط خاص جمهوری اسلامی است؛ بلکه اساساً روحانیت شیعه همواره خصوصیتی منحصر بفرد داشته است و امروز هم که نظام جمهوری اسلامی برپاست و مسئولان آن بعضاً از خود این حوزه‌ها برخاسته‌اند و صبغه روحانیت و دینی در این حکومت مشهود است، باز حوزه‌های علمیه شیعه همان خصوصیت را حفظ کرده‌اند. آن خصوصیت چیست؟ آن عبارت است از «استقلال و مردمی بودن»»<sup>۳</sup>

**۵۲۱ رهبری:** «روحانیت شیعه زیر بار هیچ زور و قدرتی نمی‌رود و مرعوب نمی‌شود. روحانیت شیعه اگر احساس تکلیفی کرد، ملاحظه کسی را نمی‌کند. نه اینکه استثناء ندارد؛ چرا، استثناء هست. آدم بد همه جا هست؛ در میان اولاد پیغمبران و ائمه هم آدم بد داشتیم؛ اما طبع روحانیت شیعه این است. روحانیت شیعه برای نماز جمعه‌اش، از اداره به او کاغذ نوشته نمی‌دهند.»<sup>۴</sup>

**۵۲۲ رهبری:** «در محیطهای غیر شیعی هم، روحانیت، بخشی از دستگاه‌های دولتی است. این، از نظر ما مردود است و قبول نداریم و آن را برای روحانیت مضر می‌دانیم. دستگاه‌های دولتی، نوسان و تلاطم دارند و آینده‌شان به طور دقیق قابل پیش بینی نیست. روحانیت باید همیشه امکان حضور قدرت‌مندان نصیحت‌آمیز یا دخالت‌آمیز را برای خودش حفظ کند، و الا نمی‌تواند کاری انجام دهد. این خصلت هم، باینکه بخشی از دولت یا حکومت باشد، نمی‌سازد. حوزه باید مستقل باشد و این، یک فرض است.»<sup>۵</sup>

**۵۲۳ رهبری:** «تا وقتی که روحانیت هست، در واقع یک سازمان مرکزی وجود دارد که مردم آن را به نام دین می‌شناسند و از طریق آن، سخن دین را می‌شنوند. دین را نمی‌توان از میان زندگی، دلها و مغزهای مردم زدود. سازمانی را که به هیچک از دستگاه‌های قدرت از لحاظ مالی متکی نیست، نمی‌شود به راحتی از میان برد. روحانیت برادران اهل سنت ما

<sup>۱</sup> سخنرانی در جمع اعضای شورای اسلامی کارگران و پرسنل ارتش، ۴ تیر ۱۳۵۹ (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۴۶۸)

<sup>۲</sup> سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری، ۱۷ شهریور ۱۳۶۰ (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۲)

<sup>۳</sup> دیدار با روحانیون (۱۷ آبان ۱۳۸۵)

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان (۱۵ تیر ۱۳۸۳)

<sup>۵</sup> بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» (۱۶ آذر ۱۳۷۴)



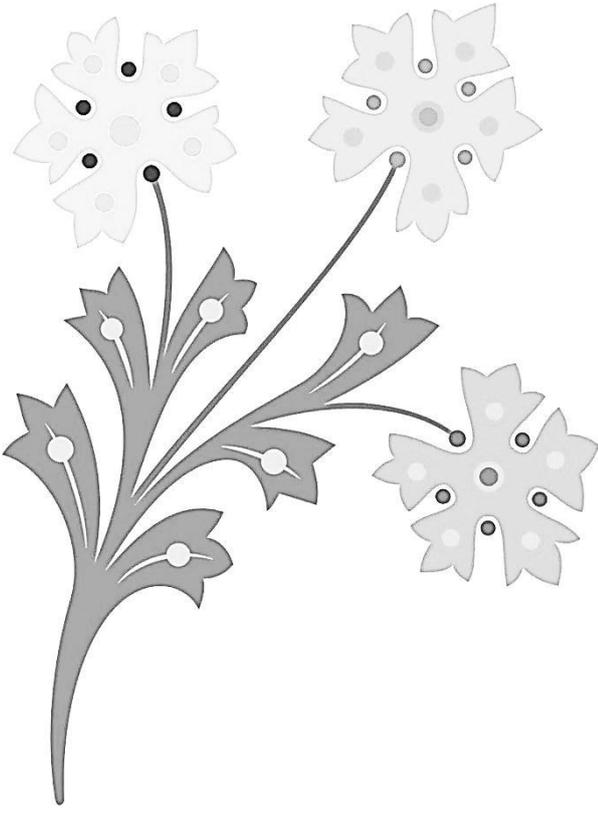
در کشورهای اسلامی، نان خور دستگاه‌هاست و نمی‌تواند با دستگاه‌ها مخالفت کند. روحانیت مسیحی هم چیزی شبیه به همین است. خصوصیت روحانیت شیعه این بوده که از لحاظ مالی و ارتزاق زندگی، به دستگاه‌های حاکم متکی نبوده است. لذا زبانشان باز بوده است.»<sup>۱</sup>

**۵۲۴ رهبری:** «یک موضع‌گیری، موضع‌گیری وابستگی به دستگاه است؛ یعنی عضو دولت بودن. ما در معارف شیعی، یا در واقعیت درخشان حوزه‌های علمی شیعی خودمان، چنین چیزی را نداریم. حوزه علمیه، یک دستگاه علمی روحانی است؛ نباید و نمی‌تواند سازمانی از سازمانهای دولتی بشود؛ حتی اگر آن دولت، دولت جمهوری اسلامی باشد؛ این اعتقاد من است؛ بر این اعتقاد پافشاری هم دارم. دولت جمهوری اسلامی، دولت امام زمان علیه السلام است؛ اما اگر حوزه علمیه بخواهد بماند و رشد کند و بالندگی داشته باشد و توقعاتی که از او هست، برآورده کند، نمی‌تواند حتی عضوی از همین دولت باشد؛ این یک شکل است، که ما این شکل را رد می‌کنیم.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان (۱۰ آبان ۱۳۷۴)

<sup>۲</sup> بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)





## اصطلاحات



آباد کردن

ب ب ط , ۳۱۶	ب ب ط , ۳۱۴		
ب ب ط م ۳۲۲	ب ب ط م ۳۱۹		
ب ب ط م ۳۳۰	ب ب ط م ۳۲۸	ب ب ط , ۲۷۰	ب ب ط , ۱۴۳
ب ب ط م ۳۳۸	ب ب ط م ۳۳۴		ب ب ط م ۲۷۱
ب ب ط م ق ب ط ۳۴۵	ب ب ط م ق ب ط ۳۴۱		
ب ب ط م ۳۴۸	ب ب ط م ۳۴۶		
ب ب ط م ق ب ط ۳۵۰	ب ب ط م ۳۴۹		
ب ب ط م ۳۵۲	ب ب ط م ۳۵۱	ب ب ط م ۱۱۵	ب ب ط , ۱۱۲
ب ب ط م ۳۵۶	ب ب ط م ۳۵۵	ب ب ط م ۱۲۴	ب ب ط م ۱۲۲
ب ب ط م ۴۲۳	ب ب ط م ۳۸۳	ب ب ط , ۱۳۰	ب ب ط , ۱۲۹
ب ب ط , ۴۳۶	ب ب ط م ۴۲۴	ب ب ط , ۱۳۲	ب ب ط , ۱۳۱
ب ب ط م ۵۰۷	ب ب ط م ۴۷۸	ب ب ط م ۱۴۷	ب ب ط , ۱۳۴
ب ب ط م ۵۰۹	ب ب ط م ۵۰۸	ب ب ط , ۱۵۹	ب ب ط , ۱۵۶
ب ب ط م ۵۱۸	ب ب ط , ۵۱۰	ب ب ط م ۱۶۳	ب ب ط م ۱۶۰
		ب ب ط م ۱۶۶	ب ب ط م ۱۶۴
		ب ب ط م ۱۹۶	ب ب ط م ۱۷۴
		ب ب ط , ۲۵۷	ب ب ط , ۲۳۲
		ب ب ط , ۲۷۴	ب ب ط م ۲۶۱
		ب ب ط م ۳۶۵	ب ب ط م ۳۵۲
		ب ب ط , ۳۹۶	ب ب ط , ۳۸۲
		ب ب ط م ۵۱۵	ب ب ط م ۴۶۹

آبرو (آبروی اسلام، آبروی روحانیت)

آخوند سیاسی

ب ب ط م ۲۰۳	ب ب ط م ۱۷۴		
ب ب ط , ۳۱۴	ب ب ط , ۳۱۲		
ب ب ط م ۳۴۸	ب ب ط م ۳۴۶		
ب ب ط م ق ب ط ۳۵۰	ب ب ط م ۳۴۹		
ب ب ط م ۴۲۳	ب ب ط م ۳۵۱		

آخوند

آدم

ب ب ط م ۱۱۶	ب ب ط م ۱۰۱	ب ب ط م ۱۲۱	ب ب ط م ۱۱۸
ب ب ط م ۱۶۳	ب ب ط م , ۱۴۳	ب ب ط م ۱۶۳	ب ب ط م ۱۳۴
ب ب ط م ۱۶۵	ب ب ط م ۱۶۴	ب ب ط م ۱۷۴	ب ب ط م ۱۶۸
ب ب ط م ۱۷۸	ب ب ط م ۱۶۸	ب ب ط , ۱۹۲	ب ب ط م ۱۷۶
ب ب ط م ۲۰۲	ب ب ط م ۱۸۸	ب ب ط م ۲۰۳	ب ب ط م ۲۰۱
ب ب ط , ۲۶۰	ب ب ط , ۲۰۵	ب ب ط م ۲۹۰	ب ب ط , ۲۷۵
		ب ب ط , ۳۱۲	ب ب ط م ۳۱۱

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ب ب ، ۴۵۶	ب ب ، ۴۲۸	ب ب ، ۲۷۵	م ب ب ، ۲۶۳
		م ب ب ، ۳۲۳	م ب ب ، ۳۱۵
م ن ب ، ۴۲۷	ب ب ، ۲۲۸	م ب ب ، ۳۸۳	م ب ب ، ۳۶۵
	ب ب ، ۴۲۸	م ب ب ، ۴۰۷	م ب ب ، ۴۰۰
		م ب ب ، ۴۳۲	م ب ب ، ۴۱۳
		م ب ب ، ۴۶۹	ب ب ، ۴۱۴۴
ب ب ، ۲۴۲	ب ب ، ۲۴۰	م ب ب ، ۵۱۹	م ب ب ، ۴۸۷
ب ب ، ۴۹۲	ب ب ، ۴۷۲		ب ب ، ۵۲۱
	ب ب ، ۵۱۱		

آموزش و پرورش

ابزار

ابلاغ

اثرگذاری (کم اثر، تأثیر)

ب ب ، ۱۱۴	ب ب ، ۱۰۳		
ب ب ، ۱۹۴	ب ب ، ۱۴۸	م ب ب ، ۴۷۶	م ب ب ، ۱۹۶
ب ب ، ۴۴۹	ب ب ، ۲۴۹		

اجتهاد

م ن ب ، ۳۹۱	ب ب ، ۱۱۱		ب ب ، ۱۵۷
-------------	-----------	--	-----------

اجرایی

م ب ب ، ۳۸۴	م ب ب ، ۳۸۳	ب ب ، ۱۳۵	ب ب ، ۱۳۲
م ب ب ، ۴۶۲	م ب ب ، ۳۸۵	ب ب ، ۲۳۶	ب ب ، ۱۴۲
م ب ب ، ۴۹۱	م ب ب ، ۴۸۱		ب ب ، ۲۵۱

اختلاف

م ب ب ، ۱۲۲	م ب ب ، ۱۲۰	ب ب ، ۲۰۶	م ب ب ، ۲۰۳
م ب ب ، ۱۶۸	م ب ب ، ۱۴۹	ب ب ، ۲۸۰	ب ب ، ۲۲۶
ب ب ، ۱۹۹	م ب ب ، ۱۸۸	م ن ب ، ۲۸۴	م ب ب ، ۲۸۲
ب ب ، ۲۵۱	م ب ب ، ۲۳۳	ب ب ، ۳۳۱	م ب ب ، ۲۸۶
م ب ب ، ۲۹۸	م ب ب ، ۲۷۱	ب ب ، ۴۳۴	ب ب ، ۴۱۵

آمادگی

م ب ب ، ۳۰۰	ب ب ، ۲۹۹		ب ب ، ۲۳۷
-------------	-----------	--	-----------

آمار

ب ب ، ۳۰۲	ب ب ، ۳۰۱		
ب ب ، ۳۰۶	م ب ب ، ۳۰۳		
ب ب ، ۳۰۸	ب ب ، ۳۰۷		
م ب ب ، ۴۳۲	ب ب ، ۴۱۸		ب ب ، ۴۹۸

آموزش

		ب ب ، ۲۲۸	ب ب ، ۲۰۹
		ن ک ، ۴۰۵	ن ک ، ۴۰۴
	ب ب ، ۲۹۳		

اختلال

م ← منبع امام	ر ← منبع رهبری	ق ← قبل از انقلاب	ب ← بیانات یا سخنرانی
ک ← مطلب کوتاه	ط ← مطلب طولانی	خ ← مطلب خیلی طولانی	ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



اخلاص

۲۸۴ م ن ط	۲۵۶ ر ب ط	۱۳۲ ر ب ط	۱۱۱ ر ب ط
۳۷۷ م ب ط	۲۸۷ ر ب ط	۱۸۵ ر ب ط	۱۸۴ ر ب ط
۴۳۶ ر ب ط	۴۰۷ م ب ط	۱۹۷ ر ب ط	۱۹۴ ر ب ط
	۴۴۸ م ب خ		۲۲۹ ر ب ط

اخلاق

۱۴۳ ر ب خ	۱۴۲ ر ب ط	۱۱۱ ر ب ط	۱۰۵ م ب ط
۱۵۷ ر ب ط	۱۴۴ م ن ط	۱۴۰ ر ب ک	۱۲۰ م ب ط
۲۱۲ ر ب ط	۱۸۴ ر ب ط	۱۹۹ ر ب ط	۱۴۸ ر ب ط
۲۲۲ ر ب ط	۲۱۴ ر ب خ	۲۴۳ ر ب ط	۲۲۹ ر ب ط
۲۴۴ ر ب ط	۲۳۱ ر ب ط	۲۵۰ ر ب ط	۲۴۸ ر ب ط
۳۹۱ م ن ط	۳۱۲ ر ب ط	۲۸۱ ر ب ط	۲۶۲ ر ب ط
۴۰۹ ر ب ط	۴۰۸ ر ب ط	۳۴۶ م ب ط	۳۲۳ م ب ط
۴۳۸ م ن ط	۴۲۶ ر ب ط	۴۳۸ م ن ط	۴۱۱ ر ب ط
۴۹۸ ر ب ط	۴۴۲ م ب ط	۴۵۷ ر ب ط	۴۵۴ ر ب ط
			۵۰۰ ر ب ط

ارزشیابی

۴۹۸ ر ب ط

اداره

	ارشد	۱۴۱ م ن ط	۱۰۶ ر ب ط
۱۷۰ م ب ط	۱۴۹ م ب ط	۱۵۲ ر ب ط	۱۴۳ ر ب خ
۲۰۱ م ب ط	۲۰۰ م ق ن ک	۲۱۲ ر ب ط	۱۶۸ م ب ط
۲۸۶ م ب ط	۲۵۳ ر ب ط	۲۹۰ م ب ط	۲۸۵ ر ب ط
۳۷۲ م ق ب ک	۲۹۰ م ب ط	۳۳۶ ر ب ط	۳۱۱ م ب خ
۳۸۳ م ب خ	۳۷۵ م ق ب ک	۳۶۷ م ب ط	۳۴۹ م ب ط
۴۰۶ م ن ط	۳۹۱ م ن ط	۳۷۳ م ق ب ط	۳۶۹ ر ب ک
۴۴۰ م ب ط	۴۲۵ م ب ط	۳۸۳ م ب خ	۳۷۸ م ب ط
۴۶۹ م ب ط	۴۶۷ م ب ط	۳۹۱ م ن ط	۳۸۵ م ب ط
	۴۹۳ م ب ط	۴۳۷ م ب ط	۴۱۶ ر ب ط
		۴۵۶ ر ب ط	۴۳۹ م ن ط
		۴۸۱ م ب ط	۴۶۵ م ب ط
		۵۱۴ م ب ط	۴۹۷ ر ب ط
			۵۲۱ ر ب ط

ارواح

۲۸۸ م ب ط	۲۷۶ م ن ط
۳۶۳ م ب ط	۳۵۴ م ب ط

استبداد

۳۱۳ م ب ط	۱۷۲ م ب ط
۴۶۷ م ب ط	۳۲۱ ر ب ط
	۵۱۴ م ب ط

اذان

۲۷۲ ر ب ط	۲۷۰ ر ب ط
۴۲۶ ر ب ط	۲۷۴ ر ب ط

استحکام

۳۰۶ ر ب ط	۱۵۱ ر ب ط
۱۳۴ ر ب ط	۲۲۳ ر ب ط

ارتباط

م ← منبع امام	ر ← منبع رهبری	ق ← قبل از انقلاب	ب ← بیانات یا سخنرانی
ک ← مطلب کوتاه	ط ← مطلب طولانی	خ ← مطلب خیلی طولانی	ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۱۱۴۴ م ن ط	۱۱۴۳ ب خ	۱۴۷۹ ب ک	
۱۱۴۸ ب ط	۱۱۴۷ م ب خ		استعداد
۱۵۴ ب ط	۱۱۴۹ م ب ط		
۱۵۷ ب ط	۱۵۵ م ب ک	۲۵۱ ب ط	۲۲۸ ب ط
۱۵۹ ب ط	۱۵۸ ب ط	۵۱۰ ب ط	۵۰۱ ب ط
۱۶۱ م ب ط	۱۶۰ م ن ط		استقامت
۱۶۳ م ب ط	۱۶۲ م ب ط		
۱۶۵ م ب ط	۱۶۴ م ب ط	۲۹۲ م ب ط	۲۸۸ م ب ط
۱۶۷ م ب ط	۱۶۶ م ب ط		استقلال (وابستگی)
۱۶۹ م ب ط	۱۶۸ م ب ط	۲۸۷ ب ط	۱۱۴۲ ب ط
۱۷۱ م ب ط	۱۷۰ م ب ط	۳۶۸ ب ط	۳۱۰ ب ط
۱۷۴ م ب ط	۱۷۲ م ب ط	۵۲۰ ب ط	۴۳۶ ب ط
۱۷۷ م ب ط	۱۷۵ م ب خ	۵۲۲ ب ط	۵۲۱ ب ط
۱۸۰ م ب ط	۱۷۸ م ب ط	۵۲۴ ب ط	۵۲۳ ب ط
۱۸۸ م ب ط	۱۸۳ م ب ط		
۱۹۱ م ب ط	۱۸۹ ب ط		استکبار
۱۹۶ م ب ط	۱۹۳ م ب ط	۲۲۷ ب ط	۲۰۶ ب ط
۲۰۲ م ب ط	۲۰۰ م ق ن ک	۳۲۱ ب ط	۲۹۹ ب ط
۲۰۶ ب ط	۲۰۵ ب ط	۳۵۷ ب ط	۳۲۴ ب ط
۲۱۰ م ن ط	۲۰۸ ب ط	۵۱۰ ب ط	۵۰۶ ب ط
۲۱۴ ب خ	۲۱۲ ب ط		۵۱۱ ب ط
۲۲۶ ب ط	۲۲۳ ب ط		
۲۲۹ ب ط	۲۲۷ ب ط		استنباط
۲۳۱ ب ط	۲۳۰ م ب ط	۳۳۶ ب ط	۲۲۷ ب ط
۲۳۵ ب ط	۲۳۲ ب ط		
۲۴۴ ب ط	۲۳۷ ب ط		اسلام
۲۴۷ ب ط	۲۴۶ ب ط	۱۰۴ م ب ط	۱۰۱ م ب ط
۲۵۳ ب ط	۲۴۸ ب ط	۱۰۸ ب ط	۱۰۵ م ب ط
۲۵۵ ب ط	۲۵۴ ب ط	۱۱۲ ب ط	۱۱۰ ب ک
۲۵۹ م ب ط	۲۵۸ ب ط	۱۱۵ م ب ط	۱۱۳ ب ک
۲۶۲ ب ط	۲۶۱ م ب ط	۱۱۸ م ب ط	۱۱۶ م ب ط
۲۶۶ م ن ط	۲۶۳ م ب ط	۱۲۰ م ب ط	۱۱۹ م ب ط
۲۷۰ ب ط	۲۶۷ م ب ط	۱۲۲ م ب ط	۱۲۱ م ب ط
۲۷۴ ب ط	۲۷۱ م ب ط	۱۲۴ م ب ط	۱۲۳ م ب ط
۲۸۴ م ن ط	۲۸۳ ب ط	۱۲۶ م ب ط	۱۲۵ م ب ط
۲۹۰ م ب ط	۲۸۶ م ب ط	۱۲۸ م ب ط	۱۲۷ م ب ط
۲۹۴ م ن ط	۲۹۲ م ب ط	۱۳۴ ب ط	۱۳۱ ب ط
۲۹۸ م ب ط	۲۹۷ م ب ط	۱۳۶ ب ط	۱۳۵ ب ط
۳۰۰ م ب ط	۲۹۹ ب ط	۱۳۸ ب ط	۱۳۷ ب ط
۳۰۶ ب ط	۳۰۳ م ب ط	۱۴۲ ب ط	۱۴۱ م ن ط

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ب ب ط ۴۷۳  
ب ب ط ۴۷۶  
ب ب ک ۴۷۹  
ب ب ط ۴۸۱  
ب ب ط ۴۸۳  
ب ب ط ۴۸۶  
ب ب ط ۴۸۹  
ب ب ط ۴۹۱  
ب ب ط ۴۹۴  
ب ب ط ۴۹۷  
ب ب ط ۵۰۴  
ب ب ط ۵۱۳  
ب ب ط ۵۱۵  
ب ب ط ۵۱۷  
ب ب ط ۵۲۰  
ب ب ط ۵۲۴

ب ب ط ۴۷۲  
ب ب ط ۴۷۵  
ب ب ط ۴۷۷  
ب ب ک ۴۸۰  
ب ب ط ۴۸۲  
ب ب ط ۴۸۵  
ب ب ط ۴۸۷  
ب ب ط ۴۹۰  
ب ب ط ۴۹۳  
ب ب ط ۴۹۵  
ب ب ط ۵۰۱  
ب ب ط ۵۱۱  
ب ب ط ۵۱۴  
ب ب ط ۵۱۶  
ب ب ط ۵۱۸  
ب ب ط ۵۲۳

#### اشتباهات

ب ب ط ۲۳۳  
ب ب ط ۳۰۴

ب ب ط ۲۱۰  
ب ب ط ۳۰۳  
ب ب ط ۳۰۶

#### اشتغال

ب ب ط ۲۲۵  
ب ب ک ۲۶۸  
ب ب ط ۳۶۵  
ب ب ط ۴۷۵  
ب ب ط ۴۹۵

ب ب ط ۱۷۰  
ب ب ط ۲۵۲  
ب ب ط ۲۸۴  
ب ب ط ۳۹۱  
ب ب ط ۴۸۲

#### اصلاح

ب ب ط ۱۴۳  
ب ب ط ۱۷۶  
ب ب ط ۲۵۵  
ب ب ط ۳۰۸  
ب ب ط ۴۲۹  
ب ب ط ۴۶۹

ب ب ط ۱۱۱  
ب ب ط ۱۶۳  
ب ب ط ۲۲۹  
ب ب ط ۲۵۹  
ب ب ط ۳۸۸  
ب ب ط ۴۶۳  
ب ب ک ۴۸۰

#### اصیل

ب ب ط ۲۴۱

ب ب ط ۱۶۰

ب ب ط ۳۱۰  
ب ب ط ۳۱۲  
ب ب ط ۳۱۵  
ب ب ط ۳۱۷  
ب ب ط ۳۲۱  
ب ب ط ۳۲۴  
ب ب ط ۳۲۸  
ب ب ط ۳۳۲  
ب ب ط ۳۳۴  
ب ب ط ۳۳۸  
ب ب ط ۳۴۱  
ب ب ط ۳۴۳  
ب ب ط ۳۴۵  
ب ب ط ۳۴۹  
ب ب ط ۳۵۲  
ب ب ط ۳۵۴  
ب ب ط ۳۵۶  
ب ب ط ۳۶۱  
ب ب ط ۳۶۵  
ب ب ط ۳۷۰  
ب ب ط ۳۸۳  
ب ب ط ۳۸۵  
ب ب ط ۳۸۸  
ب ب ک ۳۹۰  
ب ب ط ۳۹۲  
ب ب ط ۳۹۹  
ب ب ط ۴۰۳  
ب ب ط ۴۱۶  
ب ب ط ۴۲۳  
ب ب ط ۴۲۷  
ب ب ط ۴۳۱  
ب ب ط ۴۳۵  
ب ب ط ۴۳۸  
ب ب ط ۴۴۰  
ب ب ط ۴۴۶  
ب ب ط ۴۵۱  
ب ب ط ۴۵۶  
ب ب ط ۴۶۲  
ب ب ط ۴۶۸  
ب ب ط ۴۷۱

ب ب ط ۳۰۹  
ب ب ط ۳۱۱  
ب ب ط ۳۱۴  
ب ب ط ۳۱۶  
ب ب ط ۳۱۹  
ب ب ط ۳۲۳  
ب ب ط ۳۲۶  
ب ب ط ۳۳۰  
ب ب ط ۳۳۳  
ب ب ط ۳۳۵  
ب ب ط ۳۳۹  
ب ب ط ۳۴۲  
ب ب ط ۳۴۴  
ب ب ط ۳۴۶  
ب ب ط ۳۵۰  
ب ب ط ۳۵۳  
ب ب ط ۳۵۵  
ب ب ط ۳۶۰  
ب ب ط ۳۶۳  
ب ب ک ۳۶۹  
ب ب ط ۳۸۲  
ب ب ط ۳۸۴  
ب ب ط ۳۸۶  
ب ب ط ۳۸۹  
ب ب ط ۳۹۱  
ب ب ط ۳۹۴  
ب ب ط ۴۰۱  
ب ب ط ۴۰۸  
ب ب ط ۴۲۰  
ب ب ط ۴۲۴  
ب ب ط ۴۲۹  
ب ب ط ۴۳۴  
ب ب ط ۴۳۷  
ب ب ط ۴۳۹  
ب ب ط ۴۴۲  
ب ب ط ۴۴۸  
ب ب ط ۴۵۴  
ب ب ط ۴۶۰  
ب ب ط ۴۶۳  
ب ب ط ۴۷۰

ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات

ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی

ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه



اطمینان

ب ب ، ۴۳۴	ب ب ، ۴۳۳	ب ب ، ۲۸۹	ب ب ، ۲۱۶
ب ب ، ۴۳۶	م ب ب ، ۴۳۵	ب ب ، ۳۲۷	ب ب ، ۲۹۳
م ن ب ، ۴۳۸	م ب ب ، ۴۳۷	م ب ب ، ۳۹۷	م ب ب ، ۳۷۶
	ب ب ، ۵۰۳		ب ب ، ۴۱۹

امر به معروف

ب ب ، ۳۱۳	م ب ب ، ۱۱۶	ب ب ، ۲۱۳	م ب ب ، ۱۷۲
ب ب ، ۴۶۴	ب ب ، ۳۸۸	ب ب ، ۲۵۰	ب ب ، ۲۲۷
م ب ب ، ۴۶۷	م ب ب ، ۴۶۶	ب ب ، ۲۵۷	ب ب ، ۲۵۳
	م ب ب ، ۴۶۹	م ب ب ، ۳۱۴	ب ب ، ۳۰۶

اعتقاد

ب ب ، ۱۵۳	ب ب ، ۱۵۲	ب ب ، ۴۱۹	ب ب ، ۳۸۲
ب ب ، ۴۵۱	م ب ب ، ۳۳۳	ب ب ، ۴۴۴	ب ب ، ۴۳۶
	ب ب ، ۵۱۲	ب ب ، ۵۲۴	ب ب ، ۴۵۶

اعتماد

ب ب ، ۱۴۳	ب ب ، ۱۱۲	ب ب ، ۱۵۹	ب ب ، ۱۰۸
م ن ب ، ۲۱۰	ب ب ، ۱۵۷	ب ب ، ۲۸۵	ب ب ، ۲۵۷
م ن ب ، ۲۷۶	ب ب ، ۲۳۵	م ب ب ، ۲۹۶	ب ب ، ۲۸۹
م ب ب ، ۲۹۰	ب ب ، ۲۸۹	م ن ب ، ۴۴۱	ب ب ، ۴۱۹

اقتصاد

م ب ب ، ۳۴۷	م ب ب ، ۳۱۱	ب ب ، ۳۶۸	ب ب ، ۲۶۲
م ب ب ، ۳۶۳	م ن ب ، ۳۵۳	م ن ب ، ۴۲۹	ب ب ، ۳۸۱
م ب ب ، ۴۳۰	ب ب ، ۴۱۹	ب ب ، ۵۱۲	م ب ب ، ۴۶۸
م ن ب ، ۴۳۹	ب ب ، ۴۳۱		

امامت جماعت (امام جماعت، ائمه جماعات)

م ب ب ، ۴۷۱۴	ب ب ، ۴۵۹	ب ب ، ۱۳۷	ب ب ، ۱۰۶
ب ب ، ۴۵۳	م ب ب ، ۴۴۸	ب ب ، ۲۰۵	ب ب ، ۲۰۴
ب ب ، ۴۳۹	ب ب ، ۴۳۱	ب ب ، ۲۷۰	م ب ب ، ۲۶۸
ب ب ، ۴۳۶	م ب ب ، ۴۴۸	ب ب ، ۲۷۳	ب ب ، ۲۷۲
ب ب ، ۴۳۳	ب ب ، ۴۱۹	م ب ب ، ۴۰۴	ب ب ، ۳۶۴
ب ب ، ۴۳۰	م ب ب ، ۴۴۸	ب ب ، ۴۱۸	ب ب ، ۴۰۵
ب ب ، ۴۲۷	م ن ب ، ۴۸۵		

امامت جمعه (امام جمعه، ائمه جمعه)

م ب ب ، ۳۲۸	ب ب ، ۱۰۸	م ب ب ، ۱۸۱	ب ب ، ۱۰۱
م ب ب ، ۳۳۲	م ب ب ، ۱۲۴	ب ب ، ۲۷۰	م ب ب ، ۲۶۵
م ب ب ، ۳۳۴	ب ب ، ۱۲۹	م ب ب ، ۲۹۰	ب ب ، ۲۸۹
م ب ب ، ۳۳۶	م ن ب ، ۱۴۱	ب ب ، ۳۸۲	م ب ب ، ۳۵۲
م ب ب ، ۳۳۷	ب ب ، ۲۳۱	م ب ب ، ۴۳۰	م ن ب ، ۳۹۱
م ب ب ، ۳۳۸	ب ب ، ۲۵۴	م ب ب ، ۴۳۲	ب ب ، ۴۳۱
م ب ب ، ۳۳۹	م ب ب ، ۳۰۹		
م ب ب ، ۳۴۰	م ب ب ، ۳۲۶		
م ب ب ، ۳۴۱	م ب ب ، ۳۳۰		
م ب ب ، ۳۴۲	م ب ب ، ۳۳۳		
م ب ب ، ۳۴۳	م ب ب ، ۳۳۳		
م ب ب ، ۳۴۴	م ب ب ، ۳۳۳		
م ب ب ، ۳۴۵	م ب ب ، ۳۳۳		

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه  
ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی  
ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی  
ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



انتخابات (نامزدها)

ب ب ط ۳۱۴	م ب ط ۳۱۳	م ب ط ۴۷۳
ب ب ط ۳۲۹	ب ب ط ۳۱۸	
ب ب ط ۳۵۷	م ن ط ۳۵۳	
ب ب ط ۳۸۲	ب ب ط ۳۸۰	م ن ط ۲۹۵
ب ب ط ۳۹۶	ب ب ط ۳۹۲	م ب ط ۲۹۷
م ن ط ۴۰۳	م ب ط ۴۰۱	م ب ط ۴۶۱
ب ب ط ۴۱۱	ب ب ط ۴۰۸	
ب ب ط ۴۱۶	ب ب ط ۴۱۲	
م ن ط ۴۳۹	م ب ط ۴۳۷	
ب ب ط ۴۵۳	م ب ط ۴۴۶	ب ب ط ۱۰۵
م ب ط ۴۶۲	ب ب ط ۴۵۶	م ب ط ۱۲۳
م ب ط ۴۷۷	م ب ط ۴۷۱	م ب ط ۲۰۱
م ن ط ۵۰۵	م ن ط ۴۹۰	ب ب ط ۳۱۴
م ب ط ۵۱۵	م ب ط ۵۰۷	ب ب ط ۳۲۱
	ب ب ط ۵۲۰	م ب ط ۳۵۲

انحراف

ب ب ط ۱۱۱	م ب ط ۱۰۵
ب ب ط ۱۸۷	م ب ط ۱۲۳
م ن ط ۲۱۰	م ب ط ۲۰۱
م ب ط ۳۲۰	ب ب ط ۳۱۴
ب ب ط ۳۲۴	ب ب ط ۳۲۱
م ن ط ۴۰۶	م ب ط ۳۵۲

انذار

ب ب ط ۲۹۹	م ب ط ۱۱۹	ب ب ط ۲۲۹
ب ب ط ۳۰۸	م ب ط ۳۰۰	

انزوا

م ب ط ۳۱۷	م ب ط ۳۱۵
م ب ط ۳۴۳	م ب ط ۳۲۶
م ب ط ۵۰۴	م ب ط ۳۵۲
	م ن ط ۵۱۳

اهانت

اهل سنت

اهل علم

م ب ط ۱۱۴۷	م ب ط ۱۰۵
م ب ط ۳۱۱	م ب ط ۱۷۳
م ب ط ۳۹۵	م ب ط ۳۱۹
م ب ط ۴۹۱	م ب ط ۴۶۹
	م ب ط ۵۰۷

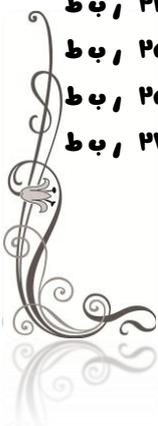
انقلاب

اوقاف

ایمان

ب ب ط ۱۵۱	م ب ط ۱۲۲	م ب ط ۱۰۴
ب ب ط ۱۸۴	م ب ط ۱۷۵	ب ب ط ۱۳۱
م ب ط ۲۱۱	م ب ط ۱۸۸	ب ب ط ۱۳۴
ب ب ط ۲۲۷	م ب ط ۲۱۵	ب ب ط ۱۳۷
ب ب ط ۲۵۱	ب ب ط ۲۲۹	م ب ط ۱۴۳
ب ب ط ۲۵۷	ب ب ط ۲۵۳	م ن ط ۱۶۰
ب ب ط ۲۷۰	ب ب ط ۲۵۸	م ب ط ۱۷۵
		ب ب ط ۲۰۵
		ب ب ط ۲۱۸
		ب ب ط ۲۵۰
		ب ب ط ۲۶۲
		م ن ط ۲۶۶
		ب ب ط ۲۷۴
		ب ب ط ۲۸۳
		م ب ط ۲۹۰

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



بنی امیه و بنی عباس

۳۲۵ م ب ط

۱۲۷ م ب ط

۳۲۶ م ب ط

۱۱۸ م ب ط

۱۰۵ م ب ط

۱۶۳ م ب ط

۱۶۱ م ب ط

۲۷۱ م ب ط

۱۷۷ م ب ط

۳۵۲ م ب خ

۲۹۰ م ب ط

۳۶۳ م ب ط

۳۵۴ م ب ط

۴۰۱ م ب ط

۳۹۱ م ن ط

۵۱۵ م ب ط

۵۱۴ م ب ط

۵۱۷ م ب ط

۵۱۶ م ب ط

بهبانه

۱۲۲ م ب ط

۳۱۸ م ب ط

۴۳۲ م ب ط

بوستان

۲۲۲ م ب ط

۲۳۸ م ن ط

بی تفاوتی

۱۳۸ م ب ط

۱۳۵ م ب ط

۲۹۸ م ب ط

۲۵۸ م ب ط

۳۶۱ م ب ط

۳۱۲ م ب ط

۳۷۲ م ق ب ک

۳۷۱ م ق ب ک

۳۷۴ م ق ب ک

۳۷۳ م ق ب ط

۵۰۶ م ب ط

بی خبری

۲۳۷ م ب ط

۴۲۹ م ن ط

۳۸۷ م ب ط

پاسدار (پاسداری)

۱۱۸ م ب ط

۱۰۴ م ب ط

۱۳۵ م ب ط

۱۲۵ م ب ط

۱۶۶ م ب ط

۱۶۳ م ب ط

۱۶۹ م ب ط

۱۶۸ م ب ط

۱۷۸ م ب ط

۱۷۵ م ب خ

۳۵۶ م ب ط

۳۲۹ م ب ط

۳۹۰ م ب ک

۳۷۰ م ب ط

۴۵۶ م ب ط

۴۳۷ م ب ط

۵۰۸ م ب ط

۴۷۷ م ب ط

۵۱۵ م ب ط

۵۱۴ م ب ط

۲۳۳ م ق ب ط

۲۵۹ م ب ط

۲۹۷ م ب ط

۴۶۹ م ب ط

۴۹۳ م ب ط

۵۰۷ م ب ط

۲۷۹ م ب ط

۴۵۳ م ب ط

۱۰۸ م ب ط

۱۸۸ م ب ط

۵۱۰ م ب ط

۳۱۶ م ب ط

۲۹۵ م ن ط

۲۱۰ م ن ط

۲۸۱ م ب ط

۲۷۳ م ب ط

۴۸۴ م ب ط

۲۲۷ م ب ط

۲۶۷ م ب ط

۴۷۷ م ب ط

۲۸۰ م ب ط

۱۶۸ م ب ط

۲۴۶ م ب ط

۲۶۵ م ب ط

۴۰۰ م ب ط

۴۸۹ م ب ط

۵۰۴ م ب خ

۴۷۶ م ب ط

باطن

بذل جان

برخورد پدران

برخورد مناسب

برنامه ریزی

بسیجی

بشر

بصیرت

بلاد

بنگاه روحانیت

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه  
ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی  
ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی  
ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



پرورش

۲۸۴ م ن ط	۲۸۲ م ب ط	۲۶. م ب ط	۲۲۸ م ب ط
۲۸۷ م ب ط	۲۸۶ م ب ط	۴۲۸ م ب ط	۴.۹ م ب ط
۲۹۳ م ب ط	۲۹. م ب ط		۴۴۴ م ب ط
۳۱۳ م ب ط	۲۹۷ م ب ط		
۳۲۳ م ب ط	۳۲۱ م ب ط		

پیشگیری

۳۳۹ م ق ب ط	۳۳۸ م ب ط	۲۵۲ م ب ط	۲۱۴ م ب خ
۳۵۱ م ب ط	۳۴. م ق ب ط		

بیکار نظری

۳۵۸ م ب ط	۳۵۲ م ب خ		۲۵۳ م ب ط
۳۶۵ م ب ط	۳۶۴ م ب ط		
۳۸۲ م ب ط	۳۶۷ م ب ط		
۳۹۹ م ب ط	۳۹۷ م ب ط		

بیکان (خودروی بیکان)

۴۴. م ب ط	۴۲۷ م ن ط	۱۵۳ م ب ط	۱۴۷ م ب خ
-----------	-----------	-----------	-----------

تبلیغ

۴۹. م ن ط	۴۸۷ م ب ط	۱.۶ م ب ط	۱.۱ م ب ط
۴۹۸ م ب ط	۴۹۶ م ب ط	۱۲۲ م ب ط	۱۱۴ م ب ط
۵۰۱ م ب ط	۵۰۰ م ب ط	۱۴۴ م ن ط	۱۴۱ م ن ط
۵۱۹ م ب ط	۵۰۲ م ب ط	۱۶۱ م ب ط	۱۴۸ م ب ط

تجربیات

۳.۴ م ب ط

تحریک انگیزه

۳۵۹ م ب ط

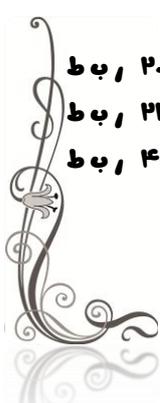
تحصیل (درس خواندن)

۱۴۵ م ب ط	۱.۵ م ب ط	۲۲۵ م ن ط	۲۲۴ م ب ط
۲۲۳ م ب ط	۲۱۴ م ب خ	۲۲۹ م ب ط	۲۲۸ م ب ط
۲۳۴ م ب ط	۲۲۴ م ب ط	۲۳۱ م ب ط	۲۳. م ب ط
۲۵۲ م ب ط	۲۴۷ م ب ط	۲۳۳ م ق ب ط	۲۳۲ م ب ط
۳۸۳ م ب خ	۳۵۲ م ب خ	۲۳۵ م ب ط	۲۳۴ م ب ط
۴۰۷ م ب ط	۴. م ب ط	۲۳۸ م ن ط	۲۳۶ م ب ط
۴۲۷ م ن ط	۴۱. م ب ط	۲۴. م ب ط	۲۳۹ م ن ک
۴۴۹ م ب ط	۴۳۸ م ن ط	۲۴۳ م ب ط	۲۴۲ م ب ط
۴۹۱ م ب ط	۴۸۱ م ب ط	۲۴۵ م ب ط	۲۴۴ م ب ط
۵۰۴ م ب خ	۴۹۸ م ب ط	۲۴۷ م ب ط	۲۴۶ م ب ط
		۲۵۱ م ب ط	۲۴۹ م ب ط
		۲۵۴ م ب ط	۲۵۳ م ب ط
		۲۵۷ م ب ط	۲۵۶ م ب ط
		۲۷۲ م ب ط	۲۶. م ب ط
		۲۷۷ م ب ط	۲۷۳ م ب ط

تحلیل

۲.۷ م ب ط	۲.۴ م ب ط
۲۲۷ م ب ط	۲.۸ م ب ط
۴۵۴ م ب ط	۲۵۵ م ب ط

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۲۶۳ م ب ط  
 ۳۵۰ م ق ب ط  
 ۴۲۷ م ن ط  
 ۴۵۲ م ب ط  
 ۴۷۸ م ب ط  
 ۴۸۶ م ب ط  
 ۴۸۸ م ب ط  
 ۴۹۰ م ن ط  
 ۵۰۱ م ب ط

۲۶۲ م ب ط  
 ۲۶۶ م ن ط  
 ۳۹۹ م ب ط  
 ۴۳۸ م ن ط  
 ۴۷۶ م ب ط  
 ۴۸۵ م ن ط  
 ۴۸۷ م ب ط  
 ۴۸۹ م ب ط  
 ۴۹۳ م ب ط

۴۹۶ م ب ط

تخلف (خلاف)

۱۰۵ م ب ط  
 ۱۱۷ م ب ک  
 ۱۱۹ م ب ط  
 ۱۲۲ م ب ط  
 ۱۲۴ م ب ط  
 ۱۲۶ م ب ط  
 ۱۶۱ م ب ط  
 ۱۶۳ م ب ط  
 ۱۶۵ م ب ط  
 ۱۶۷ م ب ط  
 ۱۶۹ م ب ط  
 ۱۷۱ م ب ط  
 ۱۷۵ م ب خ  
 ۱۷۸ م ب ط  
 ۱۸۰ م ب ط  
 ۱۹۳ م ب ط  
 ۳۵۴ م ب ط  
 ۴۳۷ م ب ط  
 ۴۹۳ م ب ط  
 ۵۱۶ م ب ط  
 ۵۱۸ م ب ط

تزلزل مکتب

۱۱۷ م ب ک

تسهیلات

۲۴۵ م ب ط

تشریفات

۱۴۷ م ب خ  
 ۱۵۵ م ب ک  
 ۴۴۹ م ب ط  
 ۴۹۵ م ن ط

۱۴۳ م ب خ  
 ۱۵۲ م ب ط  
 ۳۹۶ م ب ط  
 ۴۹۴ م ب ط

تشکل

۴۱۱ م ب ط

۳۰۴ م ب ط

تشویش اذهان

۳۰۸ م ب ط

تصمیم گیری

۲۲۰ م ب ط

تعطیل کردن درس

۴۸۲ م ب ط

۲۹۷ م ب ط  
 ۴۸۳ م ب ط

تعمیق و تداوم

۲۶۲ م ب ط

تقوا

۱۰۸ م ب ط  
 ۱۳۱ م ب ط  
 ۱۵۴ م ب ط

۱۰۵ م ب ط  
 ۱۱۱ م ب ط  
 ۱۳۲ م ب ط

۱۳۰ م ب ط  
 ۲۹۴ م ن ط  
 ۳۸۸ م ب ط  
 ۴۰۷ م ب ط

تدریج

تدریس

۳۵۲ م ب خ  
 ۴۸۵ م ن ط  
 ۱۱۴ م ب ط  
 ۳۸۲ م ب ط

تربیت

۱۰۵ م ب ط  
 ۱۸۳ م ب ط  
 ۱۹۳ م ب ط  
 ۲۱۴ م ب خ  
 ۲۳۴ م ب ط  
 ۱۷۵ م ب خ  
 ۱۹۱ م ب ط  
 ۲۱۰ م ن ط  
 ۲۲۱ م ب ط  
 ۲۵۹ م ب ط

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ب ب ، ۴۸۶  
ب ب ، ۴۹۷

ب ب م ۴۷۸  
ب ب م ۴۹۱  
ب ب ، ۵۲۱

ب ب ، ۱۵۸  
ب ب ، ۱۹۰  
ب ب ، ۱۹۸  
ب ب م ۳۴۳  
ب ب ، ۴۱۶  
ب ب ، ۴۳۴  
ب ب ک ، ۴۵۸

ب ب ، ۱۵۷  
ب ب ، ۱۵۹  
ب ب ، ۱۹۵  
ب ب ، ۲۷۹  
ب ب ، ۳۸۰  
ب ب م ۴۳۳  
ب ب ، ۴۵۳  
ب ب م ۴۹۱

تکیه‌گاه

ب ب ، ۴۱۸  
ب ب ک ، ۴۷۹

ب ب ، ۴۱۶  
ب ب ، ۴۱۹

تلاش (حرکت، تحرک)

ب ب ، ۱۱۴  
ب ب ، ۱۵۶  
ب ب ، ۲۰۷  
ب ب ، ۲۲۳  
ب ب ، ۲۳۲  
ب ب ، ۲۵۳  
ب ب ، ۲۶۲  
ب ب م ۲۶۷  
ب ب ، ۳۲۹  
ب ب ، ۳۶۱  
ب ب ، ۳۸۰  
ب ب ، ۴۵۹  
ب ب ، ۵۰۲

ب ب ، ۱۱۱  
ب ب ، ۱۳۶  
ب ب ، ۱۵۷  
ب ب ، ۲۱۴  
ب ب ، ۲۲۶  
ب ب ، ۲۳۶  
ب ب ، ۲۵۵  
ب ب م ۲۶۶  
ب ب ، ۳۱۲  
ب ب ، ۳۵۹  
ب ب ، ۳۶۶  
ب ب م ۴۰۱  
ب ب م ۴۷۱

ب ب ، ۲۹۱

تقویت روحیه داخلی

تکلیف (وظیفه)

ب ب م ۱۰۴  
ب ب ، ۱۰۸  
ب ب ، ۱۱۱  
ب ب ، ۱۳۴  
ب ب ، ۱۳۸  
ب ب ، ۱۴۵  
ب ب ، ۱۵۷  
ب ب م ۱۶۱  
ب ب م ۱۸۳  
ب ب م ۱۹۳  
ب ب ، ۲۲۲  
ب ب ، ۲۳۱  
ب ب ، ۲۳۵  
ب ب ، ۲۵۰  
ب ب ، ۲۵۸  
ب ب ، ۲۷۴  
ب ب ، ۲۸۵  
ب ب ، ۳۱۸  
ب ب ، ۳۲۹  
ب ب م ۳۵۲  
ب ب م ۳۶۵  
ب ب ، ۳۸۰  
ب ب ، ۳۸۸  
ب ب ک ، ۳۹۰  
ب ب م ک ، ۴۰۲  
ب ب ، ۴۱۹  
ب ب ، ۴۵۳

ب ب م ۱۰۱  
ب ب م ۱۰۵  
ب ب ، ۱۰۹  
ب ب م ۱۲۷  
ب ب ، ۱۳۶  
ب ب ، ۱۴۳  
ب ب ، ۱۵۱  
ب ب ، ۱۵۸  
ب ب م ۱۶۸  
ب ب ، ۱۸۵  
ب ب ، ۱۹۷  
ب ب ، ۲۲۷  
ب ب ، ۲۳۲  
ب ب ، ۲۴۸  
ب ب ، ۲۵۴  
ب ب م ۲۶۵  
ب ب ، ۲۸۱  
ب ب م ۲۹۸  
ب ب ، ۳۲۷  
ب ب م ۳۴۳  
ب ب ، ۳۶۴  
ب ب ، ۳۶۶  
ب ب ، ۳۸۲  
ب ب ، ۳۸۹  
ب ب ، ۳۹۲  
ب ب م ۴۱۰  
ب ب م ۴۲۲

تنازع

ب ب ، ۱۵۸

تنوع تخصص‌ها

ب ب ، ۵۰۱

تهاجم فرهنگی

ب ب ، ۲۲۹

تهذیب

ب ب م ۱۰۵  
ب ب م ۱۷۵  
ب ب م ۱۸۳  
ب ب م ۱۹۱  
ب ب ، ۲۵۲  
ب ب م ۳۲۳  
ب ب م ۴۷۸

ب ب م ۱۰۱  
ب ب م ۱۲۰  
ب ب م ۱۷۸  
ب ب م ۱۸۸  
ب ب م ۱۹۳  
ب ب م ۲۶۵  
ب ب م ۳۵۲

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات





جلوافتادن

۴۹. م ن ط ۵۰۴ م ب ط  
 ۵۱۸ م ب ط ۲۸. ب ط ۴۲۶ ب ط

جنبه الهی

۱۵۷ ب ط ۳۸۹ ب ط ۲۳۱ ب ط

جنبه انسانی

۲۱۲ ب ط ۲۳۱ ب ط

جهانی

۲۱۲ ب ط ۲۸۴ م ن ط ۲۰۷ ب ط

جوانان

۱۹۸ ب ط ۱۴۲ ب ط  
 ۲۱۰ م ن ط ۲۰۸ ب ط  
 ۲۱۴ ب خ ۲۱۱ ب ک  
 ۲۱۸ ب ط ۲۱۵ ب ک  
 ۲۲۲ ب ط ۲۱۹ ب ط  
 ۲۳۶ ب ط ۲۲۸ ب ط  
 ۲۵۱ ب ط ۲۴۴ ب ط  
 ۲۶۲ ب ط ۲۵۷ ب ط  
 ۳۵۳ م ن ط ۳۰۷ ب ط  
 ۴۱۶ ب ط ۴۰۹ ب ط  
 ۴۵۴ ب ط ۴۵۴ ب ط

چهره به چهره

حفظ

۱۰۲ ب ط ۲۱۳ ب ط  
 ۱۲۱ م ب ط ۲۴۱ ب ط  
 ۱۳۰ ب ط ۲۴۳ ب ط  
 ۱۳۵ ب ط ۲۷۷ ب ط

حاکمیت اسلام

۱۴۷ م ب خ ۳۲۱ ب ط ۳۱۶ ب ط  
 ۱۵۷ ب ط ۴۷۲ ب ط

حج (روحانی کاروان)

۱۷۷ م ب ط ۲۶۱ م ب ط  
 ۱۷۸ م ب ط ۳۴۳ م ب ط  
 ۱۸۳ م ب ط ۳۹۷ م ب ط  
 ۱۹۳ م ب ط ۴۱۲ ب ط  
 ۲۱۳ ب ط ۴۱۴ ب ط  
 ۲۳۰ م ب ط ۴۴۴ ب ط  
 ۲۵۱ ب ط

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۳۴. م ق ب ط  
 م ب ط ۳۴۲  
 م ب ط ۳۴۷  
 م ب خ ۳۵۲  
 م ق ب ک ۳۷۱  
 م ق ب ک ۳۷۴  
 م ب ط ۳۷۶  
 م ب خ ۳۸۳  
 م ن ط ۳۹۱  
 م ب ط ۴۳۴  
 م ب ط ۴۶۷  
 م ب ط ۴۷۶  
 م ب ط ۴۸۱  
 م ب ط ۵۱۴  
 م ب ط ۵۲۲

۳۳۹ م ق ب ط  
 ۳۴۱ م ق ب ط  
 ۳۴۵ م ق ب ط  
 ۳۵۱ م ب ط  
 ۳۶۱ م ب ط  
 ۳۷۲ م ق ب ک  
 ۳۷۵ م ق ب ک  
 ۳۸۱ م ب ط  
 ۳۸۷ م ب ط  
 ۳۹۲ م ب ط  
 ۴۳۵ م ب ط  
 ۴۶۹ م ب ط  
 ۴۷۷ م ب ط  
 ۵۰۷ م ب ط  
 ۵۲۰ م ب ط

۲۶۷ م ب ط  
 ۲۷۴ م ب ط  
 ۲۷۸ م ب ط  
 ۲۸۵ م ب ط  
 ۲۹۰ م ب ط  
 ۲۹۸ م ب ط  
 ۳۰۶ م ب ط  
 ۳۵۴ م ب ط  
 ۳۶۳ م ب ط  
 ۳۹۶ م ب ط  
 ۴۳۶ م ب ط  
 ۴۵۵ م ب ط  
 ۴۸۱ م ب ط  
 ۴۹۱ م ب ط  
 ۵۱۳ م ن ط  
 ۵۲۲ م ب ط

۲۵۸ م ب ط  
 ۲۷۱ م ب ط  
 ۲۷۵ م ب ط  
 ۲۷۹ م ب ط  
 ۲۸۸ م ب ط  
 ۲۹۲ م ب ط  
 ۳۰۵ م ب ط  
 ۳۲۲ م ب ط  
 ۳۵۶ م ب ط  
 ۳۸۸ م ب ط  
 ۴۰۱ م ب ط  
 ۴۵۱ م ب ط  
 ۴۶۹ م ب ط  
 ۴۸۳ م ب ط  
 ۵۱۲ م ب ط  
 ۵۲۰ م ب ط

### حل

۱۳۱ م ب ط  
 ۱۵۳ م ب ط  
 ۲۰۴ م ب ط  
 ۲۰۸ م ب ط  
 ۲۲۷ م ب ط  
 ۲۵۵ م ب ط  
 ۲۶۷ م ب ط  
 ۳۱۱ م ب خ  
 ۳۵۵ م ب ط  
 ۳۸۵ م ب ط  
 ۴۳۲ م ب ط  
 ۴۴۸ م ب خ  
 ۴۵۴ م ب ط  
 ۴۷۷ م ب ط  
 ۴۸۵ م ن ط  
 ۴۹۷ م ب ط

۱۰۱ م ب ط  
 ۱۴۵ م ب ط  
 ۱۵۷ م ب ط  
 ۲۰۷ م ب ط  
 ۲۲۳ م ب ط  
 ۲۵۲ م ب ط  
 ۲۵۹ م ب ط  
 ۲۷۴ م ب ط  
 ۳۳۰ م ب خ  
 ۳۸۳ م ب خ  
 ۴۰۰ م ب ط  
 ۴۴۱ م ن ط  
 ۴۴۹ م ب ط  
 ۴۷۶ م ب ط  
 ۴۷۸ م ب ط  
 ۴۹۶ م ب ط

۱۴۶ م ب ط  
 ۲۲۶ م ب ط  
 ۲۶۲ م ب ط  
 ۳۱۲ م ب ط  
 ۴۲۶ م ب ط  
 ۴۵۷ م ب ط  
 ۵۰۰ م ب ط

۱۴۳ م ب خ  
 ۱۸۴ م ب ط  
 ۲۲۷ م ب ط  
 ۳۱۰ م ب ط  
 ۳۸۹ م ب ط  
 ۴۴۵ م ب ط  
 ۴۷۱ م ب ط  
 ۵۱۰ م ب ط

### حقیقت

### حکم واقعی الهی

### حکومت

۲۲۳ م ب ط

۱۳۶ م ب ط  
 ۱۳۸ م ب ط  
 ۲۵۴ م ب ط  
 ۳۱۱ م ب خ  
 ۳۱۴ م ب ط  
 ۳۲۰ م ب ط  
 ۳۲۳ م ب ط  
 ۳۲۶ م ب ط  
 ۳۳۲ م ب ط  
 ۳۳۸ م ب ط

۱۲۲ م ب ط  
 ۱۳۷ م ب ط  
 ۱۴۳ م ب خ  
 ۲۸۳ م ب ط  
 ۳۱۲ م ب ط  
 ۳۱۹ م ب ط  
 ۳۲۱ م ب ط  
 ۳۲۴ م ب ط  
 ۳۳۰ م ب خ  
 ۳۳۵ م ب ط

### حمایت

۱۳۷ م ب ط  
 ۲۳۲ م ب ط  
 ۳۱۴ م ب ط  
 ۴۸۰ م ب ک

۱۳۶ م ب ط  
 ۱۴۴ م ن ط  
 ۳۱۲ م ب ط  
 ۳۶۱ م ب ط

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



حوادث

۱۶۴ م ب ط	۱۵۶ ب ط	۲۱۴ ب خ	۲۰۷ ب ط
۱۷۵ م ب خ	۱۶۶ م ب ط	۲۵۸ ب ط	۲۲۹ ب ط
۲۹۰ م ب ط	۱۷۶ م ب ط	۳۲۳ م ب ط	۲۸۳ ب ط
۳۱۷ م ب ط	۳۰۲ ب ک	۳۵۷ ب ط	۳۵۳ م ن ط
۳۹۶ ب ط	۳۸۳ م ب خ		۵۰۶ ب ط
۴۶۹ م ب ط	۴۰۱ م ب ط		

حوزه علمیه

خائن

۴۲۳ م ب ط	۱۸۷ ب ط	۱۴۵ ب ط	۱۱۴ ب ط
		۲۱۳ ب ط	۲۱۱ ب ک
		۲۱۷ ب ط	۲۱۶ ب ط
۱۳۷ ب ط	۱۳۵ ب ط	۲۲۵ م ن ط	۲۲۴ ب ط
۲۲۷ ب ط	۱۶۹ م ب ط	۲۴۳ ب ط	۲۳۹ م ن ک
۴۲۳ م ب ط	۳۱۲ ب ط	۲۵۳ ب ط	۲۴۶ ب ط
		۳۱۰ ب ط	۳۰۷ ب ط
		۳۶۱ ب ط	۳۱۲ ب ط
		۴۱۴ ب ط	۳۹۱ م ن ط
		۴۲۰ ب ط	۴۱۵ ب ط
		۴۳۱ ب ط	۴۲۶ ب ط
		۴۷۹ ب ک	۴۴۵ ب ط
		۴۸۴ ب ط	۴۸۰ ب ک
		۴۹۱ م ب ط	۴۸۷ م ب ط
		۴۹۴ م ب ط	۴۹۲ ب ط
		۴۹۶ ب ط	۴۹۵ م ن ط
		۴۹۸ ب ط	۴۹۷ ب ط
		۵۰۱ ب ط	۴۹۹ ب ک
		۵۰۳ ب ط	۵۰۲ ب ط
		۵۲۳ ب ط	۵۰۶ ب ط
			۵۲۴ ب ط

خادم

خارج

حوزوی

۱۱۹ م ب ط	۱۱۴ ب ط		
۱۴۱ م ن ط	۱۲۳ م ب ط		
۱۵۹ ب ط	۱۴۹ م ب ط		
۱۸۴ ب ط	۱۷۵ م ب خ		
۲۰۸ ب ط	۱۸۶ م ب ط		
۲۲۹ ب ط	۲۱۴ ب خ		
۲۷۵ ب ط	۲۷۱ م ب ط		
۲۸۵ ب ط	۲۸۴ م ن ط		
۲۹۴ م ن ط	۲۸۶ م ب ط		
۳۲۱ ب ط	۳۱۳ م ب ط		
۳۵۱ م ب ط	۳۲۸ م ب ط		
۳۵۴ م ب ط	۳۵۲ م ب خ		
۳۶۳ م ب ط	۳۵۶ م ب ط		
۳۶۶ ب ط	۳۶۵ م ب ط		
۳۸۳ م ب خ	۳۷۳ م ق ب ط		
۴۳۲ م ب ط	۳۸۵ م ب ط		
۴۶۳ م ب ط	۴۳۵ م ب ط		
۴۸۱ م ب ط	۴۷۸ م ب ط		
۵۰۴ م ب خ	۴۹۳ م ب ط		
۵۱۷ م ب ط	۵۱۵ م ب ط		

حیات

۲۸۳ ب ط	۱۶۵ م ب ط		
۴۲۳ م ب ط	۴۲۲ م ب ط		
	۴۲۴ م ب ط		
		۱۳۵ ب ط	۱۳۲ ب ط
		۱۴۷ م ب خ	۱۴۴ م ن ط

حیثیت

م ← منبع امام	ر ← منبع رهبری	ق ← قبل از انقلاب	ب ← بیانات یا سخنرانی
ک ← مطلب کوتاه	ط ← مطلب طولانی	خ ← مطلب خیلی طولانی	ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



خدمت

۲۵۱ ر ب ط	۱۹۰ ر ب ط	خودسازی	۱۳۷ ر ب ط	۱۳۶ ر ب ط
			۱۴۷ م ب خ	۱۴۱ م ن ط
		خودکفایی	۱۶۳ م ب ط	۱۶۱ م ب ط
	۳۶۸ ر ب ط		۱۸۷ ر ب ط	۱۸۶ م ب ط
		خیانت	۲۱۴ ر ب خ	۱۹۶ م ب ط
۱۴۴ م ن ط	۱۲۳ م ب ط		۲۸۸ م ب ط	۲۵۵ ر ب ط
۱۹۶ م ب ط	۱۷۴ م ب ط		۲۹۴ م ن ط	۲۹۰ م ب ط
۴۳۷ م ب ط	۳۵۲ م ب خ		۳۳۳ م ب خ	۲۹۷ م ب ط
		دادگاه ویژه	۳۵۲ م ب خ	۳۳۶ ر ب ط
			۳۸۲ ر ب ط	۳۵۵ م ب ط
۱۹۲ ر ب ط	۱۷۴ م ب ط		۳۹۲ ر ب ط	۳۹۱ م ن ط
		دانشگاه (دانشجو، دفتر نمایندگی)	۴۳۸ م ن ط	۴۲۱ م ب ط
			۴۶۰ م ب ط	۴۵۱ ر ب ط
۱۹۶ م ب ط	۱۹۲ ر ب ط		۴۷۵ م ن ط	۴۷۱ م ب ط
۲۰۸ ر ب ط	۲۰۷ ر ب ط		۴۷۸ م ب ط	۴۷۷ م ب ط
۲۱۲ ر ب ط	۲۱۰ م ن ط		۴۸۷ م ب ط	۴۸۶ ر ب ط
۲۲۳ ر ب ط	۲۱۵ ر ب ک		۴۹۱ م ب ط	۴۸۹ م ب ط
۲۲۹ ر ب ط	۲۲۸ ر ب ط		۵۰۷ م ب ط	۴۹۵ م ن ط
۲۵۰ ر ب ط	۲۴۷ ر ب ط		۵۱۴ م ب ط	۵۱۲ ر ب ط
۳۵۲ م ب خ	۲۶۶ م ن ط			
۴۰۳ م ن ط	۳۷۶ م ب ط			
۴۰۵ ر ن ک	۴۰۴ ر ن ک		۴۵۵ ر ب ط	۱۹۰ ر ب ط
۴۰۷ م ب ط	۴۰۶ م ن ط			
۴۰۹ ر ب ط	۴۰۸ ر ب ط			
۴۱۱ ر ب ط	۴۱۰ م ب ط		۲۳۱ ر ب ط	۲۱۳ ر ب ط
۴۱۳ م ب ط	۴۱۲ ر ب ط			۳۱۰ ر ب ط
۴۱۵ ر ب ط	۴۱۴ ر ب ط			
۴۱۷ ر ب ط	۴۱۶ ر ب ط		۱۹۸ ر ب ط	۱۹۵ ر ب ط
۴۱۹ ر ب ط	۴۱۸ ر ب ط			
۴۲۷ م ن ط	۴۲۰ ر ب ط			
۴۸۷ م ب ط	۴۸۴ ر ب ط		۴۱۲ ر ب ط	۲۲۲ ر ب ط
۵۰۳ ر ب ط	۵۰۱ ر ب ط		۵۰۰ ر ب ط	۴۱۴ ر ب ط
	۵۱۲ ر ب ط			

خرابی

خسارت

خشوع

خلأ

خواص

خودپرستی

داوطلبی

۱۴۷ م ب خ

۳۹۸ ر ب ط

دخالت (عدم دخالت)

۱۲۱ م ب ط

۲۰۵ ر ب ط

۱۵۸ ر ب ط

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات





ط ب , ۲۲۷  
 ط ب , ۲۵۱  
 ط ب , ۲۸۷  
 ط ب , ۲۹۳  
 ط ب , ۳۲۴  
 ط ن م ۳۵۳  
 ط ب , ۳۹۶  
 ط ب , ۴۴۹  
 ط ب م ۴۷۶  
 ط ب , ۵۰۱

ط ب , ۲۲۶  
 ط ب , ۲۳۵  
 ط ب , ۲۷۰  
 ط ب م ۲۹۰  
 ط ب , ۲۹۹  
 ط ب م ۳۳۵  
 ط ب , ۳۶۶  
 ط ب م ۴۴۶  
 ط ب م ۴۵۲  
 ط ب , ۴۹۲  
 ط ب , ۵۱۱

ط ب , ۳۶۶  
 ط ب م ۴۰۱  
 ط ب م ۴۱۰  
 ط ب م ۴۴۸  
 ط ب م ۴۷۱  
 ط ن , ۵۰۵  
 ط ب م ۵۰۷  
 ط ب م ۵۰۹  
 ط ب , ۵۱۲  
 ط ب م ۵۱۴  
 ط ب م ۵۱۶  
 ط ب م ۵۱۹

ط ب م ۳۶۵  
 ط ب م ۳۷۰  
 ط ب م ۴۰۷  
 ط ن ۴۲۷  
 ط ب م ۴۶۷  
 ط ب م ۵۰۴  
 ط ب , ۵۰۶  
 ط ب م ۵۰۸  
 ط ب , ۵۱۰  
 ط ن ۵۱۳  
 ط ب م ۵۱۵  
 ط ب م ۵۱۷

دولت

ط ب , ۱۱۴۳  
 ط ب , ۱۵۲  
 ط ب , ۲۱۲  
 ط ب , ۲۲۹  
 ط ب , ۲۵۳  
 ط ب م ۲۶۱  
 ط ب , ۲۷۵  
 ط ب م ۲۹۰  
 ط ب م ۳۲۶  
 ط ب م ۳۳۳  
 ط ب م ۳۴۹  
 ط ب , ۳۶۸  
 ط ب م ۳۷۵  
 ط ب م ۳۷۷  
 ط ب , ۳۸۰  
 ط ب , ۳۸۲  
 ط ب , ۴۱۲  
 ط ب م ۴۲۲  
 ط ب م ۴۳۷  
 ط ب م ۴۴۶  
 ط ب م ۴۶۷  
 ط ب م ۴۷۰  
 ط ن ۴۷۵  
 ط ب م ۴۹۱  
 ط ب م ۵۱۹  
 ط ب , ۵۲۳

ط ن م ۱۴۱  
 ط ب م ۱۴۷  
 ط ب , ۱۵۳  
 ط ب , ۲۲۸  
 ط ب , ۲۵۰  
 ط ب , ۲۶۰  
 ط ب , ۲۶۸  
 ط ب , ۲۸۷  
 ط ب م ۳۱۷  
 ط ب م ۳۲۸  
 ط ب م ۳۳۳  
 ط ب م ۳۵۸  
 ط ب م ۳۷۲  
 ط ب م ۳۷۶  
 ط ب , ۳۷۹  
 ط ب , ۳۸۱  
 ط ب م ۳۸۶  
 ط ب , ۴۱۶  
 ط ب م ۴۳۰  
 ط ن ۴۴۱  
 ط ب م ۴۶۳  
 ط ب م ۴۶۹  
 ط ب م ۴۷۴  
 ط ب م ۴۷۶  
 ط ب , ۵۰۰  
 ط ب , ۵۲۲  
 ط ب , ۵۲۴

ط ب , ۱۵۸  
 ط ب , ۱۸۹  
 ط ب , ۲۵۳  
 ط ب , ۳۱۲  
 ط ب , ۳۸۹  
 ط ب م ۴۸۰

ط ب , ۱۳۷  
 ط ب م ۱۷۴  
 ط ب , ۲۱۷  
 ط ن ۲۸۴  
 ط ب م ۳۴۳  
 ط ب م ۴۷۱

دفاع

ط ب , ۴۴۹

ط ن ۱۱۴۴

دلسوزی

دنیا

ط ب م ۱۲۰  
 ط ب م ۱۲۵  
 ط ن ۱۴۱  
 ط ب , ۱۴۳  
 ط ب , ۱۴۵  
 ط ب م ۱۴۷  
 ط ب , ۱۵۰  
 ط ب , ۱۵۴  
 ط ب , ۱۵۶  
 ط ب , ۱۵۸  
 ط ب م ۱۷۴  
 ط ب م ۱۸۳  
 ط ب م ۱۸۸  
 ط ب م ۱۹۳  
 ط ب , ۲۰۹  
 ط ب , ۲۲۲

ط ب , ۱۰۷  
 ط ب م ۱۲۲  
 ط ب م ۱۲۷  
 ط ب , ۱۴۲  
 ط ن ۱۴۴  
 ط ب , ۱۴۶  
 ط ب , ۱۴۸  
 ط ب , ۱۵۱  
 ط ب م ۱۵۵  
 ط ب , ۱۵۷  
 ط ب م ۱۶۸  
 ط ب م ۱۷۵  
 ط ب , ۱۸۷  
 ط ب , ۱۸۹  
 ط ب , ۱۹۹  
 ط ب , ۲۱۷

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ب ب ط ۳۵۹  
 ب ب ط ۳۶۴  
 م ب ط ۳۸۵  
 ب ب ط ۴۰۹  
 ب ب ط ۴۱۳  
 ب ب ط ۴۱۶  
 ب ب ط ۴۳۳  
 م ب ط ۴۴۳  
 ب ب ط ۴۵۶  
 م ب ط ۴۶۷  
 م ن ط ۴۸۵  
 ب ب ط ۴۹۶  
 ب ک ۴۹۹  
 ب ب ط ۵۰۶  
 ب ب ط ۵۲۰

۳۵. م ق ب ب ط  
 ب ب ط ۳۶۱  
 م ب خ ۳۸۳  
 م ن ط ۴۰۶  
 ب ب ط ۴۱۱  
 ب ب ط ۴۱۵  
 ب ب ط ۴۲۰  
 م ب ط ۴۳۵  
 ب ب ط ۴۴۴  
 م ب ط ۴۶۰  
 ب ب ط ۴۷۲  
 ب ب ط ۴۹۲  
 ب ب ط ۴۹۷  
 ب ب ط ۵۰۳  
 م ن ط ۵۱۳  
 ب ب ط ۵۲۳

۱۰۵ م ب ب ط  
 ۱۲۴ م ب ب ط  
 ۳۵۲ م ب خ  
 ۳۵۵ م ب ب ط

۱۰۸ ب ب ط  
 ۱۱۱ ب ب ط  
 ۱۱۴ ب ب ط  
 ۱۳۰ ب ب ط  
 ۱۳۵ ب ب ط  
 ۱۳۸ ب ب ط  
 ۱۴۷ م ب خ  
 ۱۵۰ ب ب ط  
 ۱۶۰ م ن ط  
 ۱۸۴ ب ب ط  
 ۲۱۱ ب ک  
 ۲۱۷ ب ب ط  
 ۲۲۱ ب ب ط  
 ۲۲۸ ب ب ط  
 ۲۳۲ ب ب ط  
 ۲۳۶ ب ب ط  
 ۲۴۱ ب ب ط  
 ۲۴۴ ب ب ط  
 ۲۴۶ ب ب ط  
 ۲۴۸ ب ب ط  
 ۲۵۲ ب ب ط  
 ۲۵۷ ب ب ط  
 ۲۶۸ ن ک  
 ۲۷۹ ب ب ط  
 ۲۸۷ ب ب ط  
 ۳۱۱ م ب خ  
 ۳۱۴ ب ب ط  
 ۳۲۱ ب ب ط  
 ۳۲۵ م ب ط  
 ۳۳۱ ب ب ط  
 ۳۳۵ م ب ط  
 ۳۳۸ م ب ط  
 ۳۴۵ م ق ب ب ط

۱۰۶ ب ب ط  
 ۱۰۹ ب ب ط  
 ۱۱۲ ب ب ط  
 ۱۲۰ م ب ب ط  
 ۱۳۱ ب ب ط  
 ۱۳۶ ب ب ط  
 ۱۴۲ ب ب ط  
 ۱۴۸ ب ب ط  
 ۱۵۸ ب ب ط  
 ۱۶۲ م ب ب ط  
 ۱۹۵ ب ب ط  
 ۲۱۳ ب ب ط  
 ۲۲۰ ب ب ط  
 ۲۲۵ م ن ط  
 ۲۲۹ ب ب ط  
 ۲۳۴ ب ب ط  
 ۲۳۹ ن ک  
 ۲۴۲ ب ب ط  
 ۲۴۵ ب ب ط  
 ۲۴۷ ب ب ط  
 ۲۵۰ ب ب ط  
 ۲۵۴ ب ب ط  
 ۲۶۰ ب ب ط  
 ۲۷۸ ب ب ط  
 ۲۸۳ ب ب ط  
 ۳۱۰ ب ب ط  
 ۳۱۳ ب ب ط  
 ۳۱۶ ب ب ط  
 ۳۲۴ ب ب ط  
 ۳۳۰ م ب خ  
 ۳۳۴ م ب ب ط  
 ۳۳۶ ب ب ط  
 ۳۴۱ م ق ب ب ط

دین

رضایت

ب ب ط ۳۲۴

رضایت الهی

ب ب ط ۳۱۸

رمضان

ب ب ط ۵۰۰

روایات

ب ب ط ۱۴۵  
 ب ب ط ۲۵۵

۱۰۸ ب ب ط  
 ۱۷۴ م ب ط  
 ۳۳۳ م ب خ

روحانی

ب ب ط ۱۹۷  
 ب ب ط ۲۵۵  
 م ب ط ۳۱۵  
 م ب ط ۳۶۵  
 م ب ب ط ۵۱۷

۱۱۵ م ب ط  
 ۲۰۷ ب ب ط  
 ۲۸۰ ب ب ط  
 ۳۶۲ م ب ط  
 ۴۲۸ ب ب ط

روحانیت

ب ب ط ۱۰۲  
 ب ب ط ۱۰۶

۱۰۱ م ب ط  
 ۱۰۴ م ب ط

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۳۴. م ق ب ط	۳۳۹ م ق ب ط	۱۱۲ ب ط	۱۱۱ ب ط
۳۵۲ م ب خ	۳۴۴ م ن ک	۱۲۱ م ب ط	۱۱۸ م ب ط
۳۵۸ م ب ط	۳۵۴ م ب ط	۱۲۹ ب ط	۱۲۳ م ب ط
۳۶۱ ب ط	۳۵۹ ب ط	۱۳۱ ب ط	۱۳۰ ب ط
۳۶۴ ب ط	۳۶۳ م ب ط	۱۳۴ ب ط	۱۳۲ ب ط
۳۶۸ ب ط	۳۶۷ م ب ط	۱۳۶ ب ط	۱۳۵ ب ط
۳۷۶ م ب ط	۳۷۰ م ب ط	۱۴۴ م ن ط	۱۴۱ م ن ط
۳۸۲ ب ط	۳۸۱ ب ط	۱۴۹ م ب ط	۱۴۷ م ب خ
۳۹۰ ب ک	۳۸۹ ب ط	۱۵۶ ب ط	۱۵۱ ب ط
۳۹۴ م ب ط	۳۹۱ م ن ط	۱۶۰ م ن ط	۱۵۹ ب ط
۳۹۷ م ب ط	۳۹۶ ب ط	۱۶۲ م ب ط	۱۶۱ م ب ط
۴۱۱ ب ط	۴۰۱ م ب ط	۱۶۴ م ب ط	۱۶۳ م ب ط
۴۲۱ م ب ط	۴۱۴ ب ط	۱۶۷ م ب ط	۱۶۶ م ب ط
۴۲۹ م ن ط	۴۲۲ م ب ط	۱۷۲ م ب ط	۱۷۰ م ب ط
۴۳۱ ب ط	۴۳۰ م ب ط	۱۷۵ م ب خ	۱۷۳ م ب ط
۴۴۰ م ب ط	۴۳۸ م ن ط	۱۷۷ م ب ط	۱۷۶ م ب ط
۴۴۹ ب ط	۴۴۴ ب ط	۱۸۳ م ب ط	۱۷۸ م ب ط
۴۶۵ م ب ط	۴۶۳ م ب ط	۱۸۶ م ب ط	۱۸۵ ب ط
۴۷۵ م ن ط	۴۷۲ ب ط	۱۸۹ ب ط	۱۸۷ ب ط
۴۷۷ م ب ط	۴۷۶ م ب ط	۱۹۳ م ب ط	۱۹۲ ب ط
۴۹۴ م ب ط	۴۸۰ ب ک	۲۰۴ ب ط	۲۰۲ م ب ط
۴۹۸ ب ط	۴۹۶ ب ط	۲۱۱ ب ک	۲۰۸ ب ط
۵۰۰ ب ط	۴۹۹ ب ک	۲۲۷ ب ط	۲۱۳ ب ط
۵۰۵ م ن ط	۵۰۴ م ب خ	۲۳۱ ب ط	۲۲۸ ب ط
۵۱۱ ب ط	۵۰۶ ب ط	۲۳۵ ب ط	۲۳۲ ب ط
۵۱۴ م ب ط	۵۱۲ ب ط	۲۴۱ ب ط	۲۳۷ ب ط
۵۱۶ م ب ط	۵۱۵ م ب ط	۲۴۸ ب ط	۲۴۳ ب ط
۵۱۹ م ب ط	۵۱۸ م ب ط	۲۵۱ ب ط	۲۵۰ ب ط
۵۲۱ ب ط	۵۲۰ ب ط	۲۵۷ ب ط	۲۵۲ ب ط
۵۲۳ ب ط	۵۲۲ ب ط	۲۶۰ ب ط	۲۵۸ ب ط
		۲۷۱ م ب ط	۲۶۴ م ب ک
		۲۷۹ ب ط	۲۷۵ ب ط
		۲۸۷ ب ط	۲۸۱ ب ط
		۲۹۴ م ن ط	۲۹۰ م ب ط
		۳۰۲ ب ک	۲۹۸ م ب ط
		۳۰۶ ب ط	۳۰۳ م ب ط
		۳۱۲ ب ط	۳۱۰ ب ط
		۳۱۷ م ب ط	۳۱۴ ب ط
		۳۲۵ م ب ط	۳۲۳ م ب ط
		۳۳۷ م ب ط	۳۳۵ م ب ط

روحانیون

۱۱۰ ب ک	۱۰۱ م ب ط		
۱۱۸ م ب ط	۱۱۱ ب ط		
۱۳۳ ب ط	۱۲۴ م ب ط		
۱۴۴ م ن ط	۱۴۱ م ن ط		
۱۴۶ ب ط	۱۴۵ ب ط		
۱۵۷ ب ط	۱۵۴ ب ط		
۱۶۱ م ب ط	۱۵۹ ب ط		
۱۶۶ م ب ط	۱۶۴ م ب ط		

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ک.ن، ۴.۵  
ط، ۴.۸  
ط، ۴.۱۱  
ط، ۴.۱۴  
ط، ۴.۲۵  
ط، ۴.۳۲  
ط، ۴.۳۸  
ط، ۴.۴۲  
ط، ۴.۴۷  
ط، ۴.۵۱  
ط، ۴.۶۱  
ک، ۴.۶۴  
ط، ۴.۶۶  
ط، ۴.۶۸  
ط، ۴.۷۳  
ط، ۴.۷۸  
ط، ۴.۸۷  
ط، ۴.۹۴  
ط، ۵.۱  
ط، ۵.۵  
ط، ۵.۱  
ط، ۵.۱۴

ک.ن، ۴.۴  
ط، ۴.۶  
ط، ۴.۱  
ط، ۴.۱۳  
ط، ۴.۲۱  
ط، ۴.۲۷  
ط، ۴.۳۷  
ط، ۴.۴  
ط، ۴.۴۵  
ط، ۴.۴۸  
ط، ۴.۵۹  
ط، ۴.۶۲  
ط، ۴.۶۵  
ط، ۴.۶۷  
ط، ۴.۷۲  
ط، ۴.۷۵  
ط، ۴.۸۱  
ط، ۴.۹۳  
ط، ۴.۹۸  
ط، ۵.۴  
ط، ۵.۶  
ط، ۵.۱۳  
ط، ۵.۱۸

ط، ۲۲۹  
ک، ۲۳۹  
ط، ۲۴۷  
ط، ۵.۲

ط، ۲۲۴  
ط، ۲۳۸  
ط، ۲۴۵  
ط، ۲۹۸

### روستا

ط، ۱۷۱  
ط، ۱۷۸  
ط، ۱۸۲  
ط، ۱۸۷  
ط، ۱۹۶  
ط، ۲.۴  
ط، ۲۱.  
ک، ۲۱۵  
ط، ۲۲۹  
ط، ۲۳۲  
ط، ۲۴۴  
ط، ۲۵۴  
ط، ۲۶۲  
ط، ۲۷۳  
ط، ۲۷۶  
ط، ۲۸۱  
ط، ۲۸۴  
ط، ۲۹.  
ط، ۲۹۲  
ط، ۲۹۵  
ط، ۲۹۹  
ط، ۳.۴  
ط، ۳۱۱  
ط، ۳۱۷

ط، ۱۶۸  
ط، ۱۷۳  
ط، ۱۷۹  
ط، ۱۸۶  
ط، ۱۸۸  
ط، ۲.۳  
ط، ۲.۹  
ط، ۲۱۲  
ط، ۲۲۲  
ط، ۲۳.  
ط، ۲۳۸  
ط، ۲۵۱  
ط، ۲۵۶  
ط، ۲۷.  
ط، ۲۷۵  
ط، ۲۷۹  
ط، ۲۸۲  
ط، ۲۸۵  
ط، ۲۹۱  
ط، ۲۹۴  
ط، ۲۹۸  
ط، ۳.  
ط، ۳.۵  
ط، ۳۱۳

ط، ۳۲۳  
ط، ۳۲۶  
ط، ۳۳۲  
ط، ۳۳۷  
ط، ۳۵۱  
ط، ۳۵۳  
ط، ۳۵۵  
ط، ۳۶.  
ط، ۳۶۴  
ک، ۳۷۲  
ک، ۳۷۵  
ط، ۳۸۱  
ط، ۳۸۳  
ط، ۳۸۶  
ط، ۳۹۱  
ک، ۴.۲

ط، ۳۱۸  
ط، ۳۲۵  
ط، ۳۳.  
ط، ۳۳۵  
ط، ۳۴۳  
ط، ۳۵۲  
ط، ۳۵۴  
ط، ۳۵۸  
ط، ۳۶۳  
ک، ۳۷۱  
ک، ۳۷۳  
ط، ۳۷۸  
ط، ۳۸۲  
ط، ۳۸۵  
ط، ۳۸۸  
ط، ۳۹۲

### روشگری

ط، ۵۱.

### ریاست جمهوری

ط، ۲۸۵

### زبان خارجی

ط، ۴۹۲

ط، ۳۹۹

### زبدگان

ط، ۲۲.

ط، ۱۹۹

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه  
ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی  
ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی  
ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



زمان‌شناسی

۳۴۶ م ب ط	۳۴۵ م ق ب ط	۳۱۶ م ب ط	۲۵۰ م ب ط
۳۴۹ م ب ط	۳۴۷ م ب ط		
۳۵۱ م ب ط	۳۵۰ م ق ب ط		
۳۵۸ م ب ط	۳۵۶ م ب ط	۲۰۷ م ب ط	۲۰۶ م ب ط
۳۶۵ م ب ط	۳۶۴ م ب ط		
۳۸۷ م ب ط	۳۶۸ م ب ط		
۴۲۹ م ن ط	۴۱۵ م ب ط	۱۱۴۴ م ن ط	۱۱۴۱ م ن ط
۵۰۴ م ب خ	۵۰۳ م ب ط	۱۱۴۶ م ب ط	۱۱۴۵ م ب ط
۵۱۰ م ب ط	۵۰۵ م ر ن ط	۱۵۱ م ب ط	۱۵۰ م ب ط
	۵۱۲ م ب ط	۱۵۶ م ب ط	۱۵۲ م ب ط
		۳۸۷ م ب ط	۱۹۲ م ب ط

زهد

زی طلبگی

۱۰۲ م ب ط	۱۰۱ م ب ط		
۱۱۴ م ب ک	۱۰۹ م ب ط		۱۱۴۹ م ب ط
۱۱۴۷ م ب خ	۱۱۴۱ م ن ط		
۱۵۹ م ب ط	۱۵۶ م ب ط	۱۱۴۳ م ب خ	۱۱۴۱ م ن ط
۲۰۴ م ب ط	۱۶۴ م ب ط	۳۲۲ م ب ط	۱۱۴۷ م ب خ
۲۹۳ م ب ط	۲۷۹ م ب ط		
۳۲۳ م ب ط	۳۱۱ م ب خ		
۳۳۳ م ب خ	۳۳۰ م ب خ		۴۹۸ م ب ط
۴۳۲ م ب ط	۳۳۹ م ق ب ط		
۴۶۲ م ب ط	۴۵۶ م ب ط		
	۴۹۱ م ب ط	۱۱۴۴ م ن ط	۱۳۹ م ن ک

ساده‌زیستی

سازماندهی

سرمایه‌داری

سیاست (سیاسی)

شبهات (شبهه)

۲۱۱ م ب ک	۱۱۴۳ م ب خ	۱۳۶ م ب ط	۱۱۴ م ب ط
۲۱۷ م ب ط	۲۱۴ م ب خ	۱۵۸ م ب ط	۱۱۴۳ م ب خ
۲۲۲ م ب ط	۲۱۹ م ب ط	۲۰۴ م ب ط	۱۸۴ م ب ط
۲۳۶ م ب ط	۲۲۳ م ب ط	۲۸۱ م ب ط	۲۰۸ م ب ط
۴۹۷ م ب ط	۲۵۲ م ب ط	۳۰۸ م ب ط	۲۹۴ م ن ط
	۵۰۱ م ب ط	۳۱۱ م ب خ	۳۰۹ م ب ط
		۳۱۶ م ب ط	۳۱۳ م ب ط
		۳۱۹ م ب ط	۳۱۷ م ب ط
		۳۲۳ م ب ط	۳۲۱ م ب ط
		۳۲۵ م ب ط	۳۲۴ م ب ط
		۳۳۰ م ب خ	۳۲۶ م ب ط
		۳۳۲ م ب ط	۳۳۱ م ب ط
		۳۳۴ م ب ط	۳۳۳ م ب خ
		۳۳۶ م ب ط	۳۳۵ م ب ط
		۳۳۹ م ق ب ط	۳۳۸ م ب ط
		۳۴۱ م ق ب ط	۳۴۰ م ق ب ط

شغل

۱۰۷ م ب ط	۱۰۲ م ب ط
۱۷۰ م ب ط	۱۰۸ م ب ط
۱۷۸ م ب ط	۱۷۷ م ب ط
۲۰۰ م ق ن ک	۱۸۴ م ب ط
۲۰۲ م ب ط	۲۰۱ م ب ط
۳۰۹ م ب ط	۲۰۵ م ب ط
۳۵۶ م ب ط	۳۵۱ م ب ط
۳۷۱ م ق ب ک	۳۵۸ م ب ط

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



شورای عالی انقلاب فرهنگی

۴۰۳ م ن ط

۲۵۱ م ب ط

۱۹۴ م ب ط

۲۴۹ م ب ط

۴۴۳ م ب ک

۱۰۵ م ب ط

۱۳۷ م ب ط

۱۶۶ م ب ط

۱۸۳ م ب ط

۱۹۳ م ب ط

۱۹۶ م ب ط

۲۰۴ م ب ط

۲۲۴ م ب ط

۲۳۵ م ب ط

۲۶۰ م ب ط

۲۹۷ م ب ط

۳۲۰ م ب ط

۳۳۱ م ب ط

۳۹۱ م ن ط

۴۲۶ م ب ط

۴۵۹ م ب ط

۴۷۹ م ب ک

۴۸۶ م ب ط

۴۹۳ م ب ط

۵۰۳ م ب ط

۱۰۸ م ب ط

۱۱۴ م ب ط

شیوه‌های نو

۲۱۳ م ب ط

۱۸۴ م ب ط

۵۰۷ م ب ط

۲۲۸ م ب ط

۲۵۳ م ب ط

۴۴۵ م ب ط

۱۰۱ م ب ط

۱۲۰ م ب ط

۱۳۴ م ب ط

۱۸۱ م ب ط

۱۸۸ م ب ط

۱۹۵ م ب ط

۱۹۸ م ب ط

۲۱۴ م ب خ

۲۳۳ م ق ب ط

۲۳۹ م ن ک

۲۶۶ م ن ط

۳۰۷ م ب ط

۳۲۲ م ب ط

۳۵۷ م ب ط

۴۱۴ م ب ط

۴۴۹ م ب ط

۴۷۷ م ب ط

۴۸۴ م ب ط

۴۸۸ م ب ط

۴۹۸ م ب ط

۵۱۰ م ب ط

۱۰۶ م ب ط

۱۰۹ م ب ط

صداقت

صداوسیما

طالاب (طلبه)

عالم

۳۸۵ م ب ط

۴۳۷ م ب ط

۴۶۰ م ب ط

۴۷۷ م ب ط

۴۸۷ م ب ط

۱۱۸ م ب ط

۱۲۰ م ب ط

۱۲۳ م ب ط

۱۳۰ م ب ط

۱۵۵ م ب ک

۱۶۶ م ب ط

۱۶۸ م ب ط

۱۸۳ م ب ط

۱۹۳ م ب ط

۲۹۰ م ب ط

۳۰۵ م ب ط

۳۵۵ م ب ط

۴۱۰ م ب ط

۵۱۷ م ب ط

۱۶۸ م ب ط

۲۳۰ م ب ط

۳۱۶ م ب ط

۱۳۳ م ب ط

۲۲۴ م ب ط

۲۴۴ م ب ط

۲۷۰ م ب ط

۴۲۵ م ب ط

۴۸۲ م ب ط

۴۹۰ م ن ط

۳۸۳ م ب خ

۴۱۳ م ب ط

۴۳۸ م ن ط

۴۶۹ م ب ط

۴۸۱ م ب ط

۱۰۱ م ب ط

۱۱۹ م ب ط

۱۲۲ م ب ط

۱۲۵ م ب ط

۱۴۹ م ب ط

۱۶۴ م ب ط

۱۶۷ م ب ط

۱۷۹ م ب ط

۱۸۴ م ب ط

۲۸۹ م ب ط

۳۰۳ م ب ط

۳۵۲ م ب خ

۳۸۶ م ب ط

۴۹۴ م ب ط

۱۱۹ م ب ط

۲۱۴ م ب خ

۲۸۷ م ب ط

۱۲۰ م ب ط

۳۲۰ م ب ط

۱۶۳ م ب ط

۲۳۴ م ب ط

۲۴۵ م ب ط

۳۵۳ م ن ط

۴۶۱ م ب ط

۴۸۵ م ن ط

۵۰۲ م ب ط

شکست (شکست اسلام، شکست روحانیت، شکست نظام)

شهادت

شهرت

شهرستان

ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات

ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی

ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه





ب ب ، ۳۹۸  
 ک ن ، ۴۰۴  
 ب ب ، ۴۲۰  
 ب ب م ، ۴۲۳  
 ب ب ، ۴۳۴  
 ک م ب ک ، ۴۴۳  
 ب ب ، ۴۵۷  
 ب ب م ، ۴۶۲  
 ب ب م ق ب ب ، ۴۷۰  
 ب ب م ، ۴۷۳  
 ب ب م ، ۴۷۶  
 ب ب ، ۴۸۴  
 ب ب م ، ۴۸۷  
 ب ن ب ، ۴۹۰  
 ب ن ب ، ۴۹۵  
 ب ن ب ، ۵۱۳  
 ب ب م ، ۵۱۶

ب ب م ، ۳۹۷  
 ب ب م ، ۴۰۰  
 ک ن ، ۴۰۵  
 ب ب م ، ۴۲۲  
 ب ن ب ، ۴۲۹  
 ب ب م ، ۴۴۰  
 ب ب ، ۴۴۵  
 ب ب ، ۴۵۹  
 ب ب م ، ۴۶۹  
 ب ب ، ۴۷۲  
 ب ب م ، ۴۷۴  
 ب ب م ، ۴۸۱  
 ب ن ب ، ۴۸۵  
 ب ب م ، ۴۸۹  
 ب ب م ، ۴۹۱  
 ب ب ، ۵۰۶  
 ب ب م ، ۵۱۵

ب ب ، ۱۱۱  
 ب ب م ، ۱۲۵  
 ب ب ، ۱۳۱  
 ب ب ، ۱۳۴  
 ب ب ، ۱۴۵  
 ب ب ، ۱۵۰  
 ب ن ب ، ۱۶۰  
 ب ب م ، ۱۷۰  
 ب ب م ، ۱۸۰  
 ب ب م ، ۱۸۸  
 ب ب ، ۱۹۴  
 ب ب ، ۱۹۹  
 ب ن ب ، ۲۱۰  
 ب ب ، ۲۲۰  
 ب ب ، ۲۲۲  
 ب ب ، ۲۲۶  
 ب ب ، ۲۳۲  
 ب ب ، ۲۳۵  
 ب ب ، ۲۴۵  
 ب ب ، ۲۵۲  
 ب ب ، ۲۵۴  
 ب ب ، ۲۶۲  
 ب ن ب ، ۲۶۶  
 ک ن ، ۲۶۸  
 ب ب ، ۲۷۸  
 ب ب ، ۲۸۵  
 ب ب ، ۳۱۰  
 ب ب ، ۳۱۲  
 ب ب ، ۳۱۴  
 ب ب ، ۳۲۱  
 ب ب ، ۳۲۷  
 ب ب ، ۳۳۱  
 ب ب ، ۳۳۶  
 ب ب ، ۳۶۱  
 ب ب م ، ۳۶۵  
 ک ب ، ۳۶۹  
 م ق ب ک ، ۳۷۴  
 ب ب م ، ۳۸۴  
 ب ب م ، ۳۸۶  
 ب ب ، ۳۹۲

ب ب ، ۱۰۹  
 ب ب ، ۱۱۲  
 ب ب م ، ۱۳۶  
 ب ب ، ۱۳۲  
 ب ن ب ، ۱۴۱  
 ب ب ، ۱۴۶  
 ب ب ، ۱۵۸  
 ب ب م ، ۱۶۵  
 ب ب م ، ۱۷۳  
 ب ب ، ۱۸۴  
 ب ب م ، ۱۹۱  
 ب ب ، ۱۹۸  
 ب ب ، ۲۰۶  
 ب ب ، ۲۱۹  
 ب ب ، ۲۲۱  
 ب ن ب ، ۲۲۵  
 ب ب ، ۲۳۱  
 ب ب ، ۲۳۴  
 ب ب ، ۲۴۴  
 ب ب ، ۲۴۸  
 ب ب ، ۲۵۳  
 ب ب ، ۲۵۵  
 ب ب م ، ۲۶۵  
 ب ب م ، ۲۶۷  
 ب ب ، ۲۷۳  
 ب ب ، ۲۸۳  
 ک م ب ک ، ۲۹۶  
 ب ب م ، ۳۱۱  
 ب ب م ، ۳۱۳  
 ب ب م ، ۳۱۹  
 ب ب م ، ۳۲۲  
 ب ب ، ۳۲۹  
 ب ب م ، ۳۳۲  
 ک م ب ک ، ۳۴۴  
 ب ب م ، ۳۶۲  
 ب ب ، ۳۶۶  
 ب ب م ، ۳۷۰  
 ب ب م ، ۳۸۳  
 ب ب م ، ۳۸۵  
 ب ن ب ، ۳۹۱

عمل

ب ب م ، ۱۰۵  
 ب ب م ، ۱۱۶  
 ب ب م ، ۱۲۸  
 ب ب ، ۱۳۲  
 ب ب ، ۱۳۳  
 ب ب ، ۱۴۶  
 ب ب ، ۱۵۱  
 ب ب ، ۱۵۷  
 ب ب ، ۱۵۹  
 ب ب م ، ۱۶۶  
 ب ب م ، ۱۶۹  
 ب ب م ، ۱۷۲  
 ب ب م ، ۱۷۵  
 ب ب م ، ۱۷۸  
 ب ب ، ۱۸۴  
 ب ب ، ۱۸۹  
 ب ب م ، ۱۹۶  
 ب ب م ، ۲۰۱  
 ب ب ، ۲۲۹  
 ب ب ، ۲۴۸  
 ب ب ، ۲۵۱

ب ب م ، ۱۰۴  
 ب ب ، ۱۱۲  
 ب ب م ، ۱۱۸  
 ب ب ، ۱۲۹  
 ب ب ، ۱۳۴  
 ب ن ب ، ۱۴۴  
 ب ب ، ۱۴۸  
 ب ب ، ۱۵۶  
 ب ب ، ۱۵۸  
 ب ب م ، ۱۶۴  
 ب ب م ، ۱۶۷  
 ب ب م ، ۱۷۰  
 ب ب م ، ۱۷۴  
 ب ب م ، ۱۷۷  
 ب ب م ، ۱۸۰  
 ب ب م ، ۱۸۸  
 ب ب ، ۱۹۴  
 ب ب ، ۱۹۹  
 ب ب ، ۲۱۶  
 ب ب م ، ۲۳۰  
 ب ب ، ۲۵۰

ب ب ، ۲۳۵  
 ب ب ، ۲۴۵  
 ب ب ، ۲۵۲  
 ب ب ، ۲۵۴  
 ب ب ، ۲۶۲  
 ب ن ب ، ۲۶۶  
 ک ن ، ۲۶۸  
 ب ب ، ۲۷۸  
 ب ب ، ۲۸۵  
 ب ب ، ۳۱۰  
 ب ب ، ۳۱۲  
 ب ب ، ۳۱۴  
 ب ب ، ۳۲۱  
 ب ب ، ۳۲۷  
 ب ب ، ۳۳۱  
 ب ب ، ۳۳۶  
 ب ب ، ۳۶۱  
 ب ب م ، ۳۶۵  
 ک ب ، ۳۶۹  
 م ق ب ک ، ۳۷۴  
 ب ب م ، ۳۸۴  
 ب ب م ، ۳۸۶  
 ب ب ، ۳۹۲

ب ب ، ۲۴۴  
 ب ب ، ۲۴۸  
 ب ب ، ۲۵۳  
 ب ب ، ۲۵۵  
 ب ب م ، ۲۶۵  
 ب ب م ، ۲۶۷  
 ب ب ، ۲۷۳  
 ب ب ، ۲۸۳  
 ک م ب ک ، ۲۹۶  
 ب ب م ، ۳۱۱  
 ب ب م ، ۳۱۳  
 ب ب م ، ۳۱۹  
 ب ب م ، ۳۲۲  
 ب ب ، ۳۲۹  
 ب ب م ، ۳۳۲  
 ک م ب ک ، ۳۴۴  
 ب ب م ، ۳۶۲  
 ب ب ، ۳۶۶  
 ب ب م ، ۳۷۰  
 ب ب م ، ۳۸۳  
 ب ب م ، ۳۸۵  
 ب ن ب ، ۳۹۱

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۳۹۱ م ن ط  
۴۰۵ ر ن ک

۳۶۶ ر ب ط  
۴۰۴ ر ن ک  
۵۱۴ م ب ط

۲۶۲ ر ب ط  
۲۷۴ ر ب ط  
۲۸۱ ر ب ط

۲۵۸ ر ب ط  
۲۶۳ م ب ط  
۲۷۹ ر ب ط

فرهنگ

۵۰۰ ر ب ط

۲۹۷ م ب ط  
۳۱۸ ر ب ط

۲۹۰ م ب ط  
۳۱۱ م ب ط

فریب

۳۵۳ م ن ط

۳۵۲ م ب ط  
۳۸۲ ر ب ط

۳۳۶ ر ب ط  
۳۸۱ ر ب ط

فساد (فاسد)

۱۷۴ م ب ط  
۱۹۲ ر ب ط

۱۶۴ م ب ط  
۱۸۲ ر ب ط

۴۰۰ م ب ط  
۴۰۸ ر ب ط  
۴۱۸ ر ب ط

۳۹۹ م ب ط  
۴۰۱ م ب ط  
۴۱۳ م ب ط

۳۲۸ م ب ط  
۳۴۱ م ق ب ط

۲۲۶ ر ب ط  
۳۳۲ م ب ط

۴۲۹ م ن ط  
۴۳۶ ر ب ط

۴۲۷ م ن ط  
۴۳۴ ر ب ط

۳۹۴ م ب ط  
۴۶۹ م ب ط

۳۸۸ ر ب ط  
۴۶۱ م ب ط

۴۴۸ م ب ط  
۴۶۲ م ب ط

۴۴۷ ر ب ط  
۴۵۲ م ب ط

۵۱۱ ر ب ط  
۵۱۳ م ن ط

۴۷۷ م ب ط  
۵۱۳ م ن ط

۴۷۳ م ب ط  
۴۸۵ م ن ط

۴۷۲ ر ب ط  
۴۷۶ م ب ط

۵۰۴ م ب ط

۴۸۷ م ب ط  
۵۱۱ ر ب ط

فقر (فقر)

۳۸۱ ر ب ط  
۴۸۲ م ب ط

۳۲۹ ر ب ط  
۴۲۹ م ن ط

عوامل بقا

۵۱۱ ر ب ط

فقه (تفقه)

۱۱۱ ر ب ط  
۲۱۴ ر ب ط

۱۰۹ ر ب ط  
۱۳۶ ر ب ط

۱۳۲ ر ب ط  
۳۵۳ م ن ط

۱۰۲ ر ب ط  
۳۲۳ م ب ط

۲۴۷ ر ب ط  
۲۶۹ م ب ک

۲۲۷ ر ب ط  
۲۵۲ ر ب ط

۳۸۷ ر ب ط

۳۵۸ م ب ط

فرا تر (اولویت بیشتر)

۳۲۰ م ب ط  
۳۳۶ ر ب ط

۳۱۱ م ب ط  
۳۲۳ م ب ط

۴۵۱ ر ب ط

۳۰۲ ر ب ک  
۵۰۱ ر ب ط

۳۵۶ م ب ط  
۴۲۹ م ن ط

۳۴۹ م ب ط  
۳۵۸ م ب ط

فراگیری

۴۸۳ م ب ط  
۴۹۴ م ب ط

۴۶۲ م ب ط  
۴۹۱ م ب ط

۳۰۲ ر ب ک

فرصت

۴۹۷ ر ب ط

۴۹۵ م ن ط

۱۷۳ م ب ط  
۲۰۹ ر ب ط

۱۰۵ م ب ط  
۱۸۵ ر ب ط

فکر

۱۱۹ م ب ط  
۱۲۹ ر ب ط

۱۱۱ ر ب ط  
۱۲۵ م ب ط

۲۳۵ ر ب ط  
۲۹۹ ر ب ط

۲۲۹ ر ب ط  
۲۸۴ م ن ط

۱۴۲ ر ب ط

۱۳۴ ر ب ط

۳۵۹ ر ب ط

۳۲۰ م ب ط

م ← منبع امام	ر ← منبع رهبری	ق ← قبل از انقلاب	ب ← بیانات یا سخنرانی
ک ← مطلب کوتاه	ط ← مطلب طولانی	خ ← مطلب خیلی طولانی	ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۳۴۷ م ب ط

۳۲۴ ر ب ط

۱۵۷ ر ب ط

۱۴۳ ر ب خ

۱۶۳ م ب ط

۱۵۸ ر ب ط

۱۹۱ م ب ط

۱۷۳ م ب ط

۱۹۹ ر ب ط

۱۹۴ ر ب ط

۲۱۰ م ن ط

۲۰۲ م ب ط

۲۱۴ ر ب خ

۲۱۱ ر ب ک

۲۱۶ ر ب ط

۲۱۵ ر ب ک

۲۲۱ ر ب ط

۲۱۷ ر ب ط

۲۲۳ ر ب ط

۲۲۲ ر ب ط

۲۲۹ ر ب ط

۲۲۶ ر ب ط

۲۴۷ ر ب ط

۲۴۴ ر ب ط

۲۵۳ ر ب ط

۲۵۲ ر ب ط

۲۹۰ م ب ط

۲۵۴ ر ب ط

۳۰۴ ر ب ط

۲۹۳ ر ب ط

۳۰۸ ر ب ط

۳۰۵ م ب ط

۳۱۴ ر ب ط

۳۱۳ م ب ط

۳۱۷ م ب ط

۳۱۶ ر ب ط

۳۲۱ ر ب ط

۳۱۹ م ب ط

۳۲۶ ر ب ط

۳۱۱ ر ب ط

۳۷۳ م ق ب ط

۳۷۰ م ب ط

۳۹۸ ر ب ط

۳۸۱ ر ب ط

۴۰۶ م ن ط

۴۰۰ م ب ط

۴۱۰ م ب ط

۴۰۸ ر ب ط

۴۱۵ ر ب ط

۴۱۱ ر ب ط

۴۲۷ م ن ط

۴۱۸ ر ب ط

۴۳۵ م ب ط

۴۲۹ م ن ط

۴۴۴ ر ب ط

۴۴۳ م ب ک

۴۹۱ م ب ط

۴۸۱ م ب ط

۴۹۷ ر ب ط

۴۹۶ ر ب ط

۵۰۶ ر ب ط

۵۰۳ ر ب ط

۵۰۱ ر ب ط

قدرت (قدرت طلبی)

۱۱۸ م ب ط

۱۰۱ م ب ط

۱۲۸ م ب ط

۱۲۴ م ب ط

۱۳۳ ر ب ط

۱۲۹ ر ب ط

۱۵۹ ر ب ط

۱۳۶ ر ب ط

۱۷۳ م ب ط

۱۷۲ م ب ط

۱۹۲ ر ب ط

۱۸۱ م ب ط

۲۰۱ م ب ط

۱۹۹ ر ب ط

۲۰۹ ر ب ط

۲۰۴ ر ب ط

۲۵۳ ر ب ط

۲۲۷ ر ب ط

۲۹۴ م ن ط

۲۷۱ م ب ط

۲۹۹ ر ب ط

۲۹۷ م ب ط

۳۱۳ م ب ط

۳۱۱ م ب خ

۳۱۹ م ب ط

۳۱۷ م ب ط

۳۲۶ م ب ط

۳۲۱ ر ب ط

۳۳۹ م ق ب ط

۳۲۷ ر ب ط

۳۵۲ م ب خ

۳۵۱ م ب ط

۳۵۵ م ب ط

۳۵۴ م ب ط

۳۶۵ م ب ط

۳۶۳ م ب ط

۳۸۵ م ب ط

۳۸۳ م ب خ

۴۴۸ م ب خ

۳۹۱ م ن ط

۴۷۴ م ب ط

۴۵۴ ر ب ط

۴۹۲ ر ب ط

۴۸۷ م ب ط

۵۲۱ ر ب ط

۵۱۴ م ب ط

۵۲۳ ر ب ط

۵۲۲ ر ب ط

قرآن (کتاب و سنت)

۱۲۰ م ب ط

۱۰۶ ر ب ط

۱۲۵ م ب ط

۱۲۳ م ب ط

۱۳۷ ر ب ط

۱۳۶ ر ب ط

۱۶۰ م ن ط

۱۵۴ ر ب ط

۱۸۸ م ب ط

۱۷۸ م ب ط

۲۲۷ ر ب ط

۲۱۴ ر ب خ

۲۳۷ ر ب ط

۲۳۱ ر ب ط

۲۵۵ ر ب ط

۲۴۸ ر ب ط

۳۴۱ م ق ب ط

۳۱۱ م ب خ

۳۵۰ م ق ب ط

۳۴۹ م ب ط

۳۹۹ م ب ط

۳۹۲ ر ب ط

۴۴۴ ر ب ط

۴۱۳ م ب ط

۳۹۴ م ب ط

۲۸۱ ر ب ط

۴۸۸ ر ب ط

۳۹۹ م ب ط

۴۹۰ م ن ط

۱۱۴ ر ب ط

۱۰۲ ر ب ط

۳۰۶ ر ب ط

۱۴۰ ر ب ک

۳۱۸ ر ب ط

۳۱۱ م ب خ

قاضی

قداست

ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات

ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی

ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه



		مبلغ	۵۰۱ ر ب ط	
۵۰۰ ر ب ط	۳۹۹ م ب ط			قناعت
		منتخب	۱۴۰ ر ب ک	
	۵۰۵ ر ن ط			قیام
		مجاهدت	۲۸۰ ر ب ط	
۲۲۹ ر ب ط	۱۳۲ ر ب ط		۱۳۸ ر ب ط	
۳۲۹ ر ب ط	۳۱۲ ر ب ط		۳۲۷ ر ب ط	
	۳۶۶ ر ب ط		۳۲۹ ر ب ط	
			۴۷۸ م ب ط	
			۵۰۹ م ب ط	
		مجلس		کارخانه
۱۶۵ م ب ط	۱۳۱ ر ب ط			
۲۵۲ ر ب ط	۱۸۶ م ب ط	۲۱۲ ر ب ط	۱۴۷ م ب خ	
۳۰۸ ر ب ط	۲۹۴ م ن ط	۳۶۷ م ب ط	۳۵۲ م ب خ	
۳۲۳ م ب ط	۳۱۱ م ب خ	۵۰۱ ر ب ط	۴۶۵ م ب ط	
۳۳۳ م ب خ	۳۳۰ م ب خ			کمک
۳۵۸ م ب ط	۳۵۲ م ب خ			
۳۸۶ م ب ط	۳۸۰ ر ب ط	۱۶۰ م ن ط	۱۳۸ ر ب ط	
۴۲۲ م ب ط	۴۲۱ م ب ط	۲۷۵ ر ب ط	۲۰۹ ر ب ط	
۴۲۴ م ب ط	۴۲۳ م ب ط	۲۸۷ ر ب ط	۲۸۵ ر ب ط	
۴۳۸ م ن ط	۴۳۰ م ب ط	۳۶۶ ر ب ط	۳۲۹ ر ب ط	
۴۴۶ م ب ط	۴۴۲ م ب ط	۳۹۴ م ب ط	۳۸۶ م ب ط	
۴۶۹ م ب ط	۴۶۸ م ب ط	۴۲۰ ر ب ط	۴۱۱ ر ب ط	
۵۰۹ م ب ط	۴۸۵ م ن ط	۴۴۲ م ب ط	۴۴۱ م ن ط	
	۵۱۳ م ن ط	۴۴۵ ر ب ط	۴۴۴ ر ب ط	
		۴۸۹ م ب ط	۴۸۶ ر ب ط	
			۵۰۲ ر ب ط	
		محتوا		لباس جندی
۲۱۲ ر ب ط	۱۱۹ م ب ط			
۲۳۶ ر ب ط	۲۱۸ ر ب ط			
۲۶۱ م ب ط	۲۵۱ ر ب ط		۳۲۰ م ب ط	
۳۲۳ م ب ط	۲۷۳ ر ب ط			لباس روحانیت
۳۶۳ م ب ط	۳۳۸ م ب ط			
۴۷۶ م ب ط	۴۴۴ ر ب ط	۱۰۷ ر ب ط	۱۰۴ م ب ط	
۴۹۶ ر ب ط	۴۹۴ م ب ط	۱۰۹ ر ب ط	۱۰۸ ر ب ط	
		۱۱۱ ر ب ط	۱۱۰ ر ب ک	
		۱۱۳ ر ب ک	۱۱۲ ر ب ط	
		۱۷۸ م ب ط	۱۷۲ م ب ط	
		۵۱۵ م ب ط	۲۰۲ م ب ط	
			۵۱۹ م ب ط	
		محرم		
۲۴۷ ر ب ط	۲۳۰ م ب ط			
۲۸۷ ر ب ط	۲۵۶ ر ب ط			

م ← منبع امام      ر ← منبع رهبری      ق ← قبل از انقلاب      ب ← بیانات یا سخنرانی  
ک ← مطلب کوتاه      ط ← مطلب طولانی      خ ← مطلب خیلی طولانی      ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۱۳۰ م ب ط	۱۱۹ م ب ط		
۱۳۶ م ب ط	۱۲۵ م ب ط	۲۱۶ م ب ط	۲۱۰ م ن ط
۱۳۱ م ب ط	۱۳۰ م ب ط	۲۱۸ م ب ط	۲۱۷ م ب ط
۱۴۷ م ب خ	۱۴۳ م ب خ	۲۲۱ م ب ط	۲۲۰ م ب ط
۱۵۱ م ب ط	۱۴۹ م ب ط	۲۲۴ م ب ط	۲۲۳ م ب ط
۱۵۴ م ب ط	۱۵۳ م ب ط		۲۳۶ م ب ط
۱۵۸ م ب ط	۱۵۶ م ب ط		
۱۶۴ م ب ط	۱۵۹ م ب ط		مدرس (مدرسه، مُدرّس، مدرّسین)
۱۶۷ م ب ط	۱۶۵ م ب ط	۱۸۱ م ب ط	۱۰۱ م ب ط
۱۷۱ م ب ط	۱۷۰ م ب ط	۱۸۸ م ب ط	۱۸۳ م ب ط
۱۷۳ م ب ط	۱۷۲ م ب ط	۲۶۵ م ب ط	۱۹۳ م ب ط
۱۷۵ م ب خ	۱۷۴ م ب ط	۳۱۹ م ب ط	۲۹۷ م ب ط
۱۷۹ م ب ط	۱۷۸ م ب ط	۴۰۰ م ب ط	۳۵۸ م ب ط
۱۸۴ م ب ط	۱۸۳ م ب ط	۴۸۵ م ن ط	۴۲۸ م ب ط
۱۸۷ م ب ط	۱۸۶ م ب ط	۴۹۰ م ن ط	۴۸۷ م ب ط
۱۹۱ م ب ط	۱۸۸ م ب ط	۵۱۰ م ب ط	۴۹۵ م ن ط
۲۰۱ م ب ط	۱۹۳ م ب ط		
۲۰۸ م ب ط	۲۰۳ م ب ط		مدرن
۲۱۸ م ب ط	۲۱۳ م ب ط	۲۹۳ م ب ط	۲۴۴ م ب ط
۲۲۰ م ب ط	۲۱۹ م ب ط		
۲۲۹ م ب ط	۲۲۴ م ب ط		مراجع
۲۳۴ م ب ط	۲۳۰ م ب ط	۲۶۶ م ن ط	۲۴۳ م ب ط
۲۴۰ م ب ط	۲۳۶ م ب ط	۲۸۵ م ب ط	۲۷۷ م ب ط
۲۴۲ م ب ط	۲۴۱ م ب ط	۲۹۴ م ن ط	۲۹۰ م ب ط
۲۴۸ م ب ط	۲۴۷ م ب ط	۳۸۲ م ب ط	۳۲۳ م ب ط
۲۵۰ م ب ط	۲۴۹ م ب ط	۴۱۷ م ب ط	۴۰۹ م ب ط
۲۵۲ م ب ط	۲۵۱ م ب ط	۴۴۸ م ب خ	۴۳۱ م ب ط
۲۵۴ م ب ط	۲۵۳ م ب ط	۴۷۶ م ب ط	۴۶۹ م ب ط
۲۵۸ م ب ط	۲۵۷ م ب ط	۴۹۵ م ن ط	۴۸۵ م ن ط
۲۶۲ م ب ط	۲۵۹ م ب ط		۵۱۳ م ن ط
۲۷۱ م ب ط	۲۷۰ م ب ط		
۲۷۵ م ب ط	۲۷۲ م ب ط	۱۱۰ م ب ک	۱۰۶ م ب ط
۲۷۷ م ب ط	۲۷۶ م ن ط	۱۳۰ م ب ط	۱۲۹ م ب ط
۲۷۹ م ب ط	۲۷۸ م ب ط	۲۰۱ م ب ط	۱۹۹ م ب ط
۲۸۱ م ب ط	۲۸۰ م ب ط	۴۶۳ م ب ط	۴۱۶ م ب ط
۲۸۳ م ب ط	۲۸۲ م ب ط		
۲۸۷ م ب ط	۲۸۵ م ب ط		مردم
۲۸۹ م ب ط	۲۸۸ م ب ط	۱۰۲ م ب ط	۱۰۱ م ب ط
۲۹۲ م ب ط	۲۹۰ م ب ط	۱۰۹ م ب ط	۱۰۸ م ب ط
۲۹۷ م ب ط	۲۹۶ م ب ک	۱۱۸ م ب ط	۱۱۲ م ب ط

ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات

ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی

ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه

ب ن ، ۵۰۵  
ب ب م ۵۰۹  
ب ب م ۵۱۴  
ب ب م ۵۱۸  
ب ب ، ۵۲۳

ب ب م ۵۰۴  
ب ب م ۵۰۸  
ب ب ، ۵۱۲  
ب ب م ۵۱۷  
ب ب ، ۵۲۰

ب ب ، ۲۹۹  
ب ب ، ۳۰۱  
ب ب ، ۳۰۶  
ب ب م ۳۰۹  
ب ب م ۳۱۱

ب ب م ۲۹۸  
ب ب م ۳۰۰  
ب ب ، ۳۰۴  
ب ب ، ۳۰۸  
ب ب ، ۳۱۰

مسأله

ب ب م ۱۲۵  
ب ب ، ۱۵۷  
ب ب م ۱۸۰  
ب ب م ۲۳۰  
ب ب م ۲۶۳  
ب ب م ۳۱۹  
ب ب م ۳۲۵  
ب ب م ۳۳۰  
ب ب م ۳۳۸  
ب ب م ۳۵۱  
ب ن م ۳۵۳  
ب ب ، ۳۵۷  
ب ب م ۳۶۵  
ب ب م ۳۹۷  
ب ب م ۴۰۰  
ب ب ، ۴۱۹  
ب ب م ۴۴۰  
ب ب م ۴۶۲  
ب ب م ۴۷۶  
ب ب م ۴۹۱  
ب ب ، ۵۰۱

ب ب م ۱۰۵  
ب ب ، ۱۳۸  
ب ب م ۱۷۲  
ب ب ، ۲۱۴  
ب ب ، ۲۳۱  
ب ب م ۳۱۱  
ب ب م ۳۲۳  
ب ب م ۳۲۸  
ب ب م ۳۳۳  
ب ب م ۳۴۸  
ب ب م ۳۵۲  
ب ب م ۳۵۵  
ب ب م ۳۵۸  
ب ب م ۳۸۳  
ب ب ، ۳۹۸  
ب ب ، ۴۱۲  
ب ب م ۴۲۳  
ب ب ، ۴۵۱  
ب ب م ۴۶۳  
ب ن م ۴۸۵  
ب ب م ۴۹۴  
ب ب م ۵۱۷

ب ب م ۳۱۷  
ب ب ، ۳۲۱  
ب ب م ۳۲۳  
ب ب م ۳۲۶  
ب ب م ۳۲۸  
ب ب م ۳۳۳  
ب ب ، ۳۳۶  
ب ب م ۳۳۹  
ب ب م ۳۴۱  
ب ب م ۳۴۶  
ب ب م ۳۵۱  
ب ن م ۳۵۳  
ب ب م ۳۵۵  
ب ب م ۳۶۰  
ب ب م ۳۶۹  
ب ب م ۳۷۷  
ب ب ، ۳۸۰  
ب ب ، ۳۸۲  
ب ن م ۳۹۱  
ب ب م ۴۲۱  
ب ب م ۴۲۴  
ب ن م ۴۲۹  
ب ب ، ۴۳۱  
ب ب ، ۴۳۳  
ب ب م ۴۳۵  
ب ن م ۴۳۸  
ب ب ، ۴۴۴  
ب ب م ۴۶۱  
ب ب م ۴۶۵  
ب ب م ۴۶۷  
ب ب م ۴۷۳  
ب ب م ۴۷۷  
ب ب م ۴۹۳  
ب ب م ۴۹۹  
ب ب ، ۵۰۳

ب ب م ۳۱۳  
ب ب م ۳۱۹  
ب ب م ۳۲۲  
ب ب ، ۳۲۴  
ب ب ، ۳۲۷  
ب ب ، ۳۲۹  
ب ب م ۳۳۴  
ب ب م ۳۳۷  
ب ب م ۳۴۰  
ب ب م ۳۴۲  
ب ب م ۳۴۹  
ب ب م ۳۵۲  
ب ب م ۳۵۴  
ب ب م ۳۵۸  
ب ب م ۳۶۳  
ب ب م ۳۷۴  
ب ب م ۳۷۸  
ب ب ، ۳۸۱  
ب ب ، ۳۸۸  
ب ب م ۴۰۱  
ب ب م ۴۲۳  
ب ب م ۴۲۵  
ب ب م ۴۳۰  
ب ب م ۴۳۲  
ب ب ، ۴۳۴  
ب ب ، ۴۳۶  
ب ب م ۴۴۰  
ب ب ، ۴۵۳  
ب ب م ۴۶۳  
ب ب م ۴۶۶  
ب ب م ۴۶۹  
ب ب م ۴۷۴  
ب ب م ۴۸۹  
ب ب ، ۴۹۶  
ب ب ، ۵۰۰

مسئولیت

ب ب ، ۱۰۸  
ب ب ، ۱۱۱  
ب ب م ۱۳۱  
ب ب م ۱۳۴  
ب ن م ۱۴۴  
ب ب م ۱۷۵  
ب ب م ۱۷۷  
ب ب م ۱۸۸  
ب ب م ۲۰۱  
ب ن م ۲۱۰

ب ب م ۱۰۱  
ب ب ، ۱۰۹  
ب ب م ۱۱۶  
ب ب م ۱۲۳  
ب ب ، ۱۳۳  
ب ب م ۱۶۳  
ب ب م ۱۷۶  
ب ب م ۱۷۸  
ب ب م ۱۹۱  
ب ب م ۲۰۲

م ← منبع امام  
ک ← مطلب کوتاه  
ر ← منبع رهبری  
ط ← مطلب طولانی  
ق ← قبل از انقلاب  
خ ← مطلب خیلی طولانی  
ب ← بیانات یا سخنرانی  
ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ط ب , ۲۲۹	ط ب , ۲۱۳	ط ب , ۲۴۴	ب ک , ۲۱۵
ط ب م ۲۶۷	ط ب , ۲۴۱	ط ب , ۲۵۳	ط ب , ۲۵۲
ب ک م ۲۶۹	ن ک , ۲۶۸	ط ب , ۲۷۵	ط ب , ۲۵۸
ط ب م ۲۷۱	ط ب , ۲۷۰	ط ب , ۳۱۲	ط ب , ۲۹۹
ط ب , ۲۷۳	ط ب , ۲۷۲	ط ب , ۳۵۷	ط ب م ۳۵۴
خ م ۳۱۱	ط ب م ۲۹۲	ط ب م ۳۶۳	ط ب , ۳۶۱
ط ب م ۳۱۷	ط ب م ۳۱۵	ط ب م ۳۶۵	ط ب , ۳۶۴
ط ب م ۳۲۳	ط ب , ۳۱۸	ط ب م ۳۷۰	ط ب , ۳۶۶
خ م ۳۳۰	ط ب م ۳۲۶	ط ب , ۳۸۰	ط ب , ۳۷۹
ط ب م ۳۳۵	ط ب م ۳۳۴	ن م ۳۹۱	ب ک , ۳۹۰
ط ب م ق ۳۴۰	ط ب م ق ۳۳۹	ط ب , ۴۰۸	ط ب م ۴۰۱
ط ب م ۳۵۱	ط ب م ق ۳۴۱	ط ب م ۴۱۳	ط ب م ۴۱۰
خ م ۳۸۳	خ م ۳۵۲	ط ب م ۴۳۷	ط ب , ۴۳۴
ط ب , ۴۱۷	ط ب م ۳۸۵	ط ب , ۴۵۴	ط ب , ۴۵۱
ط ب , ۴۱۹	ط ب , ۴۱۸	ط ب م ۴۶۱	ط ب , ۴۵۵
خ م ۵۰۴	ط ب م ۴۳۵	ط ب م ۴۷۳	ط ب م ۴۶۶
		ب ک , ۴۹۹	ط ب م ۴۹۱
		ط ب م ۵۱۶	ط ب , ۵۰۶

مسیحیت

ط ب , ۵۲۳

مشروطه

ط ب , ۲۵۸  
 ط ب م ۱۷۲  
 ط ب م ۳۱۳

مضاعف

ط ب , ۱۲۹  
 ط ب , ۲۳۵  
 ط ب , ۲۴۹  
 ط ب , ۱۰۸  
 ط ب , ۱۳۲  
 ط ب , ۲۴۴  
 ط ب , ۳۶۴

معارف

ط ب , ۱۸۹  
 ط ب , ۲۱۲  
 ط ب , ۲۳۷  
 ط ب , ۲۴۷  
 ط ب , ۲۵۴  
 ط ب , ۴۵۴  
 ط ب , ۵۲۴  
 ط ب , ۱۸۴  
 ن م ۲۱۰  
 ط ب , ۲۲۷  
 ط ب , ۲۴۳  
 ط ب , ۲۵۲  
 ط ب , ۴۱۹  
 ط ب , ۵۰۱

معمم

ط ب , ۱۰۸  
 ط ب , ۱۰۷

مسئولین

ط ب , ۱۰۶  
 ب خ , ۱۴۳  
 ط ب , ۱۵۳  
 ط ب , ۱۹۷  
 ط ب , ۲۲۹  
 ط ب , ۲۶۰  
 ط ب , ۲۷۴  
 ط ب , ۲۸۹  
 ط ب , ۳۱۲  
 ط ب , ۳۶۴  
 ط ب , ۳۷۹  
 ط ب , ۳۸۱  
 ط ب , ۴۳۴  
 ط ب , ۵۱۲  
 ط ب , ۱۰۹  
 ط ب , ۱۵۲  
 ط ب , ۱۵۴  
 ط ب , ۲۲۸  
 ط ب , ۲۴۴  
 ط ب , ۲۶۲  
 ط ب , ۲۷۵  
 ط ب , ۲۹۱  
 ط ب , ۳۱۴  
 ب ک , ۳۶۹  
 ط ب , ۳۸۰  
 ط ب , ۳۸۲  
 ط ب , ۴۸۸  
 ط ب , ۵۲۰

مستقر

ن ط , ۲۳۸  
 ط ب م ۱۷۳  
 ط ب , ۲۴۶

مسجد (مساجد)

ط ب م ۱۷۵  
 ط ب , ۱۳۷

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



۳۴۹ م ب ب  
 ۳۵۲ م ب خ  
 ۳۵۴ م ب ب  
 ۳۵۸ م ب ب  
 ۳۶۳ م ب ب  
 ۳۷۰ م ب ب  
 ۳۷۳ م ق ب ب  
 ۳۸۳ م ب خ  
 ۳۹۴ م ب ب  
 ۴۲۳ م ب ب  
 ۴۳۰ م ب ب  
 ۴۳۴ م ب ب  
 ۴۳۸ م ن ب  
 ۴۶۱ م ب ب  
 ۴۷۵ م ن ب  
 ۴۸۷ م ب ب  
 ۵۰۴ م ب خ  
 ۵۱۳ م ن ب  
 ۵۱۷ م ب ب  
 ۵۱۹ م ب ب

۳۴۸ م ب ب  
 ۳۵۱ م ب ب  
 ۳۵۳ م ن ب  
 ۳۵۶ م ب ب  
 ۳۶۰ م ب ب  
 ۳۶۵ م ب ب  
 ۳۷۱ م ق ب ب  
 ۳۷۶ م ب ب  
 ۳۸۵ م ب ب  
 ۴۲۲ م ب ب  
 ۴۲۹ م ن ب  
 ۴۳۲ م ب ب  
 ۴۳۷ م ب ب  
 ۴۴۸ م ب خ  
 ۴۶۳ م ب ب  
 ۴۸۳ م ب ب  
 ۵۰۰ م ب ب  
 ۵۰۸ م ب ب  
 ۵۱۴ م ب ب  
 ۵۱۸ م ب ب

منبر

۲۰۲ م ب ب  
 ۲۱۸ م ب ب  
 ۲۳۶ م ب ب  
 ۲۴۲ م ب ب  
 ۲۴۹ م ب ب  
 ۲۷۱ م ب ب  
 ۳۱۱ م ب خ  
 ۳۵۵ م ب ب  
 ۴۲۸ م ب ب  
 ۴۷۶ م ب ب  
 ۵۰۷ م ب ب

۱۳۷ م ب ب  
 ۲۱۳ م ب ب  
 ۲۲۹ م ب ب  
 ۲۴۰ م ب ب  
 ۲۴۷ م ب ب  
 ۲۵۷ م ب ب  
 ۳۰۳ م ب ب  
 ۳۲۳ م ب ب  
 ۳۸۲ م ب ب  
 ۴۶۹ م ب ب  
 ۴۸۷ م ب ب

موقفیت

۲۶۲ م ب ب

نجات

۲۰۱ م ب ب  
 ۲۶۴ م ب ب  
 ۳۸۶ م ب ب

۱۲۶ م ب ب  
 ۱۵۸ م ب ب  
 ۱۷۴ م ب ب  
 ۱۸۰ م ب ب  
 ۲۴۹ م ب ب  
 ۲۸۹ م ب ب  
 ۳۶۴ م ب ب  
 ۳۹۵ م ب ب

۱۱۳ م ب ب  
 ۱۳۲ م ب ب  
 ۱۷۳ م ب ب  
 ۱۷۹ م ب ب  
 ۲۴۰ م ب ب  
 ۲۵۱ م ب ب  
 ۲۹۱ م ب ب  
 ۳۸۸ م ب ب  
 ۴۵۰ م ب ب

معنویت

۱۱۴ م ب ب  
 ۱۸۶ م ب ب  
 ۱۹۸ م ب ب  
 ۳۸۲ م ب ب  
 ۴۵۷ م ب ب

۱۰۸ م ب ب  
 ۱۵۸ م ب ب  
 ۱۹۵ م ب ب  
 ۲۳۹ م ب ب  
 ۴۵۵ م ب ب

ملت

۱۲۲ م ب ب  
 ۱۳۱ م ب ب  
 ۱۶۱ م ب ب  
 ۱۶۳ م ب ب  
 ۱۷۱ م ب ب  
 ۱۸۰ م ب ب  
 ۱۸۴ م ب ب  
 ۱۹۳ م ب ب  
 ۲۰۰ م ق ب ب  
 ۲۲۶ م ب ب  
 ۲۵۱ م ب ب  
 ۲۶۶ م ن ب  
 ۲۸۴ م ن ب  
 ۲۸۷ م ب ب  
 ۲۹۰ م ب ب  
 ۲۹۴ م ن ب  
 ۳۰۹ م ب ب  
 ۳۱۳ م ب ب  
 ۳۱۷ م ب ب  
 ۳۲۳ م ب ب  
 ۳۳۰ م ب ب  
 ۳۴۱ م ق ب ب

۱۰۷ م ب ب  
 ۱۳۳ م ب ب  
 ۱۶۰ م ن ب  
 ۱۶۲ م ب ب  
 ۱۶۴ م ب ب  
 ۱۷۳ م ب ب  
 ۱۸۳ م ب ب  
 ۱۹۱ م ب ب  
 ۱۹۶ م ب ب  
 ۲۰۱ م ب ب  
 ۲۲۷ م ب ب  
 ۲۶۱ م ب ب  
 ۲۶۷ م ب ب  
 ۲۸۶ م ب ب  
 ۲۸۸ م ب ب  
 ۲۹۲ م ب ب  
 ۳۰۵ م ب ب  
 ۳۱۱ م ب ب  
 ۳۱۶ م ب ب  
 ۳۲۱ م ب ب  
 ۳۳۴ م ب ب  
 ۳۳۳ م ب ب

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات



ب ب ، ۴۸۶	ب ک ، ۴۸۰	ب ب ، ۲۴۳	م ب خ ۱۷۵
ب ب ، ۴۹۷	ب ب ، ۴۸۸	م ب خ ۳۵۲	ب ب ، ۲۸۱
ب ب ، ۵۱۱	ب ب ، ۴۹۸	ب ک ، ۴۸۰	ب ب ، ۴۵۴
م ن ب ۵۱۳	ب ب ، ۵۱۲	ب ب ، ۵۳۲	ب ب ، ۴۹۶
ب ب ، ۵۲۰	م ب ب ۵۱۷		

نظامی (مراکز نظامی، نیروی انتظامی، عقیدتی سیاسی)

م ن ب ۱۶۰	ب ب ، ۱۵۲	م ب خ ۱۷۵	م ب ب ۱۶۵
م ب ب ۱۷۲	م ب ب ۱۶۶	م ب ب ۲۶۳	م ب ب ۱۸۰
ب ب ، ۲۰۹	ب ب ، ۱۹۷	م ب ب ۳۳۷	م ب ب ۲۹۰
ب ب ، ۲۲۳	ب ب ، ۲۱۲	م ق ب ک ۳۷۴	۳۷۱ م ق ب ک
م ب ب ۳۵۶	ن ب ، ۲۳۸	م ب ب ۳۷۸	م ب ب ۳۷۶
ب ب ، ۴۴۷	م ب ب ۴۴۶	م ب ب ۳۸۵	م ب خ ۳۸۳
ب ب ، ۴۴۹	م ب خ ۴۴۸	م ب ب ۴۶۵	م ب ب ۴۴۲
ب ب ، ۴۵۱	ب ب ، ۴۵۰	م ق ب ب ۴۷۰	م ب ب ۴۶۸
ب ب ، ۴۵۳	م ب ب ۴۵۲		
ب ب ، ۴۵۵	ب ب ، ۴۵۴		
ب ب ، ۴۵۷	ب ب ، ۴۵۶		
ب ب ، ۴۵۹	ب ک ، ۴۵۸		
ب ب ، ۴۸۸	م ن ب ۴۷۵		
ب ب ، ۵۱۲	م ب ب ۵۰۸		
	م ب ب ۵۱۵		

ب ب ، ۱۱۳	ب ب ، ۱۰۸
ب ب ، ۱۳۸	ب ب ، ۱۳۷
ب ب ، ۱۴۸	م ن ب ۱۴۱
ب ب ، ۱۵۷	ب ب ، ۱۵۴
ب ب ، ۱۵۹	ب ب ، ۱۵۸
ب ب ، ۱۹۷	م ب ب ۱۹۶
ب ب ، ۲۰۹	ب ب ، ۲۰۸
ب ب ، ۲۳۲	ب ب ، ۲۲۶
ب ب ، ۲۵۳	ن ب ، ۲۳۸
ب ب ، ۲۷۴	ب ب ، ۲۶۲
ب ب ، ۳۰۶	ب ب ، ۲۸۳
ب ب ، ۳۱۲	ب ب ، ۳۱۰
م ب ب ۳۲۶	ب ب ، ۳۱۴
م ق ب ب ۳۴۰	ب ب ، ۳۳۶
ب ب ، ۳۶۱	م ب ب ۳۶۰
ب ب ، ۳۶۴	م ب ب ۳۶۳
م ب ب ۳۷۸	ب ک ، ۳۶۹
ب ب ، ۳۸۲	ب ب ، ۳۸۰
ب ب ، ۳۸۹	ب ب ، ۳۸۸
م ن ب ۳۹۱	ب ک ، ۳۹۰
ب ب ، ۴۳۱	ب ب ، ۴۲۰
م ب ب ۴۳۷	ب ب ، ۴۳۴
ب ک ، ۴۷۹	ب ب ، ۴۵۶

نفاق

ب ب ، ۲۹۹	م ب ب ۱۸۸
-----------	-----------

نفوذ

م ب ب ۱۲۱	ب ب ، ۱۰۶
م ب ب ۱۶۴	م ن ب ۱۴۴
م ب ب ۱۹۱	م ب ب ۱۷۱
ب ب ، ۲۰۶	ب ب ، ۱۹۲
م ب ب ۴۰۱	م ن ب ۲۹۴
م ن ب ۴۲۹	ب ب ، ۴۱۶
م ب ب ۵۱۸	م ب خ ۵۰۴
	م ب ب ۵۱۹

نماز (اقامه نماز)

ب ب ، ۱۹۰	ب ب ، ۱۰۸
ب ب ، ۲۰۵	ب ب ، ۲۰۴
ن ک ، ۲۳۹	ن ب ، ۲۳۸
ب ب ، ۲۷۰	ن ک ، ۲۶۸

م ← منبع امام  
 ک ← مطلب کوتاه  
 ر ← منبع رهبری  
 ط ← مطلب طولانی  
 ق ← قبل از انقلاب  
 خ ← مطلب خیلی طولانی  
 ب ← بیانات یا سخنرانی  
 ن ← نوشته، پیام و مکتوبات





	وزارت اطلاعات	۳.۳ م ب ط	۳.۲ ب ک
۴۶. م ب ط		۳.۵ م ب ط	۳.۴ ب ط
	ولایت فقیه	۳.۸ ب ط	۳.۶ ب ط
۴۶۳ م ب ط	۴۴۴ ب ط	۳۳۶ ب ط	۳۳۱ ب ط
		۴۱۳ م ب ط	۴۱. م ب ط
		۴۳۲ م ب ط	۴۲. ب ط
			۵۱۳ ب ط

پایان

